

# کیمهان

۴۶۴

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده  
جمعه ۱۱ تا ۱۷ خرداد ۱۴۰۳ خورشیدی  
سال چهارم - شماره ۱۹۳۰



## پیام‌های معنادار از اروپا به تهران

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند  
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت  
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند  
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت  
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:  
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- [https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

10 New Square-Lincoln's Inn  
London WC2A 3QG  
Tel: 0044 (0)20 3633 3684  
e-mail:

[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)  
[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)  
[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)  
[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)  
[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)

سال چهارم  
کیهان شماره ۱۹۳۰ (۶۶۴)

جمعه ۱۱ تا ۱۷ خرداد ۱۴۰۳  
۳۱ مه تا ۶ ژوئن ۲۰۲۴



پیام‌های معنادار  
از اروپا به تهران

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:  
[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)  
روابط عمومی:  
[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)  
آگهی و تبلیغات:  
[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)  
سردبیری:  
[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اسر خلیان) برای نخستین بار به چاپ رسیده است. این کتاب در ۱۰۰ صفحه به بررسی وضعیت سوریه و تأثیرات جنگ داخلی سوریه بر منطقه و جهان می‌پردازد. کتاب شامل مصاحبه‌ها، گزارش‌ها و تحلیل‌ها است. برای اطلاعات بیشتر به سایت [www.kayhan.london](http://www.kayhan.london) مراجعه کنید.  
Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)  
Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD  
Ilex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA  
Ferdousi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN  
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE  
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY  
[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)

کتاب‌های تازه در کیهان

روزگار روزگاری  
آسیما

نابین مستند زندگی سید مرتضی کاظمی کارگردان برجسته سینمای ایران

نبرد کانون  
فرهنگی‌پارس  
کیهان

فرهنگی‌پارس: نبرد فرهنگی ایران با جهان غرب

زمان: ساعت ۷ پس از ظهر جمعه ۱۱ تا ۱۷ خرداد ۱۴۰۳  
مکان: کتابخانه شهرداری کنزینگتون  
Kensington Town Hall Library  
Phillimore Walk, Kensington, London W8 7EX  
تلفن: ۰۲۰ ۷۵۴۹۰۱۱

# کیمیا

## \* فهرست مطالب \*

۴ ..... سرمقاله - حکومت اسلامی در ایران کوچکتر از همیشه / الاهی بقرات

۴-۵ ..... تیر هفته - پیام‌های معنادار از اروپا به تهران ... /

۶-۷ ..... شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با «باری میچ»: خواست من برای ایران یک ... /

۸-۱۰ ..... گفتگوی «اشپیکل» با شاهزاده رضا پهلوی؛ «بله، من خواهان یک انقلاب هستم» ... /

۱۰-۱۱ ..... روسیه شناورهای رودخانه مرزی با استونی را جمع آوری کرد ... /

۱۱ ..... آدمی را چوبخت بر گردن ... / خیر اندیش (احمد/حرار)

۱۲-۱۴ ..... سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران - خاطرات علی‌نقی عالیخانی (بخش ۱۷) ... /

۱۴ ..... آلمان و چند کشور اروپایی می‌خواهند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست ... /

۱۵ ..... جمهوری اسلامی ذخایر اورانیوم ممنوعه را افزایش داده ... /

۱۶ ..... سردار پاسدار محمد باقر قالیباف؛ «خیر المؤمنین» برای خامنه‌ای! ... /

۱۷ ..... اخراج عوامل رسانه‌ای «بعثه خامنه‌ای» از عربستان ... /

۱۸ ..... کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل: «نقض حقوق بشر» توسط حکومت تحت الشعاع ... /

۱۹ ..... «علی شمخانی مسئول پرونده هسته‌ای شده»؛ مانور انتخاباتی یا ... /

۲۰-۲۲ ..... پیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران (بخش ۱) ... / الاهی بقرات

۲۳ ..... سردار پاسدار قالیباف بار دیگر رئیس مجلس شورای اسلامی شد ... /

۲۴-۲۵ ..... مرگ مشکوک رئیسی و همراهانش در سانحه سقوط هلی‌کوپتر برای ... /

۲۵ ..... حضور ۱۰۰ هزار افغان در مراسم تشییع جنازه ابراهیم رئیسی در مشهد ... /

۲۶ ..... افزایش ۴۸ درصدی اجرای حکم اعدام در ایران طی سال ۲۰۲۳ ... /

۲۷ ..... ایقان شهیدی: «ادیان باید جامعه سکولار را بپذیرند» ... /

۲۷ ..... تاریخ تلخ حجاب اجباری ... /

۲۷ ..... «طنز در وب اسلام»؛ پژوهشی از محمود فرجامی ... /

۲۸ ..... حکم شش سال زندان و رد مال ماناالله گرمی ابلاغ شد ... /

۲۹ ..... تعدادی از زندانیان سیاسی بند زندان اوین به بند ۸ منتقل شدند ... /

۳۰ ..... «جهاد مستمر دارد»؛ اعلام حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های نیابتی ... /

۳۱ ..... فشارهای حکومتی برای شکستن اعتصاب طلافروشان با توسل به نهادهای امنیتی ... /

۳۲ ..... دادگاه مهر بلند علیه کارمند جمهوری اسلامی «حکم موقت» صادر کرد ... /

۳۲-۳۳ ..... اختلاف نظر آمریکائوسه کشور اروپایی بر سر صدور قطعنامه در شورای حکام ... /

۳۳ ..... موساد؛ شبکه تبهکار «فاکس ترات» باهدایت جمهوری اسلامی عامل حمله به ... /

۳۴-۳۵ ..... مدیر سابق مجموعه تخت جمشید؛ روند فرسایش به اشکال مختلف ... / فیروزه نور دستروم

۳۶-۳۷ ..... مراسم گرامیداشت بینا فرهی در پاریس ... / کتابیون-حلاجان

۳۷ ..... تأیید حکم زندان یازده فعال حقوق زنان در دادگاه تجدید نظر ... /

۳۸ ..... حمله حوثی‌ها به سه کشتی در دریای سرخ و مدیترانه و عرب ... /

۳۹ ..... دومین گزارش «هیأت عالی» بررسی سقوط هلی‌کوپتر حامل رئیسی ... /

۴۰-۴۱ ..... چهار سال «کارزار مبارزه با قتل‌های ناموسی» ... /

۴۱ ..... آخوندها در برابر تعطیلی یکشنبه‌ها ... /

۴۲ ..... ایران و سیاست تمدنی؛ تمدن بزرگ محمدرضا شاه پهلوی و تمدن ... / الیوت آسوده

۴۳ ..... «ایران فروشی» به چین؛ استقرار شرکت‌های مسکن ساز چین در پایتخت ... /

۴۴-۴۵ ..... لایحه حجاب و عفاف؛ تلاش برای ابلاغ پیش از پایان «دولت مستعجل» سیزدهم! ... /

۴۵ ..... قدرت‌های اروپایی به دنبال تصویب قطعنامه علیه جمهوری اسلامی در نشست آتی ... /

۴۶ ..... انسیبه خزعلی: آمار خشونت خانگی در ایران نگران‌کننده نیست! ... /

۴۷ ..... ادعای خروج ۵/۵ میلیون ایرانی از خط فقر؛ کارنامه سیاه دولت رئیسی در اقتصاد ... /

۴۸ ..... افزایش دوونیم برابری شمار کشته‌شدگان و ۱۰۰ درصدی آمار مصدومان در ... /

۴۹ ..... مشکلات کامیونداران در مسیرهای داخلی و ترانزیت ... /

۵۰-۵۱ ..... آفت شهرداری تهران به جان درختان پارک‌های چیتگر و سرخه حصار و ... /

۵۱ ..... جمهوریخواهان احتمال همکاری اطلاعاتی را برت‌مالی بافرادی ... /

۵۲ ..... اعتصاب در بازار بورس ایران؛ ریزش ۲۲ هزار واحدی شاخص کل ... /

۵۳ ..... «آراد کوه»؛ بحرانی که مدیران تهران برای آن راه حل ندارند! ... /

۵۴ ..... کارشناسان نسبت به تشدیدر کودتورمی در بازار مسکن هشدار می‌دهند ... /

۵۵ ..... تداوم اعتصاب کارگران پیمانی صنعت نفت در جنوب ایران ... /

۵۶ ..... مهاجرت نیروی متخصص از کشور؛ موج رفتن‌ها به خلبانان و کارگران ... /

۵۷ ..... افزایش تورم ماهانه و نقطه به نقطه در اردیبهشت ماه ... /

۵۸-۵۹ ..... خبرهای کوتاه ... /

۶۰ ..... پشت جلد - عکس هفته / اوپاش جمهوری اسلامی در لندن؛ صحنه‌هایی عین خیابان‌های ایران!



بازنشر

بازنشر

بازنشر

## پیام‌های معنادار از اروپا به تهران

## حکومت اسلامی در ایران کوچکتر از همیشه

جمهوری اسلامی با سرعت به سوی کوچکتر شدن و از دست دادن ظرفیت‌های خود در ایران پیش می‌رود. آنهم در حالی که خود بیشترین نقش مؤثر را در آن دارد. این حرکت اگرچه از ۵۷ به بعد بطور آهسته و بطنی قابل تشخیص بود اما در یک دهه اخیر شتاب فزاینده پیدا کرد و برای بیشتر ایرانیان قابل لمس شد چرا که خود و تجارشان در آن نقش تعیین‌کننده بازی می‌کنند.



حکومت اسلامی از آغاز، چنانکه روح‌الله خمینی بنیانگذارش آرزو داشته، از یکسو بر این باور و امید بوده که «یک دولت بزرگ اسلامی به همه دنیا غلبه کند» و برای رسیدن به این هدف، استفاده از هر ابزاری را اعم از فریب و حیله و تکیه و خشونت و کشتار مجاز می‌داند و از سوی دیگر هر عقب‌نشینی در برابر داخل یا خارج را ضعف ارزیابی می‌کند. اما تفاوت پیشبرد این سیاست بنیادی را در داخل و در برابر مردم با خارج و در برابر دولت‌های غربی نباید از نظر دور داشت. رژیم ضعف نشان ندادن در برابر جامعه را با سرکوب خشن و وحشیانه در حالی پیش می‌برد که در عمل مجبور به عقب‌نشینی‌های بسیار به ویژه در همان عرصه‌هایی شده که به شدت نسبت به آنها حساس است مانند آزادی و حقوق زنان که از جمله در موضوع حجاب نمود پیدا می‌کند. ضمن اینکه بر بستر حقوقی پس از مشروطه و نیم قرن پهلوی، از همان آغاز مجبور شد به حقوق و نهادهایی تن بدهد که از اساس با آنها مخالف است و به همین دلیل نیز تلاش کرد تا آنها را از درون و محتوا تهی کرده و به خدمت خود در آورد؛ از سه قوه گرفته تا حق رأی زنان و پروان برخی مذاهب و یا آموزش همگانی.

در این مسیر، خودش هیچکدام از قوانین و مقررات سرکوبگرانه را نه تنها لغو نکرده بلکه بر آنها اضافه نیز کرده است. این شهروندان هستند که با نافرمانی مدنی آنها را زیر پا لگدمال کرده‌اند و گرنه «خداي دهه شصت» که مورد علاقه شدید خامنه‌ایست هنوز در ایران جولان می‌داد در حالی که مافیای نظام روز به روز کوچک و کوچکتر شده و نیروی مقابل و مخالف آن هر سال افزایش یافته و قوی‌تر شده است. در برابر خارج و دولت‌های غربی اما هرآنچه به عنوان «نوشیدن جام زهر» و «نرمش قهرمانانه» و «صلح حسن» تبلیغ شد، تنها به دست آوردن فرصت و وقت خریدن بوده تا نظام نقشه‌های بدخیم خود را پیش ببرد. قابل توجه اینکه هرچه جامعه هشیارتر شد و از این حکومت با زمامداران ثابت فاصله گرفت، دولت‌های غربی با زمامداران مختلف همچنان به ترفندهای رژیم نه تنها تن دادند بلکه به تبلیغ و حمایت از آن نیز پرداختند.

همزمان هرچه جمهوری اسلامی در ایران و حتا کشورهای منطقه کوچکتر شد، ایده‌های آن که «آلمان فلسطین» و یهودستیزی از بنیادهای آن به شمار می‌رود، در دموکراسی‌ها ریشه دواند و تازه در تحرکات اخیر به نظر می‌رسد دولت‌های آنها را به خود آورده که چه هیولایی را در خود پرورش داده‌اند.

در چنین شرایطی «غز زدن» به اپوزیسیون میهن‌دوست و مدافع دموکراسی که موجودیت و فعالیت‌اش به داخل و به ملت وابسته است، کمکی به ایران نمی‌کند! این اپوزیسیون اکنون بهترین فرصت را برای تغییر رفتار دولت‌هایی دارد که در توهم تغییر رفتار رژیم بودند. جمهوری اسلامی و مردم مخالف آن فرصت و شرایطی را به وجود آورده‌اند که با توجه به بحران‌های داخلی و منطقه‌ای و جهانی، آلت‌تاتیو عملاً موجود می‌تواند از آن برای پس گرفتن ایران استفاده کند.



● بیش از چهار دهه سیاست‌های بدخیم نظام در داخل و خارج نشان می‌دهد انتظار برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی بی‌نتیجه است و این دولت‌های غربی و دموکراسی‌ها هستند که باید رفتار خود را با رژیم تغییر دهند.

جهان عزت بخشید.

جمهوری اسلامی با تمام نیرو تلاش می‌کند تا مرگ رئیسی را تبدیل به فرصت کند. رسانه‌های داخلی با ادعای حضور «۱۲ میلیونی» در مراسم تشییع جنازه رئیسی و همراهانش گزارش دادند این جمعیت دنیا را «حیرت‌زده» کرد. همزمان مطرح شد «خون رئیسی» و حضور مردم در مراسم تشییع جنازه وی «تضمین‌کننده امنیت ملی بود» هرچند مدیرکل اتباع و مهاجرین خارجی استانداری «خراسان رضوی» چهارم خردادماه طی سخنانی در «حسینیه هراتی‌ها» در مشهد اعلام کرد ۱۰۰ هزار افغان در مراسم تشییع جنازه ابراهیم رئیسی در مشهد شرکت کردند.

حضور گسترده اتباع افغان در ایران، که بسیاری تحلیلگران و حتا وابستگان خود رژیم ورود آنها به کشور را سازمانیافته و با هدف تغییر ترکیب جمعیتی ایران ارزیابی می‌کنند، در عمل نیز به یک فرصت طلایی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده تا نمایش‌های خیابانی و مراسم حکومتی از جمله تشییع جنازه ابراهیم رئیسی را شلوغ نشان دهد. با توجه به شکاف عمیق میان مردم ایران و حکومت که علاوه بر شواهد عینی دیگر، با تحریم انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ و انتخابات مجلس شورای اسلامی اسفند ۱۴۰۲ نیز نشان داده شد، افغان‌ها در نقش سیاهی لشکر برای پرجمعیت نشان دادن مراسم حکومتی سازماندهی می‌شوند.

به نظر می‌رسد در اتاق‌های فکر نظام نزدیک به محافل نظامی و امنیتی نیز چنین مطرح شده که حضور «حامیان نظام» در این مراسم و ابراز همدردی سران و مقامات خارجی، عامل تحول و رونق بیش از پیش در روابط خارجی با جمهوری اسلامی شده است!

وبسایت «دفاع پرس» در همین ارتباط نوشت، «به دنبال وقوع اغتشاشات و حوادث امنیتی در سال ۱۴۰۱ ←

در شرایطی که علت سانحه مشکوک سقوط هلی‌کوپتر حامل ابراهیم رئیسی و وزیر خارجه‌اش، حسین امیرعبداللہیان، و همراهان همچنان نامشخص است، جمهوری اسلامی آماده برگزاری انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم می‌شود.

انتشار ویدیویی که در آن مادر ابراهیم رئیسی عوامل مرگ پسرش را نفرین کرده، اگرچه ممکن است برخی آن را استنادی مهم ندانند اما نشان می‌دهد که چنین فرضی در خانواده رئیس دولت سیزدهم و در حلقه‌ی قدرت وجود دارد و همین ابهامات در مورد دلایل سقوط هلی‌کوپتر را افزایش می‌دهد. در این ویدیو او با گریه و مویه بر سر می‌کوبد و می‌گوید: «بُکشه هرکی غیر خدا تو را کشته!»

در ایران اغلب مردم و حتا طیف گسترده‌ای از چهره‌های سیاسی و امنیتی، رسانه‌ها و حتا هواداران نظام مرگ رئیسی را مشکوک می‌دانند. بعضی آن را حذف فیزیکی توسط جریان‌های رقیب یا تسویه حساب درون قدرت می‌دانند و برخی دیگر «توطئه خارجی».

مرگی که تضمین‌کننده امنیت است!؟

در این میان، ارسال پیام‌های تسلیت و همدردی به جمهوری اسلامی بعد از مرگ رئیسی از سوی سازمان ملل، جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و برخی رهبران و مقامات غربی از جمله امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه، اولاف شولتز صدراعظم آلمان، وزارت خارجه آمریکا و همچنین رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سخنگوی پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با انتقادات گسترده‌ای روبرو شد. ولی اینهمه برای حکومت چنان امیدبخش بوده که اطرافیان علی‌خامنه‌ای مدعی شدند رئیسی به «جایگاه ایران» در معادلات سیاسی

خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل مطرح شد. بر اساس این گزارش به درخواست هیأت آلمانی اتحادیه اروپا، از جمله سرویس حقوقی شورای اتحادیه اروپا بررسی و تأیید کرده است که حکم صادر شده در دادگاه

راهبردی روابط خارجی و عباس عراقچی دبیر این شورا در یک فاصله زمانی کوتاه از یکدیگر گفتند که اگر موجودیت نظام تهدید شود «دکترین هسته‌ای» جمهوری اسلامی تغییر خواهد کرد.

شاهد فعالیت گسترده و فراوان دشمنان ایران اسلامی و نظام در داخل و خارج از مرزها بودیم و رسانه‌های معاند تمام سعی و تلاش خودشان را انجام دادند تا به دنبال این وقایع امنیتی، کشورمان را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی



دوسلدورف در ماه دسامبر ۲۰۲۳ می‌تواند به عنوان مبنایی جهت قرار دادن سپاه پاسداران در لیست تروریستی اتحادیه اروپا کافی باشد. حکم قاضی دادگاه در آلمان حاکی از آن است که یک نهاد حکومتی جمهوری اسلامی دستور آتش زدن کنیسه‌ای را در این کشور صادر کرده است.

به نظر می‌رسد نشست وزرای خارجیه اتحادیه اروپا در بروکسل تحت تأثیر تحولات جهانی با تغییر اساسی در برخی سیاست‌های اتحادیه اروپا همراه شده است، زیرا پس از این نشست جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا برخلاف رویه محافظه‌کارانه خود اعلام کرد که باید به اوکراین مجوز استفاده از سلاح‌های تهاجمی برای مقابله با روسیه را داد و از دولت‌های اروپایی خواست تا سلاح‌های کارآمدتر به اوکراین ارسال کنند. در همین ارتباط بلژیک وعده تحویل ۳۰ فروند جنگنده اف-۱۶ به اوکراین را داده است. برخی تحلیلگران معتقدند «مهاشات» با جمهوری اسلامی همچنان اصلی‌ترین سیاست غربی‌ها در مقابل رژیم ایران است، اما شماری دیگر براین باورند که ناامیدی از بی‌نتیجه بودن «دیپلماسی» و «تغییر رفتار نظام» در نهایت غربی‌ها را به قبول همان واقعیتی می‌رساند که بیش از چهار دهه است مخالفان دموکراسی‌خواه نظام از جمله شاهزاده رضا پهلوی بارها در موردش صحبت کرده است: اینکه دشمنی جمهوری اسلامی با آرمان‌های بنیادی غرب که با آرمان‌های ملت ایران مشترک است، همیشگی است و این نظام اصلاح‌پذیر نیست.

ادامه حمایت‌های مالی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی از گروه‌های تروریستی منطقه، تشدید فشارها علیه مردم ایران و سرکوب گسترده آنها، شراکت با روسیه در جنگ علیه اوکراین و همچنین نزدیک شدن به ساخت بمب اتم از عمده علل و زمینه‌های عینی است که نشان می‌دهد انتظار برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی بی‌نتیجه است و این دولت‌های غربی و دموکراسی‌ها هستند که باید رفتار خود را با رژیم تغییر دهند.

خبرگزاری رویترز جمعه ۲۴ ماه مه (چهارم خردادماه) به نقل از دیپلمات‌های ارشد اروپایی گزارش داد، «فرانسه، آلمان و بریتانیا پیش‌نویس صدور یک قطعنامه علیه جمهوری اسلامی را به صورت قطعی آماده کرده‌اند... تحلیل ما این است که مرگ رئیسی چیزی را تغییر نمی‌دهد. ما باید با این قطعنامه جلو برویم... آمریکایی‌ها مشکل هستند و در گفتگوهایمان به هر کاری برای متقاعد کردن آنها ادامه می‌دهیم».

یک دیپلمات ارشد اروپایی در اینباره می‌گوید: «[کار] با [رژیم] ایران بسیار دشوار است و سطح تخلفات بی‌سابقه است... هیچ کاهشی در برنامه آن وجود ندارد و هیچ حسن نیت واقعی از سوی جمهوری اسلامی ایران برای همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وجود ندارد... تمام چراغ خطرها چشمک می‌زنند».

خبرگزاری رویترز و پس از آن روزنامه «وال استریت ژورنال» به نقل از منابع اروپایی مدعی شدند که «ایالات متحده نمی‌خواهد در نشست آتی شورای حکام قطعنامه علیه جمهوری اسلامی صادر شود» اما متیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گزارش‌ها مبنی بر «لایه ایالات متحده برای جلوگیری از صدور قطعنامه توبیخی علیه جمهوری اسلامی» در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را رد کرد. پنج روز بعد یعنی چهارشنبه نهم خرداد ۱۴۰۳ رویترز گزارش داد با وجود مخالفت آمریکا اما سه قدرت اروپایی پیش‌نویس قطعنامه علیه جمهوری اسلامی را میان اعضای شورای حکام توزیع کرده‌اند.

**روند تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران در اروپا**  
از سوی دیگر منابع آلمانی ۲۷ ماه مه (هفتم خرداد) گزارش دادند، چندین کشور اتحادیه اروپا از جمله آلمان قصد دارند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر اساس حکم دادگاه عالی ایالتی دوسلدورف به عنوان یک سازمان تروریستی طبقه‌بندی کنند. این موضوع در حاشیه نشست وزرای

به انزوا بکشاند» اما «ادای احترام سران و مقامات رسمی کشورهایی که روابط سیاسی و یا اقتصادی خود را با ما قطع کرده بودند قطعاً فصل نوینی را در روابط مابین جمهوری اسلامی و این کشورها رقم خواهد زد و شاهد افزایش سطح روابطی مابین خواهیم بود».

به این ترتیب که بعضی تحلیلگران جمهوری اسلامی مطرح می‌کنند، برخی مخاطبان را به این نتیجه می‌رساند که مُردۀ ابراهیم رئیسی برای رژیم مفیدتر بوده تا زنده‌اش! همین نکته نیز به ابهام و تردید در سانحه‌ی هلی‌کوپتر بیشتر دامن می‌زند.

### اقدام سه قدرت اروپایی برای «تصویب قطعنامه» علیه جمهوری اسلامی

از سوی دیگر اما، برخلاف تحلیل‌هایی که بیشتر مصرف داخلی برای حامیان نظام دارند، دو هشدار مهم از سوی غربی‌ها به تهران ارسال شده است:

(۱) احتمال صدور قطعنامه توبیخی در نشست آتی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی  
(۲) آغاز روند بررسی قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا  
آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی که روز دوشنبه ۲۷ ماه مه (هفتم خرداد) به اعضای شورای حکام ارائه داد، اعلام کرد که ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران اکنون به ۱۴۲/۱ کیلوگرم رسیده که نسبت به آخرین گزارش آژانس، حدود ۲۰/۶ کیلوگرم افزایش یافته است.

در گزارش آژانس آمده است که مرگ ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللهیان در سقوط هلی‌کوپتر، مذاکرات برنامه‌ریزی شده بین آژانس و ایران را در مورد همکاری تهران با بازرسان هسته‌ای باز به تأخیر انداخت و مذاکرات متوقف شده است.

این گزارش پس از آن منتشر شد که برخی عوامل نظام از جمله کمال خرازی مشاور علی خامنه‌ای و رئیس شورای

## شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با «پاری مج»: خواست من برای ایران یک سکولاردموکراسی است



Alvaro Canovas / Paris Match ©

● شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با امانوئل رضوی از هفته‌نامه «پاری مج» (Paris Match) تأکید کرده در حکومت اختلاف بر سر جانشینی علی خامنه‌ای بالا گرفته است. وی خطاب به دولت‌های غربی گفته است «باید متوجه باشند که این رژیم ماندنی نخواهد بود».

● «با اینکه سرکوب‌ها در ایران همزمان با حمله حماس به اسرائیل افزایش یافت، اما زنان با نادیده گرفتن مقررات حجاب اجباری، هر روز در برابر جمهوری اسلامی نافرمانی می‌کنند. انگیزه مقاومت و مبارزه ایرانیان علیه حکومت برانگیخته شده؛ یا کشور توسط حکومت ویران خواهد شد یا مردم به پیروزی خواهند رسید».

● «دیپلماسی بین‌المللی باید متوجه باشد که این رژیم ماندنی نخواهد بود. آنها باید با افزایش تحریم‌های هدفمند، با کارت «انفجار کنترل‌شده» بازی کنند. اگر آخوندها هنوز در قدرت باقی مانده‌اند، به این دلیل است که غرب به اندازه کافی سختگیر نیست».

● «اگر دموکراسی‌ها تن به فشار و باج‌گیری ندهند و تسلیم نشوند، آنوقت از اینکه دوباره گرفتار چنین موقعیتی شوند اجتناب می‌شود».

● امانوئل ماکرون «در صحنه بین‌المللی خیلی شجاعت و شفافیت نشان می‌دهد اما او هم مثل کل جامعه جهانی باید بفهمد که جمهوری اسلامی ضعیف است، ۹۰ درصد مردم ایران دیگر آن را نمی‌خواهند، زمان آن رسیده که رژیم را تحت فشار بگذارند. حمایت فنی و مالی از نیروهای سیاسی خارج کشور ضروریست».

● «من به یک آشتی ملی اعتقاد دارم، مانند آنچه در آفریقای جنوبی در زمان نلسون ماندلا انجام شد. ما باید عفو کسانی را که دست‌شان به خون آلوده نیست تضمین کنیم. موضوع بر سر بازسازی ایران است نه انتقام. وقتی مجلس مؤسسان قانون اساسی را تدوین و برای همه‌پرسی از مردم ارائه کرد، آن زمان به رسالت خود عمل کرده‌ام».

● «همچنین به ائتلاف افراد خیرخواهی باور دارم که سه اصل دموکراسی و حقوق بشر، حاکمیت قانون و سکولاریسم، و در نهایت خدشه‌ناپذیری تمامیت ارضی ایران را قبول داشته باشند».

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با امانوئل رضوی از هفته‌نامه «پاری مج» (Paris Match) تأکید کرده در حکومت اختلاف بر سر جانشینی علی خامنه‌ای بالا گرفته است. وی خطاب به دولت‌های غربی گفته است «باید متوجه باشند که این رژیم ماندنی نخواهد بود».

این مصاحبه به زبان فرانسوی در ۱۷ ماه مه ۲۰۲۴ منتشر شد و سپس نسخه انگلیسی آن با ترجمه مایلی کیت جلالی در «آبادانا تلگراف» در دسترس قرار گرفت.

● امانوئل رضوی: اعلیحضرت، وضعیت کنونی انقلاب «زن، زندگی، آزادی» را چگونه می‌بینید؟

شاهزاده رضا پهلوی: با اینکه سرکوب‌ها در ایران همزمان با حمله حماس به اسرائیل افزایش یافت، اما زنان با نادیده گرفتن مقررات حجاب اجباری، هر روز در برابر جمهوری اسلامی نافرمانی می‌کنند. انگیزه مقاومت و مبارزه ایرانیان علیه حکومت برانگیخته شده؛ یا کشور توسط حکومت

ویران خواهد شد یا مردم به پیروزی خواهند رسید.

● بر اساس اطلاعاتی که شما دارید، وضعیت اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی در ایران چطور است؟

- با وجود درآمدهای نفتی ایران که بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بوده، کشور با تورم ۴۰ درصدی روبروست. بیش از نیمی از جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند. برای دریافت محصولات غذایی و بنزین صف‌های طولانی تشکیل می‌شود، پرستاران، معلمان، رانندگان کامیون، کارگران روزمزد، بانزنتستانگان و حتا بازاری‌هایی که طرفداران سنتی حکومت بودند مدام دست به اعتصاب می‌زنند یا تجمعات اعتراضی برگزار می‌کنند. بسیاری از ایرانیان به درمان و مراقبت‌های پزشکی دسترسی ندارند. موارد خودکشی در میان پزشکان جوان، به ویژه زنان، افزایش پیدا کرده که ناشی از شرایط سخت کار و فشارهایی است که آنها را مستأصل کرده است اما منابع ایران توسط جمهوری اسلامی به جیب حوثی‌ها، حماس، جهاد اسلامی سرازیر می‌شود. حمله به اسرائیل میلیاردها دلار هزینه داشت!

● توماج صالحی ۳۳ ساله، خواننده شناخته شده رپ ایران و خاورمیانه، اخیراً به اعدام محکوم شد. هر روز پنج نفر اعدام می‌شوند؛ اینهمه سرکوب برای چیست؟

- برای شکستن روحیه‌ی جامعه! اعدام یا به عبارت بهتر، قتل احتمالی توماج صالحی بخشی از یک سیاست کلی است. ولی فقیه به دنبال هماهنگی نیست بلکه خواستار تسلیم است. توماج صدای طغیان است، اما حکم اعدام او شکننده بودن سیستم را نشان می‌دهد.

● گفته می‌شود تعدادی از پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تازگی به دلیل انتقاد از علی خامنه‌ای بازداشت

شده‌اند، آیا این نشانه اختلاف درون رژیم است؟

- تحقیر اجتماعی و اخلاقی آنها را نیز مستأصل کرده. این افسران رنج می‌برند از اینکه مجبورند در شرایط «نه جنگ نه صلح» که از سوی رهبری به سن و سال او تحمیل شده، خدمت کنند. اکنون اختلاف بر سر جانشینی اوست؛ خودش می‌خواهد پسرش زمام امور را به دست بگیرد. اطلاعاتی که از بحث‌های داخلی به ما می‌رسد این را نشان می‌دهد. دیپلماسی بین‌المللی باید متوجه باشد که این رژیم ماندنی نخواهد بود. آنها باید با افزایش تحریم‌های هدفمند، با کارت «انفجار کنترل‌شده» بازی کنند. اگر آخوندها هنوز در قدرت باقی مانده‌اند، به این دلیل است که غرب به اندازه کافی سختگیر نیست.

● آیا مدارکی داریم که نشان دهد جمهوری اسلامی تروریست‌های حماس را در عملیات «هفت اکتبر» تأمین مالی کرده و آموزش داده است؟

- حماس و جهاد اسلامی فلسطین بخشی یکپارچه از استراتژی «حلقه آتش» به دور اسرائیل هستند. جمهوری اسلامی خودش حمایت مالی و نظامی از حماس را تأیید کرده است. همکاری میان حزب‌الله، یکی از زیرمجموعه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حماس یک واقعیت مسلم است. این حکومت زیرساخت‌های خود را در دسترس آنها قرار داده. اخیراً شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی (شانا) نزدیک به علی خامنه‌ای نیز نقش محمدرضا زاهدی فرمانده عملیات سپاه قدس در لبنان و سوریه جهت برنامه‌ریزی برای قتل عام هفتم اکتبر را تأیید کرد.

● نمایش قدرت اخیر [حمله موشکی] علیه اسرائیل را چگونه تحلیل می‌کنید؟

- درست عین اقدام مایوسانه‌ی یک رژیم مستأصل در شرایط اضطرار! و یک شکست آشکار؛ زیرا اکثر پهبادهای

با دوست پسر خود راه بروند. اما این فقط نوستالژی نیست. آنها همچنین درک کرده‌اند که ایرانی که من رویای آن را دارم به سوی جهان مدرن، آزادی بیان و آزادی‌های فردی، اجتماعات و رسانه‌ها و به سمت حقوق زنان و لغو مجازات اعدام و کنترل شدید خشونت مشروع دولتی معطوف است. آنها می‌دانند که من می‌خواهم تبعیض را از بین ببرم. وقتی ایرانی‌ها می‌بینند که در همسایگی ما در امیرنشین دوی چگونه پزشکی، تحقیقات و صنعت تکامل یافته، احساس می‌کنند در یک پرده آهنین جدید گرفتار شده‌اند.

### ● آیا فکر می‌کنید که شما یک راهکار ارائه می‌دهید؟

– من همیشه وظیفه‌ام را انجام داده‌ام. من باید خودم را فراتر از درگیری‌ها نگهدارم و به کشورم کمک کنم تا به مرحله نهایی تغییر برسد. ایرانی‌ها درک کرده‌اند که نقش من اینست که رهبر یک انتقال دموکراتیک باشم.

### ● پروژه سیاسی شما چیست؟

– از سه اصل تشکیل شده: دموکراسی و حقوق بشر، حاکمیت قانون و سکولاریسم، و در نهایت خدشه‌ناپذیری تمامیت ارضی ایران که برای جلوگیری از انشقاق‌هایی که منجر به درگیری‌های دیگر می‌شود، ضروریست. من همچنین به یک آشتی ملی اعتقاد دارم، مانند آنچه در آفریقای جنوبی در زمان نلسون ماندلا انجام شد. ما باید عفو کسانی را که دست‌شان به خون آلوده نیست تضمین کنیم. موضوع بر سر بازسازی ایران است نه انتقام. وقتی مجلس مؤسسان قانون اساسی را تدوین و برای همه‌پرسی از مردم ارائه کرد، آن زمان به رسالت خود عمل کرده‌ام.

### ● آیا شما به امکان یک «اتحاد مقدس» بین طرفداران پادشاهی، گردها، لیبرال‌ها و جمهوریخواهان چپ اعتقاد دارید؟

– من به ائتلاف افراد خیرخواهی باور دارم که سه اصلی را که قبلاً توضیح دادم قبول داشته باشند.

### ● چهل و پنج سال پس از انقلاب اسلامی، مادر شما شهبانو فرح دبیبا که در تبعید در پاریس زندگی می‌کند، همچنان در ایران مورد تحسین قرار می‌گیرد. او عملکرد امروز شما را چگونه می‌بیند؟

– او از رویکرد من پشتیبانی می‌کند و همیشه خواهان خدمت به کشورش است. تأثیر او در آزادی زنان ایران غیرقابل انکار است. بسیاری از هموطنان من، از جمله در میان هواداران خود رژیم، هنوز او را سرمشق می‌دانند.

### ● آیا همسران، پرنسس یاسمین، از شما حمایت می‌کنند؟

– از زمان قتل مهسا امینی در سال ۲۰۲۲، تمام خانواده ما متعهد و درگیر بوده‌اند. به‌خصوص همسر که جوانان سرکوب‌شده را مثل فرزندان خودش می‌بیند.

### ● تهدیدات تروریستی رژیم ایران در آمریکا و فرانسه در بالاترین سطح قرار دارد. آیا احساس امنیت می‌کنید؟

– خطر بخشی از زندگی من است. تهدید هم واقعی است. من احتیاط‌های لازم را انجام می‌دهم، ولی خطر صفر وجود ندارد. من یاد گرفتم با وجود تهدیدها زندگی کنم درست مانند هموطنانم که با وجود سرکوب‌ها باز هم موفق به ابراز وجود می‌شوند.

آنها دسترسی دارند. همچنین با فعالان، روزنامه‌نگاران و دیگر بازیگران جامعه مدنی در تماس هستم، بیشتر از این نمی‌توانم بگویم.

### ● شما نسبت به خطر محور رژیم‌های ایران، چین و روسیه علیه غرب هشدار داده‌اید؛ چرا؟

– این فقط دیدگاه من نیست! از میان سه عضو این محور، رژیم ایران ضعیف‌ترین است؛ رژیمی که کمترین مشروعیت را بین مردم دارد و روسیه و چین آن را به دست‌نشاندهی خود تبدیل کرده‌اند؛ مثل دورانی که قدرت‌های استعماری منابع آن را غارت می‌کردند.

### ● حدود ۱۵ گروهان اروپایی هنوز در ایران بازداشت هستند. در میان آنها، چهار فرانسوی نیز زندانی‌اند. دیدگاه شما در اینباره چیست؟

– دولت آمریکا پول‌های بلوکه شده ایران را برای آزادی گروهان‌های خود آزاد کرد؛ آیا واقعاً راه حل این است؟ این مشروع است که یک رئیس دولت به افکار عمومی به اندازه گروهان‌ها توجه کند. اما ما به یک سیاست مشترک نیاز داریم: اگر دموکراسی‌ها تن به فشار و باج‌گیری ندهند و تسلیم نشوند، آنوقت از اینکه دوباره گرفتار چنین موقعیتی شوند اجتناب می‌شود.

### ● شما در ماه‌های اخیر از موضع آمریکا در قبال رژیم ایران انتقاد کرده‌اید؛ چرا؟

– مسئله بر سر نمره خوب یا بد دادن نیست بلکه بر سر یافتن آن سیاستی است که منجر به نتیجه شود. سیاست مداخلات با رژیم شکست خورده و پیامدهای یک رویارویی نظامی هم قابل کنترل نیست. یک راه سوم باقی می‌ماند: حمایت از تغییر رژیم از داخل کشور.

### ● اگر شما در قدرت باشید، آیا ایران با اسرائیل در صلح خواهد بود؟

– من رویای دیدن «پیمان کوروش» را دارم که روزی خطوط صلح بین ایران و همسایگانش از جمله اسرائیل را ترسیم کند. این همان چیزیست که ایرانیان برایش تلاش می‌کنند. من رویای یک دموکراسی را دارم که به حقوق بین‌الملل احترام بگذارد. اما به دنبال قدرت نیستم. هدف من حرکت به سوی یک انتقال صلح‌آمیز و پایدار است.

### ● از رئیس جمهور امانوئل ماکرون چه انتظاری دارید؟

– او در صحنه بین‌المللی خیلی شجاعت و شفافیت نشان می‌دهد اما او هم مثل کل جامعه جهانی باید بفهمد که جمهوری اسلامی ضعیف است. ۹۰ درصد مردم ایران دیگر آن را نمی‌خواهند، زمان آن رسیده که رژیم را تحت فشار بگذارند. حمایت فنی و مالی از نیروهای سیاسی خارج کشور ضروریست. برای مثال، اگر یک ایرانی بیرون از کشور بخواهد به خانواده خود در ایران کمک کند، تحریم‌های بین‌المللی مانع این کار می‌شوند، اما موارد استثنایی باید مجاز باشد. با رعایت دقیق قانون، پول‌های مسدودشده رژیم در حساب‌های غرب می‌تواند برای حمایت از ایرانیان داخل هدایت شود.

### ● در چندین شهر ایران نام شما را شنیدیم که فرا خوانده می‌شد. این محبوبیت را چگونه توضیح می‌دهید؟

– اینترنت و شبکه‌های اجتماعی ایرانیان به ویژه جوانان را قادر به دسترسی به اطلاعات کرده است. حتی اگر زمان پدر و پدریزگم بدون ایراد نبود اما شرایط زندگی بهتر و فضا آزادی بیشتر بود. دانشجویان دختر می‌توانستند بدون حجاب

→ و موشک‌ها ساقط شدند. این رژیم اگر ابزاری برای ضربه زدن به اسرائیل می‌داشت، حتما این کار را می‌کرد. اجازه دهید روشن کنیم که این جنگِ آخوندهاست: آنها مردم را در معرض اقدامات تلافی‌جویانه برای اهداف سیاسی خود قرار می‌دهند؛ مردمی که آشکارا از حکومت فاصله گرفته‌اند.

### ● آیا رژیم ایران دانشجویانی را که دانشگاه‌های «ساینس پو» و «سوربن» فرانسه را بهم ریختند، تحریک کرده است؟

– اگر اینطور باشد اصلاً تعجب نمی‌کنم. چهل و پنج سال است رژیم‌ها که خود را ضد غربی و ضد استکباری معرفی می‌کنند، در محافل روشنفکری خاص، به ویژه در محافل فرانسوی دوستانی پیدا کرده است. رژیم در تمام پایتخت‌های اروپایی بازوهایی را سازماندهی کرده: مراکز اسلامی، مساجد، مراکز فرهنگی و مراکز آموزش زبان. روزنامه‌نگاران، فعالان و شخصیت‌های یهودی را هدف قرار می‌دهد، همچنین به نزدیکی تاریخی خود با سازمان اخوان المسلمین تکیه می‌کند و برای نفرت‌پراکنی پشت قوانین دموکراتیک پنهان می‌شود.

بسیاری از این دانشجویان متوجه نمی‌شوند که از واپس‌گراترین نیروهای دفاع می‌کنند که خاورمیانه تا کنون به خود دیده است: حوثی‌ها در حال گرسنگی دادن به مردم یمن هستند، حماس بدترین قتل عام را مرتکب شده، حزب‌الله به آرامی لبنان را نابود می‌کند، جمهوری اسلامی با تجاوز و شکنجه مخالفان خود را می‌کشد. ما قبلاً این اتحاد بین چپ افراطی مارکسیست و اسلام‌گرایان را در ایران شاهد بوده‌ایم. دانشجویان میشیگان که به فارسی شعار «مرگ بر آمریکا» سر دادند، باید بدانند که در سال ۱۹۷۹ زمانی که روشنفکران و دانشگاهیان فهمیدند خمینی کیست، دیگر دیر شده بود.

### ● آیا حمله به کشتی‌های بین‌المللی در خلیج فارس و دریای سرخ ممکن است به درگیری گسترده بیانجامد؟

– جمهوری اسلامی از حملات حوثی‌ها بدون آنکه مسئولیتی بپذیرد و خطری برایش داشته باشد نفع می‌برد، بنابراین دلیلی ندارد که بخواهد آن را متوقف کند. به اعتقاد من حذف آنها از لیست سازمان‌های تروریستی آمریکا یک اشتباه بود.

### ● رژیم ایران چه زمانی می‌تواند به‌مب‌هسته‌ای دست‌یابد؟

– متخصصان از چند ماه تا دو سال صحبت می‌کنند. رژیم ایران در غنی‌سازی اورانیوم بسیار پیش رفته. اما نظامی شدن آن یک راز باقی مانده است. آنها با برنامه فضایی خود برای توسعه حامل‌های بالستیک بین‌قاره‌ای استفاده می‌کنند که می‌تواند مستقیماً اروپا را تهدید کند. اتحادیه اروپا باید این برنامه را تحریم کند [...] رژیم ملایان با افراطیگری مذهبی، نیروی اتمی و بحران بی‌سابقه‌ی مهاجرت یک تهدید برای اروپا به شمار می‌رود.

### ● متحدان جمهوری اسلامی در لبنان و سوریه چگونه تهدیدی برای اروپا هستند؟

– حتی بدون صحبت از تروریسم هم ما می‌توانیم به روشنی ببینیم که آنها از طریق پیوند با افراط‌گرایان و همچنین از طریق ایده‌هایی که وارد می‌کنند، بر شرایط موازنه می‌گذارند. ما بدون متوقف کردن کسی که کبریت را در دست دارد نمی‌توانیم آتش را خاموش کنیم.

### ● چگونه متوجه می‌شوید در ایران چه می‌گذرد؟

– از طریق شبکه‌های اجتماعی که ایرانیان با VPN به

## متن کامل گفتگوی مجله «اشپیگل» با شاهزاده رضا پهلوی؛ «بله، من خواهان یک انقلاب هستم»



شاهزاده رضا پهلوی در سفر به لندن / ماه مه ۲۰۲۴

۵۷ شها ولیعهد ۱۸ ساله‌ای بودید که باید کشور را ترک می‌کردید. از چندین سال پیش خود را به عنوان امیدی برای تغییر نظام در ایران مطرح کرده‌اید. آیا مرگ ابراهیم رئیسی رئیس جمهوری می‌تواند به این کار کمک کند؟ او به هر حال جانشین احتمالی علی خامنه‌ای، رهبر ۸۵ ساله جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت.

**پهلوی:** مرگ رئیسی تغییر زیادی به وجود نمی‌آورد. رئیسی یک جنایتکار بی‌رحم و از خدمتگزاران قدیمی علی خامنه‌ای و جمهوری اسلامی بود. ایرانیان برای مرگ او عزاداری نمی‌کنند. آقای [محمد] مخبر...

● ... که معاون اول رئیس جمهور بوده و حالا به عنوان رئیس جمهور موقت معرفی شده...

– ... از مقامات قدیمی نظام در دفتر رهبر جمهوری اسلامی است. او نیز مانند رئیسی مانند خدمتکار خامنه‌ای خواهد بود. به این ترتیب سیاست جمهوری اسلامی با خامنه‌ای به عنوان دیکتاتور در رأس آن ادامه پیدا می‌کند.

● شما زمانی طولانی در پس‌زمینه حضور داشتید. اما اکنون فعالانه برای سرنگونی حکومت مبارزه می‌کنید. چه چیزی می‌خواهید؟

– صحبت‌های الان من با آنچه ۴۰ سال پیش می‌گفتم در واقع تفاوت چندانی ندارد. از زمانی که ایران را ترک کردم، در آنجا اتفاقات زیادی افتاده که هیچکدام اوضاع را بهتر نکرده. با توجه به منابع غنی و ظرفیت‌هایش، ایران می‌بایست دست‌کم به کره جنوبی در خاورمیانه تبدیل می‌شد. اما در عوض، ما کره شمالی خاورمیانه شدیم. هیچکس دیگر به اصلاحات باور ندارد و ایرانیان به دنبال یک سناریو برای گذار از این رژیم هستند. انتظارات بالایی از من وجود دارد و این مرا متوجه مسئولیت می‌کند. من به میدان آمده‌ام تا رهبری را به دست بگیرم و به کشورم خدمت کنم.

● ایرانیان پدر شما را در سال ۱۹۷۹ به دلیل

اسلامی بلکه پیش از آن نیز در رسانه‌های غربی و به ویژه در آلمان بر اساس منابعی مانند تحریفات «کنفدراسیون» و اسلام‌گرایان و چپ‌گرایان تکرار می‌شده است. اطلاعاتی از جمله درباره زندانیان سیاسی پیش از ۵۷ که حتی توسط برخی وابستگان خود رژیم کنونی با تکیه بر مستندات که به دلیل دسترسی به منابع موجود در جمهوری اسلامی داشته‌اند، به نقد و رد آنها پرداخته‌اند.

«اشپیگل» که به معنی «آینه» است ولی تا کنون کمتر «آینه» و بازتاب رویدادهای واقعی ایران بوده\* همچنین در مقدمه‌ای کوتاه از جمله می‌نویسد که «بزرگترین فرزند پادشاه سابق ویژگی‌های آشکاری از پدر دارد اما نرم‌تر و کمی آرام‌تر از وی به نظر می‌رسد. پهلوی ۶۳ ساله مأموریتی بر عهده دارد.» اتفاقاً همین ویژگی است که سبب می‌شود تا شاهزاده رضا پهلوی با وجود طرح مسائل تکراری آنهم با واژه‌های به اصطلاح «چالشی» این گزارشگر، با خونسردی و در جملاتی سنجیده همان نظرات و ایده‌ها و مأموریتی را برای وطن‌اش در پاسخ‌ها بازگو کند که سال‌هاست از جمله در کتاب‌های خود به آنها پرداخته و مخاطبان آلمانی زبان را با تصویر دیگری از ایران و رهبری مبارزه برای دموکراسی در «آینه»‌ی واقعیت آشنا می‌کند.

گزارشگر این مجله به حضور شاهزاده در «کنفرانس امنیتی مونیخ» در ماه «فوریه» نیز اشاره می‌کند که مربوط به سال ۲۰۲۳ بوده و در جمله‌ای کوتاه از همکاری وی با برخی «اکتیویست»‌ها می‌نویسد که شاهزاده در همین مصاحبه از حضور خود در «دانشگاه جرج تاون» به عنوان یک «همکاری نمادین» یاد می‌کند.

ترجمه متن کامل این گفتگو را که به نوشته‌ی اشپیگل در سفر اخیر شاهزاده رضا پهلوی به لندن انجام شده است در ادامه می‌خوانید.

● اشپیگل: آقای پهلوی، ۴۵ سال پیش در آستانه انقلاب

● شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با انتخابات زودهنگام که پس از مرگ رئیسی رئیس دولت سیزدهم در سقوط هلی‌کوپتر قرار است در تیرماه برگزار شود به خبرنگار اشپیگل در لندن می‌گوید: «من هموطنانم را به تحریم این به‌اصطلاح انتخابات تشویق می‌کنم.»

● «اشپیگل» که به معنی «آینه» است ولی تا کنون کمتر «آینه» و بازتاب رویدادهای واقعی ایران بوده همچنین در مقدمه‌ای کوتاه از جمله می‌نویسد که «بزرگترین فرزند پادشاه سابق ویژگی‌های آشکاری از پدر دارد اما نرم‌تر و کمی آرام‌تر از وی به نظر می‌رسد. پهلوی ۶۳ ساله مأموریتی بر عهده دارد.» اتفاقاً همین ویژگی است که سبب می‌شود تا شاهزاده رضا پهلوی با وجود طرح مسائل تکراری آنهم با واژه‌های به اصطلاح «چالشی» این گزارشگر، با خونسردی و در جملاتی سنجیده همان نظرات و ایده‌ها و مأموریتی را برای وطن‌اش در پاسخ‌ها بازگو کند که سال‌هاست از جمله در کتاب‌های خود به آنها پرداخته و مخاطبان آلمانی زبان را با تصویر دیگری از ایران و رهبری مبارزه برای دموکراسی در «آینه»‌ی واقعیت آشنا می‌کند.

● اشپیگل در مقدمه‌ای کوتاه به حضور شاهزاده در «کنفرانس امنیتی مونیخ» در ماه «فوریه» اشاره می‌کند که مربوط به سال ۲۰۲۳ بوده و همچنین در جمله‌ای کوتاه از همکاری وی با برخی «اکتیویست»‌ها می‌نویسد. شاهزاده در همین مصاحبه از حضور خود در «دانشگاه جرج تاون» به عنوان یک «همکاری نمادین» یاد می‌کند.

● وی در پاسخ به این پرسش که «آیا شما خواهان یک انقلاب ایرانی جدید هستید؟» با صراحت تأکید می‌کند: «بله، من خواهان یک انقلاب‌ام. ایرانیان همچنان آماده فداکاری‌اند چون می‌دانند که کشورمان اگر از این رژیم رهایی پیدا نکنیم، محکوم به فناست.»

● «هیچکس دیگر به اصلاحات باور ندارد و ایرانیان به دنبال یک سناریو برای گذار از این رژیم هستند. انتظارات بالایی از من وجود دارد و این مرا متوجه مسئولیت می‌کند. من به میدان آمده‌ام تا رهبری را به دست بگیرم و به کشورم خدمت کنم.»

● «من هرگز به گذشته نگاه نکرده‌ام. اینکه آدم امروز نیروی وفادار رژیم در تهران باشد یا به اپوزیسیون تعلق داشته باشد، فرقی در نتیجه‌ی انقلاب اسلامی که یک فاجعه است نمی‌کند. اما من همه اینها را پشت سر گذاشته و ادامه داده‌ام. من مأموریتی برای وطنم دارم چرا که ایران شایسته‌ی بهتر از این است. من باور دارم که می‌توانیم موفق شویم و روزی به خانه بازخواهیم گشت.»

هفته‌نامه آلمانی «اشپیگل» در گفتگویی با شاهزاده رضا پهلوی به بازتاب نظرات و ایده‌های وی در ارتباط با وضعیت ایران و اوضاع جمهوری اسلامی پرداخته است. مجله «اشپیگل» که مانند رسانه‌های مشابه در غرب و خارج کشور فراموش نمی‌کند که از ولیعهد ایران به عنوان «پسر آخرین شاه ایران» نام برد، می‌نویسد که وی امیدوار به تغییر رژیم است و درباره‌ی ضرباتی که به خانواده‌ی خودش وارد شده صحبت می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه باور دارد که می‌توان با کمک اپوزیسیون حکومت کنونی را سرنگون کرد. مصاحبه‌کننده همچنین در پرسش‌های خود به تکرار همان اطلاعاتی می‌پردازد که نه تنها در دوران جمهوری



→ شیوهی رهبری اقتدارگرایانه و عدم عدالت اجتماعی با ننگ و ناسزا رانند. خود شما نیز حق ماندن نداشتید. چه چیزی به شما اطمینان می‌دهد که جمعیت امروز [ایران] می‌خواهند که شما برگردید؟

– من بازخوردهای فوق‌العاده زیادی دریافت می‌کنم؛ مطالبی را که در رسانه‌های اجتماعی ایران نوشته می‌شود می‌خوانم. می‌شنوم که ایرانیان در مسابقات فوتبال نام پدربزرگم را فریاد می‌زنند؛ می‌بینم که ایرانیان جوان امضای پدرم را بر بازوهای خود خالکوبی می‌کنند. اینها برای من نشانه‌های روشنی هستند مبنی بر اینکه بسیاری از ایرانیان در موضع آن زمان خود بازنگری کرده و نسل‌های جوان‌تر با وجود تلقیناتی که سال‌ها به آنها تحمیل شده، خواهان تغییرند.

● **پدرتان با خشونت حکومت می‌کرد. بر اساس سازمان‌های حقوق بشری شمار زیادی زندانی سیاسی دستگیر شدند؛ بسیاری شکنجه و کشته شدند. اینها هم در ایران فراموش نشدنی است.**

– یک بحران سیاسی وجود داشت؛ کمبودهایی وجود داشت. هیچ نظامی کامل نیست. اما ایرانیان دریافتند که هدف سلسله پهلوی پدر و پدربزرگم، مدرنیزه کردن ایران بود؛ بنیان گذاشتن زیرساخت‌ها، آموزش، اصلاحات ارضی، بهداشت و درمان و برابری حقوقی زنان. به نوعی ایران در آن زمان پیشرو بود؛ زنان هشت سال پیش از زنان سوئیس حق رای به دست آوردند. تا زمانی که انقلاب اتفاق افتاد و کشور ما اشغال شد.

● **از خشونت سازمان امنیت بدنام پدرتان، ساواک، شما هرگز فاصله نگرفتید.**

– انتقادات موجهی وجود دارد. من درباره این موضوعات در کتاب‌هایم خیلی باز صحبت کرده‌ام. با این حال، درباره مستندات یک مبالغه‌ی نامتعادل وجود داشت به ویژه از سوی اسلامگرایان افراطی و مارکسیست‌ها. سود آنها در این بود که دولتی را تخریب کنند که عمدتاً طرفدار غرب بود و با ایدئولوژی‌های آنها همخوانی نداشت. این را مورخان باید مورد بررسی قرار دهند.

● **البته خیلی از این موارد روشن هستند.**  
- اما من هم البته پدرم نیستم. برنامه‌ها و دیدگاه‌های خودم را دارم و می‌بایست بر اساس آنچه پیشنهاد می‌کنم قضاوت شوم.

● **چه پیشنهادی؟**  
– من خودم را به ایرانیان به عنوان واسطه‌ای صادق در فرآیند گذار به یک دوران جدید ارائه می‌کنم. سعی می‌کنم به مردم بگویم که نه تنها باید به فرا رسیدن روزهای بهتر امیدوار باشند بلکه آنها را فرا می‌خوانم که: بیا بیاید شروع به این باور کنیم که ما واقعا می‌توانیم. هدف من اینست که حاکمیت قانون را برای فرد فرد شهروندان تضمین کنم از جمله حقوق زنان و حقوق قومی، مذهبی و جنسیتی (ال جی بی تی کیو).

● **در تهران یک دولت خودکامه حکومت می‌کند که تصمیم راسخ خود را مبنی بر دفاع از قدرت خود با خشونت تمام، در جریان خیزش اخیر پس از مرگ دختر ۲۲ ساله ایرانی گرد، مهسا ژینا امینی، در بازداشتگاه پلیس بی‌رحمانه به نمایش گذاشت. فکر می‌کنید چگونه از دست این حکومت خلاص می‌شوید؟**

– هر کسی چه در داخل و چه خارج ایران این رژیم را تحلیل می‌کند، دیگر به اصلاح‌پذیری آن باور ندارد. ما می‌بینیم که حتا افراد افراطی و حامی رژیم از آن روی برمی‌گردانند مثل سردبیر سابق «کیهان»، یکی از محافظه‌کارترین روزنامه‌های کشور. وی به روح‌الله خمینی رهبر انقلاب ۵۷ بسیار نزدیک بود. اکنون اما در تورنتو زندگی می‌کند چون دیگر به جمهوری اسلامی باور ندارد و خواهان تغییر است.

● **خیزش اخیر از سال ۲۰۲۲ به بهای جان بیش از ۵۰۰ ایرانی تمام شد. ده‌ها هزار تظاهرکننده بازداشت و شکنجه و برخی حتی اعدام شده‌اند. آیا شما خواهان یک انقلاب ایرانی جدید هستید؟**

– بله، من خواهان یک انقلاب‌ام. ایرانیان همچنان آماده فداکاری‌اند چون می‌دانند که اگر از این رژیم رهایی پیدا



تیترو عکس گفتگو در نسخه چاپی اشپیکل با آنچه آنلاین منتشر شده تفاوت دارد

نکنیم، کشورمان محکوم به فناست.

● **از لابی یک هتل پنج ستاره در لندن راحت می‌شود این را اعلام کرد.**

– خود آخرین قیام یک انقلاب بود. یک واکنش اصیل در برابر سرکوب نه به این دلیل که من آن را فرا خوانده بودم. تظاهرکنندگان شعار «مرگ بر دیکتاتور» می‌دادند. علی‌خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب که این نظام را نمایندگی می‌کند، از سوی دست‌کم ۸۰ درصد جامعه ایران رد می‌شود. حکومت این قیام را با تمامی ابزارهای سرکوب در هم کوبید. اما اکنون بسیار ضعیف‌تر از قبل است و دچار انشقاق شده. بخش‌هایی از نظامیان و شبه‌نظامیان از این نگران هستند که در صورت تشدید وضعیت، نخستین قربانیان اقدامات انتقام‌جویانه آنها باشند. پیشاپیش برخی [از رژیم] جداسده‌اند.

● **رژیم هنوز حامیانی دارد. بسیاری از ایرانیان ثروتمند از این رژیم بهره می‌برند و صدها هزار طرفدار در دستگاه امنیتی دارند که مدل سیاسی فعلی برای آنها بسیار می‌ارزد. چرا باید موضع خود را عوض کنند؟**

– زمامداران ارشد رژیم بیشترین بهره را می‌برند. قشرها و رده‌های پایین‌تر فقط یک چک حقوق دریافت می‌کنند که گاهی حتی برای پرداخت اجاره خانه کافی نیست. آنها بطور سیاه مسافركشی می‌کنند، رشوه می‌گیرند و كاملا سرخورده شده‌اند. برای به حد اکثر رساندن شانس موفقیت یک انقلاب، ما باید تا حد ممكن به بسیاری از آنها امکان آشتی ارائه کنیم.

● **شما از یک عفو عمومی برای انتقال مسالمت‌آمیز در صورت یک براندازی قابل تصور حرف می‌زنید؟**

– البته برخی باید به خاطر اعمال‌شان پاسخگو باشند و محاکمه شوند. با اینهمه معتقدم که ما باید چرخه انتقام و تلافی‌جویی را متوقف کنیم. این است که ما را از این حکومت متمایز می‌کند. ما به حقوق بشر و به جریان

دادرسی حقوقی باور داریم.  
● **اشپیکل: اصلاً منظور شما وقتی می‌گویید «ما» دقیقاً کیست؟**  
– خودم، تیمی که با من کار می‌کند و اکثریت ایرانیانی که از این مواضع حمایت می‌کنند.

● **چرا نیروهای مختلف اپوزیسیون در تبعید نتوانسته‌اند از چند دهه پیش بر سر یک اقدام مشترک متحد بشوند؟ شما با کی همکاری می‌کنید؟**

– وقتی من در کنار نمایندگان اپوزیسیون حاضر می‌شوم مثل چندی پیش در دانشگاه جرج تاون، آن را به عنوان یک همکاری نمادین در نظر می‌گیرم. برای من مهم‌تر این است که یک وحدت بزرگ در ایران وجود دارد با یک چشم‌انداز مشترک. این چیزست که اهمیت دارد.

● **شما از چهار دهه پیش در ایالات متحده زندگی می‌کنید. گفته می‌شود به جمهوریخواهان بسیار نزدیک‌تر از دموکرات‌ها هستید. آیا با دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق و احتمالاً بعدی ایالات متحده درباره تغییر رژیم در تهران صحبت می‌کنید؟**

– من آقای ترامپ را هنوز ملاقات نکرده‌ام، اما طی همه این سال‌ها با نمایندگان هر دو جناح در گفتگو بوده‌ام. در هر دو سو افرادی وجود دارند که دیدگاه‌های مشترک با ما دارند. اساساً مسئله این است که چهار دهه تلاش برای تغییر دلخواه رفتار رهبری جمهوری اسلامی به روشنی شکست خورده. دلایل این موضوع با اینکه من حالا دونالد ترامپ یا جو بایدن را بینم تغییری نمی‌کند. مسئله این است که آنها کدام مسیر را پاسخ درست می‌دانند!

● **شما از اتحادیه اروپا می‌خواهید که روش خود را در قبال جمهوری اسلامی تغییر بدهد. این به چه معناست؟**

– چندین دهه دولت‌های واشنگتن، لندن، برلین یا پاریس تلاش کردند از رویارویی با جمهوری اسلامی اجتناب کنند. نتیجه این است که ۶۰ درصد از مردم ایران زیر خط فقر سراسری زندگی می‌کنند. حکومت به همراه نیروهای نیابتی‌اش تروریسم را در منطقه گسترش می‌دهد و یک تهدید هسته‌ای ایجاد کرده است.

● **حدود یک سال پیش شما از اسرائیل، دشمن اعلام‌شده جمهوری اسلامی بازدید کردید. با نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو و دستگاه اطلاعاتی درباره آینده سیاسی احتمالی خود در ایران صحبت داشتید. آیا از آن زمان در مبارزه با جمهوری اسلامی متحد اسرائیل هستید؟**

– هدف از نخستین بازدید یک سیاستمدار ایرانی به اسرائیل اساساً این بود که برای اسرائیلی‌ها روشن کنم که یک ایران سکولار و دموکراتیک برای آنها و خاورمیانه چه معنایی می‌تواند داشته باشد و اینکه وقتی کشور موضع خصمانه در برابر جهان عرب و موجودیت اسرائیل نداشته باشد، ملت ایران با همسایگان خود در صلح زندگی کرده و از مناسبات دوستانه با آنها مراقبت می‌کند. روابط ما با یهودیان به دوران کوروش بزرگ می‌رسد.

● **همان پادشاه پارس و استراتژیست نظامی که تا ۵۳۰ سال پیش از میلاد مسیح طوایف ایرانی را در کنار هم حفظ کرد.**

– چرا ایران نباید برای گسترش پیمان ابراهیم که بیشتر بین اسرائیل و امارات متحده عربی و همچنین بحرین و مراکش منعقد شده تلاش کند؟ ما می‌توانیم آن را «پیمان کوروش» بنامیم. ایران می‌تواند بخشی از راهکار صلح در خاورمیانه باشد - برای عربستان سعودی و مردم اسرائیل، در لبنان، در سوریه، در عراق و فراتر از آن.

● **آیا شما می‌خواهید زمان را به دورانی برگردانید که پدرتان حکومت می‌کرد؟**

– آن زمان هم مناسبات ژئوپلیتیک پیچیده بود. دیوار ←

## روسیه شناورهای رودخانه مرزی با استونی را جمع‌آوری کرد؛ جوپ بول: این اقدام تحریک‌آمیز است

● شناورها یا بویه‌ها اجسام شناوری هستند که مانند تابلوهای علائم راهنمایی و رانندگی، در کف دریا مهار می‌شوند و از آنها در سواحل و آب‌ها برای علامت‌گذاری مرزی و همچنین هشدار به کشتی‌ها در ارتباط با خطرات احتمالی و صخره‌ها و... استفاده می‌شود. نیروهای مرزبانی استونی تصاویری را ضبط کرده‌اند که نشان می‌دهد روسیه از بامداد پنجشنبه ۲۳ ماه مه حدود ۲۵ عدد از ۵۰ شناوری را که در رودخانه «ناروا» مرز روسیه با استونی را جدا می‌کنند جمع‌آوری کرده‌اند.

● به گزارش آسوشیتدپرس، جوپ بول مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا این اقدام را «غیرقابل قبول» خواند و خواستار توضیح مسکو و بازگرداندن فوری شناورها شد. وی گفت این اقدام بخشی از یک روند تحریک‌آمیز و اقدامات ترکیبی روسیه است.

● وزارت خارجه استونی نیز این اقدام روسیه را «غیرقابل قبول» و «تحریک‌آمیز» خواند اما محتاطانه اعلام کرد که واکنش «آرام و روشن» نسبت به این موضوع خواهد داشت. ● بسیاری از تحلیلگران می‌گویند در مقطعی که دولت‌های دموکراسی خواه غربی اراده‌ای برای مقابله جدی با تهدیدات روسیه ندارند، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه در حال سوء استفاده از خلاء قدرت در جهان است. دولت‌های غربی نگران تحرکات روسیه علیه مرزهای ناتو هستند.

نیروهای مرزبانی روسیه در یک اقدام تحریک‌آمیز شناورها یا بویه‌ها در رودخانه‌ی مرزی این کشور با استونی را جمع‌آوری کرده‌اند.

شناورها یا بویه‌ها اجسام شناوری هستند که مانند تابلوهای علائم راهنمایی و رانندگی، در کف دریا مهار می‌شوند و از آنها در سواحل و آب‌ها برای علامت‌گذاری مرزی و همچنین هشدار به کشتی‌ها در ارتباط با خطرات احتمالی و صخره‌ها و... استفاده می‌شود. نیروهای مرزبانی استونی تصاویری را ضبط کرده‌اند که نشان می‌دهد روسیه از بامداد پنجشنبه ۲۳ ماه مه (دوم خردادماه) حدود ۲۵ عدد از ۵۰ شناوری را که در رودخانه «ناروا» مرز روسیه با استونی را جدا می‌کنند جمع‌آوری کرده‌اند.

به گزارش آسوشیتدپرس جوپ بول مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا این اقدام را «غیرقابل قبول» خواند و خواستار توضیح مسکو و بازگرداندن فوری شناورها شد. بول گفت این اقدام بخشی از یک روند تحریک‌آمیز و اقدامات ترکیبی روسیه است.

وزارت خارجه استونی نیز این اقدام روسیه را «غیرقابل قبول» و «تحریک‌آمیز» خواند اما محتاطانه اعلام کرد که واکنش «آرام و روشن» نسبت به این موضوع خواهد داشت. از چند دهه پیش با توافق دوجانبه، استونی و روسیه بویه‌هایی را برای فصل تابستان در رودخانه ناروا

پاسداران را از طریق تحریم‌های بیشتر افزایش دهند. وقتی دیپلماسی کارآیی ندارد و از یک درگیری نظامی هم قرار است اجتناب شود، چه گزینه‌ی دیگری علیه یک مافیای فاسد دارید که می‌خواهد مسلح به سلاح هسته‌ای شود؟ این همزمان به حمایت حداکثری از دگراندیشان و فعالان، کمک برای تامین مالی امکان دسترسی به اینترنت در ایران و برای اعتصابات و غیره نیاز دارد. ما باید همه کسانی را که از جمهوری اسلامی ناامید شده‌اند، تقویت کنیم. اگر این اتفاق بیفتد، افراط‌گرایان بیشتری از رژیم جدا شده و با ما وارد گفتگو می‌شوند. ما باید تعداد کسانی را که از رژیم جدا می‌شوند به حداکثر برسانیم.

● شما ولیعهد آخرین سلسله پادشاهی بودید. هرگز عنوان خود را کنار نگذاشتید. مایل هستید در چه نقشی به ایران بازگردید؟ به عنوان پادشاه، نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهوری؟ - شما موضوع را از انتها مطرح می‌کنید. هدف من یک ملت سکولار است، یک روند دموکراتیک که در آن مطمئن بود که هر صدایی شنیده و شمرده می‌شود، منصفانه و شفاف. من فقط می‌خواهم واسطه‌ی این انتقال باشم. همین! فراتر از آن، هیچ قصدی ندارم.

● بخشی از حامیان شما قاطعانه خواهان بازگشت پادشاهی هستند. ترجیح شما هم همین است؟ - حق آنهاست که این را بخواهند. ایرانیان باید آزاد باشند که شکل حکومت بعدی را انتخاب کنند چه یک پادشاهی پارلمانی و چه یک جمهوری. این پای صندوق‌های رای تصمیم گرفته خواهد شد.

● آیا امیدوارید که بحران کنونی پس از مرگ رئیسی شما را به بازگشت به ایران نزدیک‌تر کند؟

- علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی برگزاری انتخابات جدید را اعلام کرده است. البته این انتخابات نیز تقلبی خواهد بود. من هموطنانم را تشویق می‌کنم که این به اصطلاح انتخابات را تحریم کنند. هدف این است که شکاف موجود در داخل جمهوری اسلامی را تعمیق کرده و کسانی را که از این نظام روی بر می‌گرداند برای جنبش اپوزیسیون جذب کنیم.

● سرنگونی پدر شما در سال ۱۹۷۹ برای خانواده شما آن زمان به معنی یک تراژدی شخصی نیز بود. ماه‌های طولانی کسی نمی‌خواست شما را بپذیرد. بعد پدر شما درگذشت. خواهر و برادر شما به افسردگی دچار شده و به طریزی دردناک درگذشتند. آیا رویکرد سیاسی شما همزمان تلاشی برای کنار آمدن با سرگذشت زندگی خودتان است؟

- گفتگویی را با خواهرم به یاد دارم که به دلیل اتفاقات آن زمان دلگیر بود. به او گفتم: «خودت را اذیت نکن! تو نمی‌توانی گذشته را تغییر بدهی، اما آینده را چرا.» به این معنی، من هرگز به گذشته نگاه نکرده‌ام. اینکه آدم امروز نیروی وفادار رژیم در تهران باشد یا به اپوزیسیون تعلق داشته باشد، فرقی در نتیجه‌ی انقلاب اسلامی که یک فاجعه است نمی‌کند. اما من همه اینها را پشت سر گذاشته و ادامه داده‌ام. من مأموریتی برای وطنم دارم چرا که ایران شایسته‌ی بهتر از این است. من باور دارم که می‌توانیم موفق شویم و روزی به خانه بازخواهیم گشت.

● آقای پهلوی، از شما به خاطر این گفتگو سپاسگزاریم. این گفتگو توسط سوزانه گلبیل روزنامه‌نگار و سردبیر مسائل خارجی مجله اشپیکل در لندن انجام شده است. تیتراژ این گفتگو در نسخه چاپی مجله (بله، من خواهان یک انقلاب هستم) با آنچه آنلاین منتشر شده «ما کره شمالی خاورمیانه شدیم» تفاوت دارد.

\*بیش از پنجاه سال خبرسانی در آلمان درباره ایران با استناد به مجله اشپیکل (از ۱۹۵۰)؛ الهه بقرابط؛ آذر ۱۳۸۶ / دسامبر ۲۰۰۷

برلین هنوز برپا و جنگ سرد حاکم بود. اتحاد جماهیر شوروی و متحدانش به عنوان حریف در مقابل دنیای غرب قرار داشتند. ایران اما در آن زمان نقش مهمی در تثبیت منطقه داشت. ما روابط بسیار خوبی با غرب و همچنین با بلوک شرق، با چین و اتحاد جماهیر شوروی، داشتیم. ما نمی‌خواستیم قربانی این کشمکش بین شرق و غرب شویم و یک رویکرد متوازن را دنبال می‌کردیم. رژیم این توازن را به کلی نابود و به سوی بی‌ثباتی، خصومت و رادیکالیسم هدایت کرد. ● اما حالا شما در دموکراسی‌ها برای تغییر تبلیغ می‌کنید؛ در ایالات متحده، اروپا و همچنین اسرائیل. آیا این به معنای احتمالاً گزینه نظامی است تا یک نظام جدید را در تهران تحمیل کرد؟

● بگذارید شفاف بگویم: تا کنون از سوی ایالات متحده هیچ حمایتی نمی‌شود، دست‌کم از سوی دولت فعلی، و به هیچ وجه خواهان حمله نظامی یا یک جنگ احتمالی علیه کشورم نیستم. من منحصراً از نافرمانی مدنی حرف می‌زنم. ● با وجود همه قربانیانی که ایرانیان تا کنون داده‌اند، مقاومت ناموفق مانده. این را اعتراضات در نهایت به طرز دردناکی نشان داده‌اند.

- موضوع بر سر اینست که از ایرانیانی که خواهان تغییرند حداکثر حمایت را به عمل آوریم. همزمان باید سناریوی جدا شدن [از رژیم] را پیش ببریم و به همه کسانی که درون نظام جمهوری اسلامی گرفتارند یک راه خروج ارائه کنیم. من نمونه‌های آشتی ملی چون آفریقای جنوبی را در نظر دارم. ما به عدالت انتقالی نیاز داریم و یک روند تدوین قانون اساسی که زمینه‌های حقوقی انتقال را آماده کند.

● می‌خواهید به جدشندگان احتمالی از جمهوری اسلامی پیشنهاداتی ارائه کنید؟

- برای اینکه در این روند تا حد ممکن انسان‌های کمتری زندگی خود را از دست بدهند، ما باید مقاومت افرادی را که سلاح در اختیار دارند، به حداقل برسانیم. اگر حاکمان در آخرین لحظه بخواهند دست به کشتار همگانی بزنند، نیروهای امنیتی ایران باید به سپر حفاظت از مردم خود تبدیل شوند. ● این موضوع چگونه باید عملی شود؟

- ۹۰ درصد از نیروهای مسلح که از رهبران فاسد سودی نمی‌برند، در وضعیتی ناپایدار قرار دارند و حکومتی که تنها ده درصد حامی دارد، نمی‌تواند برای همیشه دوام بیاورد.

● ولی حاکمان جمهوری اسلامی نسبتاً خیلی زیاد دوام آورده‌اند.

- سؤال واقعا این نیست که آیا رژیم از بین خواهد رفت! بلکه این است که کی! و آیا ما از جامعه ایران حمایت حداکثری کرده‌ایم یا نه. بطور مشخص، آیا ما می‌توانیم سقوط جمهوری اسلامی را پیش از آنکه به آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای برسد، تسریع کنیم؟ چون در اینصورت، ما کاملاً یک موقعیت درگیری دیگری داریم. این [دستیابی به سلاح اتمی] می‌تواند در شش ماه یا در دو سال اتفاق بیفتد. ما فرصتی برای از دست دادن وقت نداریم.

● یعنی اگر ایران به سلاح هسته‌ای مسلح شود، امید به تغییر قدرت پایان می‌یابد؟

- ایران مسلح به سلاح هسته‌ای پیامدهای فاجعه‌باری خواهد داشت. یک درگیری جهانی با پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیر دور از ذهن نیست. قصد من اینست چنین چیزی برای ایرانیان و جهان روی ندهد.

● طی سخنرانی‌تان سال گذشته در پارلمان اتحادیه اروپا در بروکسل، شما خواستار اعلام سپاه پاسداران قدرتمند به عنوان یک گروه تروریستی شدید همانگونه که در ایالات متحده انجام شده. این قدم تنش‌ها میان ایران و اتحادیه اروپا را به حداکثر می‌رساند. این کار چه فایده‌ای خواهد داشت؟ - دولت‌های خارجی باید فشار علیه رژیم و اتفاقاً سپاه

# آدمی را چو بخت برگردد...

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۷۲) مهرماه ۱۳۸۴

با نشر



غم‌انگیزتر از قیافه آیت‌الله رفسنجانی، چهره همیشه‌خندان حجت‌الاسلام والمسلمین آقا سید محمد خاتمی بود. مردی که با آن خنده دوخته شده بر لبانش، دلچکی را که ویکتور هوگو در داستان معروف خود تصویر می‌کند، از دنیای تئاتر به دنیای سیاست کشاند.

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، ایدئولوگ بزرگ حکومت اسلامی، در انتقاد از اجلاس اخیر مجلس خبرگان می‌گوید «امیدوارم در اجلاس بعدی، برخی دیدارهای تشریفاتی همچون دیدار با رئیس مجمع تشخیص مصلحت حذف شود چرا که ایشان (آیت‌الله رفسنجانی) نایب رئیس مجلس خبرگان است و می‌تواند مطالب مورد نظر خود را در همان اجلاس بیان کند. یک دیدار جداگانه با ایشان تشریفات زائد است!»

بعد، می‌رسد به حساب حجت‌الاسلام خاتمی که: «دعوت از رئیس جمهوری سابق - آقای خاتمی - توسط برخی از افراد هیأت رئیسه نیز قابل تأمل است. روشن نیست که دعوت از ایشان در راستای چه اهدافی صورت گرفته است. اگر به‌عنوان شخصیتی علمی، صاحب‌نظر و کارشناس به اجلاس دعوت شده باشد، ایشان از چنین درجه علمی برخوردار نیست که بخواهد برای خبرگان و نمایندگان ملت سخنرانی علمی ارائه کند. سخنرانی ایشان در اجلاس و تکرار همان مطالب پیشین گواه بر این مدعاست!» از اینجا مانده و از آنجا رانده که می‌گویند همین است.

**الهی بخت برگردد ازین طالع که من دارم**

**نه در غربت دلم شاد و نه رویی در وطن دارم**

مولانا عبید فرماید: شیعه‌ای در مسجد رفت. نام صحابه دید بر دیوار نوشته. خواست خیو (تف) بر نام ابوبکر و عمر اندازد. بر نام علی افتاد. سخت برنجید. گفت تو که پهلوی اینان نشینی سزای تو این باشد!

در اجلاس اخیر «خبرگان» قیافه آیت‌الله رفسنجانی دیدنی بود. این رفسنجانی، آن رفسنجانی پارسال و پیرارسال نبود که مثل کبک می‌خرامید و مثل طاووس چتر می‌زد و مثل بلبل چهچهه سر می‌داد. بی سر و صدا آمد و ساکت نشست و با لب و لوجه آویزان به مجادله رئیس و نایب‌رئیس درباره «ولی امر مسلمین» و این که خدا او را تعیین می‌کند یا مردم، گوش داد.

در آن لحظات اگر «مصلحت» ایجاب نمی‌کرد که شیخنا دندان روی جگر بگذارد و سکوت کند، برمی‌خاست و بر سر شیخ یزدی و شیخ مشکینی فریاد می‌زد: «چه زود همه چیز فراموش می‌شود! روزی که من آمدم و از قول امام راحل حدیث جعل کردم و شما را واداشتم به سید علی آقا رأی بدهید و او را به ولایت امر انتخاب کنید نه خدا در این گزینش دخالت داشت و نه مردم. حالا ایشان شده است نماینده خدا بر روی زمین و آدمکی را که از چوب تراشیده گذاشته است آن بالا و ما مانده‌ایم که حسب‌الامر مبارک، او را تعظیم کنیم یا از بهشت رانده شویم و برگردیم به قم، بپردازیم به امور حوزوی و بسازیم به نان طلبگی!»

شیخنا، بعد از شکست انتخاباتی اظهار کرده بود که خیلی دلش برای بحث و فحص حوزوی تنگ شده و مایل است از غوغای سیاسی دست بکشد و بپردازد به قیل و قال طلبگی. در پایان جلسه افتتاحیه خبرگان، وقتی از جناب ایشان سؤال شد آیا رفتن به قم و فعالیت در حوزه علمیه را همچنان در برنامه خود دارد، پاسخ داد «خیلی دوست داشتم که این گونه شود. اما هنوز نتوانسته‌ام این کار را تنظیم کنم. کارهایی که در تهران دارم این اجازه را به من نداده است. اما عشق این کار را دارم!»

خداوند همه عاشقان را به مراد دلشان برساند و قبل از همه، حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را.

➔ نصب کرده‌اند که شهرهای ناروا در سمت استونی و ایوانگورود در سمت روسیه را از هم جدا می‌کند. اریک پارگل فرمانده گارد مرزی استونی می‌گوید، «هر سال علامت‌گذاری مسیرهای کشتیرانی مجدداً بررسی می‌شود زیرا بستر رودخانه در طول زمان تغییر می‌کند.» سال گذشته روسیه اعلام کرد که با مکان شناورهای استونیایی موافق نیست.

وی افزود، «ما تصمیم گرفتیم طبق توافقنامه ۲۰۲۲ علائم شناور را برای فصل تابستان در آب مستقر کنیم، زیرا آنها برای جلوگیری از اشتباهات ناوبری ضروری هستند تا ماهیگیران ما و سایر علاقمندان بطور تصادفی در آب‌های روسیه سرگردان نشوند.»

برخی منابع گزارش دادند که نیروهای روسی مدتی است شروع به نقشه‌برداری از همان مناطق کرده‌اند. گفته می‌شود روسیه به دنبال تجدید نظر در وضعیت مرزهای آب‌های سرزمینی خود در منطقه است.

رسانه‌های روسیه گفتند که وزارت دفاع در مسکو به‌روزرسانی مختصات مورد استفاده برای اندازه‌گیری نوار آب‌های سرزمینی در سواحل سرزمینی این کشور و جزایر آن در دریای بالتیک را پیشنهاد کرده است. این وزارتخانه می‌گوید مختصات موجود در سال ۱۹۸۵ تصویب شد و افزود که



جمع‌آوری شناورها یا بویه‌های مرزی روسیه با استونی توسط مرزبانان روسیه

آنها «بر اساس نقشه‌های ناوبری دریایی در مقیاس کوچک» هستند و با «وضعیت جغرافیایی مدرن» مطابقت ندارند. دیمیتری پسکوف سخنگوی کرملین بعداً اعلام کرد: «هیچ انگیزه سیاسی در این زمینه وجود ندارد.»

بسیاری از تحلیلگران می‌گویند در مقطعی که دولت‌های دموکراسی خواه غربی اراده‌ای برای مقابله جدی با تهدیدات روسیه ندارند، ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در حال سوء استفاده از خلاء قدرت در جهان است.

اقدام اخیر درباره شناورها پس از آن اتفاق افتاده که آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا پس از سفر به کی‌یف از باین خواست تا محدودیت‌ها را در ارتباط با نحوه استفاده اوکراین از تسلیحات آمریکایی برای هدف گرفتن عمق خاک روسیه لغو کند.

دولت‌های غربی نگران تحرکات روسیه علیه مرزهای ناتو هستند. وزیر دفاع بریتانیا روز دوشنبه ۱۵ ژانویه ۲۰۲۴ (۲۵ دی ماه ۱۴۰۲) در یک سخنرانی با اشاره به اینکه جهان در مرحله «پیش از جنگ» قرار دارد با هشدار نسبت به احتمال وقوع «جنگ سوم جهانی» گفته بود، بریتانیا در پنج سال آینده با جنگ‌هایی در روسیه، چین، ایران و کره شمالی روبرو خواهد شد اما هنوز برنامه‌ای برای تقویت ارتش ندارد.

## پیام خصوصی کاسیگین برای شاه ایران

کاسیگین علاقه داشت ایران با هند و افغانستان پیمان اتحاد امضا کند تا اتحاد چین و پاکستان بی اثر شود  
نخست وزیر رومانی سالها قبل از فروریختن دیوار برلین، پایان عمر کمونیسم را در اروپای شرقی پیش بینی می کرد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی عالیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلاً گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده‌هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده‌اند. غلامرضا افخمی که آرشو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه‌ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می‌نویسد:

«علینقی عالیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلاد در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان عالیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیازهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می‌آفرید و بر جو سیاسی اثر می‌گذاشت. این تنشها متدرجاً رابطه عالیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفا عالیخانی شد.»  
ازین کتاب بخشهایی را برگزیده‌ایم که به تدریج می‌خوانید. طبق معمول کوشیده‌ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلی باشد.

● صحبت از این کردید که به نظر می‌آید پاکستان به چین نزدیک تر می‌شد. یکی از دلایل ارتباط پاکستان و چین مسئله هندوستان بود. به خاطر اینکه بعد از جنگ اول پاکستان و هندوستان، که فکر می‌کنم سال ۱۹۶۵ اتفاق افتاد، مسئله‌ای که برای پاکستان مطرح شد این بود که با وجودی که هم عضو سنتو و هم عضو سیتو بود از طرف دولت آمریکا کمک خاصی به پاکستان نشد. در نتیجه طبیعتاً برای پاکستانی‌ها این مسئله مطرح شد که معنای اینکه اینها در این پیمان باشند چه هست، احتمالاً برای ایران هم ممکن است یک چنین مسئله‌ای مطرح شده باشد، به این معنی که اگر این پیمان‌ها فقط مربوط به کمونیسم است و فقط مربوط به این است که آیا با منافع آمریکا جور هستند یا نیستند، پس موضع عمومی کشوری مثل ایران در این زمینه چه خواهد بود. برای شما در زمینه ارتباطات بین‌المللی و منطقه‌ای که داشتید یک چنین مسئله‌ای هیچ وقت مطرح شد، یا از طرف شاه یا از طرف دولت، یا در ذهن خودتان؟

— شاه چندین بار، در فرصت هایی، یک بار وقتی خودم تنها شرفیاب بودم، ولی در چند مورد دیگر هم، اشاره کرد به مسئله ناتو (NATO) بخصوص، و تمام حرف ایشان این بود که ترکیه موقع فوق‌العاده خوبی دارد چون عضو ناتو است، ولی ما وضع روشنی نداریم. ایران یک قرارداد همکاری دفاعی متقابل با آمریکا داشت، ولی این خارج از پیمان سنتو بود. پیمان سنتو به عنوان یک سازمان منطقه‌ای هیچ وقت آن نقش اساسی که خیال ایران را راحت بکند نداشت. اگرچه آن را به عنوان یک حلقه‌ای به حساب می‌آوردند که غربش ناتو است و شرقش سیتو، ولی در عمل سازمان بی‌دندانی بود. و چون در مرحله اول آن را بیشتر به خاطر کشورهای عربی خاورمیانه درست کرده بودند، مرکزش در بغداد بود، و اسمش هم پیمان بغداد بود، در ابتدا اصلاً پیش بینی اینکه ایران عضو این پیمان بشود وجود نداشت. اصرار ایران بود



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران  
(بخش ۱۷)  
خاطرات علینقی عالیخانی  
ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

● ورود ایران در این پیمان‌ها، همان زمانی اتفاق افتاد که رابطه اقتصادی ایران و شوروی رو به افزایش گذاشت. شما تنش احساس نکردید؟

— چرا، کاملاً و شاه سعی می‌کرد که در برابر نارضایتی کشورهای غربی، کشورهای غربی نه آنقدر که آمریکا، به گونه ای نشان بدهد که ایران موقع اساسی سیاسی خود را به همان صورت حفظ کرده است. پس از اینکه تمام قراردادهای ذوب آهن و شاه لوله گاز و بقیه را بستیم، بین ایران و شوروی یک رابطه خیلی نزدیکی ایجاد شده بود، و حجم مبادلات ما به سطح خیلی بالایی، که هیچ کس قبلاً تصورش را نمی‌کرد، رسیده بود. در همان موقع شادروان عباسعلی خلعتبری، که در آن زمان دبیرکل سنتو بود، شاید چند ماه پس از امضای این قراردادها، در یک نطق یادآور خطر کمونیسم و شوروی در منطقه شد. به عبارت دیگر، به صورتی به آمریکائی‌ها این پیام را رساند که ما تغییری در وضع خودمان نداده‌ایم. خیلی روشن بود که به دستور شاه این کار را کرده که خیال آنها را راحت بکند. سفیر آمریکا در تهران هم فوق‌العاده ناراحت بود از این قراردادهایی که ما امضاء کردیم. ولی خوب، از نقطه نظر من این سفیر یک مقداری ساده‌لوحانه فکر می‌کرد.

پیام کاسیگین برای شاه

● در ملاقات‌هایی که خودتان با اعضای حکومت شوروی داشتید، در چند مسافرت که شما به مسکو کردید و آنها آمدند به ایران، بخصوص با اعضای عالی‌رتبه سیاسی‌شان، این گونه مسائل هیچ وقت مطرح شد؟

— هر وقت که فرصتی شد کوشش کردند که مطرح بکنند. وقتی که قراردادهای ذوب آهن و گاز را در مسکو مذاکره می‌کردیم، آنها اظهار نگرانی کردند درباره پشتیبانی که ایران از کردهای عراق میکنند. این صحبت‌هایی که می‌کنیم ده سال پیش از آن است که کار به تقریباً جنگ بین



قیافه و برخلاف چائوشسکو بسیار شیک پوش و خوش صحبت. در آن موقع هنوز چائوشسکو از او حساب می برد و او را به عنوان استاد خودش می پذیرفت. خاطرم می آید که یک باری که ما جلسه کمیسیون مشترک داشتیم، در بخارست، مصادف شد با سفر هویدا به رومانی. در نتیجه همه مان با هم یک شبی رفته بودیم منزل چائوشسکو. او که می خواست با هویدا صحبت بکند، به طور دائم در ضمن صحبت به ماورر نگاه می کرد که از او تأیید سخنان خودش را بگیرد و ماورر هم با تکان دادن سر به او قوت قلب می داد که حرف هایی که می زند درست است. این آشکارا به چشم می خورد. البته دو سه سال بعد دیگر حتی تحمل ماورر را نکرد. او را هم از کار کنار گذاشت. تا آنجایی که خبر دارم هنوز هم این پیرمرد در آپارتمانی در بخارست زندگی می کند. ولی در آن موقع ماورر شخصیت برجسته و طرف مذاکره با ایران بود و خیلی هم مورد علاقه اعلیحضرت بود.

یکی از خاطراتی که با ماورر دارم و هیچ وقت فراموش نمی کنم این بود که یک بار که برای کمیسیون مشترک ایران و رومانی به آن کشور رفتم، به مجرد اینکه به فرودگاه رسیدم وزیر بازرگانی رومانی به من گفت که در برنامه تغییری داده شده، و بجای اینکه همان روز ما شروع به مذاکره بکنیم، نخست وزیر، که تابستان را در کوه های کارپات می گذراند، درخواست کرده که من به دیدار او بروم و مذاکرات کمیسیون مشترک به روز بعد موکول بشود. باز البته، چون



نیکولای چائوشسکو

نخست وزیر یک کشور چنین چیزی را میگفت، می بایست می پذیرفتم. به همراه یک مترجم و شاید یکی از همکاران خودم رفتم به محل اقامت ماورر. در آنجا به من گفت که کسی را ندارد با او درد دل بکند، و چون شنیده بود که من دارم می آیم، مایل بود که حتماً آن چیزی را که در دل دارد با من در میان بگذارد. سپس به من گفت که سخت نگران است که به زودی شوروی ها به چکسلواکی حمله خواهند کرد، برای اینک از دوبچک ناراضی هستند. خاطراتان باید باشد که در آن موقع دوبچک یک نوع قیامی علیه کمونیست های دواتشه چکسلواکی کرده بود. آنها را کنار گذاشته بود و شده بود دبیرکل حزب کمونیست چکسلواکی به رغم مخالفت شورویها. او سعی کرد که آزادی ←

### می کردند چه بود؟

– در مورد رومانی خیلی روشن بود. رومانی با شوروی رابطه بسیار بدی داشت. هیچ وقت شوروی ها را نبخشیدند که ایالت های شمالی آنها را، که امروز به صورت جمهوری مولدووا درآمده، از آنها گرفتند. یعنی منطقه بوکووین و بسارابی، که شمال رودخانه دانوب می شد. واقعاً مردمش روشن بودند. رابطه خوبی که رومانی ها با ما داشتند، به موازات رابطه بسیار خوبی بود که با آمریکائی ها داشتند. در همان دوران نیکسون سفری به رومانی کرد و بسیار موفقیت آمیز بود. از نقطه نظر رومانیها گسترش رابطه با کشورهای غیر کمونیست یک وسیله ای بود که خودشان را تا حدودی از چنگال شوروی دور نگاهدارند. نمی خواهم بگویم بیرون ببرند، آن برایشان سخت بود، ولی دست کم دور نگاهدارند. ایجاد رابطه با کشورهایی مثل ایران از این نقطه نظر ممتنع بود. از این گذشته، رومانی ها زبانشان بسیار نزدیک به زبان فرانسه است. یعنی شما وقتی فرانسه می دانید پس از چند روز که در رومانی باشید می فهمید که آنها با هم چه دارند صحبت می کنند. برخی از سرانشان نیز فرانسه خوب حرف می زدند. بخصوص نخست وزیرشان فرانسه درجه یک حرف می زد. این کمک کرد که هویدا و او دوست خیلی نزدیک بشوند. شوخی های خیلی تندی با هم می کردند. از جمله شوخی درباره وزرای خودشان می کردند. بهرحال، دوستی خیلی نزدیکی با آنها داشتیم. وضع ما با



آلكسی كاسیگین

رومانی در بلوک شرق کاملاً به چشم می خورد که با بقیه به کلی فرق دارد.

### ● در این زمان رئیس جمهور کی بود؟

– چائوشسکو، که در آن زمان دبیرکل حزب بود، یک نفر را به عنوان رئیس جمهور نگهداشته بود که شخص سوم بود. یعنی چائوشسکو شخص اول بود، گنورگیو ماورر (Maurer) نخست وزیر شخص دوم، و رئیس جمهورشان، که نامش را فراموش کرده ام، شخص سوم. ولی پس از مدتی چائوشسکو تصمیم گرفت تعارف را بگذارد کنار و بشود هم رئیس جمهور و هم دبیرکل حزب. ماورر یک شخصیت بسیار برجسته ای بود، خیلی خوش

→ ایران و عراق برسد و بعد توافق الجزیره انجام شود. شوروی ها مایل بودند که به یک صورتی به دولت، یعنی در واقع به شاه اطلاع بدهم که آنها مخالف این پشتیبانی ما از کردها هستند. ولی جالب ترین چیزی که برایم پیش آمد در آخرین سفری بود که برای کمیسیون مشترک ایران و شوروی به مسکو رفته بودم. در ژوئن ۱۹۶۹ روزی که من می بایست برگردم به ایران، قائم مقام کاسیگین که طرف مذاکره ما بود، آقای نوویکوف آمد به هتل من و گفت که کاسیگین باید روز بعد مرا ببیند و بنابراین خواهش می کند که سفر خودم را به تأخیر بیندازم. خوب نخست وزیر یک کشوری چنین چیزی را می گوید، ناچارم بپذیرم، بحث ندارد. روز بعد نزد آقای کاسیگین رفتم. البته او را پیش از آن هم دیده بودم، هم در شوروی و هم در ایران. او به من گفت که مایل است پیغامی را من به عرض اعلیحضرت برسانم که شوروی ها فکر می کنند که خیلی خوب خواهد بود که ایران با هندوستان و افغانستان و کشورهای دوست دیگر یک اتحادیه منطقه ای داشته باشند. من البته چون هیچ گونه دستورالعملی نداشتم، در شرایطی نبودم که کوچک ترین تفسیری در این مورد بکنم. گفتم من فقط می توانم هر نوع پیغامی که شما دارید را یادداشت بکنم و به اطلاع برسانم. چیزی که هست، آن موقع این مسئله خیلی روشن بود، چون در روزنامه ها من خوانده بودم که شوروی ها دست اندرکار این بودند تا آنجائی که میسر است میان همه کشورهای آسیائی که در گدراگرد چین هستند یک کمربند امنیتی ایجاد بکنند، و این را باید از یک جائی شروع بکنند. و به خاطر اینکه رابطه شان با ایران خیلی بهتر شده بود، به نسبت گذشته، به فکر این افتاده بودند که ایران و هندوستان را به جلو بیندازند و احياناً به خاطر ایران بتوانند پاکستان را از چین جدا بکنند، و بعد هم افغانستان که خودشان می توانستند برایش اقدام بکنند. در نتیجه اتحادیه ای در این منطقه علیه چین به وجود بیاید. این یک باری بود که چنین صحبتی شوروی ها با من کردند. ولی اصولاً کار من کار اقتصادی بود.

### ● این مطلبی که کاسیگین به شما گفت می خواست که

شما مستقیماً به عرض شاه برسانید نه به دولت؟  
– البته. می دانست که کی باید تصمیم بگیرد. و من همین کار را کردم و اعلیحضرت خیلی خوب روشن بودند که برای چی کاسیگین این حرف را می زند.

### ● واکنش شاه چه بود؟

– من دنبال نکردم. به خاطر اینکه کار من نبود. ولی چیز دیگری که در مورد رابطه با شوروی یادم افتاد به شما بگویم. وقتی برای قرارداد ذوب آهن به شوروی رفته بودم، در رسانه های گروهی شوروی خیلی درباره اش صحبت می کردند. تلویزیون مرتب فیلم مذاکرات را نشان می داد. در این زمان چند تن از ایرانی هائی که کمونیست بودند و به روسیه رفته بودند به هتل من آمدند و با حال نزاری درخواست کردند اگر میسر است ترتیبی بدهم که به ایران برگردند. من وقتی برگشتم به عرض اعلیحضرت رساندم و او هم کاملاً موافقت کرد و گفت که هیچ ایرادی ندارد و هیچ گونه کاری با آنها نخواهد داشت و می توانند برگردند. من هم موافقت اعلیحضرت را به اطلاع وزارت امور خارجه رساندم. متأسفانه مسئولان امر که می بایست این برنامه را اجرا بکنند جرأت نکردند دنبال این کار بروند.

### ● رابطه با کشورهای اروپای شرقی

● در مذاکراتتان با کشورهایی مثل رومانی و چکسلواکی و غیره، احساس شما در باره شیوه ای که آنها به ایران نگاه



رزمایش نیروهای سپاه پاسداران در جزیره «ابوموسی» در خلیج فارس / مرداد ۱۴۰۲

## آلمان و چند کشور اروپایی می خواهند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان های تروریستی قرار دهند

● **مجله آلمانی فوکوس «Focus»** روز دوشنبه ۲۷ مه (هفتم خرداد) گزارش داد، چندین کشور اتحادیه اروپا از جمله آلمان می خواهند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر اساس حکم دادگاه عالی ایالتی دوسلدورف به عنوان یک سازمان تروریستی طبقه بندی کنند. این موضوع روز دوشنبه در حاشیه نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل مطرح شده است.

● **به درخواست هیأت آلمانی اتحادیه اروپا، از جمله سرویس حقوقی شورای اتحادیه اروپا بررسی و تأیید کرد که حکم صادر شده در دادگاه دوسلدورف در ماه دسامبر ۲۰۲۳ می تواند به عنوان مبنایی جهت قرار دادن سپاه پاسداران در لیست تروریستی اتحادیه اروپا کافی باشد. حکم قاضی در آلمان حاکی از آن است که یک نهاد حکومتی جمهوری اسلامی دستور آتش زدن یک کتیبسه را در این کشور صادر کرده است.**

● **بر اساس اطلاعات محافل اتحادیه اروپا، اکنون چندین کشور اتحادیه اروپا از آغاز بررسی مراحل اولیه روندی که برای قرار دادن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی از سوی شورای اتحادیه اروپا لازم است حمایت می کنند.**

● **مجله آلمانی فوکوس «Focus»** روز دوشنبه ۲۷ ماه مه (هفتم خرداد) گزارش داد، چندین کشور اتحادیه اروپا از جمله آلمان می خواهند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر اساس حکم دادگاه عالی ایالتی دوسلدورف به عنوان یک سازمان تروریستی طبقه بندی کنند. این موضوع روز دوشنبه در حاشیه نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل مطرح شده است.

● **به درخواست هیأت آلمانی اتحادیه اروپا، از جمله سرویس حقوقی شورای اتحادیه اروپا بررسی و تأیید کرد که حکم صادر شده در دادگاه دوسلدورف در ماه دسامبر ۲۰۲۳ می تواند به عنوان مبنایی جهت قرار دادن سپاه پاسداران در لیست تروریستی اتحادیه اروپا کافی باشد. حکم قاضی در آلمان حاکی از آن است که یک نهاد حکومتی جمهوری اسلامی دستور آتش زدن یک کتیبسه را در این کشور صادر کرده است.**

● **اسرائیل مدت هاست که از اتحادیه اروپا خواسته است تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان های تروریستی قرار دهد. این موضوع پس از حمله گروه حماس به اسرائیل در «هفت اکتبر» به اسرائیل که با پشتیبانی جمهوری اسلامی صورت گرفت بار دیگر تکرار شد. ایالات متحده آمریکا نیز چند بار یادآوری کرده که به اروپا توصیه کرده تا این اقدام را انجام دهد.**

● **بر اساس اطلاعات محافل اتحادیه اروپا، اکنون چندین کشور اتحادیه اروپا از آغاز بررسی مراحل اولیه روندی که**

→ **هائی بدهد که معروف شد به بهار پراگ، ولی خوب این دیری نپایید و شوروی ها شروع کردند به بسیج نیروهای خودشان و کشورهای دست نشانده خودشان. با رومانی ها هم تماس گرفته بودند، که البته رومانی مایل نبود در هجوم به چکسلواکی شرکت بکند. در نتیجه در این زمینه مایل بود که با من صحبت بکند. هیچ وقت خاطر نمی رود به من گفت که کمونیسم به آن صورتی که شوروی ها رهبری اش می کنند، محکوم است و متحجر است. و باز یادآوری کرد که خودش را یک کمونیست می داند، و برای اینک کمونیست باقی ماند، ناچار است که مرتب درخواست بکند از پاریس آخرین کتابهایی را که درباره فلسفه مارکسیستی چاپ می شود برایش بفرستند. چون این تنها راهی است که او بتواند یک مارکسیست واقعی باقی ماند. ولی اگر بخواهد صرفاً پیروی از حرفهایی که شوروی ها می زنند بکند، این با هیچ گونه عقلی جور در نمی آید، رفتار شوروی ها از نقطه نظر او خلاف تمام اصول مارکسیستی است. این خاطره ای است که از آن روز داشتم.**

● **خیلی جالب است. به صورت درد دل به شما گفت، یا اینکه میخواست این موضوع را به ایران گزارش بکنید که شاید از آن طریق اتفاق دیگری بیفتد؟**

– نه، مایل بود هم درد دل بکنم، هم من به عرض اعلیحضرت برسانم، که رساندم. البته هنگامی که به ایران بازگشتم و گفتگوی با ماور را به اعلیحضرت و نخست وزیر گزارش دادم، دیگر دیر بود. چند روز بعدش شوروی به چکسلواکی حمله کرد. ولی از این گذشته، او فکر نمی کرد که ایران بتواند نقشی بازی بکند. مایل بود که ما بدانیم چه خبر است. البته پیش از آن، یعنی سال پیشش وقتی که ما در ۱۹۶۷ به همراهی اعلیحضرت همایونی رفتیم به چکسلواکی، آنجا کاملاً محسوس بود که آنها دچار مشکل هستند و نمی توانند جلو بروند. من یکی از خاطره انگیزترین تجربیاتم با کشورهای بلوک شرق اتفاقاً آن سال در چکسلواکی بود، برای اینکه وزیر صنایع چکسلواکی که...

● **این قبل از دویچک است؟ یعنی هنوز نووتنی دبیر کل است؟**

– بله، قبل از دویچک و زمان نووتنی است. وزیر صنایع چکسلواکی که سالها او را می شناختم به من گفت که ما دو سال است که دچار رکود مطلق اقتصادی شده ایم. حرف او برای این خیلی جالب بود که یکی از ادعاهای کمونیست ها همیشه این بوده که در آن سیستم رکود وجود ندارد و بطور دائم توسعه و پیشرفت به جلو است. ولی، در عمل، برای یک کشور بسیار صنعتی و پیشرفته مثل چکسلواکی، که بدشانسی آورده بود و به دست شوروی ها افتاده بود، پس از مدتی دیگر هیچ گونه امکان توسعه اقتصادی وجود نداشت و وضع فوق العاده بدی داشتند. بنابراین این نارضائی که به دویچک کشانده شد خیلی روشن بود. هرکسی که با مقام های چکسلواکی تماس می گرفت آن را کاملاً حس می کرد. آن موقع در روزنامه های غرب همه جا صحبت از وضع بد چکسلواکی بود. خوب خاطر هست که حتی نووتنی دبیر کل حزب کمونیست چکسلواکی، که در ضمن رئیس جمهور بود و میزبان اعلیحضرت و در جلسه هایی که داشتیم مرتب او را می دیدم، کاملاً در چشمهای او شما می توانستید احساس ترس و نگرانی را ببینید. تنها شانسش این بود که در آن موقع به خاطر اینکه شاه آنجا بود، می دانست اتفاقی نمی افتد، درست پس از اینکه ما از آن کشور خارج شدیم، جلسه حزب کمونیست تشکیل شد و او را از سر کار برداشتند. (ادامه دارد)

# جمهوری اسلامی ذخایر اورانیوم ممنوعه را افزایش داده آمریکا: فشارها را افزایش می‌دهیم!



جمهوری اسلامی ایران اسفند سال ۱۳۹۸ اعلام کرد که در حال آزمایش روزی نسل جدیدی از سانتریفیوژهاست که قدرت غنی‌سازی بیشتری با حجم بالاتر دارند

افزایش ذخایر اورانیوم ممنوعه در ایران در شرایطی است که پس از درگیری‌های مستقیم میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، کمال خرازی مشاور علی خامنه‌ای و رئیس شورای راهبردی روابط خارجی در مصاحبه با الجزیره تهدید کرد «اگر موجودیت ما تهدید شود ناچاریم دکتین هسته‌ای خود را تغییر دهیم!»

اگرچه مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نسبت به اینگونه تهدیدات به تهران هشدار داد، اما عباس عراقچی دبیر شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی که در دولت حسن روحانی نماینده حکومت در مذاکرات اتمی با غرب بود، یکشنبه ۲۶ ماه مه (۶ خرداد) در رابطه با حمله هفت اکتبر حماس به اسرائیل موسوم به «طوفان الاقصی» گفت: «یکی از آثار عملیات طوفان الاقصی که بسیار هم مهم است، افزایش تنش‌های هسته‌ای به دلیل تهدیدات هسته‌ای اسرائیل است.»

به گفته وی «تهدیدهای اسرائیل دیگران را مجبور می‌کند که در موضع هسته‌ای خود بازنگری کنند.» عباس عراقچی به حمله تلافی‌جویانه اسرائیل به پایگاه هشتم شکاری اصفهان در نزدیکی تأسیسات هسته‌ای اشاره کرد و افزود که این حمله خطرات موجود را نشان داد. خبرگزاری رویترز روز جمعه ۲۴ ماه مه (چهارم خردادماه) به نقل از دیپلمات‌ها گزارش داد ایالات متحده و سه متحد اصلی اروپایی آن بر سر چگونگی مقابله با برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی از طریق پیگیری قطعنامه علیه رژیم ایران در شورای امنیت، اختلاف دارند. در واقع دولت بایدن با صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی مخالف است.

مذاکرات برنامه‌ریزی شده بین آژانس و ایران را در مورد همکاری بهتر تهران با بازرسان هسته‌ای باز به تأخیر انداخته است. همچنین گفته شده که پس از این سانحه مذاکرات متوقف شده است.

مدیرکل آژانس گفته «از حل نشدن مشکلات قدیمی مربوط به مقررات پادمانی در تأسیسات ایران متأسف است.» این مسئله مربوط به عدم پاسخ جمهوری اسلامی به دلیل وجود آثار اورانیوم غنی شده در برخی تأسیسات اتمی است.

**ابراز نگرانی آمریکا: فشارها را افزایش می‌دهیم**  
در واکنش به افزایش ذخایر اورانیوم ممنوعه در ایران، یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت که واشنگتن از «تداوم تولید اورانیوم غنی‌سازی شده با درصد بالا در ایران» نگران است.

وی در پاسخ به پرسش «صدای آمریکا» با اشاره به اینکه وزارت خارجه در مورد جزئیات گزارش‌های آژانس که علنی نشده‌اند اظهار نظر نمی‌کند، گفت، «ما همچنان نگران ادامه توسعه برنامه هسته‌ای ایران به شیوه‌هایی هستیم که هیچ هدف غیرنظامی معتبری ندارد، از جمله تداوم تولید اورانیوم بسیار غنی‌شده است.»

این مقام رسانه‌ای وزارت خارجه آمریکا با تأکید بر اینکه واشنگتن می‌داند همکاری تهران با آژانس «به شدت ضعیف» است، افزود: «ما همچنان بطور کامل از تلاش‌های این نهاد نظارت هسته‌ای سازمان ملل متحد و مدیرکل آن، رافائل گروسی، حمایت می‌کنیم.»

● آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی که روز دوشنبه ۲۷ ماه مه (هفتم خرداد) به اعضای شورای حکام ارائه داد، اعلام کرد که ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران اکنون به ۱۴۲/۱ کیلوگرم رسیده که نسبت به آخرین گزارش آژانس، حدود ۲۰/۶ کیلوگرم افزایش یافته است.

● در گزارش آژانس آمده که مرگ ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللهیان در سانحه سقوط هلی‌کوپتر، مذاکرات برنامه‌ریزی شده بین آژانس و ایران را در مورد همکاری بهتر تهران با بازرسان هسته‌ای باز به تأخیر انداخته است. همچنین گفته شده که پس از این سانحه مذاکرات متوقف شده است.

● عباس عراقچی دبیر شورای راهبردی روابط خارجی می‌گوید، تهدید هسته‌ای اسرائیل کشورهای منطقه را ناچار به تجدید نظر در دکتین هسته‌ای می‌کند.

--یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به «صدای آمریکا» گفت واشنگتن از تداوم تولید اورانیوم غنی‌سازی شده با درصد بالا در ایران نگران است و با شرکای اروپایی خود هماهنگ است و فشارها را افزایش خواهند داد.

در آستانه برگزاری نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رافائل گروسی مدیرکل این آژانس در گزارشی محرمانه اعلام کرد، جمهوری اسلامی ذخایر اورانیوم غنی شده را تا سطح نزدیک به درجه تسلیحات افزایش داده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی که روز دوشنبه ۲۷ ماه مه (هفتم خرداد) به اعضای شورای حکام ارائه داد، اعلام کرد ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران اکنون به ۱۴۲/۱ کیلوگرم رسیده که نسبت به آخرین گزارش آژانس، حدود ۲۰/۶ کیلوگرم افزایش یافته است.

کارشناسان آژانس می‌گویند اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد درواقع یک گام تا اورانیوم ۹۰ درصدی که برای ساخت سلاح اتمی نیاز است فاصله دارد و جمهوری اسلامی هیچ توجیه معتبر غیرنظامی برای این سطح از غنی‌سازی اورانیوم ندارد. بر اساس گزارش آژانس، ذخایر کلی اورانیوم غنی شده ایران در حال حاضر بیش از ۶۲۰۰ کیلوگرم است که نسبت به گزارش قبلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۶۷۵ کیلوگرم افزایش پیدا کرده است.

رافائل گروسی مدیرکل این نهاد در ماه‌های اخیر بارها هشدار داد که جمهوری اسلامی اورانیوم کافی برای ساخت سه سلاح اتمی در اختیار دارد. وی همچنین به شورای حکام اعلام کرده که آژانس نمی‌تواند تضمین کند که برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی صرفاً صلح‌آمیز است.

برای ساخت یک کلاهک هسته‌ای حدود ۵۰ کیلوگرم اورانیوم با غلظت بیشتر از ۹۰ درصد نیاز است. به گفته گروسی، جمهوری اسلامی نه چند ماه بلکه چند هفته تا دستیابی به سلاح اتمی فاصله دارد.

در بخشی از گزارش اخیر آژانس آمده که مرگ ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللهیان در سانحه سقوط هلی‌کوپتر،

## سردار پاسدار محمدباقر قالیباف؛ «خیر الموجدین» برای خامنه‌ای!

و حتی کار به تخریب قالیباف از سوی برخی منتخبان نیز کشیده بود. حاشیه‌سازی‌های زودهنگام اما، تذکر رهبر معظم انقلاب را نیز به‌همراه داشت.

در ادامه این مطلب آمده «اگرچه طی هفته‌های اخیر و بعد از تکمیل ترکیب مجلس دوازدهم به دنبال برگزاری دور دوم انتخابات، رایزنی‌ها و گمانه‌زنی‌ها میان طیف‌های مختلف اصولگرایی برای ریاست مجلس ادامه داشت، اما رأی قاطع نمایندگان به ریاست قالیباف، نقطه پایانی بود بر برخی جنجال‌های سیاسی روزهای اخیر.»

«کیهان لندن» نیز در همین ارتباط نوشت که به نظر می‌رسد به دلیل شکاف عمیق میان جریان اصولگرا که به مجلس دوازدهم هم رسیده، علی‌خامنه‌ای ترجیح داده یکی از نیروهای مورد اعتمادش سکنداری مجلس شورای اسلامی را به عهده بگیرد. به ویژه اینکه با مرگ رئیسی در عمل دولت نیز بی‌صاحب مانده و تا پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم که قرار است هشتم تیرماه برگزار شود، رهبر جمهوری اسلامی شرایطی بحرانی در پیش رو دارد.

گزارش کیهان لندن افزوده که اگر دو دهه پیش قوای سیاسی درون حکومتی حول دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا معنا پیدا می‌کرد، امروز رهبر جمهوری اسلامی با جریان‌های سیاسی در هم تنیده و مختلفی روبروست که در سال‌های گذشته با تکیه بر رانت و به غنیمت گرفتن بخشی از منابع کشور، فربه شده و حالا هر یک مدعی کسب و تثبیت قدرت خود در سطوح بالای حکومت هستند.

به هر حال مرگ رئیسی سبب بی‌صاحب شدن دولت شده است؛ همزمان مرگ حسین امیر عبدالهیان وزیر امور خارجه نیز پیشبرد مذاکراتی که پشت پرده با ایالات متحده در جریان بود را تحت تأثیر قرار داده است. در چنین شرایطی مشخص است که رهبر جمهوری اسلامی دست‌کم تلاش کند جو مجلس شورای اسلامی را آرام و به ظاهر یک‌صدا نگه دارد تا هشتم تیرماه انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم برگزار شود و او چیدن مهره‌ها در دولت جدید حکومت‌اش را پیش برد.

در این میان، یکی از حاشیه‌های انتخابات روز گذشته مجلس شورای اسلامی شمار «آرای باطله» بود؛ پدیده‌ای که در انتخابات ریاست جمهوری پیشین و انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی به «رقیب»‌ی جدی برای نامزدهای انتخاباتی تبدیل شده و بسیاری از آنها در مقابل «آرای باطله» شکست خوردند!

در انتخابات روز گذشته مجلس شورای اسلامی نیز ۲۴ نماینده برابر با ۸/۵ درصد نمایندگان «آرای باطله» دادند. خیرگزاری «مهر» در ارتباط با همین پدیده در مطلبی با عنوان «رأی باطله را عادی‌سازی نکنید!» نوشته روز گذشته در اولین رأی‌گیری مجلس دوازدهم حدود ۸/۵ درصد نمایندگان رأی باطله دادند! انتخاب بر سر ریاست مجلس بود و نامزدهای این مسئولیت، «محمدباقر قالیباف»، «حجت‌الاسلام مجتبی ذوالنوری» و «منوچهر متکی» بودند. این مطلب افزوده «در انتخابات‌های اخیر با افزایش سید «آرای باطله» در میان مردم مواجه بوده‌ایم و حالا پای این ماجرا به حوزه فعالیت زمامداران سیاست کشور نیز باز شده است. نگاهی به انتخابات‌های گذشته مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد این موضوع در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده است.»



در گفتگو با رسانه‌های داخلی مطرح شده است. غلامرضا نوری‌قرلجه گفته «دلیل رای بالای قالیباف برای ریاست پارلمان، نظر مثبت فراکسیون مستقلین بود. قالیباف رسماً اعلام کرد در پارلمان می‌ماند و هرگز کاندیدای ریاست جمهوری نخواهد شد. فراکسیون مستقلین در حال حاضر قدرتمندترین فراکسیون مجلس دوازدهم محسوب می‌شود و تمایل اعضای او به ریاست قالیباف، او را وارد پنجمین سال ریاستش کرد.»

مسعود پزشکیان نیز در گفتگو با روزنامه «اعتقاد» با اشاره به تأثیر «فراکسیون مستقلین» در گزینش قالیباف گفته «به این فراکسیون دیگر نمی‌توان عنوان فراکسیون اقلیت گفت.» وی همچنین مدعی شد: «گروهی بسیار تعیین‌کننده در مجلس دوازدهم هستند که کنشگری آنها مبتنی بر مطالبات مردم و منافع ملی است!»

او با اشاره به انتخابات هیئت رئیسه مجلس که دپروز برگزار شد، گفته «گمان می‌کنم اگر رأی مستقلین نبود، قالیباف هرگز یک چنین رایی را نمی‌آورد. در صورت عدم مشارکت مستقلین و اصلاح‌طلبان در رای به قالیباف احتمال داشت انتخابات هیئت رئیسه به دور دوم کشیده و مشکلات بسیاری ایجاد شود. اتفاقاً رفتار مستقلین و نوع رأی دادن آنها نشان داد که در مجلس دوازدهم تعیین‌کننده خواهند.»

اینهمه در حالیست که خبرهای غیررسمی از دخالت علی‌خامنه‌ای در این گزینش حکایت دارد؛ اخباری که از سوی روزنامه «همشهری» نیز مورد اشاره قرار گرفته است. روزنامه «همشهری» در سرمقاله امروز خود نوشته که «قالیباف در شرایطی بار دیگر برای ریاست مجلس از نمایندگان رأی مثبت گرفت که از نخستین روزهای پس از برگزاری دور نخست انتخابات مجلس در ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲ گمانه‌زنی‌ها درباره رئیس مجلس دوازدهم آغاز شده

● در حالی که پیش‌بینی می‌شد محمدباقر قالیباف شانس بالایی برای پیروزی در انتخابات هیئت رئیسه و رسیدن به کرسی ریاست مجلس دوازدهم نداشته باشد، او با ۱۹۸ رأی به کرسی ریاست مجلس شورای اسلامی رسید. ● در ساعاتی مانده به برگزاری انتخابات هیئت رئیسه، محمدباقر قالیباف و «فراکسیون مستقلین» که برخلاف عنوان‌اش اصلاً مستقل نیست، ائتلاف کردند. ● به دلیل شکاف عمیق میان جریان اصولگرا که به مجلس دوازدهم هم رسیده، علی‌خامنه‌ای ترجیح داده یکی از نیروهای مورد اعتمادش سکنداری مجلس شورای اسلامی را به عهده بگیرد.

یک نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید محمدباقر قالیباف گزینه آرمانی نبود اما «خیرالموجدین» بود. رهبر جمهوری اسلامی برای نظم دوباره بخشیدن به ساختار حکومت‌اش با توجه به تغییر مجلس از دوره یازدهم به دوازدهم، مرگ رئیس دولت و وزیر امور خارجه، و همچنین نیمه‌کاره ماندن مذاکرات پشت پرده با آمریکا، به دنبال کنترل بیش از پیش قوای حکومت است.

محمدباقر قالیباف در حالی که پیش‌بینی می‌شد شانس بالایی برای پیروزی در انتخابات هیئت رئیسه و رسیدن به کرسی ریاست مجلس دوازدهم نداشته باشد اما با ۱۹۸ رأی به کرسی ریاست مجلس شورای اسلامی رسید.

خبرها حاکی از آن است که در ساعاتی مانده به برگزاری انتخابات هیئت رئیسه، محمدباقر قالیباف و «فراکسیون مستقلین» ائتلاف کردند. او در این انتخابات تنها دو رقیب، مجتبی ذوالنور و منوچهر متکی، داشت.

افرادی چون مسعود پزشکیان، غلامرضا نوری قرلجه، مهرداد لاهوتی، احمد بخشایش، غلامرضا تاج‌گردون، فتح‌الله توسلی، محمد باقری بناب، علاءالدین بروجردی، مریم عبداللهی و سید فرید موسوی از جمله چهره‌های شناخته شده «فراکسیون مستقلین» مجلس شورای اسلامی هستند.

اعضای این فراکسیون البته با وجود عنوان «مستقلین» اما اصلاً مستقل نیستند. افرادی چون مسعود پزشکیان، غلامرضا تاج‌گردون، سید فرید مدرسی و غلامرضا نوری قرلجه از جمله نمایندگان اصلاح‌طلب حاضر در این کمیسیون و نمایندگان دیگری چون فتح‌الله توسلی و علاءالدین بروجردی از چهره‌های اصولگرای آن هستند.

مصطفی پوردهقان، نماینده اردکان در مجلس شورای اسلامی و از اعضای «فراکسیون مستقلین» در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» گفته «از میان گزینه‌های موجود، قالیباف «خیر الموجدین» بود و حتما سهم بالایی از آرای اعلامی قالیباف مربوط به آرای مستقلین بود.»

او ائتلاف لحظه آخری قالیباف با «مستقلی»‌ن را عامل مهمی در رسیدن قالیباف به ریاست مجلس دوازدهم ارزیابی کرده و توضیح داده «جلسه‌ای که دوشنبه شب برگزار شد و صحبت‌هایی که دوستان کردند، بحث بر روی این بود که شاید گزینه‌های موجود خیلی آرمانی برای مستقلین نباشند اما از میان گزینه‌های موجود، قالیباف خیرالموجدین بود و حتما سهم بالایی از آرای اعلامی قالیباف مربوط به آرای مستقلین بود. البته همکاران در فراکسیون‌های دیگر انتظار این عدد بالا را نداشتند، لذا خود همین عدد نشان می‌دهد که سهم فراکسیون مستقلین بالا بود.»

این موضوع از سوی چند عضو دیگر این فراکسیون نیز



## اخراج عوامل رسانه‌ای «بعثه خامنه‌ای» از عربستان



پیمان جبلی رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی در جمع اخراجی‌های بعثه خامنه‌ای

«می‌شود با این دشمن با روی خوش برخورد کرد. نمی‌شود با آنها باملایمت رفتار کرد». او اضافه کرد که «اگر کسی با اینها دست دوستی داد، این ست‌مگر است، ظالم است.»

تمامی اشارات تلویحی علی خامنه‌ای به سیاست عادی ساختن روابط کشورهای عربی به ویژه عربستان و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس با اسرائیل است که با نام «پیمان ابراهیم» پیش برده می‌شود و جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را به کار گرفته تا این تلاش شکست بخورد.

اکنون نیز تأکید بر «حج براءت» از سوی رهبر رژیم بر اساس همین سیاست صورت می‌گیرد. گفته می‌شود «براءت از مشرکین» برگرفته از «قرآن» است اما اجرای آن در مراسم حج مانند «روز قدس» جزو میراث روح‌الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی است که مانند دیگر سیاست‌های وی تنها به درگیری و تنش در منطقه و اختلافات بین ساکنان این منطقه دامن زده و سال‌هاست که این درگیری‌ها به کشورهای غربی و دموکراسی‌ها نیز کشیده شده است. این روزها در ارتباط با جنگ غزه و جنگ اسرائیل علیه حماس و همچنین رویدادهای پس از کشته شدن ابراهیم رئیسی و چند تن از مقامات رژیم در سقوط هلی‌کوپتر (۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳) شاهد صحنه‌هایی در قلب کشورهای غربی هستیم که زمانی محدود به جمهوری اسلامی و خیابان‌های ایران بودند!

برخی کارشناسان معتقدند با توجه به شرایط ملتهب منطقه، جمهوری اسلامی به دنبال ایجاد کانون‌های جدید سیاسی و امنیتی در مقابل فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی است. روابط تهران و ریاض پس از حمله بسیجی‌ها به سفارت و کنسولگری این کشور در تهران و مشهد، در ۱۲ دی‌ماه ۱۳۹۴ قطع شد. پس از حدود هفت سال اختلاف و جدال دو کشور با میانجیگری چین از اسفند ۱۴۰۱ مناسبات خود را از سر گرفتند.

شش خبرنگار و مستندساز بودند که سه‌شنبه هفته پیش در حال ضبط تلاوت قرآن در مسجدالنبی دستگیر و پس از چند ساعت بازجویی و بدون اعلام دلیل به بازداشتگاه پلیس مرکزی مدینه منتقل شدند.»

صداوسیما جمهوری اسلامی گزارش داد، اخراج «گروه رسانه‌ای بعثه ایران» در حالی اتفاق افتاد که «پیگیری‌های وزارت خارجه و نمایندگی ولی‌فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی و سفیر ایران در عربستان» برای آزادی این افراد در جریان بود.»

پیمان جبلی رئیس سازمان صداوسیما حکومت در فرودگاه «خمینی» از افراد اخراج شده از عربستان استقبال کرد. وی در این ارتباط گفت، «از علت بازداشت این عزیزان و بازگرداندن آنها به کشور بی‌اطلاع هستیم... مراحل قانونی پیگیری این موضوع انجام خواهد شد.»

بعضی منابع نوشته‌اند تعداد اخراجی‌ها هشت نفر بوده است. گفته شد سلیم غفوری قائم‌مقام معاون سیمای دولتی و مهدی مویدی مدیر تأمین و تولید برنامه اداره کل تأمین و تولید «تلویزیون تعاملی صداوسیما» نیز جزو بازداشتی‌ها بوده‌اند. رسانه‌های عربستان تا زمان تنظیم این گزارش اشاره‌ای به اخراج عوامل رسانه‌ای جمهوری اسلامی از آن کشور نکرده‌اند.

مشخص نیست این افراد واقعاً خبرنگار و مستندساز هستند یا نه و فقط در این پوشش به عربستان اعزام شده بودند چرا که این سابقه وجود دارد که عوامل جمهوری اسلامی در پوشش خبرنگار و روزنامه‌نگار در کشورهای دیگر دست به اقدامات امنیتی می‌زنند.

رهبر جمهوری اسلامی ۱۷ اردیبهشت‌ماه در دیدار با شماری از کارگزاران مراسم حج گفته بود، «بنده عرض می‌کنم امسال حج ما، حج براءت است.»

علی خامنه‌ای در مورد اسرائیل و ایالات متحده گفت که

● دولت عربستان شش نفر از اعضای گروه رسانه‌ای «بعثه خامنه‌ای» را در شهر مدینه بازداشت و سپس اخراج کرده است. این شش نفر سه‌شنبه شب هفتم خردادماه «بدون انجام اعمال حج» از عربستان اخراج شدند. بعضی منابع نوشته‌اند تعداد اخراجی‌ها هشت نفر بوده است.

● پیمان جبلی رئیس سازمان صداوسیما حکومت در فرودگاه «خمینی» از افراد اخراج شده از عربستان استقبال کرد. وی در این ارتباط گفت، «از علت بازداشت این عزیزان و بازگرداندن آنها به کشور بی‌اطلاع هستیم... مراحل قانونی پیگیری این موضوع انجام خواهد شد.»

● مشخص نیست این افراد واقعاً خبرنگار و مستندساز هستند یا نه و فقط در این پوشش به عربستان اعزام شده بودند چرا که این سابقه وجود دارد که عوامل جمهوری اسلامی در پوشش خبرنگار و روزنامه‌نگار در کشورهای دیگر دست به اقدامات امنیتی می‌زنند.

● رهبر جمهوری اسلامی ۱۷ اردیبهشت‌ماه در دیدار با شماری از کارگزاران مراسم حج گفته بود، «بنده عرض می‌کنم امسال حج ما، حج براءت است.» گفته می‌شود «براءت از مشرکین» برگرفته از «قرآن» است اما اجرای آن در مراسم حج مانند «روز قدس» جزو میراث روح‌الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی است که مانند دیگر سیاست‌های وی تنها به درگیری و تنش در منطقه و اختلافات بین ساکنان این منطقه دامن زده و سال‌هاست که این درگیری‌ها به کشورهای غربی و دموکراسی‌ها نیز کشیده شده است.

دولت عربستان شش نفر از اعضای گروه رسانه‌ای «بعثه خامنه‌ای» را در شهر مدینه بازداشت و سپس اخراج کرده است. این شش نفر سه‌شنبه شب هفتم خردادماه «بدون انجام اعمال حج» از عربستان اخراج شدند.

رسانه‌های داخلی ادعا کردند «این گروه رسانه‌ای شامل

## کمیته حقیقت یاب سازمان ملل:

## «نقض حقوق بشر» توسط حکومت تحت الشعاع مرگ رئیسی قرار نگیرد!



سیدابراهیم رئیسی و سیدعلی خامنه‌ای

جمهوری اسلامی و مرتکبان جنایت علیه بشریت رسیدگی شود.

«کمپین حقوق بشر در ایران» روز گذشته با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که حاکمیت جمهوری اسلامی نباید از مرگ ابراهیم رئیسی برای سرکوب و خشونت بیشتر علیه جامعه مدنی و مخالفان صلحجوی مردمی سوء استفاده کند.

هادی قائمی مدیر کمپین حقوق بشر ایران گفته است «در حالی که دولت تلاش دارد تا قدرت خود را حفظ کند، جامعه بین‌المللی باید مراقب هرگونه تشدید احتمالی سرکوب جامعه مدنی در ایران باشد و به آن واکنش نشان دهد.»

هادی قائمی تأکید کرده که «رئیس ستون نظامی بود که مردم را به خاطر جرأت انتقاد از سیاست‌های حکومت زندانی، شکنجه و کشتار می‌کرد. مرگ او این امکان را برای حاکمیت فراهم کرده تا از پاسخگویی به جنایات بسیاری که تحت دولت او صورت گرفته بگریزد.»

ابراهیم رئیسی یکی از اعضای هیئتی معروف به «هئیت مرگ» بود که در تابستان ۱۳۶۷ احکام اعضای آن سبب اعدام هزاران فعال سیاسی مخالف و منتقد جمهوری اسلامی شد.

حسینعلی نیری، حاکم شرع، سید علیرضا آوایی، وزیر دادگستری، مصطفی پورمحمدی، نماینده وزارت اطلاعات و محمدحسین احمدی از دیگر اعضای این هیئت بودند.

ابراهیم رئیسی همچنین در دهه شصت و در بحبوحه سرکوب فعالان سیاسی و دگراندیشان توسط جمهوری اسلامی سیمت‌هایی مانند دادستان کرج و همدان و دادستان انقلاب تهران را بر عهده داشته و از جمله مهره‌های مهم دستگاه سرکوب قضایی در جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت.

ناید مطالبه پاسخگویی را از قربانیان «میراث شوم» حقوق بشری او سلب کند.

شاهزاده رضا پهلوی نیز در پیامی نوشت: «ابراهیم رئیسی یک جنایتکار علیه بشریت و یکی از بی‌رحم‌ترین و بدنام‌ترین سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی بود. او از همان نخستین سال‌های روی کار آمدن این رژیم، در کسب و کار مرگ و اعدام و جنایت بود، و دستاوردش آغشته به خون هزاران هزار ایرانی. بی‌جهت نیست که ملت ایران و به‌ویژه خانواده‌های قربانیان رئیسی، امروز از مرگ وی شادمانند و شاید تنها افسوس‌شان این است که او سقوط جمهوری اسلامی را ندید و برای جرم و جنایت‌هایش محاکمه نشد.»

انجمن خانواده‌های جانباختگان پرواز پی‌اس ۷۵۲ با صدور بیانیه‌ای نوشتند ما خواستار محاکمه و مجازات او در دادگاهی عادلانه بودیم تا به جرائم خود اعتراف کند و طعم مجازات را بچشد. این فرصت از ما گرفته شد اما باید گفت از مرگ او متأسف نیستیم. ما قاتلین فرزندان ایران را نه فراموش می‌کنیم و نه می‌بخشیم.

در این بیانیه آمده بود که «در شب هجدهم دی‌ماه ۱۳۹۸ ابراهیم رئیسی از اعضای شورای عالی امنیت ملی در حکومت اسلامی بود. او نه تنها در باز گذاشتن آسمان ایران و شلیک به پرواز PS752 نقش داشت بلکه از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تقدیر کرد و به عنوان رییس قوه قضاییه تمام تلاش‌اش را به کار بست تا تلاش خانواده‌ها در ایران برای یافتن حقیقت با بن‌بست مواجه شود.»

سازمان حقوق بشر ایران نیز در گزارشی نوشت که مرگ رئیسی به معنای بسته شدن پرونده جنایاتش نیست. این سازمان ابراز امیدواری کرده بود که که روزی در دادگاه صالح، به کارنامه‌ی او نیز در کنار کارنامه‌ی سایر مسئولان

● سارا حسین با محکوم کردن سیاست‌های سرکوبگرانه و نقض قوانین بین‌المللی توسط جمهور اسلامی، خواهان پایان دادن به محدودیت‌های حکومتی علیه زنان ایران شد.

● بسیاری از فعالان حقوق بشر و شهروندان آسیب‌دیده از اقدامات سرکوبگرانه ابراهیم رئیسی، از اینکه فرصت نشد او در دادگاهی عادل، مجازات شود و پاسخگوی اعمال خود باشد ابراز تأسف کرده‌اند.

● ابراهیم رئیسی یکی از اعضای هیئتی معروف به «هئیت مرگ» بود که در تابستان ۱۳۶۷ احکام اعضای آن سبب اعدام هزاران فعال سیاسی مخالف و منتقد جمهوری اسلامی شد.

سارا حسین، رئیس کمیته حقیقت‌یاب مستقل سازمان ملل، در نامه‌ای تأکید کرده مرگ ابراهیم رئیسی نباید رسیدگی به نقض حقوق بشر در ایران را تحت الشعاع قرار دهد.

سارا حسین در نامه‌ای سرگشاده، نسبت به احتمال اثرگذاری مرگ رئیسی بر «نقض جدی حقوق بشر و نقض قوانین بین‌المللی» توسط حکومت ایران هشدار داده است و تأکید کرده که جمهوری اسلامی نقش حقوق بشر در ایران، به ویژه علیه زنان و دختران را به مرحله‌ای وخیم رسانده است.

سارا حسین در ادامه نامه خود با محکوم کردن سیاست‌های سرکوبگرانه و نقض قوانین بین‌المللی توسط جمهور اسلامی، خواهان پایان دادن به محدودیت‌های حکومتی علیه زنان ایران شد.

کمیته حقیقت‌یاب مستقل سازمان ملل مدتی پس از سرکوب خونبار شهروندان معترض توسط جمهوری اسلامی در اعتراضات جنبش ملی سال ۱۴۰۱ آغاز به کار کرد.

این کمیته اواخر آذرماه ۱۴۰۱ از سوی توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تشکیل و مأموریت یافت تا حقایق درباره سرکوب شهروندان به ویژه زنان و کودکان در جریان اعتراضات جنبش ملی را پیگیری و جمع‌آوری کند.

سارا حسین از بنگلادش، شهین صدرعلی از پاکستان و ویوین کرسٹیچویچ از آرژانتین سه عضو اصلی این کمیته هستند. سارا حسین ریاست این کمیته را بر عهده دارد.

این کمیته در آخرین گزارش خود تأکید کرده بود که جمهوری اسلامی در سرکوب شهروندان، ناقض آشکار حقوق بشر بوده و برخی اقدامات سرکوبگرانه حکومت، «مصادق جنایت علیه بشریت» بوده است.

ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم جمهوری اسلامی، حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر امور خارجه، به همراه امام جمعه تبریز روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت و در راه بازگشت از مراسم افتتاح پروژه سد «قیز قلعه سی» در مرز جمهوری باکو، بر اثر سقوط بالگرد کشته شدند.

بسیاری از فعالان حقوق بشر و شهروندان آسیب‌دیده از اقدامات سرکوبگرانه ابراهیم رئیسی، از اینکه فرصت نشد او در دادگاهی عادل، مجازات شود و پاسخگوی اعمال خود باشد ابراز تأسف کرده‌اند.

همزمان با برگزاری مراسم تشییع جنازه ابراهیم رئیسی، سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرد که مرگ رئیس جمهور سابق

## «علی شمخانی مسئول پرونده هسته‌ای شده»؛ مانور انتخاباتی یا وقت‌گشی در مذاکرات؟



علی شمخانی دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی

برگزاری نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دیپلمات‌ها می‌گویند که آمریکا و سه متحد اصلی اروپایی آن بر سر چگونگی مقابله با برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی از طریق پیگیری قطعنامه علیه رژیم ایران در شورای امنیت، اختلاف دارند. جریان‌های رسانه‌ای همسو با جمهوری اسلامی در خارج کشور موج تازه‌ای از تبلیغات به راه انداخته‌اند آنهم با این مضمون که مرگ رئیسی و امیرعبداللهیان احتمال تغییر سیاست‌های اتمی جمهوری اسلامی را افزایش می‌دهد! در حالی که بطور کلی رئیس دولت و وزیر خارجه و بطور خاص این دو نفر نقشی در تصمیم‌گیری‌های کلان به ویژه درباره برنامه اتمی جمهوری اسلامی نداشته‌اند. اما این رسانه‌ها با جوسازی و تبلیغات و حواله دادن به موضوع کشته شدن رئیسی و امیرعبداللهیان و تعیین رئیس جمهور و وزیر خارجه جدید، تلاش می‌کنند بار دیگر برای جمهوری اسلامی زمان بخرند و وقت‌گشی کنند. به گزارش خبرگزاری‌های خارجی دو دیپلمات گفته‌اند، در مذاکراتی که با هدف بهبود همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام شد، تهران این هفته به آژانس مستقر در وین گفت تا زمانی که جانشین رئیسی معلوم نشود، مذاکره نخواهد کرد.

در شبکه‌های اجتماعی برخی کاربران نوشته‌اند مرگ رئیسی و امیرعبداللهیان فرصتی شد تا شمخانی دوباره به قدرت بازگردد و بعضی دیگر گفته‌اند او هیچوقت خارج از دایره قدرت نبوده که حالا بخواهد دوباره بازگردد. از آنجا که احتمال دارد با فشار سه قدرت اروپایی علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام قطعنامه‌ای صادر شود، بعید نیست که بار دیگر تهران با یک ترفند جدید برای وقت‌گشی دست به کار شود. وعده دادن و جوسازی درباره تغییر احتمالی سیاست اتمی رژیم بعد از مرگ ابراهیم رئیسی برای اروپا و آمریکا که تا کنون با چنین بازی‌هایی همراهی کرده‌اند، البته ترفندی تکراری اما برای غرب فریبنده است!

مجری فرامین و تصمیمات و تدارکاتچی هستند. منابع داخلی نوشته‌اند «آنچه در مذاکرات اخیر در مسقط انجام شده ادامه روند همیشگی مذاکرات غیرمستقیم میان تهران- واشنگتن بود که تغییر شگرفی هم در این دور رخ نداده است.» اکنون این پرسش و ابهام وجود دارد که وقتی حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه سابق و معاون وی علی باقری کئی مذاکرات را پیش می‌برند، چرا مسئولیت پرونده اتمی از سه ماه پیش به علی شمخانی سپرده شد؟! شمخانی تا قبل از کنار رفتن از شورای عالی امنیت ملی نیز از طرف خامنه‌ای مجری مأموریت‌های خاص بود از جمله دیدار با مقامات اماراتی در ابوظبی مانند شیخ محمد بن زاید آل‌نهیان رئیس دولت امارات برای باز کردن کانال‌هایی با هدف انتقال درهم به بازار مالی ایران؛ آنهم در حالی که نام شمخانی و خانواده وی مانند بسیاری از دیگر مقامات رژیم با فساد گره خورده است. علاوه بر ریخت و پاش‌های مالی، این خانواده اکنون متهم است که در مرگ مشکوک مدیرعامل بانک تجارت در دی‌ماه ۱۴۰۲ نقش داشته است. ابتدا گفته شد رضا دولت‌آبادی به علت «ایست قلبی» فوت کرد، اما اندکی بعد اعلاک کردند وی در اثر «گازگرفتگی» مُرده است. بعد از مدتی ادعا شد که دولت‌آبادی در یک ویلا در لواسان به همراه یک زن بوده که به قتل رسیده است.

منابع غیررسمی بعدها گفتند وی به علت مسمومیت کشته شد و پس از آن انگشت اتهام به سوی پسران علی شمخانی نشانه رفت. حسن و حسین شمخانی مالکان شرکت کشتیرانی «آدمیرال» هستند که با همکاری شرکت نفت و گاز «سپه فام» کارشان قاچاق نفت ایران است. یک ماه پیش از این، موعود شمخانی معاون فنی سابق سازمان منطقه آزاد اروند و برادرزاده علی شمخانی به اتهام فساد مالی در آبادان بازداشت شد. او متهم به دست داشتن در پرونده اختلاس ۱۳۰ هزار میلیارد تومانی است. اکنون در آستانه

● یک هفته بعد از مرگ ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللهیان در سانحه مشکوک هلی‌کوپتر، سر و کله علی شمخانی دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی دوباره در رسانه‌های داخلی پیدا شده است.

● برخی منابع گزارش دادند، «مسئولیت مذاکرات هسته‌ای از ابتدای سال ۱۴۰۳ به شمخانی واگذار شده است.» ● هرچند اعلام این خبر تازگی داشت اما ناشران این خبر در متن آن تأکید کرده‌اند که واگذاری این مسئولیت «جدید نیست» و احتمالاً «تلاشی برای محک زدن فضا برای ورود علی شمخانی به رقابت ریاست جمهوری» است و یا «احتمال دارد مسئول سیاست‌گذاری پرونده مذاکرات، دوباره در دولت جدید تغییر کند.»

● دو دیپلمات گفته‌اند، در مذاکراتی که با هدف بهبود همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام شد، تهران این هفته به آژانس مستقر در وین گفت تا زمانی که جانشین رئیسی معلوم نشود، مذاکره نخواهد کرد.

بعد از مرگ سید ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم در سقوط هلی‌کوپتر، جمهوری اسلامی (یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳) خود را آماده برگزاری انتخابات برای تعیین جانشین وی می‌کند، آنهم در شرایطی که علاوه بر بحران‌های داخلی، با طیف گسترده‌ای از مشکلات منطقه‌ای و بین‌المللی روبروست. در بین فهرست افرادی که از آنان به عنوان نامزدهای احتمالی ریاست جمهوری اسلامی نام برده می‌شود، نام محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و سعید جلیلی و علی شمخانی که هر دو در مقطعی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی بودند جدی‌تر از سایرین مطرح شده است.

در چنین شرایطی رسانه‌های داخلی یکشنبه شب ششم خردادماه بدون هیچ‌زمینه‌ای اعلام کردند «مسئولیت مذاکرات هسته‌ای از ابتدای سال ۱۴۰۳ به شمخانی واگذار شده است.» هرچند اعلام این خبر تازگی داشت اما ناشران این خبر در متن آن تأکید کرده‌اند که واگذاری این مسئولیت «جدید نیست» و احتمالاً «تلاشی برای محک زدن فضا برای ورود علی شمخانی به رقابت ریاست جمهوری» است و یا «احتمال دارد مسئول سیاست‌گذاری پرونده مذاکرات، دوباره در دولت جدید تغییر کند.»

در همین ارتباط، وبسایت «رویداد ۲۴» گزارش داد، «از ابتدای دولت سیزدهم، در یک تقسیم کار، مسئولیت سیاست‌گذاری مذاکرات به دبیر شورای عالی امنیت ملی و دبیرخانه این شورا سپرده شد. رئیس تیم مذاکره‌کننده هم علی باقری بود... پس از تغییرات در شورای عالی امنیت ملی، این سیاست‌گذاری همچنان در اختیار این شورا بود که به نتیجه مطلوب نرسید. از ابتدای سال جاری، مسئولیت سیاست‌گذاری این پرونده دوباره در اختیار شمخانی قرار گرفته و همچنان علی باقری رئیس هیات مذاکره‌کننده است.»

این منابع به صورت تلویحی مسئولیت قفل شدن مذاکرات اتمی را متوجه حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه که او نیز همراه رئیسی در سقوط هلی‌کوپتر کشته شد و علی باقری کئی دانسته‌اند، اما واقعیت این است که سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی از جمله و به ویژه در مورد فعالیت‌های اتمی را علی خامنه‌ای بطور مستقیم هدایت کرده و می‌کند و وزرای خارجه و معاونان آنها به تأکید خود خامنه‌ای، صرفاً

# بیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران با استناد به مجله «اشپیگل» - (بخش ۱)

بازنشر



الاهه بقرات

ویژه اروپا در ارتباط با ایران باشد، علاوه بر منابع دیگر از آرشیو مستندات و مطالب خود «اشپیگل» از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۶ (دوران اصلاحات و دولت اول احمدی نژاد) استفاده شده است.  
این گزارش مفصل اکنون پس از ۱۶ سال به مناسبت مصاحبه اخیر «اشپیگل» با شاهزاده رضا پهلوی که با عنوان «بله، من خواهان یک انقلاب هستم» منتشر شد، در چند شماره کیهان هفته بازنشر می‌شود.

این گزارش تحقیقی در پاییز ۲۰۰۸/۱۳۸۷ منتشر شد. روی جلد مجله «اشپیگل» با عکس شاه جوان که در این گزارش آمده مربوط به شماره ۳۴ این هفته‌نامه آلمانی به تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۵۲ درست یکسال پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که یکی از خوانندگان کیهان لندن سال‌ها پیش از آن از کتابخانه شخصی خود به نویسنده هدیه کرده بود.  
در تهیه این گزارش که می‌تواند نمونه‌ای از برخورد رسانه‌های غرب به

دیگر رسانه‌های آزاد، آینه تمام‌نمای حقیقت و واقعیت نیست.

اعتبار ملی و بین‌المللی اشپیگل اما این مجله را در جایگاهی قرار می‌دهد که بتوان آن را به عنوان یک نمونه مستند برای بررسی خبررسانی در آلمان مورد کند و کاو قرار داد. آرزو می‌دانم یک گروه مجهز این امکان را از نظر مالی، زمانی و نیروی انسانی می‌داشت تا این بررسی و هم چنین بررسی‌های مشابه را در کشورهای معین به انجام برساند. من اما تنها بنا بر انگیزه و علاقه شخصی در چارچوب یک بررسی دانشگاهی آن را به دست گرفتم که با توجه به توان و امکانات محدود، یک سال به طول انجامید (تا ژانویه ۲۰۰۸). این بررسی با توجه به حجم آنچه در طول پنجاه سال در این مجله درباره ایران منتشر شده است، هنوز جای بسیار برای کار و تدقیق دارد.

من خود را به عنوان یک ایرانی که در شیوه خبررسانی در آلمان دارای سود و زیان است در زمینه این بررسی قرار داده‌ام و تلاش کرده‌ام نشان دهم که گزارش منابع معتبر کشورهایمانند آلمان تا چه اندازه می‌توانند در سیاست جاری این کشورها و هم چنین حاکمان ایران و مخالفان آن مؤثر باشند. این اتفاقا نکته‌ای است که به نظر می‌رسد ژورنالیست‌های این سوی جهان به آن توجه ندارند و گاه از امکان تأثیر خود ابراز تعجب می‌کنند!

متن اصلی این بررسی به زبان آلمانی است که در چندین بخش به زبان فارسی ترجمه شده و در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

بخش اول  
پیشگفتار

من از هجده سال پیش ساکن آلمان هستم. از زمانی که زبان آلمانی را آموختم، چند بار در روز در رادیو و تلویزیون و همچنین اینترنت به اخبار مراجعه می‌کنم. دو منبع مهم اخبار برای من مجله اشپیگل و اشپیگل آنلاین هستند. فرزندانم که به هنگام ورود به آلمان بسیار کوچک بودند، مرتب می‌پرسند در اخبار به دنبال چه می‌گردم؟ انتظار دارم در اخبار چه بشنوم و چه ببینم؟ آخر در طول چند ساعت چه اتفاقی ممکن است بیفتد که من اینطور لجوجانه اخبار را دنبال می‌کنم؟

آنها نمی‌دانند من منتظر چیزی هستم. منتظر یک رویداد که باید بر تبعید من نقطه پایان بگذارد. و انتظار دارم رسانه‌ها درباره آن لحظه و این رویداد گزارش بدهند. نه به این دلیل که من در آلمان آسوده نیستم. نه! برلین دومین موطن من است و فکر می‌کنم از سال‌هایی که در آلمان بوده‌ام به خوبی استفاده کرده‌ام. چیزهای زیادی آموختم و تجربه کردم. با اینکه یک «خارجی خوب» هستم که خود را با این جامعه تطبیق داده است، ولی این موضوع در

دانشکده علوم سیاسی دانشگاه برلین با متون رشته‌های مختلف علوم انسانی آشنا شدم، دیگر می‌توانستم آن را بخوانم و اشپیگل (به معنای آینه) برایم به یکی از



این عکس مربوط به مجله اشپیگل شماره ۳۴ به تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۵۲ است. این مجله را یکی از خوانندگان گرمای از کتابخانه شخصی خود در اختیارم گذاشت که صمیمانه از وی سپاسگزاری می‌شود

قطب‌نماهای دریافت سیاست آلمان و نقش مطبوعات در جهت دادن افکار عمومی این جامعه تبدیل شد. نثر اشپیگل دشوار و در آن زمان هنوز فاخر بود. پس از درگذشت رودولف آتوگشتاین ژورنالیست برجسته و بنیانگذار و سردبیر اشپیگل در سال ۲۰۰۲ هم نثر و هم سطح اشپیگل از جمله به دلیل رقابت مجلاتی که با قد و قواره اشپیگل اما عامه‌پسند به میدان آمده بودند، در جهت جلب مشتری بیشتر کمی تغییر یافت.

امروز [۱۳۸۶] هنگامی که اشپیگل و یا اشپیگل آنلاین را می‌خوانم، با وجود اینکه برخی از مواضع آن ممکن است سبب رنجش یا خشم من به عنوان یک ایرانی شود، لیکن همچنان برایش به مثابه یک مجله مدرن، حقیقت‌جو و پایبند به اصول روزنامه‌نگاری احترام قائلم. با نگاه در این «آینه» بود که دریافتم روزنامه‌نگاری در جامعه پیشرفته و دموکرات تا چه اندازه با آنچه در جوامع «جهان سوم» و استبدادزده به نام «روزنامه‌نگاری» جریان دارد، متفاوت است، اگرچه همان گونه که این بررسی نشان می‌دهد، مانند

با نام و شکل و شمایل مجله اشپیگل در دوران دانشجویی و پیش از انقلاب اسلامی آشنا بودم. این مجله آلمانی همراه با برخی مطبوعات شناخته شده غربی به زبان انگلیسی و فرانسه بطور محدود در تهران به فروش می‌رسید.

من به اینجا آمدم تا بازگردم. و هر روز منتظر خبری هستم که از رادیو و تلویزیون و اینترنت و یا در یک روزنامه باید پخش شود. من منتظر یک خبر خوب هستم که راه بازگشت مرا به میهنم هموار کند. در انتظار «خبر بزرگ» یعنی جنگ نیستم. ولی در عین حال نمی‌دانم خبری که باید پخش شود، چه خواهد بود. اما احساس‌اش می‌کنم و نشانه‌هایش را می‌بینم. و به این ترتیب است که از سال‌ها پیش خبررسانی در آلمان را درباره میهنم دنبال می‌کنم. ولی در طول این انتظار متوجه موضوعی شدم که برایم به عنوان ژورنالیستی که از یک کشور غیردموکراتیک و بدون آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها می‌آید، بسیار جالب است: تصویر خبررسانی در یک کشور آزاد و دموکرات که الزاما آزاد، و کاملا دموکراتیک و کاملا مستقل نیست.

در این بررسی [تهیه شده در سال ۱۳۸۶] می‌خواهم این تصویر را که در مجله اشپیگل نیز خود را نشان می‌دهد، به نمایش بگذارم. تایمز لندن زمانی نوشته بود اشپیگل همانا انجیل آلمان غربی است. این گفتاوردیست که می‌تواند حتی پس از فرو ریختن دیوار برلین نیز اعتبار خود را حفظ کرده باشد. از همین رو، در این بررسی به شیوه خبررسانی اشپیگل پرداخته شده است و اینکه این مجله معتبر آلمانی درباره «چه چیز» ایران و مهم‌تر از آن، «چگونه» درباره ایران گزارش می‌دهد. خبررسانی درباره ایران چگونه در طول پنج دهه در این مجله تغییر کرده است؟ تلاش می‌کنم تا این بررسی را با تکیه بر قالب یا کادربندی مفهومی تئوریک (تئوری فریم) که در تجزیه و تحلیل رسانه‌ها به کار می‌رود، انجام دهم.

با نام و شکل و شمایل مجله اشپیگل در دوران دانشجویی و پیش از انقلاب اسلامی آشنا بودم. این مجله آلمانی همراه با برخی مطبوعات شناخته شده غربی به زبان انگلیسی و فرانسه بطور ش در تهران به فروش می‌رسید. پس از خروج از ایران، هنوز چند هفته‌ای از اقامتم در آلمان نگذشته بود که از روی کنجکاوی نسخه‌ای از آن را که در آن زمان پنج مارک قیمت داشت خریدم و بدون آنکه جمله‌ای از آن را بفهمم به ورق زدن پرداختم و بیش از همه حجم چشمگیر تبلیغات که واقعا بیش از نیمی از آن را تشکیل می‌داد، توجهم را جلب کرد.

سال‌ها بعد هنگامی که زبان آلمانی را آموختم و در

را تشکیل می‌دهند. در طول این بررسی معلوم می‌شود پرسش «درباره چه چیز گزارش داده می‌شود؟» را نمی‌تواند تماماً از پرسش «چگونه گزارش داده می‌شود؟» جدا کرد. با این همه تلاش می‌کنم با ارائه چند مثال به این دو پرسش بپردازم.

در مرحله بعد این پرسش پیش می‌آید که چرا درباره برخی چیزها گزارش داده می‌شود و درباره برخی دیگر نه؟ و یا چرا این گونه و نه گونه‌ای دیگر گزارش داده می‌شود؟ البته می‌توان به هر کدام از این پرسش‌ها پاسخ‌های گوناگونی داد. برای من اما یک خط روشن وجود دارد: این همه به منافع ملی آلمان در چهارچوب سیاست رسمی دولت این کشور بستگی دارد. فرقی نمی‌کند کدام حزب یا دولت ائتلافی قدرت را در دست داشته باشد. البته نمی‌توان بر این خط روشن ایرادی گرفت. لیکن هنگامی که منافع ملی دو کشور بر یکدیگر مطابقت ندارند، آنگاه از بسیاری «اخبار» که می‌توانند به منافع آلمان (به ویژه منافع اقتصادی) زیان



برسانند، صرف نظر می‌شود. این تناقض اما تنها زمانی به وجود می‌آید که برای مثال مانند ایران، منافع ملی و بهبود وضعیت ملت با منافع حکومت و زمامداران قدرت همخوانی نداشته باشد. بر اساس این نظر است که در پایان این بررسی به بحث درباره تصوراتی که از «جهان اسلام» و جمهوری اسلامی واقعا موجود در میان سیاستمداران و رسانه‌های غرب و هم چنین آلمان از جمله در مجله اشپیگل وجود دارد، پرداخته می‌شود.

### چرا مجله اشپیگل؟

در پیشگفتار می‌خواستم بر این تأکید کنم که این بررسی و شیوه خبررسانی در آلمان برای من به عنوان یک ایرانی در تبعید در عین حال اهمیت شخصی دارد. با این بررسی می‌خواهم تلاش کنم پاسخی برای پرسش‌هایم بیابم. در عین حال به عنوان یک زن ایرانی در مورد هر آنچه در ایران روی می‌دهد و درباره هر آنچه در آلمان درباره آنها گزارش داده می‌شود، توجه ویژه دارم. از این رو تنها یک فرد استفاده کننده از رسانه‌ها نیستم، بلکه انسانی هستم که این همه بطور مستقیم بر زندگی‌اش تأثیر می‌گذارد.

من تقریباً از اینکه چگونه می‌توان به تحقیق در این زمینه پرداخت، تصور روشنی داشتم. برای اینکه بتوان

نشانه‌هایش را می‌بینم.

و به این ترتیب است که از سال‌ها پیش خبررسانی در آلمان را درباره میهنم دنبال می‌کنم. ولی در طول این انتظار متوجه موضوعی شدم که برایم به عنوان ژورنالیستی که از یک کشور غیردموکراتیک و بدون آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها می‌آید، بسیار جالب است: تصویر خبررسانی در یک کشور آزاد و دموکرات که الزاماً آزاد، و کاملاً دموکراتیک و کاملاً مستقل نیست.

در این بررسی می‌خواهم این تصویر را که در مجله اشپیگل نیز خود را نشان می‌دهد، به نمایش بگذارم. تایمز لندن زمانی نوشته بود اشپیگل همانا انجیل آلمان غربی است. این گفتاوردیست که می‌تواند حتی پس از فرو ریختن دیوار برلین نیز اعتبار خود را حفظ کرده باشد.

از همین رو، در این بررسی به شیوه خبررسانی اشپیگل پرداخته شده است و اینکه این مجله معتبر آلمانی درباره «چه چیز» ایران و مهم‌تر از آن، «چگونه» درباره ایران



گزارش می‌دهد. خبررسانی درباره ایران چگونه در طول پنج دهه در این مجله تغییر کرده است؟ تلاش می‌کنم تا این بررسی را با تکیه بر قالب یا کادربندی مفهومی تئوریک (تئوری فریم) که در تجزیه و تحلیل رسانه‌ها به کار می‌رود، انجام دهم.

در عین حال، فاصله زمانی حدود پنجاه سال بسیار گسترده است. نیمی از این زمان به دوران پیش از انقلاب اسلامی باز می‌گردد که در آن مسائل به کلی از نوع دیگری بوده‌اند و سی سال دیگر به پس از سرنگونی شاه مربوط می‌شود. از همین رو در این فاصله را به دو بخش تقریباً سی ساله تقسیم کرده‌ام: پیش و پس از انقلاب اسلامی.

اخبار و گزارش‌های مربوط به دوران شاه عمدتاً به درباره روابط کلی سیاسی و اقتصادی بین آلمان و ایران می‌پردازند. تازه از دهه هفتاد میلادی است که اشپیگل آغاز به انتقاد از رژیم پیشین می‌کند.

در دوران پس از انقلاب اسلامی توجه این بررسی به ویژه بر روی ده سال اخیر متمرکز می‌شود. یعنی دوران به اصطلاح اصلاحات. گزارش‌های این دوران در مقایسه با دوران پیش از انقلاب بسیار متنوع اند. «اصلاحات» در جمهوری اسلامی، تروریسم و برنامه اتمی و هم چنین روابط سیاسی و اقتصادی بین دو کشور موضوعات اصلی

این واقعیت که داوطلبانه به اینجا نیامده‌ام، تغییری نمی‌دهد. من مدرک شناسایی خود را به مثابه یک پناهنده به عنوان بخشی از هویت خود نگه داشته‌ام و به این دلیل تابعیت آلمانی را نپذیرفتم که نمی‌توانست در تعلق من به یک کشور دیگر تغییری به وجود آورد.

من گذرنامه جمهوری اسلامی را نیز ندارم. چرا که به آن هم احساس تعلق نمی‌کنم. گذرنامه پناهنده‌گی من یک دفترچه آبی است و با اینکه جلب توجه می‌کند ولی به من اجازه می‌دهد به هر گوشه جهان سفر کنم، مگر به میهنم. من در انتظار رویدادی هستم که این گذرنامه را به یک یادگاری تبدیل کند. از عمر این انتظار سال‌ها می‌گذرد.

امروز نیز مانند گذشته نمی‌توانم به فرزندانم توضیح دهم اشتیاق وطن داشتن چه احساسی است. آنها در اینجا بزرگ شده‌اند و به کشورهای زیادی سفر کرده‌اند. در عین حال به جز دیدارهای نادر خانوادگی از ایران، هیچ تماسی با میهن شان ندارند.

میهن شان؟ نمی‌توانم تصور کنم آنها نیز احساسی مشابه احساس من نسبت به ایران داشته باشند. من سی سالگی را پشت سر نهاده بودم که مجبور به ترک وطن شدم. آنها اما آن زمان کوچک بودند. وطن برای یک کودک دو یا چهار ساله چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ شاید تنها یک تصویر دور که جایی در ناخودآگاه آنها به جای مانده است. تصویری که هرگز نمی‌تواند مانند آن تصویری باشد که من در ذهن دارم. و حتی شاید این هم نباشد. چنین کودکان مهاجر که به ویژه در میان تبعیدیان دیده می‌شوند، چه بسا خود را شهروند جهانی بشمارند. درست مانند ایمانوئل کانت که «شهروند جهانی» بود و با این همه از شهر کوچک خود کونیگزبرگ هرگز پا را بیرون نگذاشت.

من به فرزندانم و چه بسا به هیچکس دیگر نمی‌توانم توضیح دهم در انتظار چیزی هستم که حتماً باید اتفاق بیفتد. من به اینجا آمدم تا باز گردم. و هر روز منتظر خبری هستم که از رادیو و تلویزیون و اینترنت و یا در یک روزنامه باید پخش شود. من منتظر یک خبر خوب هستم که راه بازگشت مرا به میهنم هموار کند. در انتظار «خبر بزرگ» یعنی جنگ نیستم. ولی در عین حال نمی‌دانم خبری که باید پخش شود، چه خواهد بود. اما احساس‌اش می‌کنم و

روزنامه‌های معتبر آلمان و یا اساسا رسانه‌های آلمان را زیر ذره بین برد، به یک کار گروهی سازمان یافته و پشتیبانی مالی نیاز هست تا بر روی این موضوع به عنوان یک پروژه چند ساله کار شود. من اما تنها می‌توانستم خود را بر روی یک نشریه متمرکز کنم. نشریه‌ای که از سال‌ها پیش بطور مرتب درباره ایران گزارش می‌دهد و بانک اطلاعاتی آن اگرچه رایگان نیست، لیکن با منابع عظیم در اختیار استفاده کنندگان قرار دارد. به نظر من اشپیکل می‌توانست بهترین نمونه برای پرداختن به خبررسانی درباره ایران در آلمان باشد. بعلاوه، کمتر روزنامه‌ای در آلمان دارای بانک اطلاعاتی مشابه اشپیکل است.

از سوی دیگر مجله اشپیکل با تیراژ بیش از شش میلیون خواننده می‌تواند آینه مناسبی در مورد خبررسانی در رسانه‌های آلمان باشد. (اشپیکل آنلاین هفتاد و هشت میلیون کاربر و چهارصد و پانزده میلیون مراجعه کننده تنها در نوامبر ۲۰۰۷ داشته است).

روشن است ژورنالیست‌ها کار خود را در یک شکل مناسب می‌بایست ارائه دهند. آنها باید با مقالات خود توجه خواننده را جلب کنند. گزارش‌های آنها باید ارزش انتشار داشته باشد. مقالات آنها باید با قالب و کادری که برای موضوعات معین در یک روزنامه تعیین می‌شود همخوانی داشته باشد. مقالات و گزارش‌ها نباید زیاد طولانی و یا زیاد کوتاه باشند. ژورنالیست‌ها باید دست به گزینش بزنند و از همین رو به یک کادر معین (فریم) نیاز دارند که به تدریج برای موضوعات مختلف شکل می‌گیرد. اطلاعاتی که در این کادر می‌گنجد از میان اطلاعات بسیاری که در اختیار آنها قرار می‌گیرد، انتخاب می‌شوند. تنها پس از یک روند گزینش است که مقاله‌ای می‌تواند در یک کادر معین جای گیرد. این کادرها برای ژورنالیست‌ها از اهمیت فراوان برخوردارند چرا که مقالات و گزارش‌های آنها در این قالب ریخته و پرورده می‌شود. بر اساس کادری ژورنالیستی است که اطلاعات لازم گزینش می‌شوند. ولی کدام کادرها معمولا در مورد ایران به کار بسته می‌شوند؟ کدام اطلاعات در مورد ایران مهم هستند و کدام مهم نیستند؟ چگونه در این مورد تصمیم گرفته می‌شود؟ چه کسی تصمیم می‌گیرد؟ در هیئت تحریری چه سخنانی رد و بدل و چه تصمیماتی گرفته می‌شود که برای مثال اخیرا عمدتا فقط درباره برنامه اتمی رژیم ایران گزارش داده می‌شود؟ چرا سنگسار و یا قطع دست و پای آدمها در ایران مهم نیستند؟ (به ویژه اگر به این نکته توجه داشته باشیم که تمامی این مجازات‌های اسلامی پس از انقلاب مشروطه و هم چنین پیش از آن در ایران اجرا نمی‌شده‌اند). چرا گزارش دادن هجوم سرما و فاجعه‌ای که به همین دلیل بر مردم می‌رود برای مثال در ترکیه مهمتر از ایران است؟! یک ژورنالیست تا چه اندازه از آزادی و اختیار در تعیین گزارش‌هایش برخوردار است؟ چه مقدار از این گزارش‌ها و مقالات در مجموعه ژورنالیسم معمولی (روتین) می‌گنجد؟ هیئت تحریری چه نقشی در انتخاب موضوعات دارد؟ چه نقشی مخاطبان یک رسانه بازی می‌کنند؟

همانگونه که پیش از این یادآوری شد، کارشناسان رسانه‌ای چگونگی خبررسانی را کادربندی Framing می‌نامند. واقعیت در یک کادر معین توضیح داده می‌شود. این کادر در طول زمان شکل گرفته و تثبیت می‌شود. آنچه ژورنالیست‌ها گزارش می‌دهند، غلط یا تحریف شده نیست. بلکه از یک سو تمامی واقعیت نیست و از سوی دیگر از این راه تصور خواننده و یا تماشاچی را دستکاری می‌کند. چرا که محدوده یک کادر به مراتب کوچکتر از

خود واقعیت است. لیکن بزرگترین مشکل اینجاست که استفاده کنندگان رسانه‌ها متوجه این موضوع نمی‌شوند. آنها از طریق خبررسانی در جریان واقعیت، آن گونه که واقعا هست، قرار نمی‌گیرند، بلکه تصویر کوچکی از واقعیت به آنان ارائه می‌شود. این همان تصویری است که یک خبرنگار پس از آنکه خود آن را آنگونه دریافت کرد، به دیگران منتقل می‌کند. و این آن واقعیتی است که همواره تکرار می‌شود: تصاویر کلیشه از فلسطین، پاکستان، دوی، افغانستان، ترکیه و ایران...

برای مثال یک نماز جمعه را در تهران تصور کنیم. به عنوان یک ایرانی خود شخصا کسی را نمی‌شناسم که به نماز جمعه برود. لیکن عکس‌ها و گزارش‌ها در این سوی جهان نشان می‌دهند که ایرانی‌ها بسیار مذهبی هستند و نماز جمعه حتما یکی از برنامه‌های هفتگی آنهاست. ایرانی‌ها امکان ندارد فرصت رفتن به نماز جمعه را از دست بدهند! ولی سرانجام یک خبرنگار اشپیکل از ایران چه گزارش می‌دهد؟

با هم بخوانیم:

«روز بعد جمعه بود و من برنامه داشتم به دیدن نماز



جمعه در دانشگاه تهران بروم. با تصاویری که در این مدت دیده بودم فکر می‌کردم اکثریت ایرانیان در طول زندگی شان مشغول تظاهرات ضد آمریکایی هستند. مشکل اما اینجا بود که من کسی را نیافتم که بتواند ساعت دقیق شروع نماز جمعه را به من بگوید. در مهمانی دیشب هم کسی از آن خبر نداشت. پذیرش هتل هم نمی‌دانست. من از نگهبان آنجا پرسیدم که او هم از راننده تاکسی پرسید و راننده تاکسی از یک رهگذر. رهگذر شانه‌هایش را بالا انداخت و به راه خود رفت. شاید هم واقعا آنچه من تا کنون می‌خواستم باور کنم، واقعیت داشت: ایرانیان، بجز روحانیون حاکم، چندان مذهبی نیستند». (تهران، شهر ممنوعه؛ مارکوس وولف؛ اشپیکل آنلاین؛ ۰۷ ژانویه ۲۰۰۸)

روشن است که از دو سال پیش تغییری در سیاست خارجی جمهوری فدرال آلمان به وجود آمده است. خبررسانی آلمان در کنار چارچوب‌های کلیشه‌ای گذشته، یک کادر جدید را نیز به کار گرفته است. کادری که در آن مردم ایران نیز جای می‌گیرند و مطلقا با چارچوب زمامداران همخوانی ندارد. یک کادر جدید اما مجاز نیست تنها از سوی یک ژورنالیست تکرر به کار گرفته شود.

به محض اینکه ژورنالیستی قصد داشته باشد از مرز چارچوب‌های موجود عبور کند، باید حساب کند که با واکنش تحریریه روبرو خواهد شد. این کادرها تا زمانی که توسط کادریهای دیگر جایگزین نشوند، مجاز نیستند تغییر کنند. اتفاقا خوانندگان و بینندگان هم میل ندارند عادات آنکادره شده خود را ترک گویند. مثلا ایران را فرض کنیم. کشور ایران زمانی طولانی به مثابه سرزمین «هزار و یک شب» در افکار عمومی وجود داشت و ماجراهایی از خانواده سلطنتی در اشپیکل منتشر می‌شد. هنگامی که سیاست و اقتصاد در اوایل دهه هفتاد میلادی آغاز به تخریب این تصویر کرد، بلافاصله یک کادر جدید شکل گرفت:

ابتدا رییس خانواده سلطنتی به مثابه اصلاح طلبی معرفی شد که قصد مدرنیزه و صنعتی کردن کشورش را داشت. اما هنگامی که نقشه‌ها و قراردادهای اقتصادی ایران و آلمان راه به جایی نبرد، ایران در یک کادر جدید به نمایش در آمد: کشوری با یک دیکتاتور مغرور و خیالپرداز. این کادر ده سال دوام یافت.

گاهی نیز این تاریخ است که یک کادر جدید ارائه می‌کند و خبرگزاری‌ها را مجبور می‌کند که آن را بپذیرند:

ایران، اسلامی می‌شود. بنیادگرایان به قدرت می‌رسند. حکومت و دین که پیش از این از هم جدا بودند، در یکدیگر ذوب می‌شوند. رنگ این کادر جدید سیاه است! سیاه مانند چادر و روپوش و روسری زنان ایران. زنانی که حق آنها در مورد پوشش و شکل و شمایل شان از پنجاه سال پیش از آن تأمین و تضمین شده بود.

اصل رعایت کادری ژورنالیستی به خبرنگاران اجازه نمی‌دهد تفاوت بین واقعیت موجود و آنچه را که در قابها و قالب‌های معین ثبت می‌شود، و با تفاوت بین حاکمان و حکومت شوندگان، و هم چنین تفاوت بین حکومت و مردم را در نظر بگیرند و درباره آنها نیز گزارش بدهند. همه چیز در یک ظرف ریخته می‌شود تا تصویری که قرار است ارائه شود در آن کادر معین جای بگیرد.

اینکه خشونت بیش از هر چیز دیگری توجه رسانه‌ها را به خود جلب می‌کند کاملا درست است. از همین رو نیز جنگ را «خبر بزرگ» Big News می‌نامند. اما در مورد خشونت دولتی حتی زمانی که اعدام‌های خیابانی صورت می‌گیرد، تقریبا هیچ گزارشی داده نمی‌شود. برعکس، برنامه اتمی که هیچ کس درباره آن چیز دقیقی نمی‌داند، در صدر اخبار خبرگزاری‌ها قرار می‌گیرند.

امروز با اینکه می‌توان همه چیز را در اینترنت و ماهواره یافت اما نمی‌توان انکار کرد شیوه‌های خبررسانی سنتی همچنان بیشترین مخاطبان را دارد. البته خبرگزاری‌های رسمی می‌توانند از اینترنت استفاده کرده و زاویه دید خود را تغییر دهند. به ویژه در مورد گروه‌های اپوزیسیون که تنها در اینترنت و ماهواره حضور دارند. آنها در کشور خودشان از رسانه‌های دولتی حذف شده‌اند و اجازه ندارند رسانه‌های خود را داشته باشند. برخی از گروه‌های اپوزیسیون اصلا حق موجودیت ندارند. از همین رو بسیاری از ایرانیان مخالف از سال‌ها پیش در تبعید زندگی می‌کنند. اما برای خبرگزاری‌های خارجی نیز آنها وجود ندارند!

انگیزه من برای بررسی خبررسانی در آلمان تلاش برای یافتن پاسخی به این پرسش نیز هست: چگونه می‌توان در عصر رسانه‌ها برای تغییرات دموکراتیک و تأمین حقوق بشر در ایران در شرایطی مبارزه کرد که ایرانیان دموکرات و طرفدار حقوق بشر نه تنها با خشونت تمام در کشور خودشان از افکار عمومی دور نگاه داشته می‌شوند، بلکه در خارج کشور نیز راهی به خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها نمی‌یابند؟

(ادامه دارد)

## سردار پاسدار قالیباف بار دیگر رئیس مجلس شورای اسلامی شد



روبوسی محمدباقر قالیباف و منوچهر متکی پس از انتخابات هیئت رئیسه مجلس - هشتم خرداد ۱۴۰۳

را رقم بزینم.»  
این سخنان در حالی مطرح شده که رقبای سرسخت قالیباف در انتخابات مجلس توانسته‌اند کرسی‌های زیادی را از آن خود کنند و بعید است مجلس دوازدهم بی‌حاشیه و با روند آرام فعالیت خود را طی کند.  
یکی از تهدیدها علیه آرامش محمدباقر قالیباف طی ماه‌های آینده، جریان متصل به علی اکبر رائفی‌پور در مجلس شورای اسلامی است.  
او از اصولگرایان تندرو و از تورویسین‌های نزدیک به جریانات امنیتی حکومت است که در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز با ائتلاف «جبهه صبح ایران» حضور پیدا کرد. بیشترین نمایندگان راه‌یافته به مجلس از حوزه انتخابی تهران از اعضای ائتلافی این جبهه هستند. جریان رائفی‌پور از شهرستان‌ها نیز شمار قابل توجهی نماینده راهی مجلس شورای اسلامی کرده است.  
جریان اصولگرا از ماه‌های گذشته دچار گسست شده و در دوازدهمین دور انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز با سه ائتلاف مختلف در رقابت‌ها شرکت کرد.  
شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی (شانان) و جبهه پایداری با محوریت حمید رسایی، «جبهه صبح ایران» با محوریت علی‌اکبر رائفی‌پور و «امنا؛ شورای وحدت اصولگرایان» شامل گروه‌های سنتی با محوریت جامعه روحانیت و جمعیت مؤتلفه، سه جریان ائتلافی اصولگرا در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی بودند.  
اکنون نبرد قدرت در میان اصولگرایانی که چند شقه شده‌اند نیز بالا گرفته است. اگر دو دهه پیش قوای سیاسی درون حکومتی حول دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا معنا پیدا می‌کرد، امروز رهبر جمهوری اسلامی با جریانات سیاسی در هم تنیده و مختلفی روبروست که در سال‌های گذشته با تکیه بر رانت و به غنیمت گرفتن بخشی از منابع کشور، فربه شده و حالا هر یک مدعی کسب و تثبیت قدرت خود در سطوح بالای حکومت هستند.

انتخاب شدند.  
در روزهای گذشته نام محمدباقر قالیباف به عنوان یکی از نامزدهای احتمالی انتخابات ریاست جمهوری اسلامی یاد می‌شد. با اینهمه به نظر می‌رسد به دلیل شکاف عمیق میان جریان اصولگرا که به مجلس دوازدهم هم رسیده، علی‌خامنه‌ای ترجیح داده یکی از نیروهای مورد اعتمادش سکنداری مجلس شورای اسلامی را به عهده بگیرد. به ویژه اینکه با مرگ رئیسی در عمل دولت نیز بی‌صاحب مانده و تا پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم که قرار است هشتم تیرماه برگزار شود، رهبر جمهوری اسلامی شرایطی بحرانی در پیش رو دارد.  
جلال رشیدی کوچی نماینده مرودشت در مجلس یازدهم گفته بود «تحلیل من این است که در مجلس دوازدهم با توجه به کنش‌هایی که از نمایندگان ابقا شده یا نمایندگان جدید مشاهده می‌کنیم، آقای قالیباف می‌تواند ریاست مجلس را به دست بگیرد اما یک ریاست ضعیف با رأی پایین. یکسری جریانات هم می‌خواهند که ریاست را از او بگیرند.»  
محمدباقر قالیباف پس از گزینش به عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی در سخنانی گفت: «با همه ظرفیت و توانی که دارم تلاش خواهم کرد مجلس دوازدهم در پیگیری منافع مردم کارنامه‌ای درخشان داشته باشد. کار مجلس یک کار جمعی است و باید با فهم مشترک عمل کنیم.»  
قالیباف خواستار عدم حاشیه‌سازی در مجلس از سوی نمایندگان شد و گفت: «اختلاف سلیقه‌ها در روش حل مسائل هم طبیعی است و باعث دقیق‌تر شدن بحث‌ها می‌شود اما همه باید مراقب باشیم که هر حاشیه‌پردازی یا مسابقات رسانه‌ای یا مجادلات سیاسی خلاف آرام بخشی و امیدآفرینی و خلاف رهنمودهای رهبر انقلاب است.»  
او همچنین افزود که «اگر در مجلس و دولت روی اجرای برنامه هفتم بایستیم، می‌توانیم در کوتاه مدت مشکلات عموم مردم را مدیریت کنیم و در بلندمدت پیشرفت کشور

هرچند نام‌های زیادی در روزهای گذشته به عنوان داوطلبان شرکت در انتخابات ریاست مجلس شورای اسلامی مطرح شد اما قالیباف تنها با دو رقیب، مجتبی ذوالنور و منوچهر متکی، در این انتخابات حضور یافت.  
به نظر می‌رسد علی‌خامنه‌ای با دخالت مستقیم در گزینش رئیس مجلس تلاش کرده نیروی مورد اعتمادش را بر این کرسی بنشانند تا با کنترل مجلس شورای اسلامی، بحران دولت بی‌صاحب را حل کند.  
در میان داوطلبان برای کسب سمت دبیری هیئت رئیسه نیز اسامی سه زن وجود داشت که هیچکدام رای لازم را برای دست‌کم یکی از ۶ کرسی دبیری هیات رئیسه مجلس کسب نکردند.

سردار پاسدار محمدباقر قالیباف به عنوان رئیس مجلس دوازدهم جمهوری اسلامی برگزیده شد. هرچند شانس محمدباقر قالیباف برای رسیدن به کرسی ریاست مجلس بالا به شمار نمی‌رفت، اما به نظر می‌رسد علی‌خامنه‌ای با دخالت مستقیم در گزینش وی تلاش کرده نیروی مورد اعتمادش را بر این کرسی بنشانند تا با کنترل مجلس شورای اسلامی، بحران دولت بی‌صاحب را حل کند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی صبح امروز در جلسه‌ی علنی انتخابات هیئت رئیسه را برگزار کردند و محمدباقر قالیباف با کسب ۱۹۸ رأی پیروز شد.

هرچند نام‌های زیادی در روزهای گذشته به عنوان داوطلبان شرکت در انتخابات ریاست مجلس شورای اسلامی مطرح شد اما قالیباف تنها با دو رقیب، مجتبی ذوالنور و منوچهر متکی، در این انتخابات حضور یافت.

منوچهر متکی که در انتخابات مجلس دوازدهم به عنوان سخنگوی ائتلاف «شورای وحدت» در رقابت‌ها حضور داشت، در انتخابات هیئت رئیسه با ۵ رأی از «آرای باطله» نیز عقب ماند.

علی نیکزاد و حمیدرضا حاجی بابایی به عنوان نایب رئیس اول و دوم مجلس دوازدهم در سال اول انتخاب شدند. پیشتر اعلام شده بود حسینعلی حاجی دلیگانی از حوزه انتخابیه شاهین شهر میمه و برخوار، عبدالرضا مصری از حوزه انتخابیه کرمانشاه علی نیکزاد نوری از حوزه انتخابیه اردبیل، حمید رسایی از حوزه انتخابیه تهران، موسی غضنفرآبادی از حوزه انتخابیه بم، حمیدرضا حاجی بابایی از حوزه انتخابیه همدان کاندیدی ریاست نیایی اول و دوم شدند.

از مجموع ۲۸۷ رأی برای ریاست نیایی، حاجی بابایی ۱۷۵ رأی، نیکزاد ۱۶۲ رأی، مصری ۱۱۵ رأی، حاجی دلیگانی ۹۶ رأی، رسایی ۳۵ رأی و غضنفرآبادی ۱۶ رأی کسب کردند و آرای باطله نیز ۲ رأی اعلام شد. روح‌الله ایزدخواه نیز از کاندیداتوری برای این کرسی انصراف داد.

همچنین در میان داوطلبان برای کسب سمت دبیری هیئت رئیسه اسامی سه زن وجود داشت که هیچکدام رای لازم را برای دست‌کم یکی از ۶ کرسی دبیری هیات رئیسه مجلس کسب نکردند و هیات رئیسه مجلس اسلامی دوازدهم هم مانند دوره گذشته «مردانه» چیده شد. این انتخابات با حضور ۲۸۷ نماینده حاضر در صحن علنی برگزار گشت و اعضای هیئت رئیسه به مدت یک سال

# مرگ مشکوک رئیسی و همراهانش در سانحه سقوط هلی کوپتر برای نظام دردسراز می شود



اولین نماز جمعه تهران بعد از کشته شدن مشکوک رئیسی و همراهان / چهارم خرداد ۱۴۰۳

ویژه ستاد کل نیروهای مسلح باید بگوید چرا هلی کوپتر اینقدر قدیمی بود؟ کمیته‌ای با ریاست سردار عبداللہی که خودشان خلبانانند، برای بررسی حادثه تشکیل شده و تا زمانی که این کمیته گزارشی نداده است، نمی‌توان درباره علت حادثه گمانه‌زنی کرد، اما اگر قصوری در موضوع پرواز صورت گرفته باشد، قطعاً با بررسی کمیته مذکور کشف می‌شود و برخورد لازم صورت خواهد گرفت.»

کسانی که باور دارند مرگ رئیسی «برنامه‌ریزی شده، ترور و یا حذف فیزیکی» بوده دو دسته‌اند: گروهی انگشت اتهام را به سوی اسرائیل و گروهی دیگر به سمت جریان‌های قدرتمند درون حکومت دراز می‌کنند، آنهم معتقدند اسرائیل و یا جریان‌های درون قدرت به اندازه کافی انگیزه برای حذف او داشته‌اند.

در چنین شرایطی است که هر جمله‌ای از مقامات رژیم تا مادر رئیسی مورد تعبیر و تفسیر قرار می‌گیرد. در همین ارتباط مصطفی میرسلیم نماینده مجلس شورای اسلامی گفت: «رئیسی رفت و صندوقی از اسرار نظام را با خود برد» و یا حسین الله‌کرم از چماق‌به‌دست‌های «انصار حزب‌الله» که اکنون در دانشگاه تدریس می‌کند، به «اعتماد‌آنان» گفت: «شاید برخی می‌خواستند رئیسی را به عنوان ذخیره انقلاب روی میدان مین ببرند؛ جایی که اولین اشتباه آخرینش خواهد بود و حالا هم شاید از شهادت او خوشحال شدند.» در یک اظهار نظر دیگر احمد علی‌رضاییگی نماینده تریز در مجلس شورای اسلامی (استاندار سابق آذربایجان شرقی) که به منطقه محل سقوط آشنایی دارد، با بیان اینکه «در منطقه وقوع سانحه بالگرد رئیسی مشکل آنت‌دهی موبایل نداریم»، به وبسایت «دیده‌بان ایران» گفت: «این حادثه ابهامات زیادی دارد، برایم مبهم است که چرا فاصله

اصلی این است که «کمیته ویژه» این سانحه را ستاد کل نیروهای مسلح هدایت می‌کند بنابراین حکومت به حد کافی امکان و انگیزه برای پنهان کردن واقعیت، اگر غیر از روایت رسمی باشد، خواهد داشت مگر اتفاق ویژه‌ای مثل درز اطلاعات یا جدال درونی روی بدهد که منجر به افشای واقعیت‌ها شود.

موضوع «ترور احتمالی» ابراهیم رئیسی و همراهانش در سانحه مشکوک سقوط هلی‌کوپتر در کوه‌های مرزی شمال استان آذربایجان شرقی جدی‌تر شده است. به ویژه آنکه شنبه پنجم خردادماه ویدیویی از گریه و مویه‌های مادر رئیسی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که در آن می‌گوید، «بُکشه هرکی غیر خدا تو رو کشته!»

گمانه‌زنی‌ها در مورد حذف فیزیکی ابراهیم رئیسی و یا عمدی بودن سقوط هلی‌کوپتر وی زیاد است. در این ارتباط حسام‌الدین آشنا مشاور پیشین حسن روحانی (داماد قربانعلی دری نجف‌آبادی و عضو سابق وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی) و عضو خطاب به مسئولان نظام گفته بود: «شما را به حرمت همه شهیدان سوگند می‌دهیم که در بررسی حادثه بالگرد، از هیچ احتمالی به سادگی نگذرید.» همچنین علی ربیعی مشهور به «عباد» که او نیز عضو سابق وزارت اطلاعات است در یادداشتی تأکید کرد: «مسائل فنی و خبرهای متناقضی که منتشر شد، نیازمند بحث‌های کارشناسی دقیق است.»

فداحسین مالکی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، پنجم خردادماه به وبسایت «روی‌داد ۲۴» گفت: «بحث‌هایی در بین برخی از مردم راه افتاده که می‌گویند عملیاتی در کار بوده که می‌خواستند آقای رئیسی و همراهانش را به شهادت برسانند.» وی تأکید کرد: «کمیته

● فداحسین مالکی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به وبسایت «روی‌داد ۲۴» می‌گوید: «بحث‌هایی در بین برخی از مردم راه افتاده که می‌گویند عملیاتی در کار بوده که می‌خواستند آقای رئیسی و همراهانش را به شهادت برسانند.»

● احمد علی‌رضاییگی نماینده تریز (استاندار سابق آذربایجان شرقی) که به منطقه محل سقوط آشنایی دارد، با بیان اینکه «در منطقه وقوع سانحه بالگرد رئیسی مشکل آنت‌دهی موبایل نداریم»، به وبسایت «دیده‌بان ایران» گفت: «این حادثه ابهامات زیادی دارد، برایم مبهم است که چرا فاصله میان تریز تا سد قیز قلعه سی را که فاصله کمی دارند، با هلی‌کوپتر طی کردند.»

● شایعه شده که میان علم‌الهدی و خامنه‌ای درباره امتناع جمهوری اسلامی از بیان علت واقعی کشته شدن رئیسی اختلاف ایجاد شده است. هرچند که این شایعات قابل رد یا تأیید نیست.

● حسین الله‌کرم از چماق‌به‌دست‌های «انصار حزب‌الله» که اکنون در دانشگاه تدریس می‌کند، به «اعتماد‌آنان» گفت: «شاید برخی می‌خواستند رئیسی را به عنوان ذخیره انقلاب روی میدان مین ببرند؛ جایی که اولین اشتباه آخرینش خواهد بود و حالا هم شاید از شهادت او خوشحال شدند.»

● به نظر می‌رسد مرگ رئیسی از آن دست موضوعاتی است که برای فیصله پیدا کردن آن خامنه‌ای مجبور شود خودش وارد قضیه شود زیرا این مسئله بر شدت درگیری جریان‌های درون قدرت با یکدیگر افزوده است.

● بدیهی است نتیجه بررسی دلایل سقوط هلی‌کوپتر حامل رئیسی بخشی از ابهامات را روشن می‌کند اما مسئله



# حضور ۱۰۰ هزار افغان در مراسم تشییع جنازه ابراهیم رئیسی در مشهد



صدها افغان با پرچم‌های زرد رنگ «فاطمیون» در تشییع جنازه رئیسی شرکت کردند

بررسی‌ها نشان می‌دهد افغان‌ها تحت عنوان «خانواده شهدا و ایثارگران فاطمیون» یا «بسیج لشکر فاطمیون» به صورت سازماندهی شده در راهپیمایی حکومتی شرکت می‌کنند. **وادر کردن افغان‌ها به پشتیبانی از یگان‌های سرکوبگر** گذشته از موافقی که حکومت از افغان‌ها به عنوان سپاهی‌لشکر برای پرتعداد نشان دادن راهپیمایی‌های حکومتی در مناسبت‌های انقلابی سوء استفاده می‌کند، در بعضی مواقع نیز آنها تدارکاتی مناسب مذهب و فرهنگی می‌شوند. چنانکه تعداد زیادی از موکب‌های «اربعین» برای پذیرایی از زائران با کمک افغان‌ها در مسیرهای منتهی به کربلا و نجف برپا می‌شود. در موافقی هم به تعدادی از آنها مأموریت داده‌اند که در سرکوب اعتراضات ضدحکومتی پشتیبان بسیج و لباس شخصی‌ها باشند.

نگرانی‌های ایرانی‌ها از سیل مهاجران افغان به ایران وقتی تشدید می‌شود که جسته و گریخته گزارش می‌شود که حکومت با انگیزه‌های ضد مردمی از جمله تقویت دستگاه سرکوب آنها را بطور سازمانیافته به ایران وارد می‌کند.

اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۳۹۶ و مرداد ۱۳۹۷ در فضای سیاسی جدید اولین چالش جدی حکومت بعد از اعتراضات سال ۸۸ به نتایج انتخابات ریاست جمهوری اسلامی بود. وسعت این اعتراضات حکومت را وادار به اقداماتی کرد که تا پیش از آن کمتر مواردی از آن گزارش شده بود. یکی از این اقدامات استفاده از «فاطمیون» برای سرکوب اعتراضات در برخی شهرها از جمله در زاهدان، ورامین، کرج، مشهد و «خمینی‌شهر» (همايونشهر) اصفهان بود. با آرام‌تر شدن فضا در آن مقطع حجت‌الاسلام موسی غضنفرآبادی رئیس دادگاه‌های انقلاب تهران اواسط اسفند ۱۳۹۷ در جمع طلاب حوزه علمیه قم با صراحت تهدید کرد، «اگر ما انقلاب را یاری نکنیم، حشدالشعبی عراقی، فاطمیون افغانی، زینیون پاکستانی و حوثی‌های یمنی خواهند آمد و انقلاب را یاری خواهند کرد!»

● حضور گسترده اتباع افغان در ایران به یک فرصت طلایی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده تا نمایش‌های خیابانی و مراسم حکومتی از جمله تشییع جنازه ابراهیم رئیسی را شلوغ نشان دهد. با وجود شکاف عمیق میان مردم ایران و حکومت، افغان‌ها در نقش سپاهی لشکر برای پرجمعیت نشان دادن مراسم حکومتی سازماندهی می‌شوند.

● خبرگزاری‌های داخلی چهارم خردادماه گزارش دادند حدود ۱۰۰ هزار مهاجر افغانستانی مقیم مشهد در تشییع جنازه ابراهیم رئیسی شرکت کردند.

● مدیرکل اتباع و مهاجرین خارجی استانداری «خراسان رضوی» چهارم خردادماه طی سخنانی در «حسینیه هراتی‌ها» در مشهد با اعلام این خبر گفت، «تشکیل سازمان ملی مهاجرت به عنوان یکی از اقدامات مهم و یادگاری‌های شهید جمهور [ابراهیم رئیسی] است و این اقدام نشان از حسن توجه او به اتباع و مهاجرین کشور داشته و نقطه عطفی در ساماندهی موضوع اتباع خارجی است.»

حضور گسترده اتباع افغان در ایران به یک فرصت طلایی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده است تا نمایش‌های خیابانی و مراسم حکومتی از جمله تشییع جنازه ابراهیم رئیسی را شلوغ نشان دهد. با وجود شکاف عمیق میان مردم ایران و حکومت، افغان‌ها در نقش سپاهی لشکر برای پرجمعیت نشان دادن مراسم حکومتی سازماندهی می‌شوند. خبرگزاری‌های داخلی چهارم خردادماه گزارش دادند حدود ۱۰۰ هزار مهاجر افغانستانی مقیم مشهد در تشییع جنازه ابراهیم رئیسی شرکت کردند.

مدیرکل اتباع و مهاجرین خارجی استانداری «خراسان رضوی» چهارم خردادماه طی سخنانی در «حسینیه هراتی‌ها» در مشهد با اعلام این خبر گفت، «تشکیل سازمان ملی مهاجرت به عنوان یکی از اقدامات مهم و یادگاری‌های شهید جمهور [ابراهیم رئیسی] است و این اقدام نشان از حسن توجه او به اتباع و مهاجرین کشور داشته و نقطه عطفی در ساماندهی موضوع اتباع خارجی است.»

بر اساس اعلام اداره کل اتباع و مهاجرین خارجی استان «خراسان رضوی»، مشهد بعد از تهران دارای بیشترین شمار مهاجران خارجی است و نزدیک به ۴۰۰ هزار تبعه خارجی دارای مدارک شناسایی و اقامت شامل کارت آمایش، گذرنامه، گذرنامه خانواری و برگه سرشماری هستند که مشخصات آنها در سامانه «سیام» وزارت کشور ثبت شده است و به عنوان اتباع قانونی در مشهد اقامت دارند.

همچنین حدود ۳۰۰ هزار تبعه خارجی فاقد مدرک هویتی در مشهد شناسایی شده‌اند که افراد دارای گذرنامه با تاریخ منقضی شده نیز در این میان هستند و به عنوان اتباع غیرمجاز تلقی می‌شوند که البته در ماه‌های قبل حدود ۱۰۰ هزار نفر از این تعداد به افغانستان بازگردانده شدند.

مدیرکل اتباع و مهاجرین خارجی استانداری «خراسان رضوی» پیش از این در واکنش به حضور گسترده افغان‌ها در راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» نیز گفته بود، «مشارکت، حضور و همدلی مردم و اتباع و مهاجران خارجی در راهپیمایی، نشان‌دهنده اعتقاد و علاقه آنان به آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی است.»

→ میان تهریز تا سد قیز قلعه سی را که فاصله کمی دارند، با هلی‌کوپتر طی کردند». (این خبر از روی خروجی وبسایت «دیده‌بان ایران» حذف شد.)

بدیهی است نتیجه بررسی دلایل سقوط هلی‌کوپتر حامل رئیسی بخشی از ابهامات را روشن می‌کند اما مسئله اصلی این است که «کمیته ویژه» این سانحه را ستاد کل نیروهای مسلح هدایت می‌کند بنابراین حکومت به حد کافی امکان و انگیزه برای پنهان کردن واقعیت را، اگر غیر از روایت رسمی باشد، خواهد داشت مگر اینکه اتفاق ویژه‌ای مثل درز اطلاعات یا جدال درونی روی بدهد که منجر به افشای واقعیت‌ها شود.

از شواهد چنین به نظر می‌رسد که ستاد کل نیروهای مسلح به دنبال راهی می‌گردد تا «نقص فنی» یا «خطای خلبان» را عامل سقوط معرفی کند. گزارش اولیه «هیأت عالی» ستاد کل که سوم خردادماه منتشر شد بیش از آنکه پرده از واقعیت‌ها بردارد بر ابهامات افزود زیرا حتی اشاره نکرده که ضرورت پرواز هلی‌کوپتر رئیسی در شرایط نامساعد جوی چه بوده است! در این گزارش آمده که «بالگرد سانحه‌دیده پس از برخورد با ارتفاع، دچار آتش‌سوزی شده است» اما همزمان تأکید شده که «آثار اصابت گلوله و یا موارد مشابه آن در اجزای باقیمانده بالگرد سانحه‌دیده مشاهده نشده است.»

منابع غیررسمی می‌گویند، بعد از مرگ ابراهیم رئیسی نیروهای امنیتی از برگزاری جلسه درس خارج فقه احمد علم‌الهدی (پدر همسر رئیسی) جلوگیری کردند. بر همین اساس شایعه شد میان علم‌الهدی و خامنه‌ای درباره امتناع جمهوری اسلامی از بیان علت واقعی کشته شدن رئیسی اختلاف ایجاد شده است. هرچند که این شایعات قابل رد یا تأیید نیست اما عدم حضور علم‌الهدی در مراسم یادبودی که در «بیت علی خامنه‌ای» برای رئیسی و سایر کشته‌شدگان سانحه سقوط هلی‌کوپتر برگزار شد این شایعات را تقویت کرده است.

مراسم یادبود رئیسی و همراهانش در بیت علی خامنه‌ای پیش از این محمد آقامیری عضو شورای اسلامی شهر تهران روز سه‌شنبه اول خرداد در جلسه این شورا گفته بود، «گزارش و صحبت‌هایی شده که ممکن است این حادثه صرفاً سانحه به خاطر آب و هوا نباشد و مسائل دیگری در کار باشد. دستگاه‌های امنیتی با دقت بررسی کنند.»

همچنین روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران روز پنجشنبه سوم خرداد در مطلبی با عنوان «مسامحه جایز نیست» تأکید کرد، «نزدیکی محل سقوط هلی‌کوپتر رئیسی با مرز جمهوری آذربایجان امکان انجام هر توطئه‌ای در منطقه مرزی داخل کشورمان را به رژیم صهیونیستی می‌دهد.»

به نظر می‌رسد مرگ رئیسی از آن دست موضوعاتی است که برای فیصله پیدا کردن آن خامنه‌ای مجبور شود خودش وارد قضیه شود زیرا این مسئله بر شدت درگیری جریان‌های درون قدرت با یکدیگر افزوده است. اکنون هواداران ابراهیم رئیسی دادخواه او شده‌اند؛ در آذربایجان شرقی هم گروهی از حامیان نظام که به محمدعلی آل‌هاشم امام جمعه و مالک رحمتی استاندار آذربایجان شرقی علاقمندند خواستار روشن شدن ابهامات هستند.

ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم به همراه حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه‌اش و شماری دیگر از مقامات نظام یکشنبه ۳۰ اردیبهشت در مسیر بازگشت از مراسم افتتاح سد «قیز قلعه‌سی» (قلعه دختر)، در منطقه ورزقان استان آذربایجان شرقی دچار سانحه هوایی شد و او و هفت نفر دیگر از جمله سه کادر پرواز جان خود را از دست دادند.

## افزایش ۴۸ درصدی اجرای حکم اعدام در ایران طی سال ۲۰۲۳



● دست کم ۸۵۳ نفر در سال ۲۰۲۳ جان خود را با اجرای احکام اعدام از دست دادند که در مقایسه با ۵۷۶ نفر در سال ۲۰۲۲، بیانگر افزایش ۴۸ درصدی طی یک سال است. ● عفو بین الملل تأکید کرده که مقامات جمهوری اسلامی با اجرای اعدام در سراسر کشور، استفاده از مجازات اعدام را در تلاش برای هراس آفرینی در میان مردم و تثبیت کنترل خود بر قدرت افزایش داده‌اند.

● سازمان عفو بین الملل پیشتر و در نیمه اردیبهشت امسال اعلام کرده بود که جمهوری اسلامی در بازه زمانی ۲۸ فروردین تا ۱۱ اردیبهشت، در هر پنج ساعت یک نفر را اعدام کرده است. طی این مدت حکم اعدام ۶۳ زندانی در زندان‌های ایران به اجرا درآمد.

سازمان عفو بین الملل در گزارش سالانه خود از اعدام، نوشته است که شمار اعدام‌ها در ایران طی سال ۲۰۲۳ با افزایش ۴۸ درصدی نسبت به سال پیشتر روبرو شده و به حداقل ۸۵۳ نفر رسیده است.

عفو بین الملل در گزارش سالانه اعدام که چهارشنبه ۹ خرداد ۱۴۰۳ منتشر شد نوشته شمار اعدام در جهان طی سال ۲۰۲۳ افزایش یافته بطوری که این آمارها در ایران و در سراسر خاورمیانه به بالاترین میزان از سال ۲۰۱۵ تا کنون رسیده است. در این گزارش تأکید شده مقامات جمهوری اسلامی با اجرای اعدام در سراسر کشور، استفاده از مجازات اعدام را در تلاش برای هراس آفرینی در میان مردم و تثبیت کنترل خود بر قدرت افزایش داده‌اند. بر اساس این گزارش، دست کم ۸۵۳ نفر در سال ۲۰۲۳ جان خود را با اجرای احکام اعدام از دست دادند که در مقایسه با ۵۷۶ نفر در سال ۲۰۲۲، بیانگر افزایش ۴۸ درصدی طی یک سال است.

این گزارش تأکید کرده که اعدام‌ها بطور نامتناسبی بلوچ‌ها را هدف قرار می‌دهد بطوری که بلوچ‌ها که ۵ درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، ۲۰ درصد از شمار اعدام‌ها را تشکیل می‌دهند. در بخش دیگری از این گزارش آمده که دست کم ۲۴ زن و مردی که در زمان ارتکاب جرم اتهامی زیر سن قانونی بودند، اعدام شدند. از مجموع اعدام‌های ثبت شده در ایران، حداقل ۵۴۵ مورد مربوط به اعمالی بوده که طبق قوانین بین‌المللی نباید مجازات اعدام داشته باشند، از جمله جرائم مواد مخدر، سرقت و اقدامات جاسوسی. این گزارش افزوده اعدام‌های مرتبط با جرائم مواد مخدر افزایش یافته است. آنها ۵۶ درصد از تعداد اعدام‌های ثبت شده در سال ۲۰۲۳ را تشکیل می‌دهند که در مقایسه با ۲۵۵ اعدام ثبت شده در سال ۲۰۲۲، ۸۹ درصد افزایش داشته است. در حالی که نقش جمهوری اسلامی در افزایش آمارهای اعدام، چه در خاورمیانه و چه در جهان، بسیار چشمگیر است، سازمان عفو بین الملل اعلام کرده، در سال گذشته میلادی در مجموع هزار و ۱۵۳ اعدام در سراسر جهان توسط این سازمان ثبت شده که نسبت به سال ۲۰۲۲ حدود ۳۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

این گزارش افزوده آمارهای ارائه شده در این گزارش، شامل اجرای هزاران حکم اعدام که احتمالاً در چین اجرا شده، نمی‌شود چون آمارهای اعدام در چین به دلیل مخفی سازی سازمان یافته اطلاعات توسط دولت این کشور، در دست نیست. اگس کالامار، دبیرکل عفو بین الملل، در بیانیه‌ای گفت: «مقامات ایران با بی‌اعتنایی کامل نسبت به جان انسان‌ها، اعدام‌ها را برای جرایم مرتبط با مواد مخدر تشدید کردند، و این امر موجب تأثیر تبعیض آمیز مجازات اعدام بر افراد

ویژه برای ایران، بسیار مهم است که به مقامات جمهوری اسلامی این پیام داده شود که کارنامه تاریک حقوق بشری آن‌ها تحت نظارت بین‌المللی باقی خواهد ماند و اطمینان حاصل شود که یک مکانیسم مستقل بین‌المللی تحقیق و پاسخگویی برای جمع آوری و تجزیه و تحلیل شواهد و اسناد جنایات بین‌المللی به کار خود ادامه می‌دهد.»

سازمان عفو بین الملل پیشتر و در نیمه اردیبهشت امسال اعلام کرده بود که جمهوری اسلامی در بازه زمانی ۲۸ فروردین تا ۱۱ اردیبهشت، در هر پنج ساعت یک نفر را اعدام کرده است. طی این مدت حکم اعدام ۶۳ زندانی در زندان‌های ایران به اجرا درآمد. سازمان عفو بین الملل هفته گذشته نیز در نامه‌ای خطاب به غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی نسبت به خطر جدی اجرای حکم اعدام پانزده شهروند بازداشت شده در اعتراضات سراسری سال‌های گذشته هشدار داد.

در این نامه آمده بود که بازجوها با هدف اعتراف‌گیری اجباری این شهروندان بازداشت شده‌را تحت شکنجه‌هایی چون ضرب و شتم، شوک الکتریکی و خشونت جنسی قرار داده‌اند. این سازمان حقوق بشری نحوه رسیدگی به پرونده این متهمان را به دور از استانداردهای جهانی، غیرعادلانه و تحت شکنجه دانسته و تأکید کرده بود که دادگاه آنها فرمایشی بوده است. فاضل بهرامیان، مه‌ران بهرامیان، محمود مهرابی، محمد خضرنژاد، منوچهر مهمان‌نواز، مجاهد کورکور، رضا رسایی و توماج صالحی هشت تن از شهروندان در معرض اعدام هستند که در اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ بازداشت شدند. سازمان عفو بین الملل در این نامه افزوده بود که اتهامات واهی این شهروندان «بغی»، «سب النبی»، «فساد فی الارض» و یا «محرابه» بوده است.

سازمان عفو بین الملل همچنین اعلام کرده بود برخی دیگر از بازداشت‌شدگان نیز در خطر «صدور» حکم اعدام قرار دارند. در ادامه سازمان عفو بین الملل با ابراز نگرانی درباره وضعیت سعید شیرازی و ابوالفضل مهری حسین حاجیلو تصریح کرده‌است که اتهامات وارده بر این دو معترض می‌تواند اعدام آنها را در پی داشته باشد.

عفو بین الملل همچنین از خطر صدور حکم اعدام برای دست کم پنج زندانی بازداشت شده در جریان اعتراضات سراسری جنبش ملی در سال ۱۴۰۱ خبر داده بود.

حاشیه‌نشین و فقیر جامعه ایران شده است.»

سازمان عفو بین الملل در گزارش سال گذشته نیز اعلام کرده بود که جمهوری اسلامی طی سال ۲۰۲۲ میلادی اجرای احکام اعدام را دو برابر کرده و ناپدیدسازی قهری، شکنجه و دیگر رفتارهای غیرانسانی، تحقیرآمیز و بی‌رحمانه در کشور به صورت سازمان یافته در حال انجام بوده است.

همانطور که در گزارش سازمان عفو بین الملل نیز تأکید شده، اعدام شهروندان یکی از ابزار هراس آفرینی در جامعه با هدف جلوگیری از اعتراضات سراسری شهروندان ارزیابی می‌شود. حکومتی که با اعدام و زندان، قدرت سیاسی خود در کشور را حفظ می‌کند از ابتدای امسال نیز موج گسترده‌ای از اعدام را در دستور کار قرار داده است.

دایانا الطحاوی معاون دفتر خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان عفو بین الملل فروردین امسال درباره افزایش شمار اعدام‌ها در ایران گفته بود: «مجازات اعدام در هر شرایطی نفرت‌انگیز است، اما اعمال آن به صورت دسته جمعی برای جرائم مرتبط با مواد مخدر پس از محاکمه‌های به شدت ناعادلانه در دادگاه‌های انقلاب، سوء استفاده فاحش از قدرت است. سیاست‌های مرگبار جمهوری اسلامی در مبارزه با مواد مخدر به چرخه فقر و بی‌عدالتی سیستماتیک و تشدید بیشتر تبعیض علیه جوامع حاشیه‌نشین، به ویژه اقلیت ستم‌دیده بلوچ ایران کمک می‌کند.»

دایانا الطحاوی افزوده بود که «معتزضان، مخالفان و اعضای اقلیت‌های تحت ستم از جمله افرادی هستند که اعدام شده‌اند، زیرا مقامات در چارچوب یک اقدام سازمان‌دهی شده از مجازات اعدام به عنوان سلاحی برای ایجاد وحشت میان مردم و سرکوب مخالفان استفاده کرده‌اند. بدون واکنش جهانی قاطع، مقامات جمهوری اسلامی جسارت پیدا می‌کنند تا با مصونیت کامل از مجازات، هزاران نفر دیگر را در سال‌های آینده اعدام کنند.

معاون دفتر خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان عفو بین الملل همچنین گفته بود که «یافته‌های تکان‌دهنده ما در مورد حمله‌ی مداوم مقامات جمهوری اسلامی به حق حیات، بر ضرورت فشار جامعه بین‌المللی بر مقامات جمهوری اسلامی برای توقف فوری اعدام‌ها تأکید می‌کند. همزمان با رأگیری شورای حقوق بشر سازمان ملل درباره تمدید ماموریت‌های هیات حقیقت‌یاب در مورد ایران و گزارشگر

## تاریخ تلخ حجاب اجباری



در هشتمین «همایشگاه کتاب تهران بدون سانسور» در لندن، کتاب «تاریخ شفاهی حجاب اجباری» که از سوی «نشر ناکجا» در پاریس منتشر شده است، با حضور گردآورنده آن، منصوره حسینی یگانه، روزنامه‌نگار و مجری سابق شبکه تلویزیونی «منوتو» معرفی شد. در این کتاب اول، چون بخش دوم آن نیز در حال تدوین است، منصوره حسینی یگانه روایت‌های ۸ زن در داخل و خارج از ایران را در رابطه با اجباری شدن حجاب در ایران پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی گرد آورده است. احمد رأفت با منصوره حسینی یگانه که کتاب وی در مدت کوتاهی به چاپ دوم رسیده و به زودی جلد بعدی آن نیز در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت، گفتگویی انجام داده است.

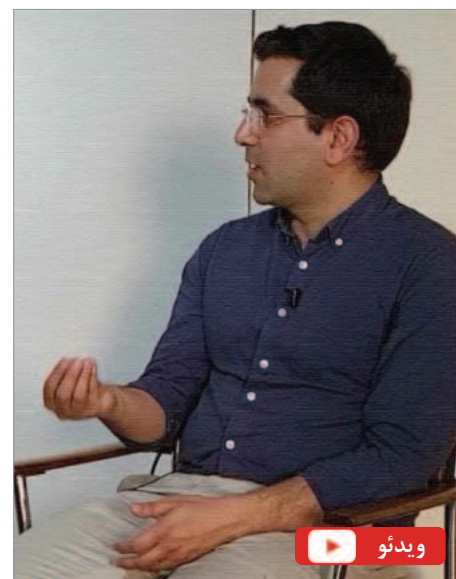
## «طنز در و بر اسلام»؛ پژوهشی از محمود فرجامی



«طنز در و بر اسلام» پژوهشی ۸۷۳ صفحه‌ای است که توسط محمود فرجامی نویسنده، طنزپرداز و کم‌دین اخیرا با ویراستاری جدید منتشر شده است. این کتاب که در هشتمین «همایشگاه کتاب تهران بدون سانسور» در لندن رونمایی شد، حاصل ۱۲ سال کار پژوهشی محمود فرجامی است که کتاب‌های پرفروش و موفق دیگری را چون «قصه‌های خوب برای گنده‌های خوب»، «خنده و خاموشی» و «ضد فراموشی» را هم در کارنامه خود دارد. نام محمود فرجامی با ترجمه کتاب Asshole No More با عنوان «بی‌شعوری» در سال ۱۳۷۸ مطرح شد. این کتاب که در آن زمان نتوانست مجوز انتشار پیدا کند، در سال ۱۳۹۳ پس از ۵ سال خاک خوردن بالاخره در ایران هم روانه کتابفروشی‌ها شد و در مدت تنها ۸ ماه به چاپ بیستم و تیراژ ۵۰ هزار جلدی رسید. محمود فرجامی علاوه بر فعالیت‌های پژوهشی و نوشتاری برنامه‌های استندآپ کمدی نیز برگزار می‌کند و اولین کسی بود که قبل از خروج از ایران به این شیوه نیز در داخل کشور روی صحنه رفت. احمد رأفت در حاشیه هشتمین «همایشگاه کتاب تهران بدون سانسور» در لندن با محمود فرجامی گفتگویی انجام داده است.

ایقان شهیدی:

«ادیان باید جامعه سکولار را بپذیرند»



در هشتمین «همایشگاه کتاب تهران بدون سانسور» که در لندن در روزهای ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت (۱۷ و ۱۸ مه) برگزار شد، چندین نویسنده کتاب‌های خود را معرفی و یا رونمایی کردند. انتشارات «آسو» از جمله شماره ویژه «دفترهای آسو» با عنوان «دین در دنیای معاصر» را با حضور ایقان شهیدی نویسنده و گردآورنده آن، رونمایی کرد.

دین و مذهب در ایران بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به موضوعی بسیار حساس و بحث‌برانگیز تبدیل شده است. ایقان شهیدی دانشجوی دکترا در دانشگاه کمبریج بریتانیا و زندانی عقیدتی سابق که ۵ سال از نوجوانی خود را در زندان اوین گذرانده است، در این مجموعه تلاش می‌کند تا نگاهی به موضوع «دین در دنیای معاصر» داشته باشد و ضمن اشاره به برخی دیدگاه‌ها و نظرات، به بررسی تفاوت‌ها در جوامع دینی مختلف در رابطه با تجربه‌هایی چون سکولاریسم یا جدائی دین از حکومت بپردازد.

این دفتر ویژه علاوه بر مقالاتی از نظریه‌پردازان بین‌المللی چون یورگن هابرماس، جفری کامرون و دیوید پالمر، گفتگوهایی با پیروان و پژوهشگران پنج مذهب عمده در ایران یعنی زرتشتی، یهودی، مسیحی، مسلمان و بهائی را نیز با هدف آشنائی با دیدگاه‌های مختلف در رابطه با نقش و نگاه دین به دنیای معاصر در برمی‌گیرد. احمد رأفت با ایقان شهیدی گفتگویی انجام داده است.

## حکم شش سال زندان و رد مال ماشالله کرمی ابلاغ شد



دستفروش بود. ماشالله کرمی، پدر محمدمهدی، در گفتگو با «اعتماد» گفته بود که در نظرآباد استان البرز دستفروش دستمال کاغذی است و دو فرزند دارد: محمدمهدی و فرزند دیگری که معلول و خانه‌نشین است.

محمدمهدی کرمی پیشتر در ملاقات با خانواده خود از آزار جسمی و روانی «شدید» خود توسط مأموران خبر داده بود. به گفته محمدمهدی هنگام بازداشت او را طوری کتک زده‌اند که بیهوش شده بود و نیروهای حکومتی فکر کردند که او مُرده و «جنازه‌اش» را اطراف دادگاه نظرآباد انداختند، اما موقع ترک آنجا متوجه شدند که هنوز زنده است.

شکنجه محمدمهدی فقط به ضرب و جرح در هنگام بازداشت خلاصه نشده و پس از انتقال به بازداشتگاه هم ادامه یافته است. مأموران حکومتی هر روز اندام جنسی‌اش را لمس و او را تهدید می‌کردند که به او تجاوز خواهند کرد.

درباره محمد حسینی شهروند ۳۹ ساله‌ای که همزمان با محمدمهدی به دار آویخته شد اطلاعات زیادی منتشر نشده است. پیشتر فعالان مدنی و روزنامه‌نگاران در ایران اطلاع داده بودند که پدر و مادر محمد حسینی پیشتر درگذشته‌اند و این جوان کسی را ندارد تا پیگیر پرونده‌اش باشد. او کارگر یک مرغداری در حاشیه کرج و ورزشکار و مربی ورزشهای رزمی بود. سید محمد حسینی حتی کسی را نداشت که پیکر اعدام شده او را از زندان بگیرد و به خاک بسپارد. او در همان آرامستانی که پیکر محمدمهدی کرمی به خاک سپرده شد، توسط سازمان زندان‌ها خاکسپاری شد اما بعدها شهروندان زیادی از جمله خانواده محمدمهدی کرمی بر مزار او حاضر شدند و برایش مراسم یادبود گرفتند. سنگ مزار سید محمد حسینی از سوی کاملیا سجادیان مادر محمدحسن ترکمان از کشته‌شدگان اعتراضات که فرزند دانشجویی در جریان اعتراضات مازندران با گلوله مأموران حکومتی جان باخت تقبل شد. اما سنگتراش و شاگردانش که برای اندازه‌گیری مزار به آرامستان رفته بودند توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند!

ده ماه پس از اعدام محمد (کیان) حسینی و محمدمهدی کرمی، حسین عجمیان برادر روح‌الله عجمیان در گفتگو با وبسایت «اعتماد» گفت حکم «مহারبه» و اعدام این دو شهروند معترض ربطی به قتل برادرش نداشته است.

اتهاماتی از قبیل کلاهبرداری و سوء استفاده از احساسات مردم مواجه شده است. ماشالله کرمی کارگر دستفروش بوده که در یک سال گذشته و پس از اعدام فرزندش به دادخواهی پرداخته است. او در حالی به «جرم» دادخواهی بیش از سه ماه زندانی و با اتهامات سنگین امنیتی روبرو شده که همسر و فرزند دیگری نیز در هفته‌های گذشته زیر سنگین‌ترین فشارهای امنیتی قرار داشتند. محمدمهدی کرمی فرزند ماشالله کرمی و از بازداشت‌شدگان اعتراضات جنبش ملی، سحرگاه شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۱، به همراه محمد (کیان) حسینی به دار آویخته و اعدام شد. محمدمهدی کرمی از روز چهارشنبه ۱۴ دی در اعتصاب غذای خشک بود و در حال اعتصاب غذا اعدام شد. جمهوری اسلامی حتی این دو جوان را از آخرین دیدار حضور با خانواده پیش از اعدام محروم کرد. پدر و مادر محمدمهدی و تعدادی دیگر از اعضای خانواده از شامگاه مقابل ورودی زندان بودند و برای دیدار او التماس می‌کردند اما نگذاشتند آنها فرزندشان را ببینند و حتی خبر اعدام را هم به آنها ندادند. محمدمهدی کرمی و محمد حسینی از جمله ۱۶ متهم پرونده امنیتی و مبهم کشته شدن یک بسیجی به نام روح‌الله عجمیان بودند. پس از برگزاری مراسم چهلم حدیث نجفی در «بهشت سکینه» کرج، مأموران لباس شخصی، امنیتی و نظامی مسیر جاده را بستند و به مردم یورش بردند و درگیری شدیدی میان نیروهای حکومتی و مردمی که در حال دفاع مشروع از خود بودند در گرفت.

در جریان این درگیری روح‌الله عجمیان بسیجی مسلح و از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی کشته شد. نهادهای امنیتی اقدام به بازداشت شماری از شهروندان در رابطه با این پرونده کردند و در نهایت ۱۶ شهروند را با اتهام سنگین محاربه و قتل این بسیجی راهی دادگاه انقلاب اسلامی کردند. متهمان پرونده به وکیل انتخابی دسترسی نداشتند و امکان دفاع از خود در دادگاه را نیز نیافتند. همه متهمان مورد شکنجه‌های شدید جسمی برای اقرار به قتل یا مشارکت در قتل روح‌الله عجمیان قرار گرفتند.

یکی از نکات مهم درباره دو متهمی که توسط حکومت به قتل رسیدند، عدم دسترسی آنها به افراد و جریان‌های صاحب‌نفوذ بوده است. هر دو از اقشار ضعیف جامعه بودند. محمدمهدی کرمی ورزشکار و قهرمان کاراته، فرزند یک

● وکیل ماشالله کرمی گفته موکل‌اش به اتهام اجتماع و تبانی و فعالیت تبلیغی به شش سال حبس و ضبط اموال که از کمک‌های مردمی تهیه شده است محکوم شد.

● ماشالله کرمی پدر دادخواه محمد مهدی کرمی شهروند معترض اعدام شده، ۳۱ مرداد پارسال توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

● گوهر عشقی: ماشالله کرمی که پس از مدت‌ها زندان و شکنجه توسط رژیم جمهوری اسلامی به این حکم سنگین محکوم شده است، نمادی از پایداری و استقامت در برابر ظلم و ستم ملایان است.

در حالی که طی روزهای گذشته خبرهایی غیررسمی از محکومیت ماشالله کرمی، پدر دادخواه محمدمهدی کرمی، منتشر شده بود، روز شنبه ۵ خرداد وکیل این پدر دادخواه صدور حکم شش سال زندان و رد مال برای موکل‌اش را تأیید کرد. علی شریف زاده اردکانی وکیل ماشالله کرمی، روز شنبه پنجم خرداد، از ابلاغ حکم موکل‌اش خبر داد و در شبکه نوشت: حکم حبس این پدر دادخواه نوشت که وی «از بابت اجتماع و تبانی و فعالیت تبلیغی به شش سال حبس و ضبط اموال که از کمک‌های مردمی تهیه شده است محکوم شد.» این وکیل دادگستری در ادامه نوشت که «دادگاه انقلاب با توجه به رسیدگی دو عنوان اتهامی دیگر در دادگاه کیفری دو، صلاحیت صدور حکم ضبط اموال را ندارد.»

وکیل ماشالله کرمی تأکید کرده که حکم صادر شده علیه برادران قانونی داشته و به آن اعتراض خواهند کرد.

گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی، نیز در واکنش به این خبر در حساب کاربری «ایکس» خود حکم ناعادلانه شش سال زندان برای ماشالله کرمی را محکوم کرده است. گوهر عشقی نوشته «ماشالله کرمی که پس از مدت‌ها زندان و شکنجه توسط رژیم جمهوری اسلامی به این حکم سنگین محکوم شده است، نمادی از پایداری و استقامت در برابر ظلم و ستم ملایان است.» گوهر عشقی در پایان نوشت: «این اقدامات ظالمانه و غیرانسانی نه تنها ماشالله کرمی و خانواده او را ساکت نخواهد کرد بلکه اراده همه ما را نیز برای مبارزه با استبداد حاکم دوچندان خواهد کرد.»

ماشالله کرمی پدر محمد مهدی کرمی شهروند معترض اعدام شده، ۳۱ مرداد پارسال توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. ماشالله کرمی بیش از دو ماه زیر بازجویی وزارت اطلاعات قرار داشت و ششم آبان‌ماه گذشته از بازداشتگاه اداره اطلاعات به نامتگاه مرکزی کرج منتقل شد. آذرماه گذشته خبرگزاری «هرانا» گزارش داده بود شعبه یازده دادرسی عمومی و انقلاب کرج کیفرخواست ماشالله کرمی با پنج اتهام سنگین امنیتی را صادر کرده است. همچنین برای این پدر دادخواه که هم‌اکنون زندانی است وثیقه ۷ میلیارد تومانی جهت آزادی موقت صادر شده است. بر اساس کیفرخواست صادره، ماشالله کرمی به پنج فقره اتهام شامل «عضویت در دستجات و جمعیت به قصد اقدام علیه امنیت کشور»، «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی»، «اهانت به مقدسات»، «تشکیل گروه به قصد برهم زدن امنیت کشور» و «توهین به رهبری» متهم شده است.

کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان پیشتر در ۱۹ آذرماه گزارش داده بود که دادگاه ماشالله کرمی که قرار بود ۱۴ آذرماه تشکیل شود، به دلایل نامعلوم تشکیل نشده و او همچنان در وضعیت بلاتکلیف در زندان است. این گزارش افزوده بود که ماشالله کرمی در بازجویی‌ها با

## تعدادی از زندانیان سیاسی بند ۶ زندان اوین به بند ۴ و ۸ منتقل شدند



کمر درد شدید رنج می‌برد و محسن غیاثی و یاور فتح‌اللهی نیز در وضعیت بسیار بدی دارند.

این فرد مطلع در پایان افزود: «از ۲۰ یا ۲۱ فروردین ۱۴۰۲ بود که از زندان تهران بزرگ، حدود ۳۶ زندانی سیاسی را به زندان اوین منتقل کردند.»

چندی پیش خبر رسیده بود که زندانیان سیاسی محبوس در بند هشت زندان اوین در حالی از شیوع ساس در این زندان و به خطر افتادن سلامت زندانیان خبر داده‌اند که مقامات مسئول این خبر را تکذیب کرده‌اند. بیمارستان «طالقانی» اما به دلیل ساس‌گریدگی از پذیرش زندانیان دیالیزی اعزام شده از زندان اوین خودداری کرده است.

ضیا نبوی فعال دانشجویی و زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین در نامه‌ای از زندان، از شیوع ساس در بند هشت این زندان خبر داده و شرح‌گفتاری زندانیان با ساس‌ها را روایت کرده است.

این خبر به سرعت با تکذیب جمهوری اسلامی روبرو شد. خبرگزاری قوه قضاییه جمهوری اسلامی، «میزان»، در خبری به نقل از «یک منبع آگاه از سازمان زندان‌ها» و با «تکذیب» گزارش ضیا نبوی نوشت که «بازداشتگاه اوین یکی از پاکیزه‌ترین و منظم‌ترین زندان‌های سطح کشور است و از لحاظ بهداشتی در وضعیت مناسبی قرار دارد. بند ۸ این زندان، دارای خشکشویی و پتوشویی است و پتوهای زندانیان، بطور مرتب شسته و ضدعفونی می‌شوند.»

اما همزمان مهدی محمودیان خبرنگار و زندانی پیشین که در زندان اوین محبوس بوده، در شبکه «ایکس» خبر داد که بیمارستان «طالقانی» تهران از پذیرش بیماران دیالیزی به دلیل نگرانی از شیوع ساس در بیمارستان خودداری کرده است.

کامبیز نوروززاده زندانی پیشین و فعال حقوق بشر نیز با تأیید وجود ساس در زندان اوین در شبکه «ایکس» نوشت «زمانی که به قرنطینه زندان اوین منتقل شدم به خاطر ساس‌های زیادی که در قرنطینه وجود دارد سه روزی رو که در قرنطینه بودم حتی نتوانستم بخوابم، در بند چهار هم وضعیت بهتری وجود نداشت و بعد از آزادی هم به خاطر گریدگی ساس دارم مصرف می‌کردم، حتی آقای جعفر پناهی به خاطر وجود ساس راهی بیمارستان شد.»

اینکه در بند ۴ و ۸ زندانیان مالی و جرائم خشن نگهداری می‌شوند افزود: «بند ۸ زندان اوین از نظر بهداشتی و وجود حشرات موذی مثل ساس وضعیت بسیار بدی دارد. وجود ساس در این بند، مشکلات زیادی برای زندانیان ایجاد کرده و باعث یک نوع شکنجه مضاعف برای زندانیان سیاسی شده، تا جایی که حتی خواب هم ندارند.»

وی با تأکید بر اینکه مسئله ساس سال‌هاست که در اوین وجود دارد تأکید کرد: «ساس یکی از مهمترین و بدترین مشکلات زندان اوین است و باعث عوارض و حساسیت‌های پوستی و خارش و سوزش شدید برای زندانیان می‌شود؛ در حالی که در سال‌های اخیر، مسئولان زندان اوین هیچ اقدام ویژه‌ای در جهت پاکسازی زندان از این حشره موذی نداشته‌اند و فقط در جهت تکذیب این موضوع و پاک کردن صورت مسئله تلاش کرده‌اند و همچنان این مشکل زندانیان را آزار می‌دهد.»

همچنین به گفته وی بندهای ۴ و ۸ زندان اوین بسیار شلوغ هستند و شمار زیاد زندانیان در هر اتاق، شرایط سختی برای زندانیان ایجاد کرده. در برخی اتاق‌های بند ۴ تا ۲۳ زندانی جا داده شده‌اند آنهم در شرایطی که برخی زندانیان تخت ندارند و به اصطلاح کف‌خواب هستند.

فرد نزدیک به زندانیان سیاسی در بند ۶ زندان اوین می‌افزاید: «زندانیان در اتاق‌هایی که ساس دارند، شب‌ها اصلاً خواب ندارند؛ در سال گذشته تمام وسایل زندانیان بند ۶ را به بیرون ریختند و به وسیله دستگاه‌هایی که با آنها کله‌پاچه را کز می‌دهند سوزاندند. تخت‌های فلزی را با حرارت دادن تخم‌سازهای مخفی شده در داخل فلز تخت، از بین بردند. در حال حاضر وضعیت بند ۶ نسبت به بند ۴ و ۸ کمی بهتر است.»

به گفته این فرد آگاه از وضعیت زندانیان سیاسی اوین، به‌گفته‌ی این زندانیان، وقتی هوا تاریک می‌شود، آنها پایین پاچه شلوار خود را با کش می‌بندند که ساس‌ها از پا وارد بدنشان نشوند تا شاید بتوانند کمی بخوابند. اغلب این زندانیان به دلیل ساس و کم‌خوابی دچار کاهش وزن شدید شده‌اند.

به گفته‌ی وی، سجاد ایمان نژاد یکی از زندانیان سیاسی از

یک فرد نزدیک به زندانیان سیاسی در بند ۶ زندان اوین با اعلام این مطلب به کیهان لندن گفت: «زندانیان سیاسی از جمله مهدی بهمن، اسدالله هادی، محمد رودباریان، مقصدجو، علی رضایی، سجاد ایمان‌نژاد، سعید ملکی و محمد رهبری به بند ۴ و شهریار بیات، ساسان محمدپور، مهدی حسنی، وحید قدیرزاده و رضا برمایه به بند ۸ انتقال داده شدند. این در حالیست که زندانیان سیاسی بیشتر درخواست داشتند یا انتقالی صورت نپذیرد یا همگی با هم انتقال داده شوند. ولی مسئولان زندان گفتند کمیته امنیتی تصمیم گرفته که زندانیان بین دو بند ۴ و ۸ تقسیم شوند و در حال حاضر بند ۶ را برای زندانیان مالی خالی کرده‌اند.»

بند ۴ و ۸ در زندان اوین از نظر بهداشتی و وجود حشرات موذی مانند ساس در وضعیت بسیار بدی قرار دارند و در آنها زندانیان مالی و جرائم خشن نگهداری می‌شوند. این دو بند بسیار شلوغ هستند و شمار زیاد زندانیان در هر اتاق، شرایط سختی برای زندانیان ایجاد کرده. در برخی اتاق‌های بند ۴ تا ۲۳ زندانی جا داده شده‌اند آنهم در شرایطی که برخی زندانیان تخت ندارند و به اصطلاح کف‌خواب هستند.

بر اساس اخبار رسیده به کیهان لندن در چند روز گذشته تعدادی از زندانیان سیاسی بند ۶ زندان اوین (بند ۳۵۰ سابق)، بدون رضایت و انتخاب خودشان به بند ۴ و ۸ انتقال داده شدند. این دو بند در زندان اوین از نظر بهداشتی و وجود حشرات موذی مانند ساس در وضعیت بسیار بدی قرار دارند. یک فرد نزدیک به زندانیان سیاسی در بند ۶ زندان اوین با اعلام این مطلب به کیهان لندن گفت: «زندانیان سیاسی از جمله مهدی بهمن، اسدالله هادی، محمد رودباریان، مقصدجو، علی رضایی، سجاد ایمان‌نژاد، سعید ملکی و محمد رهبری به بند ۴ و شهریار بیات، ساسان محمدپور، مهدی حسنی، وحید قدیرزاده و رضا برمایه به بند ۸ انتقال داده شدند. این در حالیست که زندانیان سیاسی بیشتر درخواست داشتند یا انتقالی صورت نپذیرد یا همگی با هم انتقال داده شوند. ولی مسئولان زندان گفتند کمیته امنیتی تصمیم گرفته که زندانیان بین دو بند ۴ و ۸ تقسیم شوند و در حال حاضر بند ۶ را برای زندانیان مالی خالی کرده‌اند.»

این فرد نزدیک به زندانیان سیاسی زندان اوین با تأکید بر

# «جهاد استمرار دارد»؛ اعلام حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های نیابتی بعد از مرگ رئیسی



برگزاری مراسم عزاداری برای رئیسی و امیرعبداللهیان در لبنان



جلسه گروه‌های مقاومت با حضور سردار سلامی و سردار قآنی در تهران / سوم خرداد ۱۴۰۳

وی همچنین در تماس تلفنی با زیاد نخاله دبیرکل گروه جهاد اسلامی گفت: «اگرچه اساسی جمهوری اسلامی ایران در پشتیبانی از جریان مقاومت، به خصوص گروه‌های مقاومت فلسطینی، با تغییر افراد تغییر نخواهد کرد.» او افزود: «عملیات وعده صادق از نتایج جریان مقاومت است که همیشه آمریکا و اسرائیل را درهم شکست.»

## نشست سران گروه‌های نیابتی و فرماندهان سپاه

شماره از رهبران و فرماندهان ارشد گروه‌های تروریستی از جمله اسماعیل هنیه که برای حضور در مراسم تشییع جنازه رئیسی به تهران رفته بودند، روز سوم خرداد با حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران و اسماعیل قآنی فرمانده «سپاه قدس» جلسه برگزار کردند.

در این جلسه آخرین وضعیت سیاسی، اجتماعی و نظامی غزه و عملیات «طوفان الاقصی» و نقش «جبهه مقاومت» مورد تبادل نظر قرار گرفت و بر استمرار جهاد و مبارزه تا پیروزی کامل مقاومت اسلامی فلسطین با مشارکت همه گروه‌ها و «جبهه مقاومت» در منطقه تأکید شد.

رسانه‌های منطقه‌ای گزارش دادند دوشنبه شب ۲۷ ماه مه (هفتم خرداد) دو پیچاد به سمت اسرائیل پرتاب شد. همچنین حوثی‌ها بعد از توقف سه چهار هفته‌ای بار دیگر حملات خود را به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ از سر گرفته‌اند.

اسماعیل قآنی در مراسم یادبود محمدهادی حاج رحیمی که ۲۶ اردیبهشت برگزار شد گفته بود، «همه جنایتکاران بدانند که اقدامات و جنایات‌شان به حساب‌شان نوشته شده است. فرانسه، آلمان و انگلیس فکر نکنند آن شب آمدند و هواپیماها را آوردند و قضیه تمام شد و رفت، بله، آن شب تمام شد اما حساب آنها سرچای خودش است!»

این تهدیدات و همچنین افزایش فشارهای بین‌المللی مرتبط با برنامه‌های اتمی و همچنین تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی و علاوه بر آن اقدامات اولیه آلمان و چند کشور اتحادیه اروپا برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران از جمله مواردیست که می‌تواند زمینه‌ساز افزایش مجدد تنش‌ها در منطقه باشد.

حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در پیامی با اشاره به اینکه «از رئیسی و امیرعبداللهیان جز خیر و حمایت و پشتیبانی ندیدیم» عنوان کرد، «زمانی که رئیسی پست ریاست جمهوری را بر عهده گرفت، در حمایت آشکار و علنی از نهضت‌های مقاومت در هر سطحی از هیچ تلاشی دریغ نکرد و در این زمینه تعهد بالایی داشت، شهید رئیسی بسیار به موضوع آرمان فلسطین و مقاومت و جنبش‌های مقاومت ایمان داشت و به شدت دشمن صهیونیست‌ها بود.» سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، در واکنش به این سخنان، به نصرالله و سایر رهبران مقاومت اطمینان داد مرگ ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللهیان در سقوط هلی‌کوپتر «در حمایت مؤثر» از فلسطین و «جریان مقاومت» وقفه‌ای ایجاد نمی‌کند.

ناصر کنعانی روز دوشنبه هفتم خرداد در یک کنفرانس خبری در پاسخ به این پرسش که «آیا در مورد سیاست ایران در حمایت از جبهه مقاومت با توجه به کشته شدن رئیسی و امیرعبداللهیان تغییر ایجاد خواهد شد؟» گفت: «به‌رغم این حادثه، در حمایت مؤثر ایران از ملت مظلوم فلسطین و جریان مقاومت برای احقاق حقوق‌شان هیچ‌گونه خلل و وقفه‌ای ایجاد نمی‌شود.»

وی تأکید کرد، «حمایت از جریان مقاومت و همچنین مقاومت ملت فلسطین در برابر اشغالگران، سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران است که برآمده از مبانی انقلاب اسلامی و آرمان‌های امام راحل است.»

نصرالله خودش برای شرکت در مراسم تشییع جنازه رئیسی به تهران نرفت، اما زینب دخترش به همراه بتول موسوی دختر عباس موسوی دبیرکل سابق حزب‌الله لبنان هفتم خرداد به دیدار خانواده ابراهیم رئیسی رفتند و پیام تسلیت نصرالله را به آنها رساندند.

در دوران ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی کمک‌های مالی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی به حزب‌الله و سایر گروه‌های شبه‌نظامی منطقه افزایش پیدا کرد. محمد مخبر دزفولی جانشین موقت رئیسی پنجم خرداد در دیدار با عبداللطیف رشید رئیس جمهور عراق در همین ارتباط گفت، «رئیسی معادلات قدرت را به نفع مقاومت برهم زد.»

● حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در پیامی با اشاره به اینکه «از رئیسی و امیرعبداللهیان جز خیر و حمایت و پشتیبانی ندیدیم» عنوان کرد، «زمانی که رئیسی پست ریاست جمهوری را بر عهده گرفت، در حمایت آشکار و علنی از نهضت‌های مقاومت در هر سطحی از هیچ تلاشی دریغ نکرد و در این زمینه تعهد بالایی داشت؛ شهید رئیسی بسیار به موضوع آرمان فلسطین و مقاومت و جنبش‌های مقاومت ایمان داشت و به شدت دشمن صهیونیست‌ها بود.» سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به این سخنان، به نصرالله و سایر رهبران مقاومت اطمینان داد مرگ ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللهیان در سقوط هلی‌کوپتر «در حمایت مؤثر» از فلسطین و «جریان مقاومت» وقفه‌ای ایجاد نمی‌کند.

● نصرالله خودش برای شرکت در مراسم تشییع جنازه رئیسی به تهران نرفت، اما زینب دخترش به همراه بتول موسوی دختر عباس موسوی دبیرکل سابق حزب‌الله لبنان هفتم خرداد به دیدار خانواده ابراهیم رئیسی رفتند و پیام تسلیت نصرالله را به آنها رساندند.

● شماری از رهبران و فرماندهان ارشد گروه‌های تروریستی از جمله اسماعیل هنیه که برای حضور در مراسم تشییع جنازه رئیسی به تهران رفته بودند، روز سوم خرداد با حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران و اسماعیل قآنی فرمانده «سپاه قدس» جلسه برگزار کردند.

● در این جلسه آخرین وضعیت سیاسی، اجتماعی و نظامی غزه و عملیات «طوفان الاقصی» و نقش «جبهه مقاومت» مورد تبادل نظر قرار گرفت و بر استمرار جهاد و مبارزه تا پیروزی کامل مقاومت اسلامی فلسطین با مشارکت همه گروه‌ها و جبهه مقاومت در منطقه تأکید شد.

رهبران و مقامات گروه‌های تروریستی به ویژه حزب‌الله لبنان که بعد از مرگ ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللهیان در سانحه سقوط هلی‌کوپتر، برای ادای احترام به جمهوری اسلامی سنگ تمام گذاشتند، انتظار دارند که جانشینان این مقامات نیز در بالاترین سطح همچنان پشتیبان «جبهه مقاومت» باشند.

# فشارهای حکومتی برای شکستن اعتصاب طلافروشان با توسل به نهادهای امنیتی



پلمب طلافروشی‌ها در هفته آخر اردیبهشت ماه ۱۴۰۳

جانشین او در انتخاباتی است که قرار است در تیرماه برگزار شود.

**تورریست‌های اقتصادی از طریق طلا قاچاق وارد می‌کنند!**

طلافروشان، بنکداران و طلاسازان معتقدند حکومت برای افزایش فشارهای امنیتی زمینه‌سازی می‌کند. به ویژه آنکه سخنگوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ثبت معاملات بازار طلا در سامانه جامع تجارت را الزامی دانسته و اخیراً گفته بود، «زنجره از بابت ثبت و خرید و فروش باید شفاف شود، در غیر اینصورت، تورریست‌های اقتصادی، از طریق طلا، کالای قاچاق و مواد مخدر به کشور وارد می‌کنند.»

نمایندگان دولت و دادستانی طی سه هفته گذشته چند نوبت با طلافروشان در استان‌های مختلف جلسه برگزار کردند اما به هیچ نتیجه‌ای نرسیدند. در این میان دو جلسه از سایر دیدارها مهم‌تر بود. یکی از آنها ۲۴ اردیبهشت در صحن «مسجد شاه» در بازار تهران برگزار شد و دیگری ۳۰ اردیبهشت در پاساژ «حکیم هاشمی» بازار تهران که در هیچ‌کدام طلافروش‌ها و نماینده دولت نتوانستند به توافق برسند. در جلسه‌ای که در صحن «مسجد شاه» برگزار شد یکی از طلافروش‌ها به نماینده دولت (معاون وزیر صمت) گفته بود «مگر مقامات نظام داری‌های خودشان را ثبت می‌کنند که ما ثبت کنیم؟»

نادر بذرافشان رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران شنبه پنجم خرداد به «ایسنا» گفت، تحت تأثیر مشکلاتی که باعث تعطیلی و اعتصاب طلافروشان در هفته‌های اخیر شد، از ابتدای سال تا کنون «۱۰ درصد هم تولید در سطح کشور نداشته‌ایم.»

وی توضیح داد، «این آمار اصلاً خوب نیست و ممکن است در آینده مشکلاتی را برای حوزه صنعت طلا به ویژه برای واحدهای تولیدی ایجاد کند و آنها دچار آسیب‌های مالی و اقتصادی شوند.»

او در ادامه افزود، «جلوگیری از این شرایط مستلزم این است که مسئولان نسبت به رفع مشکلات اقدام کنند.»

برخی کانال‌های تلگرامی تصاویری از اعتصاب در بازار طلای تهران و مشهد منتشر کرده‌اند. طی روزهای اخیر شماری از طلافروشی‌ها توسط تعزیرات پلمب شد. بعضی طلافروش‌ها برای اینکه از شر مأموران حکومت راحت شوند، کنند مغازه خود را باز کرده‌اند اما خرید و فروش نمی‌کنند.

منابع غیررسمی می‌گویند بعد از مرگ ابراهیم رئیسی موقتاً فشار روی طلافروش‌ها به ویژه در شهر مشهد برای باز کردن مغازه‌ها کمتر شده است.

دولت از طلافروشان خواسته سرمایه خود را در «سامانه تجارت» ثبت کنند. همچنین آنها موظف شده‌اند برای خرید و فروش طلای بالای ۲۰۰ گرم به دولت مالیات بپردازند. در برخی استان‌ها اداره دارایی مناطق، طلافروشان را مجبور کرده شماره ملی افرادی را که از آنها طلا می‌خرند ثبت کنند. طلافروشان می‌گویند این دستورالعمل یعنی «اگر کسی حتی برای هدیه دادن طلا بخرد، باید مالیات پرداخت کند و اگر طلا در خانه داشته و قصد فروش آن را داشته باشد، باید مالیات سود آن را بپردازد.»

تا کنون خریداران طلا برای خرید ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده پرداخت می‌کردند، این مالیات هم قرار است به صورت پلکانی افزایش پیدا کند و و تا پایان برنامه هفتم توسعه به ۱۳ درصد برسد.

اخبار و گزارش‌های ضد و نقیض طی دو سه هفته که از آغاز اعتصاب طلافروشان در استان‌های مختلف می‌گذرد زیاد است. بعضی منابع مدعی شدند که دولت عقب‌نشینی کرده و با طلافروشان توافق شده است اما طلافروش‌ها می‌گویند هیچ توافقی صورت نگرفته است.

اختلاف صنفی میان طلافروشان و دولت با دخالت «انجمن‌های اسلامی دانشجویان» نیز روبرو شده است. حدود ۲۶ انجمن اسلامی از دانشگاه‌های مختلف در نامه‌ای که ۳۰ اردیبهشت در رسانه‌های داخلی منتشر شد، از ابراهیم رئیسی خواسته بودند که «دولت در مقابل اعتصاب طلافروشان نباید عقب‌نشینی کند!» سید ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم اما همان روز در سقوط هلی‌کوپتر کشته شد و هم‌اینک حکومت در پی تدارکات برای تعیین

● با اینکه دولت، قوه قضائیه و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی برای پایان دادن به اعتصاب طلافروشان با تهدید و زور آنها را زیر فشار قرار داده‌اند اما بر اساس گزارش‌ها اعتصاب در صنف طلافروشان همچنان ادامه دارد.

● مأموران امنیتی روز شنبه به بازار طلافروشان تهران رفتند و آنها را تهدید کردند. بعضی فروشندگان مجبور به باز کردن مغازه‌ها شدند اما بعد از آنکه مأموران از آنجا رفتند بار دیگر مغازه را تعطیل کردند. مأموران طلافروشی‌ها را متهم به «اقدام علیه امنیت جامعه» و «اخلال» می‌کنند.

● برخی کانال‌های تلگرامی تصاویری از اعتصاب در بازار طلای تهران و مشهد منتشر کرده‌اند. طی روزهای اخیر شماری از طلافروشی‌ها توسط تعزیرات پلمب شد. بعضی طلافروش‌ها برای اینکه از شر مأموران حکومت راحت شوند، مغازه را باز کرده‌اند اما خرید و فروش نمی‌کنند.

● منابع غیررسمی می‌گویند بعد از مرگ ابراهیم رئیسی موقتاً فشار روی طلافروش‌ها به ویژه در شهر مشهد برای باز کردن مغازه‌ها کمتر شده است.

با اینکه دولت، قوه قضائیه و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی برای پایان دادن به اعتصاب طلافروشان با تهدید و زور آنها را زیر فشار قرار داده‌اند اما بر اساس گزارش‌ها اعتصاب در صنف طلافروشان همچنان ادامه دارد.

منابع محلی در تهران، مشهد، تبریز، اصفهان و چند شهر دیگر با انتشار عکس و ویدیو از تعطیلی طلافروشی‌ها گزارش داده‌اند. طلافروشی‌ها از اوایل اردیبهشت‌ماه در اعتراض به افزایش مالیات‌ها و مصوبات مجلس شورای اسلامی آغاز شد و همچنان ادامه دارد.

طبق این گزارش‌ها مأموران امنیتی روز شنبه به بازار طلافروشان تهران رفتند و آنها را تهدید کردند. بعضی فروشندگان مجبور به باز کردن مغازه‌ها شدند اما بعد از آنکه مأموران از آنجا رفتند بار دیگر محل کسب خود را تعطیل کردند. مأموران طلافروشی‌ها را متهم به «اقدام علیه امنیت جامعه» و «اخلال» می‌کنند.

## اختلاف نظر آمریکا و سه کشور اروپایی بر سر صدور قطعنامه در شورای حکام علیه جمهوری اسلامی



بازدید علی خامنه‌ای از نمایشگاه دستاوردهای هسته‌ای / خرداد ۱۴۰۲

● دیپلمات‌ها می‌گویند که ایالات متحده و سه متحد اصلی اروپایی آن بر سر چگونگی مقابله با برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی از طریق پیگیری قطعنامه علیه رژیم ایران در شورای امنیت، اختلاف دارند.

● نشست فصلی شورای حکام آژانس در خردادماه آغاز می‌شود. یک دیپلمات ارشد اروپایی در اینباره می‌گوید: «[کار] با [رژیم] ایران بسیار دشوار است و سطح تخلفات بی‌سابقه است... هیچ کاشی در برنامه آن وجود ندارد و هیچ حسن نیت واقعی از سوی جمهوری اسلامی ایران برای همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وجود ندارد... تمام چراغ خطرها چشمک می‌زنند.»

دیپلمات‌ها می‌گویند که ایالات متحده و سه متحد اصلی اروپایی آن بر سر چگونگی مقابله با برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی از طریق پیگیری قطعنامه علیه رژیم ایران در شورای امنیت اختلاف دارند.

خرگزاری رویترز روز جمعه ۲۴ ماه مه (چهارم خردادماه) با اعلام این خبر افزود، قدرت‌های غربی در مورد خطر افزایش بیشتر تنش‌ها پس از صدور احتمالی قطعنامه علیه جمهوری اسلامی نگران‌اند.

بر اساس این گزارش، ۱۸ ماه از آخرین باری که ۳۵ عضو شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعنامه علیه جمهوری اسلامی تصویب کردند می‌گذرد. شورای حکام به جمهوری اسلامی دستور داد تا در مورد علت وجود ذرات اورانیوم غنیم‌جاذب در سه سایت اعلام‌نشده همکاری فوری داشته باشد.

در شرایطی که در جریان تحقیقات تعداد سایت‌های مورد بحث به دو مورد کاهش یافته اما جمهوری اسلامی

«به مرگ تهدید کرده است.»

وی شرح داد که با مراجعه به دادگاه ایالت مریلند با همراهی کیارش رزاقی وکیل این پرونده، اتفاقات روز ۲۲ ماه مه در مقابل ساختمان «مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن» در پوتومک ایالت مریلند را برای قاضی دادگاه توضیح داده است.

بعد از کشته شدن ابراهیم رئیسی در سانحه سقوط هلی‌کوپتر، هواداران حکومت در مریلند، شنبه پنجم خردادماه ۱۴۰۳ برای وی مراسم یادبود برگزار کردند. اما یکی از آنها با مخالفان حکومت که نزدیک محل برگزاری این مراسم تجمع کرده بودند، درگیری لفظی پیدا کرد و در نهایت چند بار معترضان را با حرکات دست تهدید به مرگ کرد.

## دادگاه مریلند علیه کارمند جمهوری اسلامی «حکم موقت» صادر کرد



رمضان سلطان محمدی با چفیه مخالفان جمهوری اسلامی را در واشنگتن تهدید به قتل می‌کند

طبق گفته سیامک آرام، فردی که تجمع‌کنندگان معترض را تهدید به مرگ کرده، رمضان سلطان محمدی کارمند دفتر حفاظت از منافع جمهوری اسلامی در واشنگتن است. بنا به اعلام وکیل سیامک آرام، دادگاه مریلند تا زمان رسیدگی به پرونده این شکایت، حکم موقت صادر کرده است.

بر اساس این حکم، سلطان محمدی تا زمان رسیدگی نهایی به این پرونده حق هیچگونه تماس یا نزدیک شدن به محل کار و زندگی سیامک آرام را ندارد. حکم دادگاه توسط پلیس مریلند به متهم در محل سکونت او ابلاغ می‌شود و جلسه دادگاه نیز به گفته‌ی سیامک آرام، هفته آینده برگزار خواهد شد.

بسیاری از فعالان ایرانی در شبکه‌های اجتماعی در واکنش به این موضوع نوشته‌اند عوامل جمهوری اسلامی در آمریکا یا کانادا در سایه مداخلات دولت‌های غربی، برای تهدید یا اذیت و آزار ایرانیان مخالف نظام و فعالان سیاسی خارج کشور دست به هر کاری می‌زنند.

سیامک آرام عضو هیئت علمی دانشگاه هریسبرگ و مدیر گروه «همبستگی ملی برای ایران» است و با انتشار ویدئوهایی از طرفداران جمهوری اسلامی نشان داد که چطور عوامل نظام در خاک آمریکا و با حضور پلیس، ایرانیان را تهدید به مرگ می‌کنند. وی در همین ارتباط نوشته بود، «آنها هنوز تشنه خونریزی بیشتر در میان مردم ایران هستند، حتی در خارج از ایران. و تهدیدهایشان باید متوقف شود.»

● سیامک آرام فعال سیاسی و مدیر گروه «همبستگی ملی برای ایران» سه‌شنبه ۲۸ مه (۸ خرداد) از طرح شکایت علیه فردی به نام رمضان سلطان محمدی در دادگاه مریلند خبر داد و مدعی شد وی همان فردی است که تجمع‌کنندگان مخالف جمهوری اسلامی در این ایالت را «به مرگ تهدید کرده است.»

● این فعال سیاسی با مراجعه به دادگاه ایالت مریلند با همراهی کیارش رزاقی وکیل پرونده، اتفاقات روز ۲۲ ماه مه در مقابل ساختمان «مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن» در پوتومک ایالت مریلند را برای قاضی دادگاه توضیح داده است.

● طبق گفته سیامک آرام، فردی که تجمع‌کنندگان معترض را تهدید به مرگ کرد، رمضان سلطان محمدی کارمند دفتر حفاظت از منافع جمهوری اسلامی در واشنگتن است.

● بر اساس حکم موقت، سلطان محمدی تا زمان رسیدگی نهایی به این پرونده حق هیچگونه تماس یا نزدیک شدن به محل کار و زندگی سیامک آرام را ندارد. این حکم توسط پلیس مریلند به متهم در محل سکونت او ابلاغ می‌شود.

سیامک آرام فعال سیاسی سه‌شنبه ۲۸ مه (۸ خرداد) از طرح شکایت علیه فردی به نام رمضان سلطان محمدی در دادگاه مریلند خبر داد و مدعی شد وی همان فردی است که تجمع‌کنندگان مخالف جمهوری اسلامی در این ایالت را



به گزارش «تایمز اسرائیل» پس از کشف یک وسیله انفجاری در محوطه سفارت اسرائیل در استکهلم در دی ماه گذشته (که گفته می‌شود یک نارنجک دستی بوده)، موساد به همراه متحدها اروپایی خود تحقیقات را آغاز کرد. این وسیله انفجاری توسط نیروهای ویژه سوئد خنثی و منهدم شد.

موساد اعلام کرد، پس از بازجویی از مظنونان و بررسی شواهد صحنه جرم، نیروهای امنیتی نتیجه گرفتند که گروه تبهکار و سازمانیافته «فاکس ترات» در سوئد به دستور جمهوری اسلامی عامل این حمله بوده است.

اسرائیل ادعا کرده «روا مجید» معروف به «روباہ گرد» و رهبر گروه «فاکس ترات» ماه‌ها با جمهوری اسلامی همکاری می‌کرده است. وی پس از اینکه تحت تعقیب مجریان قانون بین‌المللی و نیروهای امنیتی عراق قرار گرفت، شهریور ۱۴۰۲ از ترکیه به

## موساد: شبکه تبهکار «فاکس ترات» با هدایت جمهوری اسلامی عامل حمله به سفارتخانه‌های اسرائیل در اروپاست



سفارت اسرائیل در استکهلم سوئد

ایران فرار کرد و عوامل جمهوری اسلامی او را جذب کردند. مجید پس از بازداشت شدن در ایران، برای برنامه‌ریزی یک رشته حملات در اروپا علیه اهداف یهودی و اسرائیلی استخدام شد. طبق گزارش موساد، ده‌ها توطئه تروریستی مورد حمایت حکومت جمهوری اسلامی علیه اهداف یهودی و اسرائیلی در ماه‌های اخیر کشف شده که در بسیاری از آنها از شبکه‌های تبهکار محلی استفاده شده است. موساد همچنین رژیم ایران را به تلاش برای سوء استفاده از یهودستیزی رو به گسترش در اروپا و تلاش برای فرار از مسئولیت مستقیم خود در حملاتی که این سازمان به حکومت ایران نسبت داده است، متهم کرد. پلیس سوئد همچنین در ۱۷ مه (هفتم خرداد) در اواخر شب صدای تیراندازی از نزدیکی سفارت اسرائیل شنید. آنها یک پسر ۱۴ ساله را در ارتباط با این تیراندازی بازداشت و اعلام کردند که سفارت اسرائیل هدف قرار گرفته است.

موساد گزارش داد این گروه تبهکار مستقیماً از رژیم ایران کمک مالی می‌گیرد و هدایت می‌شود.

با وجود این اقدام ضدامنیتی یکی از مقامات موساد گفت: «هیچ تغییری در سطح هشدار سفر به کشورهای مختلف وجود ندارد و اقدامات متقابل در هر زمان که لازم باشد ادامه دارد.» موساد گفت، تبهکاران مورد حمایت رژیم ایران در حمله هفته گذشته به سفارت اسرائیل در بلژیک نیز که در آن دو نارنجک هوایی پرتاب شد، دست داشتند.

یک مرد مسلح نیز در اوایل ماه جاری یک کتیسه در شهر روئن در شمال فرانسه را به آتش کشید که توسط پلیس کشته شد. اما در گزارش موساد به این رویداد اشاره نشده است.

● سازمان اطلاعاتی اسرائیل «موساد» روز پنجشنبه ۳۰ ماه مه (دهم خرداد) در بیانیه‌ای اعلام کرد که رژیم ایران در یک رشته «حملات تروریستی» شبکه‌های تبهکار به سفارتخانه‌های اسرائیل در اروپا که پس از حمله تروریستی حماس در «هفت اکتبر» سازماندهی شده بود، دست داشته است. ● به گزارش «تایمز اسرائیل» پس از کشف یک وسیله انفجاری در محوطه سفارت اسرائیل در استکهلم در دی ماه گذشته (که گفته می‌شود یک نارنجک دستی بوده)، موساد به همراه متحدها اروپایی خود تحقیقات را آغاز کرد. این وسیله انفجاری توسط نیروهای ویژه سوئد خنثی و منهدم شد.

● موساد اعلام کرد، پس از بازجویی از مظنونان و بررسی شواهد صحنه جرم، نیروهای امنیتی نتیجه گرفتند که گروه تبهکار و سازمانیافته «فاکس ترات» در سوئد، به دستور جمهوری اسلامی عامل این حمله بوده است. ● اسرائیل ادعا کرده «روا مجید» معروف به «روباہ گرد» و رهبر گروه «فاکس ترات» ماه‌ها با جمهوری اسلامی همکاری می‌کرده است. وی پس از اینکه تحت تعقیب مجریان قانون بین‌المللی و نیروهای امنیتی عراق قرار گرفت، شهریور ۱۴۰۲ از ترکیه به ایران فرار کرد و عوامل جمهوری اسلامی او را جذب کردند.

سازمان اطلاعاتی اسرائیل «موساد» روز پنجشنبه ۳۰ ماه مه (دهم خرداد) در بیانیه‌ای اعلام کرد که رژیم ایران در یک رشته «حملات تروریستی» از سوی شبکه‌های تبهکار به سفارتخانه‌های اسرائیل در اروپا که پس از حمله تروریستی حماس در «هفت اکتبر» سازماندهی شده بود، دست داشته است.

ایران هنوز علت وجود این ذرات را در محل‌های مربوطه توضیح نداده و مشکلات دیگری را نیز علاوه بر آن ایجاد کرده که اخراج تعدادی از بازرسان و متخصصان زنده آژانس یکی از آنهاست.

نشست فصلی شورای حکام آژانس در خردادماه آغاز می‌شود. یک دیپلمات ارشد اروپایی در اینباره می‌گوید: «[کار] با [رژیم] ایران بسیار دشوار است و سطح تخلفات بی‌سابقه است... هیچ کاهشی در برنامه آن وجود ندارد و هیچ حسن نیت واقعی از سوی جمهوری اسلامی ایران برای همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وجود ندارد... تمام چراغ خطرها چشمک می‌زنند.»

نگرانی در مورد فعالیت‌های اتمی در ایران مدت‌هاست تشدید شده است. جمهوری اسلامی سه سال است که اورانیوم ۶۰ درصدی تولید می‌کند. طبق معیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در صورت غنی‌سازی بیشتر، مواد غنی‌شده برای ساخت سه بمب هسته‌ای کافی است.

قدرت‌های غربی می‌گویند که هیچ توجه غیرنظامی قابل قبولی برای غنی‌سازی تا این سطح وجود ندارد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز هشدار می‌دهد هیچ کشور دیگری بدون ساخت سلاح هسته‌ای تا این سطح غنی‌سازی انجام نداده است. رویترز می‌نویسد، «ایالات متحده نمی‌خواهد در نشست آتی شورای حکام قطعنامه علیه جمهوری اسلامی صادر شود.» سه قدرت اروپایی یعنی فرانسه، بریتانیا و آلمان در نشست قبلی شورای حکام که در ماه مارس (اسفند ۱۴۰۲) برگزار شد بر سر لزوم صدور قطعنامه علیه رژیم ایران با آمریکا به توافق نرسیدند.

به گزارش رویترز، مقامات آمریکایی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را یکی از دلایل عدم تمایل این کشور برای پیگیری چنین رویکردی بیان می‌کنند. یک دیپلمات ارشد اروپایی دیگر نیز می‌گوید که این سه کشور اروپایی «یک قطعنامه آماده» کرده‌اند.

دیگر دیپلمات‌های ارشد اروپایی نیز می‌گویند، فرانسه، بریتانیا و آلمان پیش‌نویس قطعنامه را تهیه کرده‌اند اما هنوز آن را در اختیار اعضای شورای حکام قرار نداده‌اند.

حمله تروریستی «هفت اکتبر» حماس علیه اسرائیل، سپس درگیری مستقیم جمهوری اسلامی با اسرائیل و سقوط مشکوک هلی‌کوپتر ابراهیم رئیسی و همراهانش از جمله عواملی است که اوضاع خاورمیانه را پیچیده‌تر کرده است.

دو دیپلمات گفتند، در مذاکراتی که با هدف بهبود همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام شد، تهران این هفته به آژانس مستقر در وین گفت تا زمانی که جانشین رئیسی معلوم نشود، مذاکره نخواهد کرد.

یکی دیگر از دیپلمات‌های ارشد اروپایی گفت: «سه قدرت اروپایی پیش‌نویس صدور یک قطعنامه علیه جمهوری اسلامی را به صورت قطعی آماده کرده‌اند اما هنوز به اعضای هیئت مدیره ارسال نشده است... تحلیل ما این است که مرگ رئیسی چیزی را تغییر نمی‌دهد. ما باید با این قطعنامه جلو برویم... آمریکایی‌ها مشکل هستند و در گفتگوهایمان به هر کاری برای متقاعد کردن آنها ادامه می‌دهیم.»

گزارش سه ماهه آژانس درباره برنامه اتمی جمهوری اسلامی ایران در اوایل هفته آینده ارائه می‌شود. پیش‌نویس قطعنامه‌ها به یافته‌های آن گزارش‌ها اشاره می‌کنند.

ایالات متحده روز چهارشنبه ششم مارس (۱۶ اسفندماه) در بیانیه‌ای با محکوم کردن فعالیت‌های غیرمجاز اتمی جمهوری اسلامی خواستار «رقیق‌سازی» تمامی ذخایر اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد و توقف کامل غنی‌سازی با این غلظت شد. در این نشست نماینده آمریکا از صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی جلوگیری کرد.

## مدیر سابق مجموعه تخت جمشید:

## روند فرسایش به اشکال مختلف در این میراث جهانی بسیار سریع است



عکسی که در ارتباط با فرونشست زمین در منطقه در سال ۱۳۸۸ تهیه شده است

است که متوجه محوطه‌های باستانی اطراف این مجموعه است، بسیاری از ساختارهای شهر پارسه در ارتباط با مجموعه تخت جمشید، خشتی هستند و بر روی دشت بنا شده‌اند. در اطراف مجموعه نقش رستم هم ساختارهایی داریم که به احتمال بسیار زیاد ساختارهای خشتی هستند که بر روی دشت بنا شده‌اند و تاثیر مستقیمی که ممکن است در اثر فرونشست به آثار این محدوده برسد، به آثار خشتی شهر پارسه نیز وارد خواهد شد.

● با توجه به تجربه و بررسی‌هایی که طی چند سال در مجموعه تخت جمشید و نقش رستم داشتید، فرونشست‌ها چه نوع آسیبی به تخت جمشید و نقش رستم خواهند زد؟ -فرونشست‌ها آسیب مستقیمی بر روی آثار تخت جمشید و نقش رستم نخواهند داشت اما آسیب‌های دیگری وجود دارند که این دو اثر را تهدید می‌کنند. در بررسی‌های اولیه‌ای که در سال ۸۸ انجام دادیم متوجه شدیم رانش یا فرونشست زمین فقط در محدوده نقش رستم نیست و این فرونشست به موازات کوه حرکت می‌کند و به سمت روستای حاجی‌آباد می‌رود. عکس‌هایی که در سال ۸۸ از روستای حاجی‌آباد و محدوده اطرافش گرفتیم نشان می‌دادند که فرونشست زمین حتی به خانه‌های مردم این منطقه هم آسیب وارد کرده، خانه‌هایی هستند که بخشی از آنها نشست کرده‌اند کلاف‌های سیمانی، ستون‌ها همه ترک خورده‌اند و کاملا مشخص است که اثر تخریبی این فرونشست علاوه بر اینکه متوجه آثار زیر زمین است، آثار روی زمین مثل روستاها را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد.

● در مورد اثر تخریبی بارندگی که می‌تواند متوجه نقش رستم باشد لطفا توضیح دهید.

-جاری شدن آب باران در فصل‌هایی که شدت بارندگی بسیار زیاد می‌شود می‌تواند به شدت تخریب‌کننده باشد، نقش‌ها را از بین ببرد، بر روی نقوش بیرونی نقش رستم رسوب‌گذاری کند، همچنین می‌تواند آرامگاه‌ها را

پاسارگاد» موجود است. هرچند این اتفاق، موضوع جدیدی نیست و طی این سال‌ها همه می‌دانیم دلایل فرونشست زمین چه بوده. پس از جمع‌آوری این مستندات در ۱۳۸۸ برای مطالعات تخصصی‌تر و تحقیقات اساسی‌تر، جلسه مشترکی با دانشکده زمین‌شناسی دانشگاه شیراز داشتیم؛ یک دانشجو برای انجام پایان‌نامه دکترها با ما معرفی شد که کار مطالعاتی پایان‌نامه او بر روی همین موضوع بود، احتمالا پایان‌نامه و مطالعات مربوط به فرونشست زمین در کتابخانه پایگاه پژوهشی «پارسه پاسارگاد» موجود است.

● به لحاظ تاثیرگذاری فرونشست یا رانش زمین، مجموعه تخت جمشید و نقش رستم را در چه وضعیتی ارزیابی می‌کنید؟

-با توجه به اینکه مجموعه تخت جمشید و نقش رستم آثار صخره‌ای محسوب می‌شوند اساس مجموعه تخت جمشید بر روی خاک و دشت نیست، در واقع روی ریشه کوه قرار گرفته، بخشی از کوه «مهر» یا «رحمت» تراشیده و بسترسازی شده و تختگاه تخت جمشید بر روی آن ساخته شده، در نقش رستم هم تقریبا بجز کعبه زرتشت، تمامی آثار بر روی صخره‌ها قرار گرفته‌اند و با زمین و آن بخشی که اکنون در حال فرونشست است ارتباط چندانی ندارد. در نقش رستم، کعبه زرتشت در مقابل آرامگاه صخره‌ای بر روی دشت قرار گرفته، اما مطالعاتی درباره کعبه زرتشت مبنی بر اینکه گمانه‌زنی کرده باشند که این آثار سنگی بر روی ریشه یا صخره سنگی وجود دارد در دست نیست، اما آنچه مسلم است قطعا مکان‌یابی‌هایی که آن زمان برای چنین ساختار سنگی سنگین‌وزنی انجام می‌دادند تا آن را بستری مستحکم قرار دهند، به احتمال زیاد، این بستر باید روی ریشه کوه یا در واقع شالوده‌ی بنا بر روی کوهپایه برپا شده باشد.

اما نکته بسیار مهم در مورد فرونشست‌های صورت گرفته در مجموعه تخت جمشید و نقش رستم آسیب‌های جدی

● مازیار کاظمی کارشناس میراث فرهنگی و مدیر سابق مجموعه تخت جمشید: نخستین مشاهدات در مورد پدیده فرونشست در محدوده تخت جمشید به دی‌ماه سال ۱۳۸۸ بر می‌گردد. تمام تصویربرداری‌ها و مطالعات اولیه مربوط به آن زمان، دست‌کم در بنیاد پژوهشی «پارسه پاسارگاد» موجود است.

● نکته بسیار مهم در مورد فرونشست‌های صورت گرفته در مجموعه تخت جمشید و نقش رستم آسیب‌های جدی است که متوجه محوطه‌های باستانی اطراف این مجموعه است.

● «فرونشست‌ها آسیب مستقیمی بر روی آثار تخت جمشید و نقش رستم نخواهند داشت اما آسیب‌های دیگری وجود دارند که این دو اثر را تهدید می‌کنند. در بررسی‌های اولیه‌ای که در سال ۸۸ انجام دادیم متوجه شدیم رانش یا فرونشست زمین فقط در محدوده نقش رستم نیست و این فرونشست به موازات کوه حرکت می‌کند و به سمت روستای حاجی‌آباد می‌رود.»

● «شاید مهم‌ترین عامل آسیب برای آرامگاه کوروش را می‌بایست کشاورزی و نحوه کشت زمین‌ها و هر سال در فصل کاشت، آتش زدن زمین و آلودگی هوا دانست.»

● «واقعیت این است که آثار پیش از اسلام به خصوص دوره هخامنشی و اساسا دوره پادشاهی تاریخ ایران هیچگاه به مذاق حضرات خوش نیامده... گردشگری هم پروژه شکست‌خورده‌ای است و بجز توریست مذهبی که حکومت تمام زور خود را می‌زند که آن را توسعه دهد، در آینده‌ی پیش رو هیچ اتفاق مثبتی در محوطه‌های تاریخی و بناهای پیش از اسلام نخواهد افتاد چون هدف، مبارزه با معرفی و نگهداری این آثار است.»

فیروزه نوردستروم- نرخ فرونشست در محدوده تخت جمشید به ۱۷ سانتی‌متر رسیده است. محوطه میراث جهانی تخت جمشید و نقش رستم همچون تعداد زیادی از آثار تاریخی و بناهای ارزشمند کشور در منطقه‌هایی با خطر فرونشست زمین واقع شده‌اند، اما جدا از پدیده فرونشست، فرسایش بیولوژیک، وجود گل‌سنگ‌ها، فرسایش حاصل از شرایط بارندگی و تغییرات آب و هوایی، فرسایش حاصل از آلودگی هوا و آسیب‌های انسانی این میراث جهانی را تهدید می‌کنند.

مازیار کاظمی مدیر سابق مجموعه تخت جمشید در سال ۱۳۸۹ در مصاحبه‌ای رادیویی انتقاداتی چون نبود سیستم مانیتورینگ آلودگی هوا در مجموعه تخت جمشید، علل عدم تخصیص بودجه و بی‌اعتنایی به آلودگی‌های زیست محیطی نظیر به آتش کشیدن زمین‌های کشاورزی و صنعتی شدن منطقه را مطرح کرد، این انتقادات باعث تعلیق و اخراج وی از مجموعه تخت جمشید شد.

کیهان لندن در گفتگو با این کارشناس ارشد میراث فرهنگی آخرین وضعیت محوطه میراث جهانی پاسارگاد را بررسی کرده است.

● آقای کاظمی، نخستین مشاهدات در مورد پدیده فرونشست در محدوده تخت جمشید به چه زمانی برمی‌گردد؟

-به دی‌ماه ۱۳۸۸؛ تمام تصویربرداری‌ها و مطالعات اولیه مربوط به آن زمان، دست‌کم در بنیاد پژوهشی «پارسه

۱۳۴۰ در مجموعه تخت جمشید انجام دادند، اما ادامه این راه، نیازمند بودجه بیشتر برای مجموعه تخت جمشید است. اگر این بودجه‌ها تخصیص پیدا نکند و کارگاه‌ها به این شکل کج دار و مریز پیش بروند قطعاً روند تمام اتفاقات ناخوشایندی که در تخت جمشید در حال انجام است سرعت می‌گیرد و خیلی زودتر از آنچه فکر می‌کنیم شاهد آسیب‌هایی خواهیم بود که گریبانگیر تخت جمشید خواهد شد.

● **از نظر حفظ استحکام و وضعیت حفاظت و مرمت، آیا آرامگاه کوروش دارای مشکلاتی مشابه مجموعه پاسارگاد است؟**

-مجموعه پاسارگاد که آرامگاه کوروش در آن واقع شده مشکلات مشابه مجموعه تخت جمشید و نقش رستم یعنی همان فرسایش‌ها، عوامل بیولوژیک و آسیب‌های انسانی را دارد اما چون مجموعه پاسارگاد از چندین اثر تاریخی و شاخص تشکیل شده هر کدام از عوامل در یکی از این کاخ‌ها بیشتر تأثیرگذار است؛ به عنوان مثال در آرامگاه کوروش، رشد گل‌سنگ‌ها را به آن صورت نمی‌بینیم اما بر روی نقوش برجسته در کاخ اختصاصی و کاخ باران وجود دارد؛ یا عوامل تخریب انسانی روی تل تخت و آثاری که یک مقدار نظارت بر روی آنها کمتر است بیشتر دیده می‌شود، اما با توجه به اینکه حفاظت بیشتری از آرامگاه کوروش انجام شده، عملاً دسترسی مستقیم افراد به آن قطع شده است. از طرفی پس از آخرین مرمت‌های انجام شده در دهه ۸۰ بر روی سقف آرامگاه، راه نفوذ رطوبت و آب باران را به داخل اتاقک بست بنابراین وضعیت آرامگاه، نسبت به سایر آثار داخل پاسارگاد اکنون نسبتاً پایدار و بهتر است.

اساساً گل‌سنگ‌ها به خاطر شرایط و خاصیت سنگ‌های آرامگاه امکان رشد زیادی ندارند چون بر روی آرامگاه، نقوش برجسته خاصی نیست بجز چند نقش خاص در قسمت بالای درگاه اتاقک آرامگاه، اما شاید مهم‌ترین عامل آسیب برای آرامگاه کوروش را می‌بایست کشاورزی و نحوه کشت زمین‌ها و هر سال در فصل کاشت، آتش زدن زمین و آلودگی هوا دانست.

● **چه مسائلی باعث شد تا تحقیقات مطالعاتی آن پایان‌نامه در ۱۴ سال پیش عملی نشود؟**

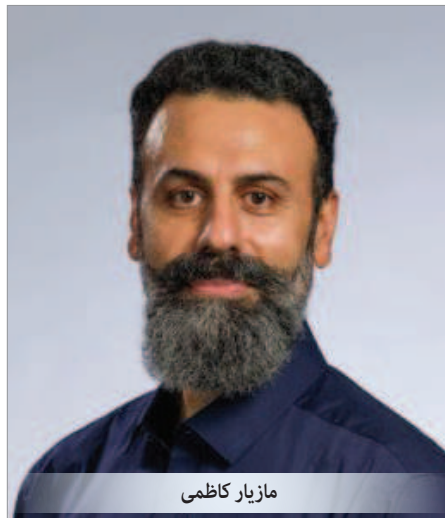
-یکی از مسائلی که باعث شد آن تحقیقات عملی نشود موضوع جلگه مرودشت است. حضرات، همه موضوعات را امنیتی قلمداد می‌کنند و ترجیح دادند بجای اینکه جلوی برداشت بی‌رویه آب گرفته شود و الگوی کشت در منطقه تغییر پیدا کند و اتفاقات دیگری که در آن پایان‌نامه مطالعاتی به آن اشاره شده بود برطرف شوند، ترجیح دادند اهمیتی به این موضوعات ندهند و انگار که اتفاق افتاده! واقعیت این است که آثار پیش از اسلام به‌خصوص دوره هخامنشی و اساساً دوره پادشاهی تاریخ ایران هیچگاه به مزاق حضرات خوش نیامده و همیشه در مورد این بخش از تاریخ، سوء تبلیغات کردند و هیچگاه برای ارتقاء سطح وضعیت حفظ و مرمت این آثار تلاشی نکردند.

پروژه توسعه گردشگری هم یک پروژه شکست خورده است، چون توسعه گردشگری با ساختار ایدئولوژیک حکومت، سازگار نیست. وقتی حکومت، هیچ تمایلی به ورود جهانگرد خارجی و ورود فرهنگ و تفکر و اطلاعات جدید ندارد و تا حد امکان کشور را در مقابل هر چیزی منزوی می‌کند. گردشگری پروژه شکست‌خورده‌ای است و بجز توریست مذهبی که حکومت تمام زور خود را می‌زند که آن را توسعه دهد، در آینده‌ی پیش رو هیچ اتفاق مثبتی در محوطه‌های تاریخی و بناهای پیش از اسلام نخواهد افتاد چون هدف، مبارزه با معرفی و نگهداری این آثار است.

پاسارگاد را به صورت صد درصد حفاظت کرد؛ حفاظتی شبیه حفاظت موزه. در هر صورت اینها «سایت موزه» محسوب می‌شوند، سایت‌موزه‌ها عوامل تخریبی دارند و در نهایت می‌توان روند این تخریب را کند کرد، به هیچ عنوان نمی‌توان این روند را قطع کرد، چون نمی‌توان این آثار را از بستر اتصال‌شان قطع کرد، تا وقتی قطعات تخت جمشید مثل ستون درگاه‌ها و آثار معماری تخت جمشید متصل به زمین هستند فرسایش انجام می‌شود، رطوبت از سطح و پایین گرفته می‌شود، در سطح، تعریق ایجاد می‌شود و ریزمومینه‌های سنگ‌های آهکی تبدیل به ترک می‌شوند، ترک‌ها گسترده و شکستگی ایجاد می‌شود اینها وجود دارند اما با یک روند گند.

● **آیا عملکرد کارگاه‌های حفاظتی و مرمتی تخت جمشید در طول این سال‌ها قابل قبول بوده؟**

-آنچه بسیار مهم است مانند بسیاری از تحقیقاتی که امثال اریک اشمیت و پروفیسور هرتسفلد انجام دادند باید اثر به صورت کامل با جزئیات، مستندنگاری شود تا اگر روزی به جایی برسد که دیگر اثری از آن مانند حداقل شواهد آن موجود باشد، بتوان نمونه‌سازی کرد و دوباره جزء به جزء اینها را احیا کرد. بعد از اینکه گروه هرتسفلد و موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو آمدند و از همه



مازیار کاظمی

مهم‌تر در سال ۱۳۴۰ گروه مرمتی تیلیو و هیات ایزمئو آمدند و کارهای اساسی در تخت جمشید انجام دادند، همچنین شاگردانی تربیت کردند که آنها کارهای مرمتی را ادامه می‌دادند و نقش بسیار اساسی در حفظ مجموعه تخت جمشید داشتند. وقتی با عکس‌های پیش از مرمت مقایسه می‌کنیم دلگرم‌کننده است اما این کافی نیست، یعنی باید بودجه گذاشته شود، کارگاه‌ها فعال مانند تا روند فرسایش و تخریب چنین آثاری به کندترین حالت خود برسد.

● **بر اساس شواهد، مجموعه تخت جمشید هیچگاه بودجه لازم دریافت نکرده؛ لطفاً در مورد تخصیص بودجه نیز توضیح بدهید.**

-یکی از شانس‌های مجموعه پارسه پاسارگاد، شکل گرفتن بنیاد پژوهشی «پارسه پاسارگاد» بود. در این بنیاد بسیاری از کارشناسان دلسوز فعالند و زحمات بسیار زیادی کشیدند، اما نکته مهم، همانطور که اشاره کردیم، مشکل بودجه است. عملی شدن تمام این پژوهش‌ها مستلزم بودجه است، عملکرد پایگاه در تشخیص آسیب‌شناسی‌ها بسیار خوب بوده، گروه‌های مرمتی مثل استاد حسن راهساز و کارشناسانی که زیر نظر او کار مرمتی انجام می‌دادند حاصل نتایج گروه تیلیو و ایزما هستند که کارهای مرمتی را از سال

از داخل بطور کامل تخریب کند. راهکار جلوگیری از این آسیب‌ها مشخص است: باید در قسمت بالای نقش رستم مسیرهایی پیش‌بینی شود، البته این کارها را سال‌ها پیش آقای راهساز و تیم آنها که کارهای مرمتی زیادی در تخت جمشید انجام می‌دادند انجام دادند؛ یعنی هدایت آب‌های جاری را که بالای نقش رستم جمع می‌شد طوری هدایت کرده بودند که آب به سمت آرامگاه‌ها نیاید. اما این رویکرد، باید هر سه چهار سال یکبار تکرار و بودجه مشخصی برای آن مشخص شود چون آنقدر شیب و شدت جاری شدن آب در آن سطح زیاد است که بسیاری از این مسیرسازی‌ها را از بین می‌برد و دوباره باید تمام اینها احیا شوند.

● **جدا از فرونشست زمین، تا چه حد سیلاب‌ها و بارندگی‌ها نقش رستم را تهدید می‌کند؟**

-می‌توان گفت فرونشست زمین و ایجاد بخشی از این حفره‌ها حاصل از یکطرف خالی شدن زیر سطح زمین و از سوی دیگر نمایان شدنش در اثر شدت آب‌های حاصل از بارندگی است، یعنی از پایین به دلیل اینکه آب‌های زیرزمینی کاهش پیدا می‌کنند زمین نشست می‌کند اما این نشست، زمانی به صورت حفره خود را نمایان می‌کند که آب‌های جاری راه‌های خود را پیدا می‌کنند و این حفره‌ها را روی سطح زمین، نمایان می‌کنند. پس نکته مهمی که بیش از فرونشست زمین، نقش رستم را تهدید می‌کند، مشکل بارندگی‌های شدید و جاری شدن سیلاب‌های حاصل از بارندگی در سطح و درون آرامگاه‌ها است که از بالا به کل آثار محدوده نقش رستم آسیب می‌رساند.

● **بر اساس اطلاعاتی که منتشر شده، آسیب‌های زیادی متوجه مجموعه تخت جمشید است که اگر بخواهیم این آسیب‌ها را اولویت‌بندی کنیم فرونشست زمین در اولویت‌های آخر قرار می‌گیرد. موضوعی که برای تخت جمشید از همه مهم‌تر است گویا مسئله فرسایش است...**

-بله، روند فرسایش در تخت جمشید بسیار سریع است، یکی از مهم‌ترین و پراسیب‌ترین علل تخریب در تخت جمشید که هم‌اکنون اتفاق می‌افتد، همین فرسایش است که شکل‌های مختلفی دارد: فرسایش بیولوژیک، وجود گل‌سنگ‌ها که به شدت در حال از بین بردن نقوش باستانی نه در همه جا ولی در حال تخریب نقوش بخش‌هایی از تخت جمشید هستند، همچنین فرسایش حاصل از شرایط بارندگی و تغییرات آب و هوایی، این عوامل به صورت مستقیم در مجموعه تخت جمشید تأثیرگذارند. فرسایش حاصل از آلودگی هوا و مسئله زراعت و کشاورزی در منطقه مرودشت نیز هست. بسیاری از مواقع، زمانی که برای کشت‌های متوالی، زمین‌های کشاورزی را آتش می‌زنند، وجود دودها و آلودگی دی‌اکسیدکربن در هوا می‌تواند در سنگ‌ها نفوذ کند و با اولین بارندگی، تولید اسید کند و باعث خورده شدن مجموعه شود.

● **با وجود این روند فرسایشی آیا می‌توان حدس زد چه زمانی تخت جمشید بطور کل تخریب می‌شود؟**

-اینکه بتوان حدس زد تخت جمشید چه زمانی تخریب می‌شود و از بین می‌رود بسیار سخت است. اگر خیلی خوش‌شانس باشیم و حوادثی مثل زلزله پرقدرت که تخریب آبی و درجا ایجاد می‌کند اتفاق نیفتد سایر عوامل فرسایش، تدریجی عمل می‌کنند، ذره‌ذره اثر را از بین می‌برند، مثل کارکرد گل‌سنگ‌ها، فرسایش حاصل از آلودگی یا شرایط آب و هوایی که می‌تواند تأثیر مستقیم روی از بین بردن تخت جمشید بگذارد.

نکته‌ای که اهمیت دارد این است که واقعا امکان‌پذیر نیست تخت جمشید و آثار سنگی داخل منطقه پارسه

## «به شکوفه‌ها، به باران برسان سلام ما را»؛ مراسم گرامیداشت بیتا فرهی در پاریس

● روز شنبه ۲۵ ماه مه ۲۰۲۴ مراسم یادبودی برای بیتا فرهی هنرمند سینمای ایران به کوشش دختر او مهسا قریشی با همکاری هنرمندان فرانسوی و ایرانی در سینما بالزاک واقع در خیابان شانزه لیزه پاریس برگزار شد. بیتا فرهی که در سال‌های اخیر در پاریس و تهران زندگی می‌کرد، در سن ۶۵ سالگی به علت بیماری چشم از جهان فرو بست.

کتایون حلاجان - بیتا فرهی بازیگر شناخته شده سینمای ایران در تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۲۳ چشم از جهان فرو بست. مراسمی بزرگداشت از هنر او مانند بیشتر هنرمندان ایرانی به ویژه در حوزه سینما در خارج مرزهای ایران و در شهر پاریس برگزار شد.

بیتا فرهی در سال ۱۳۶۸ توسط ناصر چشم آذر آهنگساز و نوازنده به داریوش مهرجویی معرفی و اینگونه وارد سینما شد و به بازیگری توانا تبدیل گشت.

نقش‌های تأثیرگذار و متفاوت وی در سینما و به خصوص در آثار داریوش مهرجویی در دوران پس از انقلاب و سال‌های شصت خورشیدی جایگاه تازه‌ای را برای زنان در سینمای ایران پس از ۵۷ باز کرد. بیتا فرهی در همان سیستم سانسور از چهارچوب‌ها و کلیشه‌های تحمیلی سینمای ایران تا اندازه‌ای بیرون رفت. فیلم «بانو» اثر داریوش مهرجویی در سال ۱۳۷۰ با بازی بیتا فرهی در نقش اول ساخته شد



مائیش خوانی ژان لوئیس اوزوات و پاسکال کوئن در بزرگداشت بیتا فرهی

با او در سینما داشت. داریوش مهرجویی یکی از چهره‌های شاخص موج نو سینمای ایران به شمار می‌رود که در ۱۴ اکتبر ۲۰۲۳ به همراه همسر خود در خانه‌ی خود در کرج، هر دو به طرز فجیعی به قتل رسیدند. در ادامه برنامه، شیوا ابراهیمی بازیگر و کارگردان تئاتر

فرو بست.

روز شنبه ۲۵ ماه مه ۲۰۲۴ مراسم یادبودی برای این هنرمند به کوشش دختر او مهسا قریشی با همکاری هنرمندان فرانسوی و ایرانی در سینما بالزاک واقع در خیابان شانزه لیزه پاریس برگزار شد.



مهسا قریشی دختر بیتا فرهی



آلن برونه دوست قدیمی بیتا فرهی



شیوا ابراهیمی

که به تازگی به جمعیت هنرمندان در تبعید پیوسته است از تأثیر بیتا فرهی بر نسل خود و سینمای ایران صحبت کرد. شیوا ابراهیمی با اشاره به اولین بازی این هنرمند در سینما در نقش مهشید در فیلم «هامون» گفت که وی در نقش «مهشید» تمام تابوهای زن مطیع همسر، زن دهان بسته و سرکوب شده را که خصوصاً پس از انقلاب بیشتر سریال‌ها و فیلم‌ها آن را تبلیغ می‌کردند و روی آن تأکید داشتند در هم شکست و تصویری از زنی مدرن ارائه کرد، زنی که می‌ایستد، پافشاری می‌کند، «نه» می‌گوید و انتخاب می‌کند. زنی که می‌خواهد سرنوشت خویش را به دست گیرد.

شیوا ابراهیمی در پایان صحبت‌های خود یکی از شعرهای مورد علاقه بیتا فرهی اثر شفیعی کدکنی را با همراهی ساز تار به نوازدگی ساپنا زمانیان برای حضاران دکلمه کرد.

این برنامه با سپاس و قدردانی مهسا قریشی دختر بیتا فرهی از حضاران و همچنین مائیش فیلم «هامون» اثر درخشان داریوش مهرجویی به پایان رسید.

در این برنامه که هما معینی مجری و گرداننده آن بود، ابتدا دوست قدیمی بیتا فرهی، آلن برونه کارگردان و نویسنده فرانسوی سخنانی ایراد کرد. آلن برونه با اشاره به نقش‌آفرینی متفاوت بیتا فرهی در سینمای ایران، توانایی و هنر بازیگری او را مورد ستایش قرار داد. وی بازیگری بیتا فرهی در فیلم «خون بازی» اثر رخشان بنی اعتماد را نقطه عطفی در کارنامه هنری این هنرمند دانست.

ژان لوئیس اوزوات و پاسکال کوئن نویسندگان و بازیگر فرانسوی بخشی از زندگینامه بیتا فرهی را به صورت مائیش خوانی با شعرهایی از مولوی به زبان فرانسه اجرا کردند. سپس فیلمی کوتاه از صحبت‌های کارگردانان بهمن فرمان آرا، داریوش مهرجویی و مسعود کیمیایی درباره فن بازیگری و نقش‌آفرینی‌های متعدد بیتا فرهی در سینمای ایران برای حضاران پخش شد.

در این برنامه سخنرانان یاد داریوش مهرجویی را نیز گرامی داشتند؛ کارگردانی که بیتا فرهی بیشترین همکاری را

اما اجازه پخش نگرفت. این فیلم هفت سال پس از ساخت سرانجام در ۲۲ مهر ۱۳۷۷ در تهران اکران شد.

بیتا فرهی را می‌توان جزو بازیگران موج نو سینمای ایران پس از ۵۷ دانست. او با کارگردانان بسیاری مانند داریوش مهرجویی، بهمن فرمان آرا، احمدرضا درویش، مسعود کیمیایی، رخشان بنی اعتماد همکاری کرد و نقش‌های ماندگاری را در سینمای ایران بجای گذاشت. این هنرمند برای نخستین نقش خود در سینما در فیلم «هامون» به کارگردانی داریوش مهرجویی برنده دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش اول زن از جشنواره «فجر» شد.

پیش از انقلاب ۵۷ بیتا فرهی در سال ۱۳۵۲ برنده جایزه دختر شایسته شده بود. در سال ۱۳۵۷ برای ادامه تحصیلات به کالیفرنیا رفت و در رشته هنر از مدرسه هنر «جان پاورس» فارغ التحصیل شد و سپس در سال ۱۳۶۰ به ایران بازگشت. این هنرمند در سال‌های اخیر در پاریس و تهران زندگی می‌کرد و در سن ۶۵ سالگی به علت بیماری چشم از جهان

# تأیید حکم زندان یازده فعال حقوق زنان در دادگاه تجدید نظر



هنجارشکن، از آن صحنه‌ها فیلمبرداری کرده و تصاویر تهیه شده را به رسانه‌های معاند ارسال می‌کردند.»

از دیگر موارد اتهامی این افراد برقراری ارتباط با خانواده جانب‌باختگان افرادی بوده است که در اعتراضات سال ۱۴۰۱ جان باخته‌اند. اداره اطلاعات گیلان مدعی شده بود آنها افرادی را که بستگان خود را از دست داده‌اند تحریک می‌کردند.

جلسه دادگاه رسیدگی به فعالان بازداشت شده دهم اسفند ۱۴۰۲ در شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت برگزار شد. این فعالین به «اجتماع و تبانی»، «تشکیل گروه با هدف برهم زدن امنیت ملی» و «عضویت در گروه» متهم شدند.

مصطفی نبلی، وکیل فروغ سمیع‌نیا و جلوه جواهری، روز چهارشنبه ۸ فروردین به «شبهه شرق» گفت که شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت این ۱۱ فعال امور زنان را به بیش از ۶۰ سال حبس محکوم کرده است.

این وکیل دادگستری درباره احکام صادره برای موکلانش گفت که فروغ سمیع‌نیا، به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور»، به ۳ سال و ۶ ماه و یک روز حبس و به اتهام «عضویت در گروه غیرقانونی» به ۲ سال و ۷ ماه و ۱۶ روز حبس تعزیری محکوم شد.

مصطفی نبلی افزوده بود که جلوه جواهری هم به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس تعزیری محکوم شده است.

بر اساس گزارش‌ها فعالان بازداشت شده، برای اعتراف اجباری در معرض شکنجه و ضرب و جرح و فشارهای روانی قرار گرفته بودند.

سارا جهانی دکتر داروساز و از بازداشت‌شدگان در شهر رشت هنگام بازداشت به دلیل مقاومت در برابر دادن رمز گوشی موبایلش به مأموران به شدت مورد ضرب و جرح قرار گرفت.

گزارش‌ها حاکی از آن بود که هومن طاهری از دیگر بازداشت‌شدگان این پرونده، بر اثر ضرب و جرح در جریان بازجویی یک دندان خود را از دست داده، صورتش به شدت متورم شده و آثار کبودی بر گردن و قفسه سینه و خراش در دیگر نقاط بدنش پس از گذشت چند روز و انتقال او به بند عمومی، همچنان قابل مشاهده بوده است.

حبس تعزیری و به اتهام اجتماع و تبانی، به سه سال و شش ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم شده است.

فروغ سمیع‌نیا، سارا جهانی، یاسمین حشدری، شیوا شاه سیا، نگین رضایی، متین یزدانی، آزاده چاووشیان و زهرا دادرس هر یک در مجموع به شش سال و سه ماه و ۷ روز حبس محکوم شدند. در رابطه با اتهام اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور، این فعالان به سه سال و شش ماه و یک روز حبس و به اتهام عضویت در گروه غیرقانونی به دو سال و هفت ماه و ۱۶ روز حبس تعزیری محکوم شدند.

جلوه جواهری و هومن طاهری هم به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس تعزیری محکوم شدند.

پس از بازداشت این فعالان، اداره کل اطلاعات استان گیلان ۲۶ مرداد ۱۴۰۲ اعلام کرده بود «یک تیم تشکیلاتی» شامل ۱۲ نفر به اتهام «تشکیل دوره‌های براندازی نرم» و «اقدامات ضدامنیتی متعدد» بازداشت شدند.

در این اطلاعیه آمده بود «این افراد که سابقه فعالیت‌های ضدامنیتی متعددی در اغتشاشات سال گذشته را دارند، با شناسایی و گردآوردن دیگر افراد سابقه‌دار در آن وقایع و فریب تعدادی از جوانان و متشکل نمودن آنها، در حال فراهم آوردن مقدمات اغتشاش و ناامنی در سطح استان گیلان و برخی شهرستان‌های استان کردستان بودند.»

اطلاعات گیلان مدعی شده بود دو نفر از اعضای این تیم که رهبری آنها را به عهده داشتند «در دوره‌های براندازی نرم که توسط سرویس‌های اطلاعاتی دشمن در خارج از کشور برگزار شده آموزش دیده و پس از مراجعت به کشور، ضمن حفظ ارتباط با برگزارکنندگان شناخته شده دوره‌ها، مبالغ قابل توجهی پول در پوشش کمک به خانوادگی آسیب‌دیدگان وقایع سال گذشته دریافت کردند.»

عوامل وزارت اطلاعات در استان گیلان مدعی شدند این افراد بخش اندکی از پول دریافتی را خرج خانواده آسیب‌دیدگان کردند و محل هزینه‌ی مابقی وجوه دریافتی وضعیت نامشخصی دارد که در دست بررسی است!

یکی دیگر از اتهامات این افراد ارتباط با شبکه «ایران اینترنت‌نشال» است. بر اساس بند آخر اطلاعیه وزارت اطلاعات «اعضای گروه با فراخوان تعدادی از مرتبطین خود در زمان‌ها و مکان‌های مشخص شده و انجام رفتارهای

● احکام زندان یازده فعال حقوق زنان که ۲۵ مرداد ۱۴۰۲ در عملیات هماهنگ وزارت اطلاعات و بطور همزمان در شهرهای مختلف استان گیلان بازداشت شده بودند، در دادگاه تجدید نظر عیناً تأیید شد.

● شعبه ۱۱ تجدید نظر دادگاه انقلاب رشت به ریاست قاضی محمدصادق ایران‌عقیده، «بدون تشکیل دادگاه» اجکام دادگاه بدوی را تأیید کرده است.

● اداره اطلاعات استان گیلان ۲۶ مرداد ۱۴۰۲ اعلام کرده بود «یک تیم تشکیلاتی» شامل ۱۲ نفر به اتهام «تشکیل دوره‌های براندازی نرم» و «اقدامات ضدامنیتی متعدد» بازداشت شدند.

احکام زندان فعال یازده فعال حقوق زنان ساکن استان گیلان در دادگاه تجدید نظر تأیید شد. این فعالان تابستان گذشته و بطور همزمان بازداشت شدند و دادگاه بدوی هر یک از آنها را به یک تا بیش از ۹ سال زندان محکوم کرده بود.

به گزارش منابع حقوق بشر احکام زندان یازده فعال حقوق زنان که ۲۵ مرداد ۱۴۰۲ در عملیات هماهنگ وزارت اطلاعات و بطور همزمان در شهرهای مختلف استان گیلان بازداشت شده بودند، در دادگاه تجدید نظر عیناً تأیید شد.

در این پرونده زهرا دادرس، فروغ سمیع‌نیا، سارا جهانی، یاسمین حشدری، شیوا شاه‌سیاه، نگین رضایی، متین یزدانی، آزاده چاووشیان، زهرا دادرس، جلوه جواهری و هومن طاهری به احکام حبس محکوم شده‌اند.

حساب کاربری «پیدارزنی» در اینستاگرام نوشته است احکام بازداشت‌شدگان مردادماه ۱۴۰۲ در گیلان روز هشتم خرداد در شعبه ۱۱ تجدید نظر دادگاه انقلاب رشت به ریاست قاضی محمدصادق ایران‌عقیده، «بدون تشکیل دادگاه عیناً تأیید شد.»

شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت به ریاست قاضی مهدی راسخی روز چهارشنبه ۸ فروردین حکم بدوی متهمان این پرونده را اعلام کرده بود.

بر اساس حکم صادر شده، زهرا دادرس در مجموع به ۹ سال و ۶ ماه حبس محکوم شده است. او به اتهام تشکیل گروه با هدف برهم زدن امنیت ملی به شش سال و یک روز

## حمله حوثی‌ها به سه کشتی در دریای سرخ و مدیترانه و عرب «تسنیم»: ارسال موشک‌های «قدر» برای «مجاهدان یمنی»



موشک‌های بالستیک ضدکشتی ساخت جمهوری اسلامی

موج تازه حملات حوثی‌ها بعد از مرگ ابراهیم رئیسی در سانحه سقوط هلی‌کوپتر آغاز شده است. خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نهم خرداد در گزارشی اعلام کرد موشک بالستیک ضدکشتی با نام «قدر» در اختیار «مجاهدان یمنی» قرار گرفته است. این در حالیست که جمهوری اسلامی بارها ارسال تسلیحات برای حوثی‌ها را رد کرده بود.

«تسنیم» در این گزارش ادعا کرد، این موشک‌ها «توانسته منافع آمریکا و متحد اصلی‌اش در منطقه یعنی رژیم صهیونیستی را با چالش‌های جدی روبرو کند».

برخی تحلیلگران می‌گویند چند عامل از جمله ادامه عملیات اسرائیل در رفح، گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در باره افزایش ذخایر غیرمجاز اروانبوم ممنوعه در ایران و احتمال صدور قطعنامه توبیخی علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام و همچنین آغاز روند قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا می‌تواند دلایلی برای از سرگیری حملات حوثی‌ها به عنوان بازوی پُر کار جمهوری اسلامی در منطقه باشد.

با اوج گرفتن مجدد حملات حوثی‌ها، وانگ یی وزیر خارجه چین در دیدار با شایا محسن زیندانی وزیر خارجه حوثی‌ها خواهان توقف حملات به کشتی‌های غیرنظامی در دریای سرخ شد. وی تأکید کرده که چین مایل است نقشی سازنده در تضمین ایمنی کشتی‌های فعال در منطقه ایفا کند.

گفته می‌شود یک ناو نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا، به نام «اچ‌ام‌اس دانکن» برای حفاظت از مسیرهای تجاری بین‌المللی به طرف دریای سرخ و خلیج عدن حرکت کرده است.

در ماه‌های اخیر مقامات آمریکایی بارها از چین خواستند که از نفوذ خود برای قانع کردن جمهوری اسلامی در جهت مهار حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ استفاده کند.

یک کشتی را دریای مدیترانه هدف قرار دادند. شبه‌نظامیان حوثی اعلام کردند، همه کشتی‌هایی را که به سمت بنادر اسرائیل حرکت می‌کنند، هدف قرار داده و تهدیدات خود را فراتر از منطقه دریای سرخ گسترش خواهند داد.

با این حال، فرمانده کشتی که ادعا می‌شود در دریای مدیترانه هدف قرار گرفته، اظهار داشت که هیچ نشانه‌ای از وقوع چنین حادثه‌ای مشاهده نشده هرچند در گذشته نیز برخی شرکت‌ها و پرسنل بعضی کشتی‌ها بنا به دلایل اقتصادی یا امنیتی هدف قرار گرفته شدن توسط حوثی‌ها را انکار کرده بودند.

به نظر می‌رسد شبه‌نظامیان حوثی به تجهیزات پیشرفته دست پیدا کرده‌اند زیرا در دو هفته گذشته دو پهپاد «ام‌کیو-۹» رپیر» آمریکایی را در آسمان یمن سرنگون کردند. منابع غیررسمی ادعا کردند تعداد پهپادهای سرنگون شده شش فروند بوده است. البته تجربه نشان می‌دهد که حوثی‌ها درباره اهدافی که مورد اصابت قرار می‌دهند بزرگنمایی می‌کنند.

آخرین نمونه از این اقدامات نظامی حمله به یک کشتی یونانی در دریای سرخ است. فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) چهارشنبه نهم خرداد اعلام کرد که حوثی‌ها پنج موشک بالستیک ضد کشتی را از مناطق تحت کنترل خود در یمن به سوی دریای سرخ پرتاب کردند.

سنتکام با انتشار بیانیه‌ای در «ایکس» نوشت: «سه موشک به کشتی تجاری لاکس که یک کشتی تجاری متعلق به یونان با پرچم جزیره مارشال است، اصابت کرد».

سنتکام اعلام کرد این حمله آسیب جدی به «لاکس» وارد نکرد و کشتی پس از حادثه به مسیر خود ادامه داد.

سنتکام در بیانیه‌ای دیگر اعلام کرد که «نیروهای فرماندهی مرکزی ایالات متحده با موفقیت پنج پهپاد را که از مناطق تحت کنترل حوثی‌ها در یمن پرتاب شده بودند در آسمان دریای سرخ منهدم کردند».

● شبه‌نظامیان حوثی، متحدان جمهوری اسلامی در یمن، پس از یک وقفه‌ی سه هفته‌ای، مرحله جدیدی از حملات موشکی و پهپادی به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ و باب‌المنندب و همچنین آب‌های مدیترانه را آغاز کردند.

● حوثی‌ها اعلام کردند، همه کشتی‌هایی را که به سمت بنادر اسرائیل حرکت می‌کنند، هدف قرار داده و تهدیدات خود را فراتر از منطقه دریای سرخ گسترش خواهند داد. -با اوج گرفتن مجدد حملات شبه‌نظامیان حوثی، وانگ یی وزیر خارجه چین در دیدار با شایا محسن زیندانی وزیر خارجه حوثی‌ها خواهان توقف حملات به کشتی‌های غیرنظامی در دریای سرخ شد.

● موج تازه حملات حوثی‌ها بعد از مرگ ابراهیم رئیسی در سانحه سقوط هلی‌کوپتر آغاز شده. خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نهم خرداد در گزارشی اعلام کرد موشک بالستیک ضدکشتی با نام «قدر» در اختیار «مجاهدان یمنی» قرار گرفته است. این در حالیست که جمهوری اسلامی بارها ارسال تسلیحات برای حوثی‌ها را رد کرده بود.

● «تسنیم» در این گزارش ادعا کرد، این موشک‌ها «توانسته منافع آمریکا و متحد اصلی‌اش در منطقه یعنی رژیم صهیونیستی را با چالش‌های جدی روبرو کند».

شبه‌نظامیان حوثی، متحدان جمهوری اسلامی در یمن پس از یک وقفه‌ی سه هفته‌ای، مرحله جدیدی از حملات موشکی و پهپادی به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ و باب‌المنندب و همچنین آب‌های مدیترانه را آغاز کردند.

یحیی سریع سخنگوی حوثی‌ها تأیید کرد، روز جمعه چهارم خرداد به سه کشتی «یانیس» در دریای سرخ، کشتی «اسکس» در دریای مدیترانه و کشتی «ام اس سی الکساندرا» در دریای عرب حمله کرده‌اند.

این برای نخستین بار است که رسماً اعلام شده حوثی‌ها

# دومین گزارش «هیأت عالی» بررسی سقوط هلی کوپتر حامل رئیسی احتمال انفجار و تداخل فرکانس منتفی است



آخرین تصاویر از ابراهیم رئیسی پیش از سانحه سقوط هلی کوپتر

کارشناسان تخصصی آثاری ناشی از اقدامات جنگ الکترونیک بر روی بالگرد سانحه دیده مشاهده نشده است. این گزارش نیز مانند گزارش اول مربوط به سانحه که سوم خردادماه منتشر شد مبهم است.

با اینکه در هر دو گزارش تأکید شده شرایط جوی هنگام پرواز برگشت نامساعد بوده اما هنوز ستادکل نیروهای مسلح هنوز پاسخ نداده که به چه علت در آن شرایط آب و هوایی این پرواز انجام شد؟

در گزارش دوم اشاره نشده که بر چه اساسی احتمال «اختلال در سامانه ارتباطی و یا تداخل فرکانسی منتفی» است؟ پیش از این یک منبع مطلع به کیهان لندن گفته بود، احتمال اینکه سیستم ناوبری الکترونیک هلی کوپتر رئیسی و امیرعبداللهیان دچار نقص فنی شده و یا در آن اختلال ایجاد شده باشد وجود دارد. انواع پارازیت و سیگنالهای مخرب، جمیگ و جمر یا مختل کننده سیگنال ردیاب GPS می تواند از عوامل ایجاد این اختلالها باشد.

در این میان، احمد علم الهدی امام جمعه مشهد و پدر همسر ابراهیم رئیسی چهارشنبه نهم خرداد در تازه ترین اظهار نظر گفت، «فرضیه های مختلفی پیرامون سقوط بالگرد مطرح بود که آیا این حادثه طبیعی بود و یا نشان از عوامل خارجی وجود داشت اما تا کنون هیچ عاملی برای سقوط شناسایی نشده است.»

پیش از این شماری از چهره های سیاسی و امنیتی حکومت به مشکوک بودن این سانحه و احتمال «توطئه خارجی» اشاره کرده بودند. تردیدها وقتی بیشتر شد که مادر ابراهیم رئیسی گریه کنان گفت، «بُکشه هرکی غیر خدا تو را کشته!» ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم به همراه حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه اش و شماری دیگر از مقامات نظام یکشنبه ۳۰ اردیبهشت در مسیر بازگشت از مراسم افتتاح سد «قیز قلعه سی» (قلعه دختر)، در منطقه ورزقان استان آذربایجان شرقی دچار سانحه هوایی شد و او و هفت نفر دیگر از جمله سه کادر پرواز جان خود را از دست دادند.

حادثه و پاسخ ندادن آنها ۶۹ ثانیه طول کشیده و هیچگونه اعلامی مبنی بر وضعیت اضطراری ضبط نشده است.

## احتمال انفجار منتفی است

ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مدعی شد، «با توجه به نمونه برداری و آزمایشات صورت گرفته از بقایا و قطعات بالگرد و نحوه پراکندگی آنها و فواصل اجزای جدا شده از بدنه اصلی، وقوع انفجار ناشی از خرابکاری در جریان پرواز و لحظات قبل از برخورد به دامنه ارتفاعات منتفی است.»

همچنین تأکید شده «هرگونه بروز اختلال در سامانه ارتباطی و یا تداخل فرکانسی منتفی است» و «برابر گزارش

طبق این گزارش، بر اساس پیش بینی هواشناسی مستقر در فرودگاه تبریز روز ۳۰ اردیبهشت (روز سانحه) مسیر رفت به «پل آغبند» و «سد قیز قلعه سی» مساعد و متناسب با شرایط پرواز با دید بوده اما هوای مسیر برگشت بر اساس «آخرین اسناد دریافتی» و «اظهارات خلبانان و سرنشینان دو بالگرد دیگر نیاز به بررسی بیشتر دارد.»

در این گزارش تأکید شده اسناد و مدارک فنی هلی کوپتر نشان می دهد «اشکالی که به لحاظ تعمیرات و نگهداری بتواند در وقوع سانحه موثر باشد مشاهده نشد». همچنین تعداد سرنشین و تجهیزات، متناسب با حداکثر وزن استاندارد هلی کوپتر در حد مجاز رعایت شده است. در این گزارش تأکید شده «هرگونه بروز اختلال در سامانه ارتباطی و یا تداخل فرکانسی منتفی است» و «برابر گزارش کارشناسان تخصصی آثاری ناشی از اقدامات جنگ الکترونیک بر روی بالگرد سانحه دیده مشاهده نشده است.»

ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، روز چهارشنبه نهم خردادماه، دومین گزارش «هیأت عالی» بررسی ابعاد و علل سقوط هلی کوپتر ابراهیم رئیسی را منتشر کرد.

طبق این گزارش، بر اساس پیش بینی هواشناسی مستقر در فرودگاه تبریز روز ۳۰ اردیبهشت (روز سانحه) مسیر رفت به «پل آغبند» و «سد قیز قلعه سی» مساعد و متناسب با شرایط پرواز با دید بوده اما هوای مسیر برگشت بر اساس «آخرین اسناد دریافتی» و «اظهارات خلبانان و سرنشینان دو بالگرد دیگر نیاز به بررسی بیشتر دارد.»

در این گزارش تأکید شده اسناد و مدارک فنی هلی کوپتر نشان می دهد «اشکالی که به لحاظ تعمیرات و نگهداری بتواند در وقوع سانحه موثر باشد مشاهده نشد»، همچنین تعداد سرنشین و تجهیزات، متناسب با حداکثر وزن استاندارد هلی کوپتر در حد مجاز رعایت شده است.

بر اساس مکالمات ضبط شده بین خلبانان گروه پرواز، آخرین تماس با خلبانان هلی کوپتر سانحه دیده تا زمان وقوع



نیروهای امدادی اطراف لاشه هلی کوپتر حامل ابراهیم رئیسی و همراهان

## چهار سال «کارزار مبارزه با قتل‌های ناموسی»



رضوان مقدم سخنگوی کمپین بود که با آشنایی عمیق از مسائل مربوط به زنان و خشونت، بخش عمده مسئولیت‌ها را نیز بر عهده دارد. رضوان مقدم چهار سال پیش به عده‌ای از ما پیشنهاد کرد که کارزاری علیه قتل‌های ناموسی راه بیندازیم و با این پدیده در ایران مبارزه کنیم. تعداد زیادی از زنان فعال در خارج و نیز داخل ایران از همان ابتدا به این کارزار پیوستند. ما اول می‌دانستیم که این کارزار چه ابعدی پیدا می‌کند ولی آرام آرام که پیش رفتیم شکل مشخص‌تری به خود گرفت. اگر خوانندگان به وبسایت ما مراجعه کنند خواهند دید که ما یک اساسنامه داریم و نیز تعدادی سند که چگونه این کارزار را ادامه دهیم. در وبسایت ما به ۳ زبان فارسی، انگلیسی و آلمانی همه فعالیت‌های ما و نیز اخبار مربوط به قتل‌های ناموسی مرتب انتشار می‌یابد.

بعد از راه اندازی این کارزار، ما چندین کارگروه مختلف تشکیل دادیم تا زمانی که داوطلب بودند در این کارگروه‌ها روی مسائل مختلف کار کنند. یک گروه اجرایی داریم که متشکل از ۱۰ الی ۱۲ زن هستند که تصمیم‌گیری می‌کنند که فعالیت این کارزار چگونه پیش رود. یک کارگروه آموزشی داریم که وظیفه آن تهیه بروشور است و در ایران کارگاه‌های آموزشی برگزار می‌کند که زنان و گاه مردان در این کارگاه‌ها شرکت می‌کنند. در این کارگاه‌ها یاد می‌دهند که اصولاً قتل ناموسی چیست و زنان از چه حقوقی می‌توانند برخوردار شوند و چرا در برخی خانواده‌ها زنان و دختران توسط پدر، شوهر، گاهی برادر و گاهی عمو و پسرعمو مورد ستم و خشونت قرار می‌گیرند و کشته می‌شوند. بخش حقوقی ما با همکاری زنان حقوقدان به مسائل حقوقی می‌پردازد.

یک کارگروه مالی داریم که مسائل و مشکلات مالی ما را رفع می‌کند و تقاضا کمک مالی می‌کند و یا برنامه‌های Fund Raising برای تامین هزینه‌هایی که در ایران داریم ترتیب می‌دهد. گروه هنر هم داریم که در مراسم مختلف با هنری که ارائه می‌دهد مسئله قتل‌های ناموسی را برجسته می‌کند. گروه بین‌المللی با فعالین زنان کشورهای منطقه که مشکل مشابه دارند تماس می‌گیرد و با همکاری آنها وضعیت قتل‌های ناموسی را بررسی و تحلیل می‌کنند.

پس از آگاهی از این جنایت بود که با همیاری دکتر رضوان مقدم تعدادی از ما زنان بر آن شدیم که گرد آییم و کمپین مبارزه علیه قتل‌های ناموسی را برپا کنیم. پس از راه‌اندازی این کمپین بود که ما به ابعاد این فاجعه بیشتر آشنا شدیم. بریدن سر و حتی جدا کردن آن در یک قتل ناموسی که در اهواز اتفاق افتاد هم تکرار شد و صورت دهشتناکی به خود گرفت. شوهر زن جوانی به نام مونا حیدری بعد از کشتن او، سر جدا شده همسرش را با افتخار در خیابان اهواز گرداند. این جنایت مدت‌ها پس از قتل رومینا روی داد. اما



روحی شفیعی

چنان وحشتناک بود که ما را که در حوزه زنان کار می‌کنیم بر آن داشت که مبارزه با خشونت علیه زنان را در این حوزه فعال‌تر کنیم. مدت‌ها پیش از قتل مونا، یعنی پس از قتل رومینا، سؤال ما این بود که آیا ما راهی پیدا می‌کنیم که کارزاری راه بیندازیم که قتل‌های خانوادگی و ناموسی را برجسته کند و لزوم مبارزه با آن را در دستور روز قرار دهد. با یاری دوستان علاقمند این کارزار را آغاز کرده و ادامه دادیم. در همینجا بگویم ابتکار راه‌اندازی این کارزار با دکتر

قتل‌های ناموسی ریشه‌ی قدیمی دارد و زنان از جمله در ایران از دیرباز توسط اعضای مرد خانواده به قتل می‌رسیده‌اند و می‌رسند. رویدادی که موجب شد ما این کمپین را راه‌اندازی کنیم آن بود که در شمال ایران دختر ۱۳-۱۴ ساله‌ای به نام رومینا اشرفی به دست پدرش با بی‌رحمی تمام با داس به قتل رسید.

«از عموم تقاضا داریم فعالیت‌های «کارزار مبارزه با قتل‌های ناموسی» را به گوش دیگران برسانند. عموم مردم با خواندن مطالبی که در وبسایت این کارزار موجود است در این مورد آگاهی پیدا می‌کنند که واقعاً این کمپین چکار می‌کند و چه دستاوردهایی داشته است.»

«نکته دیگر اینکه ما هزینه این کارها را از جیب خودمان تامین می‌کنیم که آنهم محدود است. به ویژه مسئله تامین خانه‌های امن برای زنان مورد خشونت قرار گرفته و مسئله آموزش به آنان و نیز برای جلوگیری از کودک‌همسری باید بودجه داشتیم باشیم و اگر بودجه بیشتری داشته باشیم مسلماً زنان و بچه‌های بیشتری را می‌توانیم پوشش دهیم.»

روز ۲۵ ماه مه جلسه‌ای به مناسبت چهار ساله شدن «کارزار مبارزه با قتل‌های ناموسی در ایران» برگزار شد. کیهان لندن در همین ارتباط با خانم روحی شفیعی یکی از فعالین این کارزار گفتگو کرده است.

خانم شفیعی، چه چیز باعث شد شما و همکاران تان «کارزار علیه قتل‌های ناموسی» را راه بیندازید؟

قتل‌های ناموسی ریشه‌ی قدیمی دارد و زنان از جمله در ایران از دیرباز توسط اعضای مرد خانواده به قتل می‌رسیده‌اند و می‌رسند. رویدادی که موجب شد ما این کمپین را راه‌اندازی کنیم آن بود که در شمال ایران دختر ۱۴-۱۳ ساله‌ای به نام رومینا اشرفی به دست پدرش با بی‌رحمی تمام با داس به قتل رسید. این بچه مدتی از خانه رفته بود ولی پدرش او را با زور به خانه برگرداند، ابتدا مادر دختر را در حمام حبس کرد و بعد با داس سر دخترش را برید.



## آخوندها در برابر تعطیلی یکشنبه‌ها



تعطیلات رسمی آخر هفته هستند. در ایران تحت سیطره رژیم اسلامی که آخوندها نظرات خود را به مردم تحمیل می‌کنند، تا سالیان سال پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها تعطیلات آخر هفته بودند. پس از کشمکش‌های بسیار میان مخالفان و موافقان تغییر تعطیلات آخر هفته سرانجام چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ مجلس شورای اسلامی تصویب کرد در ایران روزهای جمعه و شنبه تعطیلات آخر هفته باشند.

در امارات متحده عربی کشوری مسلمان در جنوب خلیج فارس، روزهای «شنبه و یکشنبه» تعطیلات رسمی آخر هفته هستند.

در عربستان سعودی کشوری که منشأ دین اسلام است، دولت برای هماهنگی بیشتر با روزهای کاری بین‌المللی روزهای جمعه و شنبه را تعطیلات آخر هفته اعلام کرده. در اندونزی کشوری با بیش از نیم میلیون مسجد که بیشترین جمعیت مسلمان جهان را دارد، شنبه‌ها و یکشنبه‌ها

● **آیا نکته‌ای هست که در پایان اضافه کنید؟**  
- ما دو تقاضا از عموم داریم. یکی اینکه فعالیت‌های «کارزار مبارزه با قتل‌های ناموسی» را به گوش دیگران برسانند. عموم مردم با خواندن مطالبی که در وبسایت این کارزار موجود است در این مورد آگاهی پیدا می‌کنند که واقعاً این کمپین چکار می‌کند و چه دستاوردهایی داشته است.

نکته دیگر که خیلی مهم است آنست که ما برای تحقق و ادامه پروژه‌ها نیاز مالی داریم. فرد و یا سازمانی پشتیبان مالی ما نیست. ما هزینه این کارها را از جیب خودمان تامین می‌کنیم که آنهم محدود است. به ویژه مسئله تامین خانه‌های امن برای زنان مورد خشونت قرار گرفته و مسئله آموزش به آنان و نیز برای جلوگیری از کودک‌همسری باید بودجه داشتیم باشیم و اگر بودجه بیشتری داشته باشیم مسلماً زنان و بچه‌های بیشتری را می‌توانیم پوشش دهیم. کسانی که این مطلب را می‌خوانند و علاقه دارند و می‌توانند از نظر مالی ما را یاری رسانند ما مراجعه به وبسایت ما اطلاع می‌یابند که چگونه کمک کنند. ما قدردان دوستانی هستیم که چه در آمریکا و چه اروپا بتوانند ما را در زمینه مالی یاری دهند. در حال حاضر کمک‌های مالی در حدی نیست که نیازهای ما را برطرف کند. با سپاس از کیهان لندن و امید آنکه خوانندگان این مصاحبه دریابند که هر مقدار پولی که به ما برسد جان یک زن و یا دختر را از خطر کشته شدن و یا ازدواج اجباری در کودکی نجات داده‌اند و این کاریست انساندوستانه و در خور ستایش.

سعی کرده‌ایم با نهادهای مشابه و فعالین زن در کشورهای منطقه از جمله در مصر، ترکیه، سوریه، عراق و پاکستان تماس بگیریم و سمینارهایی هم برگزار کرده‌ایم. در حال حاضر بخش بین‌الملل کمپین سرگرم ایجاد شبکه‌ای بین افراد و نهادهایی است که در منطقه در زمینه مبارزه با قتل‌های ناموسی فعالیت دارند.

● **آیا هیچ ارزیابی از ارتباط و همکاری با زنان و سازمان‌ها مشابه در کشورهای منطقه دارید؟**

- بله، بخش بین‌الملل کارزار یک سال و نیم است که در این زمینه فعالیت را شروع کرده و ارتباطاتی با فعالین زن در کشورهای منطقه برقرار کرده و چندین سمینار برگزار کرده است. اطلاعات مربوط به فعالیت‌های ما در وبسایت ما و در کانال یوتیوب کارزار موجود است که علاقمندان می‌توانند به آن مراجعه کنند. در حدود ۱۵۶ فیلم روی کانال یوتیوب ما به اشتراک گذاشته شده است. ما به مناسبت‌های خاص، مانند ۸ مارس و ۲۵ نوامبر، که روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان است، برنامه‌های مشخصی داریم از جمله سخنرانی دعوت می‌کنیم که در زمینه‌های مربوطه تخصص دارند و صحبت می‌کنند و ویدیوی تمام این جلسات در کانال یوتیوب کارزار در دسترس است. ما در شبکه‌های اجتماعی مثل تلگرام و اینستاگرام و فیسبوک فعال هستیم. از این راه‌ها با دوستان و هم‌اندیشان خود در ارتباطیم و آنها در فعال نگه داشتن این شبکه‌ها با ما همکاری دارند.

➔ بیشتر زنانی که با ما کار می‌کنند در این گروه‌های کاری جمع شده‌اند و همگی دارای پیشینه و تخصص مشخص هستند. در حال حاضر ما بیش از ۵۰۰ عضو داریم. خیلی از اعضای ما در ایران هستند و در زمینه حقوق زنان، اینکه قتل‌های ناموسی تا چه اندازه گسترش دارد و عوامل زیربنایی آن، تحقیق و آگاهی‌رسانی می‌کنند. با آنکه کشتن زنان در خانواده چندان پوشش خبری پیدا نمی‌کند اما گاه تعداد قتل‌های ناموسی با تعداد اعدام‌شدگان به دست جمهوری اسلامی برابری می‌کند. تعداد قربانیان بسیار زیاد است. من در اینجا آمار کوچکی ارائه می‌دهم تا موضوع روشن‌تر شود: در سه ماهه اول سال ۱۴۰۲، ۴۹ قتل ناموسی گزارش شده. در سه ماه دوم ۴۳ قتل ناموسی انجام گرفته. اینها آمار است که ما از آنها اطلاع داریم و روی وبسایت کارزار گذاشته‌ایم ولی به این معنی نیست که قتل دیگری اتفاق نیفتاده است.

بالاترین تعداد قتل‌های ناموسی در استان تهران است که البته برخلاف انتظار ماست زیرا استان تهران بالاترین تعداد باسواد را در ایران نیز دارد. البته استان آذربایجان غربی هم در قتل‌های ناموسی با استان تهران رقابت می‌کند.

● **یک بُعد فعالیت شما فرهنگ‌سازی از پایین برای آموزش و آگاهی‌رسانی و استفاده از هنر در این زمینه است. بُعد دیگر تأمین امکانات فیزیکی و محل اقامت برای حمایت از زنانی است که مورد ستم و خشونت خانگی قرار گرفته و قتل ناموسی آنها را تهدید می‌کند. یعنی آنها به خانه‌های امن نیاز دارند؟**

- به اعتقاد ما فرهنگ‌سازی و آشنایی با حقوق فردی و قوانین زن‌ستیز و تلاش در جهت آگاهی‌رسانی و آموزش جامعه از پایین شاید بهترین راه مبارزه با خشونت علیه زنان و دختران باشد. خشونت علیه زنان در خانواده چنان ریشه دارد و عمیق است که تنها با کار فرهنگی مداوم امکان کاهش آن وجود دارد.

ما بعد از مدت‌ها تلاش قادر شدیم تعدادی خانه امن برای شماری از زنان تهیه کنیم. یعنی زنانی که مطمئن هستیم در خطر کشته شدن قرار دارند. ما این زنان را در این خانه‌ها اسکان می‌دهیم؛ به آنها در آنجا آموزش می‌دهیم؛ سعی می‌کنیم به آنها حرفه‌ای یاد بدهیم که بتوانند کاری انجام بدهند و از نظر اقتصادی روی پای خود بایستند.

پروژه دیگری که در حال حاضر مشغول کار روی آن هستیم و به درجه‌ای از موفقیت رسیده، جلوگیری از کودک‌همسری است. ما چندین دختر بچه را از خطر فروخته شدن به خاطر فقر والدین و به خصوص پدرانی که دخترانشان را از مدرسه رفتن محروم می‌کنند و شوهر می‌دهند، نجات داده‌ایم. ما پس از پیدا کردن چنین خانواده‌هایی به آنها کمک مالی می‌کنیم تا دختر بچه به مدرسه ادامه دهد و تمام کند. این دو پروژه‌ای است که ما در حال حاضر در کنار موضوع شناسایی قتل‌های ناموسی است انجام می‌دهیم.

● **آیا سازمان‌های مشابه وجود دارند که در همین زمینه در ایران خدمات ارائه می‌دهند تا شما با آنها همکاری کنید؟**

- متأسفانه نه، چون شرایط ایران طوری است که فعالیت مدنی و به خصوص فعالیت‌هایی که مربوط به خشونت‌هایی است که در جامعه اعمال می‌شود که بخشی هم متوجه زنان است، کار سختی است و ما را واداشته تا کارهایی انجام دهیم که در ایران امکان‌ناپذیر وجود دارد. به همین دلیل ما در ایران بطور عیان و آشکار با سازمان‌ها و نهادهای دیگر همکاری نداریم ولی در حاشیه افرادی هستند که به ما کمک می‌کنند. ما به ویژه در بخش بین‌الملل

# ایران و سیاست تمدنی؛ تمدن بزرگ محمدرضا شاه پهلوی و تمدن جدید جمهوری اسلامی

روایتی آخرازمایی گمان می‌کند که مردم ایران دارای رسالت تاریخی و مقدس نسبت به گسترش این تمدن هستند.

محمدرضا شاه فقید هرگز مدعی برتری تمدن بزرگ بر سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌های جهان نبوده اما رجال و نظریه‌پردازان جمهوری اسلامی نه تنها به برتری «تمدن اسلامی نوین» باور دارند بلکه آن را غایت هدف انسانی می‌دانند. همانگونه که موسی نجفی استاد دانشگاه و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در کتاب خود «تمدن برتر» می‌نویسد «غایت و حداکثر درجه آزادی هدف فرهنگی برای غرب بوده و زمانی که به این هدف دست یافتند پیشرفت آن متوقف خواهد شد در حالی که فرهنگ اسلامی ناظر بر رشد بی‌پایان بوده زیرا هدف غایی برای یک فرد نائل شدن به شخصیتی خداگونه است.»

محمدرضاشاه پهلوی، شاه ایران می‌گوید: «تمدن بزرگ به معنای تمدنی است که در آن بهترین عناصر دانش و بینش انسانی به کار گرفته شده تا از حصول بالاترین استانداردهای زندگی مادی و معنوی برای هر شهروند اطمینان حاصل کند؛ تمدنی است که در آن دستاوردهای جدید علمی، صنعتی و فناوری با والاترین ارزش‌های اخلاقی و پیشروترین استانداردهای عدالت اجتماعی ترکیب شده‌اند. به معنای تمدنی است که بر پایه خلاقیت و انسانیت استوار بوده که در آن هر فردی بتواند از رفاه زندگی مادی برخوردار بوده و در عین حال به بالاترین درجه امنیت اجتماعی دست یافته و از برجسته‌ترین و با ارزش‌ترین فضائل اخلاقی و روحی برخوردار گردد.

برای نیل به این هدف، ما باید با چشم‌اندازی جهانی که مشخصه کشورمان است بهترین اجزاء تمدن و فرهنگ خود را با بهترین عناصر تمدن‌ها و فرهنگ‌های جهانی ترکیب کرده و از تعصب و کوته‌نظری پرهیز کنیم. ما نباید برده‌وار مقلد غرب باشیم و نه نیز نباید با غرب و مدرنیسم دشمنی کنیم. با اینهمه دموکراسی غربی و اصول آن پیشروترین سیستم اجتماعی و دولتی است.»

سیدعلی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اما می‌گوید: «ملت ایران باید دنباله‌رو ایجاد تمدن اسلامی نوین برای انسانیت باشند. این امر اساسا متفاوت از شیوه نگاه و عملکرد قدرت‌های غربی نسبت به بشر است. این به معنای استعمار نیست؛ این به معنای نقض حقوق ملت‌ها نیست؛ این به معنای تحمیل فرهنگ و اخلاقیات خودمان بر سایر ملت‌ها نیست؛ این به معنای پیشکش موهبت الهی به ملت‌ها است، تا ملت‌ها بتوانند با اراده خودشان راه درست را انتخاب کنند. راهی که قدرت‌های جهان ملت‌ها را تا به امروز بدان هدایت کرده‌اند، راه نادرست و راه ضلالت است. این وظیفه امروز [ملت ایران] است. به دنبال تقلید از غرب نباشیم... فرهنگ غرب یک فرهنگ تهاجمی است. هر جا که وارد شود نظم اجتماعی آن را تغییر می‌دهد. آن هویت ملت‌ها را از بین می‌برد. تمدن واقعی برای مردم ما، تمدن ایرانی است. این تمدنی است که که متعلق به ما بوده و بر پایه استعدادهای ایرانیان استوار است و با شیوه زندگی [اسلامی- ایرانی] ما در هم تنیده شده است.»

\*منبع: آیدادانا تلگراف

\*نویسنده: البوت آسوده

\*ترجمه و تنظیم: الهام رفیع‌زاده



صلح‌آمیز با روایات سایر تمدن‌ها وارد تفاهم شوند یا محکوم به برخورد‌ها و نبردهای خشونت‌آمیز هستند؟

تمدن بزرگ شاه فقید ایران مبتنی بر «انقلاب سفید» بود که یکسری اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۹ به همراه و مدرنیته در ایران را به دنبال داشت. چشم‌انداز تمدن بزرگ محدود به ملت ایران بوده و هدف اصلی آن سیاست‌های داخلی بود.

از سوی دیگر زیربنای «تمدن جدید اسلامی» مبتنی بر صدور ارزش‌های انقلابی و گسترش خلافت شیعه است. همانگونه که پیشتر در جای دیگری مطرح کرده‌ام، تلاش جمهوری اسلامی برای یک «تمدن اسلامی نوین» با «روح خلقی» (Volkgeist) آریایا برلین همسوست که یک ایدئولوژی زیباشناختی عاری از ملاحظات عملی بوده است. نگاه سیاست‌های تمدنی جمهوری اسلامی رو به سیاست خارجی است. پدیداری قدرت هژمونی شیعه چیزی است که ممکن است در سال‌های آینده شاهد آن باشیم. این قدرت به دلیل ریشه‌های ایدئولوژیک در بومی‌گرایی، یگانه‌انگاری و توسعه‌طلبی ابتدا به سود مشتریان شیعه داخل ایران و بعد به سود کسانی خواهد بود که قصد دارند با اتحاد یا ادای احترام به جمهوری اسلامی به توازن قدرت دست پیدا کنند.

نظم نوین منطقه‌ای که جمهوری اسلامی آن را در سر می‌پروراند، بر اساس ایجاد یک تمدن افسانه‌ای پیش‌بینی شده و بر درگیری‌های فرقه‌ای در منطقه دامن زده و منجر به تشدید نقض حقوق بشر در داخل و در نتیجه گسترش شیعه‌گری توسط رژیم خواهد شد.

«تمدن بزرگ» ضمن انتقاد از غرب به همکاری و همزیستی با غرب پایبند بود و مردم ایران را بخشی از جامعه جهانی می‌دانست؛ حال آنکه «تمدن اسلامی نوین» تجدیدنظرطلبی را در دستور کار خود قرار داده و در تلاش برای بی‌ثبات کردن نظم جهانی است. این «تمدن اسلامی» مبتنی بر «انتظار برای منجی شیعه» است و با برخورداری از

● رویکرد مبتنی بر «سیاست‌های تمدنی» اساسا به تحقیق و بررسی اصول سازماندهی می‌پردازد که به نهادها و مواضع بین‌المللی شکل داده و به شناسایی بازیگران یاری رسانده و به واسطه کنش‌های اجتماعی، تمدن‌ها را تبدیل به واقعیت‌های اجتماعی می‌کند.

● تمدن بزرگ شاه فقید ایران مبتنی بر «انقلاب سفید» بود که یکسری اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۹ به همراه و مدرنیته در ایران را به دنبال داشت. چشم‌انداز تمدن بزرگ محدود به ملت ایران بوده و هدف اصلی آن سیاست‌های داخلی بود.

● نگاه سیاست‌های تمدنی جمهوری اسلامی رو به سیاست خارجی و توسعه‌طلبی و برتری منطقه‌ای و جهانی است. ● شاه فقید: «ما نباید برده‌وار مقلد غرب باشیم و نه نیز نباید با غرب و مدرنیسم دشمنی کنیم. با اینهمه دموکراسی غربی و اصول آن پیشروترین سیستم اجتماعی و دولتی است.»

● سیدعلی خامنه‌ای: «راهی که قدرت‌های جهان ملت‌ها را تا به امروز بدان هدایت کرده‌اند، راه نادرست و راه ضلالت است... ملت ایران باید دنباله‌رو ایجاد تمدن اسلامی نوین برای انسانیت باشند... این به معنای استعمار نیست؛ این به معنای نقض حقوق ملت‌ها نیست؛ این به معنای تحمیل فرهنگ و اخلاقیات خودمان بر سایر ملت‌ها نیست؛ این به معنای پیشکش موهبت الهی به ملت‌ها است.»

● البوت آسوده (آیدادانا تلگراف) - تحلیل تمدنی در حوزه روابط بین‌الملل بعد از پایان جنگ سرد و بر اساس تئوری «نبرد تمدن‌ها»ی ساموئل هانتینگتون پدیدار شده و متعاقبا با رویداد تراژیک یازده سپتامبر در گفتمان عمومی طنین انداخت.

رویکرد مبتنی بر «سیاست‌های تمدنی» اساسا به تحقیق و بررسی اصول سازماندهی می‌پردازد که به نهادها و مواضع بین‌المللی شکل داده و به شناسایی بازیگران یاری رسانده و به واسطه کنش‌های اجتماعی، تمدن‌ها را تبدیل به واقعیت‌های اجتماعی می‌کند.

بازیگران غیردولتی، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی موجود در مضمون سیاست‌های تمدنی پیوسته بر اساس این فرضیه که تمدن آنها وجود دارد و روابط حائز اهمیت هستند با یکدیگر به مبادله می‌پردازند. این بازیگران همچنین تمدن مورد تصور خود را می‌سازند تا به عنوان چارچوب استراتژیک و قدرت نمادین رفتارهای داخلی و بین‌المللی آنها عمل کند.

پانزده سال پیش صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی، ویژگی‌های مشترک رهبران ایران در قرن بیستم از جمله شاه فقید و رهبر جمهوری اسلامی را مورد بازنگری قرار داده و با نفی نظم بین‌المللی موجود، تمدن ایرانی را برتر از تمدن غرب دانست.

او این مدل را «استثناء‌گرایی ایرانی» نام نهاد. زیباکلام به ما نمی‌گوید که آیا رویکرد رهبران ایران نسبت به سیاست‌های تمدنی ذات‌گرایانه (ماهووی)- «محدود، منسجم، یکپارچه، متمرکز، همگن، ایستا و توافقی است» یا غیرماهووی- «با محدوده سست، متناقض، یکپارچه ضعیف، ناهمگن و مورد مناقشه»؟ یا نمی‌گوید آیا تمدن‌های متصور در ذهن و پادشاه ایران و رهبر جمهوری اسلامی می‌توانند از طریق گفتگویی

## «ایرانفروشی» به چین؛ استقرار شرکت‌های مسکن‌ساز چین در پایتخت

قراردادهای مرتبط با توسعه زیرساخت‌ها می‌شوند و بخش خصوصی به این پروژه‌ها وارد نمی‌شود و حتی اگر نهاد دولتی ایرانی هم طرف قرارداد نباشد، شرکت‌های بزرگی وارد می‌شوند که حاکمیتی و یا مربوط به نهادها هستند مانند قرارگاه‌هایی که در امور سازندگی فعالیت دارند. در واقع اینها هستند که پیمانکاری پروژه‌هایی از این دست را در اختیار دارند.»

از سوی دیگر پروژه‌های انبوه‌سازی مسکن که از دو دهه پیش در دستور کار دولت‌های جمهوری اسلامی قرار گرفته نتوانسته به اهداف اعلام شده نزدیک شود.

پروژه‌هایی مانند «مسکن مهر» یا «نهضت ملی مسکن» قرار بوده مستأجران ایران را با هزینه اندک خانه‌دار کند اما آمارها از افزایش شمار مستأجران حکایت دارد بطوریکه بر اساس آمارها ۴۲ درصد از جمعیت ایران و ۵۱ درصد از جمعیت پایتخت مستأجر هستند.

بسیاری از شهرک‌های احداث شده که هدف آنها کنترل رکود تورمی با عرضه بالاتر مسکن، و خانه‌دار کردن اقشار کم‌درآمد اعلام شده بود، امکانات و زیرساخت‌های لازم برای زندگی را ندارند و شهروندان ساکن شده در آنها با مشکلات زیادی روبرو هستند.

در همین رابطه روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی نوشته که «منافع مالی مجموعه‌ای از شرکت‌های دولتی در «تخصیص زمین ۹۹ ساله برای ساخت مسکن در اطراف تهران و سایر کلانشهرها» باعث شده، شهرهای جدید به «پیست مسکن‌سازی دولتی» تبدیل شود. این پیست اما «امکانات شهری مطلوب برای سکونت» را ندارد؛ پرند تا همین سال گذشته مترو نداشت و الان، متروی این شهر جدید بخاطر «سرفاصله طولانی» و «فقر ایستگاه»، امکان سوارشدن ندارد. پردیس هم فقط به «آزادراه پرهزینه برای ساکنانش» وابسته است.»

بر اساس این گزارش «شهرهای جدید از ۱۷ سال پیش به بورس «خانه‌سازی دولتی» تبدیل شد اما برعکس «حومه‌های مدرن کشورهای مختلف جهان»، «ساخت و تامین خدمات سکونت، پایه‌ی پای ساخت‌وساز مسکونی» در این شهرها پیش نرفت.»

یک گزارش رسمی از وضعیت سکونت شهرهای جدید تأکید می‌کند، نبود امکانات و خدمات از جمله مترو در این شهرها، «افت کیفیت زندگی» ساکنان را باعث شده است. ماجرای این بدقوارگی توسعه شهرهای جدید به «نفع درآمدی شرکت‌های دولتی از بودجه‌های آماده‌سازی زمین‌های ۹۹ساله» مربوط می‌شود.

بنابراین در این سال‌ها، اصرار دولتی‌ها برای مسکن‌سازی بیشتر به اختصاص زمین بیشتر و «سهام‌خواهی بیشتر از منابع بودجه سالانه برای آماده‌سازی زمین‌ها» منجر شد و «منابع به مترو و سایر خدمات سکونت روی این زمین‌ها نرسید.»

«دنیای اقتصاد» افزوده در بودجه ۱۴۰۳، برای آماده‌سازی زمین‌های ۹۹ساله پردیس و هشتگرد، ۳۰۰۰ میلیارد تومان اعتبار در نظر گرفته شده اما برای متروی این دو شهر جدید فقط ۹۷ میلیارد تومان اختصاص یافته است. این در حالی است که ساخت هر کیلومتر مترو ۱۰۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد.



معاون شهرداری تهران همان زمان توضیح داده بود که شرکت‌های چینی «محل‌سازی» کنند و توضیح داده بود که در قالب این قراردادها، محل‌سازی انجام می‌شود. او گفته بود بیشتر این ساخت‌وسازها نیز قرار است در زمین‌های ذخیره یا همان اراضی قهوه‌ای انجام شود. بحثی هم در ارتباط با بافت فرسوده در این زمینه مطرح است. او همچنین علت نادیده گرفتن شرکت‌های انبوه‌ساز داخلی در این طرح را «انجام ندادن چنین پروژه‌هایی توسط شرکت‌های داخلی با مقیاس بزرگ» اعلام کرده و گفته بود که عمدتاً سازنده‌ها در بافت فرسوده بین ۴ تا ۱۰ واحد می‌سازند.

در ماه‌های گذشته نقدهای زیادی درباره این اقدام جمهوری اسلامی مطرح شد اما در نهایت مهرداد بذریاش وزیر راه و شهرسازی اعلام کرد «از ورود چینی‌ها به بخش مسکن استقبال می‌کنیم.»

به نظر می‌رسد به دلیل آزاد نشدن منابع بلوکه شده ایران در دیگر کشورها، از جمله شش میلیارد دلاری که قرار بود از سوی کره جنوبی با چراغ سبز ایالات متحده آزاد شود اما خبری از آن نیست، جمهوری اسلامی به دنبال «ایرانفروشی» بیشتر به جمهوری خلق چین به شکل «تهاتر» است.

مدتی پس از اعلام حضور شرکت‌های چینی در بازار مسکن ایران، مجیدرضا حریری رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفت: «مذاکرات بین ایران و چین برای همکاری‌های گسترده‌تر در توسعه زیرساخت‌ها ادامه دارد و دامنه این همکاری تنها به پروژه‌های فرودگاه «امام خمینی» و ورزشگاه که اعلام عمومی شده‌اند محدود نمی‌شود و حتماً دستگاه‌های مسئول در ماه‌های آینده قراردادهای دیگری در این زمینه منعقد خواهند کرد.»

مجیدرضا حریری بدون اینکه نامی هلدینگ‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیاورد گفت: «این قراردادهای میان نهادهای اجرایی دو کشور منعقد می‌شود و در ایران قاعداً این دستگاه‌های حاکمیتی هستند که با طرف چینی وارد

● مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران گفته شرکت چینی سازنده مسکن، در تهران مستقر شده است و دو شرط اساسی در توافق با چینی‌ها را «تامین منابع مالی» و «انتقال تکنولوژی» اعلام کرد.

● معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران هفته دوم بهمن‌ماه گفته بود چند محله تهران به شرکت‌های چینی برای اجرای طرح «کلید به کلید» و با هدف نوسازی بافت فرسوده واگذار شده است.

● پیشتر دبیر انجمن انبوه‌سازان مسکن و ساختمان اعلام کرده بود که زندانی‌های چینی قرار است برای ساخت مسکن به ایران بیایند!

مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران اعلام کرده شرکت چینی سازنده مسکن، در تهران مستقر شده است. این در حالیست که هنوز قرارداد رسمی میان شهرداری تهران و این شرکت به امضا نرسیده و کارشناسان نیز انتقادهایی به سپردن مسکن‌سازی به شرکت‌های چینی دارند.

مهدی هدایت مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران گفته شرکت چینی سازنده مسکن، در تهران مستقر شده است. او دو شرط اساسی در توافق با چینی‌ها را «تامین منابع مالی» و «انتقال تکنولوژی» اعلام کرد و گفت: «در حال حاضر هنوز به مرحله قرارداد با چینی‌ها نرسیده‌ایم اما آنچه که مشخص است این است که قرار است چینی‌ها در تهران و در ۲۲ منطقه تهران در فاز نخست ۲۰۰ هزار واحد مسکونی احداث کنند.»

مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران درباره علت استفاده از شرکت‌های چینی بجای شرکت‌های داخلی در پروژه‌های مسکن گفته «در حال حاضر یک شرکت چینی در تهران مستقر است و مهمترین دلیلی که باعث شده اقبال بیشتری برای ورود چینی‌ها به بافت فرسوده تهران ایجاد شود سرعت در اتمام پروژه است. چرا که تطویل و طولانی شدن ساخت مسکن در بافت فرسوده باعث کاهش علاقمندی مردم و ساکنان بافت فرسوده می‌شود.»

بر اساس توضیحات مهدی هدایت تأمین پول چینی‌ها از مسیر یوزانس خواهد بود و پول آنها ۵ سال بعد به نرخ بهره ای که در قرارداد یوزانس مشخص خواهد شد از محل فروش واحدهای مسکونی که توسط چینی‌ها احداث شده است پس داده می‌شود.

مهدی هدایت تأکید کرده «در حال حاضر شرکت چینی در تهران مستقر است و جلسات هفتگی با آنها برگزار می‌کنیم. طرح‌ها را به خوبی پیش می‌بریم و در حال برآورد هستیم. وقتی طرح‌ها نهایی شد تکنولوژی متناسب با این ساخت و سازها که تفاهم شد توافق می‌کنیم و موضوع اجرا نهایی خواهد شد.»

نوسازی بافت فرسوده و انبوه‌سازی مسکن توسط چینی‌ها از هفته دوم بهمن‌ماه توسط حمیدرضا صارمی معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران خبری شد. او گفته بود چند محله تهران به شرکت‌های چینی برای اجرای طرح «کلید به کلید» و با هدف نوسازی بافت فرسوده واگذار شده است.

چند روز بعد نیز دبیر انجمن انبوه‌سازان مسکن و ساختمان اعلام کرده بود که زندانی‌های چینی قرار است برای ساخت مسکن به ایران بیایند!

## لایحه حجاب و عفاف؛ تلاش برای ابلاغ پیش از پایان «دولت مستعجل» سیزدهم!



● مرکز رسانه و روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرده که لایحه عفاف و حجاب به تأیید هیئت نظارت این مجمع رسیده و آخر اردیبهشت‌ماه نیز به شورای نگهبان اعلام شده است. به بیان دیگر این مجمع به شورای نگهبان برای تأیید هرچه زودتر این لایحه «چراغ سبز» نشان داده است.

● محمد صدر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام لایحه حجاب و عفاف را در راستای «لجاجت با مردم» ارزیابی کرده و گفته بود خطراتی برای نظام دارد.

- فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به تازگی اعلام کرده «حجاب و عفاف در پیچه دشمن به سوی یک جنگ تمام‌عیار فرهنگی است که تغییر فرهنگ و استحاله آن آرام آرام پیش می‌رود».

● به نظر می‌رسد برخی مقامات حکومت اصرار دارند این لایحه تا پیش از پایان عمر «دولت مستعجل» سیزدهم که برای رئیسی و کابینه‌اش به راستی «نحس» از آب درآمد، تأیید و به دولت ابلاغ شود. این در حالیست که از مدت‌ها پیش بخش‌های مختلف لایحه در حال اجراست و سرکوب زنان با توسل به این لایحه ادامه دارد.

مجمع تشخیص مصلحت نظام به تازگی با تأیید لایحه حجاب و عفاف، به شورای نگهبان چراغ سبز نشان داده تا این لایحه را هر چه سریع‌تر تأیید کند. به نظر می‌رسد برخی مقامات حکومت اصرار دارند این لایحه تا پیش از پایان عمر «دولت مستعجل» سیزدهم که برای رئیسی و کابینه‌اش به راستی «نحس» از آب درآمد، تأیید و به دولت ابلاغ شود. این در حالیست که از مدت‌ها پیش بخش‌های مختلف لایحه در حال اجراست و سرکوب زنان با توسل به این لایحه ادامه دارد.

«لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» معروف به «لایحه حجاب و عفاف» که از یک سال و نیم پیش از سوی قوه قضائیه تدوین و پس از تصویب پرسرعت در دولت به مجلس راه یافته همچنان در پیچ و خم رفت و آمد میان مجلس و شورای نگهبان است. در آنسو از پاییز گذشته و پس از چند بار رفت و آمد لایحه میان مجلس و شورای نگهبان، هیئت نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز بطور موازی بررسی این لایحه را در دستور کار قرار داد.

از روزهای گذشته بار دیگر این لایحه‌ی پرحاشیه در صدر اخبار رسانه‌های داخلی قرار گرفته است. مرکز رسانه و روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرده که لایحه عفاف و حجاب به تأیید هیئت نظارت این مجمع رسیده و آخر اردیبهشت‌ماه نیز به شورای نگهبان اعلام شده است.

در آذرماه سال گذشته هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرده بود پنج ابهام و مغایرت با سیاست‌های کلی نظام در این لایحه وجود دارد. مدتی بعد اعلام شد مجلس شورای اسلامی ایرادهای اعلام شده را رفع کرده است.

همزمان با اینکه طی روزهای گذشته اعلام شد لایحه عفاف و حجاب به تأیید هیئت نظارت رسیده، خبر دیگری درباره نامه صادق آملی لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس هیئت نظارت این مجمع، منتشر شد که در آن به احمد جنتی دبیر شورای نگهبان تأکید شده «مصوبه مجلس در رابطه با جرائم نقدی لایحه حجاب و

مجمع تشخیص مصلحت نظام، مربوط به برداشت جریمه از حساب متخلفین بوده و ایرادات شورای نگهبان درباره مواردی بوده که امکان دور زدن قانون وجود داشته است. این نماینده مجلس ابراز امیدواری کرد با پذیرش اصلاحات اخیر توسط شورای نگهبان، کار لایحه به اتمام برسد.

پیش از این و در فروردین امسال محمد صدر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام لایحه حجاب و عفاف را در راستای «لجاجت با مردم» ارزیابی کرده و گفته بود خطراتی برای نظام دارد.

او توضیح داده بود که «لایحه عفاف و حجاب که در مجلس مطرح شد از هزمنده‌های بخش تندرو مجلس است چون نه قوه قضائیه و نه دولت چنین لایحه‌ای را به مجلس نبرده‌اند. من با آقای اژه‌ای هم صحبت کردم، ایشان گفتند لایحه‌ای که ما تهیه کردیم ۶ ماده بود، وارد دولت که شد به ۱۲ ماده تبدیل شد و بعد به مجلس رفت و به ۷۰ ماده تبدیل شد که حتی حاضر نشدنند این لایحه را در صحن علنی مجلس به رای بگذارند».

او افزوده بود که «این لایحه آنقدر مشکل دارد که بخشی از آن توسط شورای نگهبان و هیئت عالی نظارت بر سیاست‌های کلی رد شد و این لایحه اگر به اجرا گذاشته شود نارضایتی‌های مردم به ویژه بخش زنان که نیمی از جامعه ما هستند و اکثرشان هم معتقد به اسلام و انقلاب اسلامی هستند، بیشتر می‌شود و در مقابل نظام موضع‌گیری کنند و در نهایت با خطرات جدی مواجه می‌شویم».

محمد صدر افزوده بود که «در مورد لایحه عفاف و حجاب این شک وجود دارد که آیا نفوذ خارجی، دشمنان اسلام و دشمنان ایران پشت پرده هستند و به همان بخش تندرو مجلس تلقین کردند که این لایحه را تهیه و ارائه کنند. امیدوارم مسئولین نظام به این مسئله توجه کنند که نفوذ خارجی نه تنها در بخش‌های امنیتی، اقتصاد و نفت بلکه می‌تواند در بخش فرهنگی هم باشد و یک چنین ایده‌هایی ضد اسلام و ضد جمهوری اسلامی را از طریق برخی افراد تندرو که عقل کامل ندارند، به نظام تحمیل می‌کنند».

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنین

عفاف مغایر با سیاست‌های کلی نظام در حوزه اقتصاد مقاومتی است».

در این نامه که تاریخ فروردین امسال را دارد آمده بود که «برداشت جریمه از حساب زنان، باعث بی‌اعتمادی به نظام بانکی و خروج سپرده‌های بانکی می‌شود».

اینهمه نشان می‌دهد مجمع تشخیص مصلحت نظام با وجود ایرادهایی از جمله «برداشت جریمه نقدی از حساب زنان»، این لایحه را تأیید و به شورای نگهبان اعلام کرده است؛ به بیان دیگر به شورای نگهبان برای تأیید هرچه زودتر این لایحه «چراغ سبز» نشان داده شده است.

لایحه حجاب و عفاف هرچند هنوز از سوی شورای نگهبان تأیید نشده تا به عنوان یک «قانون» به دولت ابلاغ شود اما بخش‌های مختلف آن حتا برداشت جریمه نقدی از حساب زنان نیز در حال اجرا است. نمایندگان مجلس شهریور گذشته تصویب کردند که این لایحه به صورت سه سال به صورت «آزمایشی» اجرا شود.

در همین رابطه سردار احمد رادان فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به تازگی اعلام کرد «حجاب و عفاف در پیچه دشمن به سوی یک جنگ تمام‌عیار فرهنگی است که تغییر فرهنگ و استحاله آن آرام آرام پیش می‌رود».

او افزوده که درباره حجاب نباید «غفلت» کنیم و روزی به خود آسیم و ببینیم که «ارزش‌های دینی» از بین رفته است. فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی همچنین مدعی شده که «مردم خواسته‌اند که به وضعیت حجاب و پوشش رسیدگی شود و به همین دلیل فراجا تلاش کرده تا با مشارکت و در فضای تعامل و همکاری پلیس و مردم این طرح را اجرا کند».

محمدتقی نقدعلی عضو کمیسیون ویژه بررسی لایحه موسوم به «عفاف و حجاب» هم اعلام کرده که ایرادات هیئت عالی نظارت به این لایحه برطرف و اصلاحات لازم برای رفع ایرادات شورای نگهبان نیز انجام شده است. او تأکید کرده که «برداشت جریمه از حساب زنان منتفی نشده و فقط کیفیت برداشت در برخی موارد اصلاح شده است».

محمدتقی نقدعلی افزوده که ایرادات هیئت عالی نظارت



شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

## قدرت‌های اروپایی به دنبال تصویب قطعنامه علیه جمهوری اسلامی در نشست آتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

● اکنون باید قطعنامه عمل کنیم.» تجربه نشان می‌دهد جمهوری اسلامی تا کنون با تندی به چنین قطعنامه‌هایی واکنش نشان داده و فعالیت‌های هسته‌ای خود را تقویت کرده است. در حالی که اگر قطعنامه‌ای هم صادر نشود، گستاخ‌تر شده و باز هم همین مسیر را ادامه می‌دهد!

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای آخرین بار ۱۸ ماه پیش قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی به تصویب رسانده بود. در این قطعنامه از تهران خواسته شد تا با آژانس از جمله به منظور شفاف‌سازی موضوع کشف آثار اورانیوم در سه سایت اعلام‌نشده همکاری کند. جمهوری اسلامی اما در این مدت با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری لازم را نکرده است. این نهاد تا کنون بارها نگرانی خود را از تشدید فعالیت‌های هسته‌ای ایران ابراز کرده است.

برخی تحلیلگران معتقدند در صورتی که این قطعنامه صادر شود، تهران تنش‌ها در منطقه را که دوباره از سر گرفته شده است تشدید می‌کند.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی که ۲۷ ماه مه (هفتم خرداد) به اعضای شورای حکام ارائه داد، اعلام کرد ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران اکنون به ۱۴۲/۱ کیلوگرم رسیده که نسبت به آخرین گزارش آژانس، حدود ۲۰/۶ کیلوگرم افزایش یافته است.

ایالات متحده در نشست قبلی شورای حکام که ششم مارس (۱۶ اسفندماه) برگزار شد از صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی جلوگیری کرد اما در بیانیه‌ای با محکوم کردن فعالیت‌های غیرمجاز اتمی جمهوری اسلامی خواستار «رقیق‌سازی» تمامی ذخایر اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد و توقف کامل غنی‌سازی با این غلظت توسط ایران شد. سه ماه بعد از این بیانیه اما جمهوری اسلامی نه تنها اقدام به رقیق‌سازی ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی نکرد بلکه طبق گزارش آژانس این ذخایر افزایش پیدا کرده است.

کارشناسان آژانس می‌گویند اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد در واقع یک گام تا اورانیوم ۹۰ درصدی که برای ساخت سلاح اتمی نیاز است فاصله دارد و جمهوری اسلامی هیچ توجیه معتبر غیرنظامی برای این سطح از غنی‌سازی اورانیوم ندارد. برای ساخت یک کلاهک هسته‌ای حدود ۵۰ کیلوگرم اورانیوم با غلظت بیشتر از ۹۰ درصد نیاز است. به گفته گروسی، جمهوری اسلامی نه چند ماه بلکه چند هفته تا دستیابی به سلاح اتمی فاصله دارد.

● سه دیپلمات روز چهارشنبه ۲۹ ماه مه (نهم خرداد) گفتند که بریتانیا، فرانسه و آلمان پیش‌نویس قطعنامه علیه جمهوری اسلامی را پیش از نشست هفته آینده شورای حکام آژانس بین‌المللی بین اعضا توزیع کرده‌اند و به نظر می‌رسد که مصمم هستند با وجود مخالفت آمریکا، آن را پیش ببرند.

● خبرگزاری رویترز ۲۴ ماه مه (چهارم خرداد) گزارش داده بود که ایالات متحده و شرکای اروپایی آن در مورد اینکه آیا باید با جمهوری اسلامی مقابله کنند یا نه، اختلاف نظر دارند زیرا آمریکا نگران است صدور قطعنامه توییحی علیه جمهوری اسلامی آنهم پیش از انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۲۴ در آمریکا تنش در منطقه را تشدید کند.

● یک مقام ارشد اروپایی می‌گوید، «ما آمریکایی‌ها را تحت فشار قرار می‌دهیم، اما آنها همچنان گمان می‌کنند که نباید کاری کرد که تنش‌ها با ایران افزایش پیدا کند... این [سیاست] تا کنون هیچ دستاوردی نداشته است و ما معتقدیم که اکنون باید قطعنامه عمل کنیم.»

● تجربه نشان می‌دهد جمهوری اسلامی تا کنون با تندی به چنین قطعنامه‌هایی واکنش نشان داده و فعالیت‌های هسته‌ای خود را تقویت کرده است. در حالی که اگر قطعنامه‌ای هم صادر نشود، گستاخ‌تر شده و باز هم همین مسیر را ادامه می‌دهد!

سه دیپلمات روز چهارشنبه ۲۹ ماه مه (نهم خرداد) گفتند که بریتانیا، فرانسه و آلمان پیش‌نویس قطعنامه علیه جمهوری اسلامی را پیش از نشست هفته آینده شورای حکام آژانس بین‌المللی بین اعضا توزیع کرده‌اند و به نظر می‌رسد که مصمم هستند با وجود مخالفت آمریکا، آن را پیش ببرند.

خبرگزاری رویترز ۲۴ ماه مه (چهارم خرداد) گزارش داده بود که ایالات متحده و شرکای اروپایی آن در مورد اینکه آیا باید با جمهوری اسلامی مقابله کنند یا نه، اختلاف نظر دارند زیرا آمریکا نگران است صدور قطعنامه توییحی علیه جمهوری اسلامی آنهم پیش از انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۲۴ در آمریکا تنش در منطقه را تشدید کند.

یک مقام ارشد اروپایی می‌گوید، «ما آمریکایی‌ها را تحت فشار قرار می‌دهیم، اما آنها همچنان گمان می‌کنند که نباید کاری کرد که تنش‌ها با ایران افزایش پیدا کند... این [سیاست] تا کنون هیچ دستاوردی نداشته و ما معتقدیم که

درباره کسر از حساب افراد بی حجاب گفته بود «طرح این مسئله باعث می‌شود که همه مردم پول‌هایشان را از بانک خارج کنند و به سیستم بانکی اعتماد نداشته باشند و نه تنها ضرر فرهنگی و بی‌اعتمادی بلکه ضرر اقتصادی هم می‌زند و بانک‌ها را ورشکسته می‌کند. یکی از همان مواردی که من فکر می‌کنم دشمنان اسلام و انقلاب پشت آن هستند همین بند است. متأسفم که این مسائل بعد از انتخابات مطرح می‌شود و اینگونه به مردم تلقین می‌کند که انتخابات گذشت، حال دوباره هرکاری دلشان می‌خواهد، انجام می‌دهند که این هم باعث خدشه دار شدن چهره نظام می‌شود.»

همچنان اما برخی مقامات اصرار دارند این لایحه هرچه زودتر و تا به پایان نرسیدن عمر دولت سیزدهم، از سوی شورای نگهبان تأیید و به صورت «قانون» به دولت ابلاغ شود. انسیه خزعلی معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده از جمله مقاماتی است که انتقاداتی را درباره تأخیر در تصویب نهایی این لایحه مطرح کرده و گفته «نسبت به توقف لایحه امنیت زنان، معترض هستیم، چند سال است که این لایحه در مجلس، مراحل مختلف کمیسیون‌ها را طی کرده و در نوبت صحن قرار گرفته ولی مطرح نمی‌شود.»

در آنسو اما حقوقدانان بر مشکلات حقوقی این لایحه اصرار و حتی آن را با سیاست‌های کلی نظام مغایر می‌دانند. محسن برهانی حقوقدان در اینباره به بخش جرائم نقدی در لایحه اشاره کرده و گفته «برخی ناآشنایان به حقوق، سریع به سراغ قیاس این موضوع با بحث جریمه‌های راهنمایی و رانندگی می‌روند. می‌گویند همانگونه که در آنجا می‌توان موضوع را کلاً به پلیس موکول کرد، در بحث حجاب هم می‌توان چنین کرد. در حالی که این قیاس مع‌الفارق است. در این مصوبه با واگذاری امور به فراجا و به عبارت دیگر تبدیل «جرم» به «تخلّف» و «تخلّف‌انگاری» بجای «جرم‌انگاری» مواجه هستیم. در تخلّف‌انگاری نه خبری از حق دفاع متهم است و نه رسیدگی و نه حق اعتراض. عملاً پلیس و دوربین جای دادستان و قاضی می‌نشیند. نمی‌توان با تخلّف‌انگاری، اقدام به سلب حقوق دفاعی شهروندان کرد.» این حقوقدان افزوده «در این مورد «مهم مرجعی است که اقدام به تعیین جزای نقدی می‌کند. در این مصوبه این کار به فراجا و دوربین سپرده شده است. یعنی از سال ۱۳۶۲ تا ۱۴۰۳ این قاضی و دستگاه قضائی بود که اقدام به مجازات می‌کرد، اما از سال ۱۴۰۳ دوربین و فراجا جایگزین دستگاه قضائی می‌شوند. این بدعت ناخوشایند حقوقی و نقض آشکار قانون اساسی است.»

محمد هادی جعفرپور وکیل دادگستری در شیراز نیز در یادداشتی نوشته رئیس مجمع تشخیص که سال‌ها بر مسند قاضی‌القضات جلوس داشته، تنها ایراد وارد بر لایحه‌ی سراسر ایراد عفاف و حجاب را بی‌اعتمادی مردم به سیستم بانکی دانسته به عوض ابراز نگرانی بابت نادیده انگاشتن حقوق اساسی ملت، نگران آن هستند که مردم سپرده‌های خویش را از بانک خارج کنند.

در چنین شرایطی این شایعه نیز در جامعه شنیده می‌شود که حکومت برای برگزاری انتخابات نمایشی ریاست جمهوری چهاردهم، فشارهای مربوط به حجاب علیه زنان را در خیابان‌ها و اماکن عمومی کم می‌کند تا شاید آرای بیشتری به دست آورد. در رسانه‌های اجتماعی نیز این روزها موارد کمتری از فشار و سرکوب به دلیل نداشتن حجاب اجباری و حضور انواع مأموران رژیم منتشر می‌شود که کاربران آن را به موضوع انتخاباتی که قرار است در تیرماه برگزار شود مربوط می‌دانند.

## انسیه خزعلی: آمار خشونت خانگی در ایران نگران کننده نیست!

روزنامه «شرق» در گزارشی با اشاره به آمار رو به افزایش کودک‌همسری نوشته فعالان حوزه کودک، یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های مقوله ازدواج کودک، افزایش خشونت خانگی است.

همچنین داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در برنامه ششم توسعه یعنی سال‌های ۹۶ تا ۱۴۰۰، ۳۲ هزار و ۵۲۴ دختر کمتر از ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند. ازدواج‌هایی که به گزارش «شرق» به دلیل نابالغی طرفین و نبود آگاهی کافی مسائل زناشویی گاه با ابعاد مختلفی از خشونت روبرو می‌شود.

پیشتر اردشیر بهرامی جامعه‌شناس و پژوهشگر «کودک‌همسری» و ازدواج‌های اجباری را از عوامل خودکشی نوجوانان دانسته بود.

با اینهمه انسیه خزعلی معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری که خودش از قربانیان کودک‌همسری بوده چند ماه پس از آغاز به کار در این معاونت گفته بود: «اگر بخواهم ازدواج زیر ۱۸ سال را محکوم کنم باید خودم را محکوم کنم، چون زیر ۱۸ سال ازدواج کرده‌ام اما الان معتقد نیستم که زمانی که ازدواج کردم بالغ نبودم و قدرت مدیریت زندگی را نداشتم.»

از سوی دیگر شرایط برای شکایت زنانی که تحت خشونت خانگی قرار می‌گیرند، فقط بر روی کاغذ فراهم است.

در همین ارتباط روزنامه «اعتقاد» ۸ اردیبهشت به نقل از شیما قوشه وکیل دادگستری نوشت: «خیلی از زنان که تحت خشونت قرار گرفته‌اند، می‌دانند که شرایط شکایت کردن برای آنها روی کاغذ فراهم است، اما با چند بررسی ساده متوجه می‌شوند که اثبات این خشونت، کار دشواری است و بطور ویژه حمایتی از آنها به عنوان زن نمی‌شود و قرار است در روندی فرسایشی قرار بگیرند.»

این حقوقدان بزرگترین مسئله سکوت زنان در خشونت خانگی را ناتوانی از اثبات خشونت دانسته و گفته است: «وقتی زنان نتوانند اثبات کنند، ممکن است با بحران‌های بیشتری مواجه شوند یا حتی خشونت از طرف مرد آزارگر چند برابر شود. این موضوع هم ناشی از نبود قانون حمایتی خاص درمورد خشونت خانگی است، درواقع مکانیزم‌های حمایتی ویژه از زنان در این موارد وجود ندارد.»

جمهوری اسلامی ترویج کودک‌همسری را با توجه به تأکید علی‌خامنه‌ای برای افزایش جمعیت کشور در دستور کار قرار داده و با آغاز به کار دولت ابراهیم رئیسی در تابستان ۱۴۰۰ تشویق به کودک‌همسری بطور سازمانیافته ادامه پیدا کرده است. به نظر نمی‌رسد با کشته شدن ابراهیم رئیسی در سقوط هلی‌کوپتر که ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ روی داد، در دولت جدیدی که قرار است انتخابات ریاست جمهوری‌اش در تیرماه برگزار شود، این سیاست تفاوتی پیدا کند.

طبق آخرین آمار اعلام شده، در زمستان ۱۴۰۱ دو مورد ازدواج پسران کمتر از ۱۵ سال در کشور وجود داشته است. همچنین ازدواج پسران در سن ۱۵ تا ۱۹ ساله ۵۵۰۸ مورد بوده است. این آمار برای دختران زیر ۱۵ سال بسیار بیشتر گزارش شده. ثبت ۶۲۲۷ مورد ازدواج دختران زیر ۱۵ سال آنهم فقط برای یک فصل از سال به نظر نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد. همچنین آمار ازدواج دختران بین سنین ۱۵ تا ۱۹ سال نیز ۳۲ هزار و ۹۸۰ مورد گزارش شده است.



۲۱ درصد دختران زیر ۱۸ سال بوده‌اند از جمله سنین ۱۰، ۱۲ و ۱۳ سال!

برخی از موارد زن‌گویی نیز در آمارها و مراکزمانند پزشکی قانونی به عنوان «خودکشی» ثبت می‌شود.

در همین ارتباط روزنامه «اعتقاد» چندی پیش گزارش داد که در پنج سال گذشته، یعنی از ابتدای فروردین سال ۱۳۹۸ تا نیمه اسفند ماه ۱۴۰۲، خبر خودکشی حداقل ۱۹۶ کودک (زیر ۱۸ سال) در رسانه‌های رسمی کشور منعکس شده است.

پیشتر در این ارتباط یک فعال حقوق زنان به کیهان لندن گفته بود: «نکته‌ای که شاید در مورد قتل‌های ناموسی کمتر مورد توجه قرار گرفته این است که همه این قاتلان موسوم به قتل‌های ناموسی در مدارس جمهوری اسلامی درس خوانده و آموزش دیده‌اند.»

به گفته این وکیل ساکن تهران «بجز موارد استثنایی، علت عمده‌ی این نوع قتل‌ها را بیشتر فرهنگی و قانونی می‌دانم تا قضایی. با این توضیح که بیشتر قتل‌هایی که «قتل‌های ناموسی» خوانده می‌شوند و قربانی زن است، توسط پدر یا خویشاوندان صورت می‌پذیرد و بیشتر در قسمت‌هایی از کشور روی می‌دهد که تعصب و وابستگی‌های قومی و عشیره‌ای و دینی در آن پررنگ است و بررسی علل آن موضوع جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی است.»

در شرایط امروز ایران، «قتل‌های ناموسی» از زنان و مسائل جنسی و فرهنگی مربوط به آنها فراتر رفته و دامان پسرانی را که رفتاری خلاف سنت‌های رایج و یا تمایلات جنسی دیگری دارند می‌گیرند. از جمله پسری که چندی پیش توسط پدرش به خاطر رفتار و آرایش زنانه که گویا «آبروی خانواده» را برده بود کشته شد.

از سوی دیگر کودک‌همسری در حالی به دلیل تبلیغات گسترده حکومت بر روی ازدواج کودکان و نوجوانان در حال افزایش است که این پدیده یکی از دلایل افزایش آمار خودکشی کودکان و کودکان‌مادران و همچنین افزایش خشونت خانگی است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، آمار ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله در سال ۱۳۹۹ در مقایسه با سال پیش از آن ۱۰/۵ درصد افزایش یافته است.

● انسیه خزعلی معاون رئیس جمهوری سابق اسلامی، ابراهیم رئیسی، در حالی ادعا کرده آمار خشونت خانگی علیه زنان و دختران ایرانی نگران‌کننده نیست که از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا ۱۵ اردیبهشت ۱۷۵ زن در ایران توسط مردان خانواده خود کشته شدند. در همین بازه زمانی دست‌کم ۲ مرد مورد خشونت خانگی قرار گرفتند که یکی از آنها توسط همسرش به قتل رسیده است.

● پیشتر در این ارتباط یک فعال حقوق زنان به کیهان لندن گفته بود: «نکته‌ای که شاید در مورد قتل‌های ناموسی کمتر مورد توجه قرار گرفته این است که همه این قاتلان موسوم به قتل‌های ناموسی در مدارس جمهوری اسلامی درس خوانده و آموزش دیده‌اند.»

● یک حقوقدان بزرگترین مسئله سکوت زنان در خشونت خانگی را ناتوانی از اثبات خشونت دانسته و گفته است: «وقتی زنان نتوانند اثبات کنند، ممکن است با بحران‌های بیشتری مواجه شوند یا حتی خشونت از طرف مرد آزارگر چند برابر شود. این موضوع هم ناشی از نبود قانون حمایتی خاص درمورد خشونت خانگی است، درواقع مکانیزم‌های حمایتی ویژه از زنان در این موارد وجود ندارد.»

وبسایت «شفقنا» به نقل از معاون امور زنان و خانواده رییس جمهوری اسلامی سابق، ابراهیم رئیسی، نوشت: «آمار زنان و دخترانی که مورد خشونت خانگی قرار می‌گیرند علاوه بر اینکه نگران‌کننده نیست بلکه قابل قیاس با کشورهای دیگر هم نیست.»

انسیه خزعلی که خودش از قربانیان کودک‌همسری است درباره آمار زنان و دخترانی که مورد خشونت خانگی قرار می‌گیرند، ادعا کرد: «آمار نگران‌کننده نیست یعنی اصلاً قابل قیاس با کشورهای دیگر نیست و آمار دقیق را باید از بهزیستی دریافت کنید.»

وی درباره اقدامات انجام شده برای زنان و دخترانی که مورد خشونت خانگی قرار می‌گیرند، گفت: «برنامه‌های مختلفی در راستای حمایت از زنان و دخترانی که مورد خشونت خانگی قرار می‌گیرند تدارک دیده شده که بخشی از این برنامه‌ها توسط بهزیستی و بخشی از سوی اورژانس اجتماعی اجرایی می‌شود.»

انسیه خزعلی در حالی ادعا کرده آمار خشونت خانگی علیه زنان و دختران ایرانی نگران‌کننده نیست که از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا ۱۵ اردیبهشت ۱۷۵ زن در ایران توسط مردان خانواده خود کشته شدند.

در همین بازه زمانی دست‌کم ۲ مرد مورد خشونت خانگی قرار گرفتند که یکی از آنها توسط همسرش به قتل رسیده است. این آمار مشخص می‌کند زنان و دختران نسبت به مردان بیشتر در معرض خشونت‌های خانگی قرار دارند.

همچنین تا پایان دی‌ماه ۱۴۰۲ استان‌های تهران (۲۵ مورد)، آذربایجان غربی (۱۳ مورد) و فارس (۹ مورد) بیشترین آمار این نوع قتل‌های زنان را داشته‌اند. بیشترین قتل‌ها نیز در مهرماه ۱۴۰۲ رخ داده که «۱۶ زن و دختر» توسط مردان خانواده به قتل رسیدند.

در همین ارتباط سازمان حقوق بشری «هه‌نگاو» مهرماه گذشته در گزارشی آماری، اعلام کرده بود که در شش ماه نخست سال ۱۴۰۲ دست‌کم ۵۲ مورد «زن‌کشی» را در شهرهای مختلف ایران به ثبت رسانده است. از مجموع ۵۲ زنی که در این دوره زمانی به قتل رسیده‌اند ۱۱ مورد معادل

## ادعای خروج ۶/۵ میلیون ایرانی از خط فقر؛ کارنامه سیاه دولت رئیسی در اقتصاد



بخش مسکن بیش از ۴۰ درصد بوده است.

گزارش‌های رسمی از جمله گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد فشار افزایش هزینه‌ها از یک سو و افزایش نیافتن متناسب دستمزدها از سوی دیگر باعث شده خانواده‌ها از میزان مصرف خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها بکاهند.

بر اساس داده‌های رسمی ثبت شده از تغییرات شاخص اجاره‌بها، رکورد بیشترین رشد اجاره‌بها در تاریخ ثبت داده‌های رسمی از اجاره نیز به نام دولت سیزدهم به ثبت رسیده است. اجاره‌بهای مسکن نیز در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، به ترتیب ۴۴ و ۵۲ درصد افزایش یافت که ارقامی بی‌سابقه بوده است.

دولت ابراهیم رئیسی در افزایش قیمت سکه طلا نیز رکورد دار است و طی ۳۲ ماه نخست فعالیت دولت سیزدهم، قیمت سکه طلا ۲۹۱ درصد جهش کرده که بالاترین میزان افزایش قیمت سکه در میان دولت‌های پس از انقلاب اسلامی است.

از سوی دیگر دولت ابراهیم رئیسی با افزایش بی‌سابقه حجم نقدینگی سبب ایجاد تورمی پایدار در اقتصاد ایران شد. روزنامه «دنیای اقتصادی» در گزارشی به این موضوع پرداخته و نوشته که «اگر چه عوامل مختلفی همچون انتظارات تورمی، تغییرات نرخ ارز و عوامل کوتاه‌مدت می‌تواند همبستگی تورم و نقدینگی را تضعیف کند، اما در بلندمدت خلق نقدینگی مهم‌ترین عامل تورم است. به این ترتیب برای مهار تورم نیز باید از روش‌های مربوط به کنترل نقدینگی همچون اصلاح ساختار بودجه‌ای و کنترل کل‌های پولی استفاده کرد.»

این گزارش تأکید کرده که «کاهش رشد نقدینگی، تلاطم کمتر بازار ارز را نیز به همراه دارد و از این طریق به کنترل انتظارات تورمی کمک می‌کند. سیاست انقباضی در حال حاضر ممکن است به از دست رفتن موقت بخشی از رشد اقتصادی بینجامد، اما برای دستیابی به یک رشد پایدار، کنترل تورم یک ضرورت به شمار می‌آید، چراکه تورم تمامی بنیادهای اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری را نابود کرده و با ایجاد نااطمینانی در اقتصاد، رشد پایدار اقتصاد را تضعیف و مختل می‌کند.»

اسلامی را به دولت چهاردهم می‌بخشید.

قابل توجه اینکه طی روزهای گذشته و پس از مرگ ابراهیم رئیسی برخی رسانه‌های داخلی و مقامات جمهوری اسلامی ادعا کردند دولت رئیسی دولتی موفق بود. این در حالیست که در حوزه‌های مختلف، و به ویژه در حوزه اقتصادی، دولت رئیسی را می‌توان در بعنوان یکی از بدترین دولت‌های جمهوری اسلامی ارزیابی کرد.

بر اساس گزارش‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی بدهی‌های دولت به سیستم بانکی در دوره ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی دو برابر و سطح کسری بودجه دولت تشدید شده است.

رسانه‌های حامی دولت ادعای تیم اقتصادی دولت مبنی بر رشد ۵ درصدی تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۳ میلادی را از جمله مهم‌ترین محورهای موفقیت دولت رئیسی خوانده‌اند. با اینهمه جزئیات گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد که تنها دلیل رشد نسبتاً بالاتر تولید ناخالص داخلی در سال گذشته، افزایش ۲۱/۸ درصدی تولید نفت و رشد ۱۶/۷ درصدی در مخارج دولتی بوده است.

از سوی دیگر گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی از تورم آذرماه نیز نشان می‌داد تورم در این ماه رکورد ۴۹ درصدی تورم در سال ۱۳۷۴ را شکسته است. بر اساس این گزارش در آذرماه گذشته نرخ تورم نقطه به نقطه شهری ۵۴/۲ درصد و نرخ تورم میانگین شهری ۵۵/۹ درصد بود.

بانک مرکزی همچنین فروردین امسال در گزارشی از نرخ تورم سالانه، اعلام کرد نرخ تورم در سال ۱۴۰۲ رقمی معادل ۵۲/۳ درصد بوده که بالاترین نرخ تورم سالانه از ۸۰ سال قبل تاکنون به شمار می‌رود.

همزمان، مرکز آمار ایران با انتشار تورم نقطه به نقطه سال ۱۴۰۲، در بین کالاها انواع گوشت را با تورم ۵۰/۹ درصدی پیشتاز در افزایش قیمت اعلام کرد. همچنین در این سال تورم بخش خدمات حمل‌ونقل عمومی ۵۸ درصد بوده که در صدر افزایش قیمت‌ها قرار گرفته بود.

تورم در ایران روز به روز افزایش یافته و در اوایل خرداد نیز گزارش جدید مرکز آمار نشان می‌دهد که تورم در گروه گوشت قرمز و مرغ در ۱۲ ماه منتهی به اردیبهشت ۱۴۰۳ حدود ۷۴ درصد بوده است. بر پایه همین گزارش تورم در

● احسان خاندوزی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی مدعی شده شاخص خط فقر در ایران بهبود یافته و ۶/۵ میلیون نفر از این خط خارج شده‌اند!

● مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های لبنی پاستوریزه ایران: سرانه مصرف لبنیات کشور از ۱۳۰ کیلوگرم در سال ۱۳۸۹ به ۵۵ کیلوگرم در زمان حاضر کاهش یافته است.

● معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران نیز اعلام کرده است: ۴۲ درصد خانوارهای شهر تهران زیر خط فقر مسکن هستند و در شاخص توان‌پذیری مسکن اصلاً وضع خوبی نداریم.

وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی مدعی شده ۶/۵ میلیون ایرانی از خط فقر خارج شدند. همزمان با این ادعا آماری از کاهش شدید سرانه مصرف لبنیات در ایران منتشر شده است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد دولت رئیسی که سه ساله نشد، بدترین دولت جمهوری اسلامی در حوزه اقتصادی بوده است.

احسان خاندوزی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی مدعی شده شاخص خط فقر در ایران بهبود یافته و ۶/۵ میلیون نفر از این خط خارج شده‌اند.

این ادعا در حالی مطرح شده که همزمان احسان ظفری مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های لبنی پاستوریزه ایران از کاهش سرانه لبنیات به دلیل کاهش قدرت خرید خانوارها خبر داده است.

احسان ظفری گفته بالا رفتن قیمت لبنیات و کاهش قدرت خرید مردم به کاهش تقاضا برای این گروه کالایی انجامیده و سرانه مصرف لبنیات کشور از ۱۳۰ کیلوگرم در سال ۱۳۸۹ به ۵۵ کیلوگرم در زمان حاضر کاهش یافته است؛ به نظر نمی‌رسد در سال ۱۴۰۳ نیز رویه‌ای متفاوت از آنچه در سال‌های گذشته رقم خورده اتفاق بیفتد.

حمیدرضا صارمی معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران نیز اعلام کرده «۴۲ درصد خانوارهای شهر تهران زیر خط فقر مسکن هستند و در شاخص توان‌پذیری مسکن اصلاً وضع خوبی نداریم که این مسئله نیاز شهر به مسکن سازی را تشدید می‌کند.»

از سوی دیگر حمیدرضا قاسمی پژوهشگر برنامه‌ریزی توسعه نیز گفته «اعداد و ارقام بودجه ۱۴۰۳ نشان می‌دهد به قیمت ثابت سال ۹۵، بودجه برای هر ایرانی معادل ۵ میلیون هزینه می‌کند که دقیقاً برابر با رقمی است که دولت سال ۹۵ برای هر ایرانی هزینه می‌کرد؛ در حالی که از سال ۹۵ تاکنون به جمعیت فقیر کشور ۱۰ میلیون نفر اضافه شده است.»

حمیدرضا قاسمی افزوده «این ارقام به معنای تشدید فقر است، برآورد خط فقر برای یک خانواده سه نفره در ۱۴۰۲ حدود ۸ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود، این رقم را با حداقل حقوقی که برای هر کارگر در نظر گرفته شده مقایسه کنید.»

پژوهشگر برنامه‌ریزی توسعه افزوده که «نرخ فقر تا قبل از سال ۹۷ رقم ۲۰ درصد بوده اما پس از آن به ۳۰ درصد رسید، پس نسبتی از افراد که در مقایسه با خط فقر درآمدی فقیر به حساب می‌آیند از سال ۹۷ به بعد ۵۰ درصد رشد کرده است.»

اعلام آمارهای ساختگی و بی‌مبنای اقتصادی به والی رایج در میان تیم اقتصادی دولت سیزدهم تبدیل شده است؛ دولتی که با مرگ ابراهیم رئیسی یک سال پیشتر از موعد فعالیت خود را پایان می‌بخشد و زمام امور اجرایی جمهوری

# افزایش دو و نیم برابری شمار کشته‌شدگان و ۱۰۰ درصدی آمار مصدومان در حوادث جوی کشور

● رئیس سازمان اورژانس کشور: ۴۸ نفر از جانباختگان یا معادل ۷۹ درصد آنان مربوط به سیل بوده است. همچنین ۱۳ نفر نیز به دلیل صاعقه جان خود را از دست داده‌اند.

● آمار مصدومین حوادث جوی نیز نسبت به مدت مشابه پارسال رشد ۱۰۰ درصدی داشته است.

● «۱۰۶۹ نفر یا معادل ۷۰ درصد کل مصدومان به دلیل گرد و غبار به اورژانس مراجعه کرده‌اند. پس از آن توفان با ۳۵۳ مورد مصدوم یا معادل ۲۳ درصد در جایگاه دوم قرار دارد. رتبه سوم مربوط به سیل است که ۶۹ مصدوم برجای گذاشته و پنج درصد از کل مصدومان را شامل می‌شود.»

به گفته رئیس سازمان اورژانس کشور، در حوادث جوی رخ داده از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا کنون (خردادماه) ۶۱ نفر جان خود را از دست داده‌اند که بیشترین مورد آن مربوط به سیل و پس از آن رعد و برق بوده است. این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، ۲/۵ برابر افزایش یافته است.

جعفر معادفر با اشاره به آمار موارد فوتی و مصدومیت در پی وقوع حوادث جوی در کشور به خبرنگاری ایسنا گفت: «از ابتدای سال جاری تا پنجم خردادماه و برابر گزارش مرکز EOC اورژانس کشور، ۱۵۹۵ نفر در حوادث جوی رخ داده در کشور، شامل سیل، توفان، گرد و غبار، صاعقه، ریزش کوه و... دچار حادثه شده‌اند که از این تعداد متأسفانه ۶۱ نفر جان خود را از دست داده‌اند. این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، بیانگر افزایش ۲/۵ برابری است.»

وی با بیان اینکه ۱۵۳۴ نفر از این افراد نیز دچار مصدومیت شده‌اند، اضافه کرد: «این آمار نیز نسبت به مدت مشابه پارسال رشد ۱۰۰ درصدی داشته است.»

معادفر بیشترین شمار جانباختگان مربوط به حوادث جوی را ناشی از وقوع سیل اعلام کرده و گفت است: «۴۸ نفر از جانباختگان یا معادل ۷۹ درصد آنان مربوط به سیل بوده است. همچنین ۱۳ نفر نیز به دلیل صاعقه جان خود را از دست داده‌اند. دیگر حوادث جوی مورد فوتی نداشته است.»

وی بیشترین تعداد مصدومین حوادث جوی را مربوط به گرد و غبار دانست و گفت «۱۰۶۹ نفر یا معادل ۷۰ درصد کل مصدومان به دلیل گرد و غبار به اورژانس مراجعه کرده‌اند. پس از آن توفان با ۳۵۳ مورد مصدوم یا معادل ۲۳ درصد در جایگاه دوم قرار دارد. رتبه سوم مربوط به سیل است که ۶۹ مصدوم برجای گذاشته و پنج درصد از کل مصدومان را شامل می‌شود.»

رئیس سازمان اورژانس کشور ادامه داد: «صاعقه با ۱۷ مصدوم و ریزش کوه با شش مصدوم در رتبه‌های بعدی قرار دارد و ۲۰ نفر نیز به دلایل دیگر دچار مصدومیت شده‌اند.»

این مقام مسئول با اشاره به ۳۱ مصدومیت ناشی از توفان که ۳۱ نفر بوده است، ادامه داد: «از این تعداد ۳۲۴ نفر مربوط به بادهای ۱۲۰ روزه در شمال استان سیستان و بلوچستان بوده است.»

از دیگر حوادث جوی رخ داده در کشور ریزش کوه بوده است که باعث خروج قطار باری از ریل در شهرستان خوی شد. به گفته مدیر «هلال احمر» استان آذربایجان غربی، بر اثر ریزش کوه و خارج شدن قطار باربری از ریل در ۱۰ کیلومتری مرز قطور، ۲ نفر مصدوم شده و به بیمارستان منتقل شدند.

آتش‌سوزی در مراتع قالبی سفلی شهرستان پلدختر نیز



آبگرفتگی خیابان‌ها و سیلاب در شهرها و روستاهای ایران به یک حادثه تکراری تبدیل شده بدون آنکه چاره‌ای برای کاهش خسارات آن اندیشیده شود

علی» به صورت رفت و برگشت، تمامی زیرگذرهای مشهد، پل «انقلاب»، میدان «جهاد» و بلوار «استقلال» ممنوع است. جدا از این حوادث جوی که امسال قربانیان و مصدومان بیشتری را درگیر خود کرد پدیده فرونشست زمین نیز نیمی از جمعیت ایران را تهدید می‌کند.

میزان فرونشست در مناطقی از استان کرمان به بیش از ۴۲ سانتی‌متر، در استان البرز به ۳۰ سانتی‌متر و در پایتخت هم به ۲۴ سانتی‌متر در سال رسیده است.

در ایران بیش از ۹۵ درصد فرونشست‌ها به دلیل برداشت از سفره‌های زیرزمینی رخ می‌دهد و نیمی از جمعیت کشور در مناطق درگیر با فرونشست زندگی می‌کنند.

ایران از جمله در گروه کشورهای با تاب‌آوری پایین در مقابل تغییرات اقلیمی است که در برابر رویدادهایی مانند آتش‌سوزی جنگل‌ها، امواج گرما، سیل، خشکسالی و توفان آسیب‌پذیرتر هستند. از سوی دیگر مشکل کم‌آبی در کشور همراه با بارش‌های سیل‌آسا همچنان به قوت خود باقیست. به گفته رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی استان‌های تهران، سمنان و قزوین از نظر کم‌بارشی در بالاترین رتبه قرار دارند.

استان البرز نیز چون حوضه مشترک با تهران دارد در دسته کم‌بارش‌ترین استان‌های کشور گنجانده می‌شود.

سازمان ملل در گزارش سال ۲۰۲۴ درباره دسترسی به آب در روز اول فروردین ۱۴۰۳ اعلام کرد جهان با «بحران آب» مواجه است و ایران را در فهرست کشورهایایی است که «تنش آبی بسیار بالا» را تجربه می‌کنند.

گزارش توسعه جهانی آب سازمان ملل که در روز جهانی آب منتشر شد، نشان می‌دهد که در دو دهه منتهی به سال ۲۰۲۱، خشکسالی بیش از ۱/۴ میلیارد نفر در سراسر جهان را تحت تأثیر قرار داده و ایران در میان ۲۵ کشوری قرار دارد که با تنش آبی بسیار روبرو هستند.

از دیگر حوادث جوی اخیر است که در ۵ خرداد رخ داد. در همین ارتباط خبرنگاری ایرنا گزارش داد که آتش‌سوزی مراتع قالبی سفلی معمولان شهرستان پلدختر روز ۵ خرداد آغاز شد که با حضور نیروهای اطفای حریق در ساعت ۱۸ خاموش اما به دلیل ارتفاع و وزش باد شعله‌ور شد که در مرحله دوم در ساعت ۲۲ روز ۶ خرداد مهار شد. اما در ۶ خرداد این آتش‌سوزی به دلیل وزش باد، دوباره شعله‌ور شد. توفان شدید و صاعقه نیز در هفته‌های اخیر برخی نقاط کشور را در بر گرفت بطوری که موجب قطع برق در بعضی مناطق استان قم شد. برخورد صاعقه با دو پست برق در استان قم موجب قطع برق در منطقه «نیروگاه» و «پردیسان» شد. در بعضی مناطق این استان پنجشنبه شب سوم خرداد توفان و رگبار شدید به جاری شدن سیلاب انجامید و ستاد مدیریت بحران قم درباره خطرات ناشی از سیل به اهالی کهک و دستجرد و قاهان هشدار داد.

یک هفته پیش از توفان و سیل در قم، صاعقه و رگبار شدید در مشهد وضعیت این شهر را بهم ریخت. سیل وارد حرم امام هشتم شیعیان نیز شد و سقف «دارالقرآن» حرم را سوراخ کرد و موجب از بین رفتن تعدادی از کبوترها هم شد. شماری از خرافاتی‌های حامی حکومت توفان مشهد را نشانه‌های مرگ ابراهیم رئیسی در سقوط هلی‌کوپتر تعبیر کرده‌اند!

همچنین توفان و بارش شدید تگرگ در مشهد، باعث جاری شدن سیل در خیابان‌های این شهر شد.

ابراهیم سیاه‌آسمان مشهد را در نیمروز شنبه ۲۹ اردیبهشت تاریک کردند و در پی آن توفان و بارش شدید تگرگ آغاز شد. دانه‌های تگرگ آنقدر درشت بود که شیشه تعداد زیادی از اتومبیل‌ها را شکست و به برخی خانه‌ها خسارت زد. با اینکه سازمان هواشناسی نسبت به وقوع سیل و بارش شدید هشدار داده بود اما عده‌ای در خیابان‌های آبگرفته گرفتار شدند. اعلام شده بود به دلیل بارش شدید باران، تردد از بزرگراه «امام



# مشکلات کامیونداران در مسیرهای داخلی و ترانزیت احتمال زمینگیر شدن ۶۰ هزار کامیون حمل و نقل ایران



- از روز دوشنبه کامیونداران ایرانی بطور هماهنگ در مرز عراق اعتصاب کردند و بر اساس مذاکرات انجام شده قرار است به زودی پرداخت عوارض ۱۵۰۰۰ دیناری لغو شود و کامیونداران نیز به اعتصاب خود پایان دهند.
- روند صدور بیمه سبز و ویزا برای رانندگان از سوی کشورهای اروپایی هم تقریباً متوقف شده و تنها ایتالیا، آنهم به شکل محدود، برای رانندگان ویزا صادر می‌کند.
- کامیونداران ایرانی فعال در مسیرهای داخلی نیز با مشکلات دیگری از جمله بحران تأمین سوخت روبرو هستند.

- کامیونداران در طول شش سال گذشته ۹ بار اعتصاب کرده‌اند. اعتصاب‌های سال‌های ۹۷، ۹۸ و ۱۴۰۱ به شکل اعتصاب‌های گسترده و سراسری انجام شد.

در حالی که طی روزهای گذشته خبری درباره احتمال زمینگیر شدن ۶۰ هزار کامیون حمل و نقل ایران به دلیل عدم صدور بیمه سبز و ویزا منتشر شده بود، اکنون مشخص شده کامیون‌های ایرانی به مقصد عراق هم باید ۱۵ هزار دینار عوارض هنگام ورود به این کشور پرداخت کنند.

جهانبخش سنجابی شیرازی دبیرکل اتاق بازرگانی مشترک ایران و عراق روز چهارشنبه نهم خردادماه اعلام کرد که از چند سال پیش وزارت حمل و نقل عراق شرکتی را که اتفاقاً هویت ایرانی داشت و از شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی ایرانی بود به عنوان طرف قرارداد برای صدور بارنامه در مرزهای مشترک با بخش مرکزی و جنوبی عراق معین کرد و این شرکت تمام کامیون‌هایی را که برای ورود به عراق از مرزهای شلمچه، چزابه، مهران، خسروی، سومار و بازارچه‌های مرزی عبور می‌کنند، ملزم به پرداخت ۱۵۰۰۰ هزار دینار می‌کند.

به گفته جهانبخش سنجابی، وزارت حمل و نقل آن کشور در مرزهای مشترک تحت کنترل حکومت اقلیم کردستان عراق با ایران به واسطه این شرکت باج‌های ایجاد کرد تا از کامیون‌ها عوارض صدور بارنامه را بگیرد در حالی که شرکت یادشده را نه طرف ایرانی به رسمیت می‌شناسد و نه اقلیم کردستان عراق قراردادی با این شرکت دارد.

دبیرکل اتاق بازرگانی مشترک ایران و عراق افزوده که بخشی از کامیون‌هایی که از مرز پرویزخان عبور می‌کنند به قسمت کردنشین عراق و بخشی دیگری به قسمت مرکزی می‌روند با این حال رانندگان ایرانی پیش از این در عبور از مرزهای مشترک ایران و کردستان عراق عوارض ۱۵۰۰۰ دیناری را پرداخت نمی‌کردند اما از روز دوشنبه ۷ خرداد ملزم به پرداخت عوارض شدند.

او گفته از روز دوشنبه کامیونداران ایرانی بطور هماهنگ در مرز عراق اعتصاب کردند و بر اساس مذاکرات انجام شده قرار است از فردا پرداخت این عوارض لغو شود و کامیونداران نیز به اعتصاب خود پایان دهند.

این نخستین بار نیست که بی‌تفاوتی و عدم دیپلماسی موثر جمهوری اسلامی برای کامیونداران و همچنین صادرات کشور مشکلاتی ایجاد می‌کند.

درست در روزهایی که کامیوندارانی که در مسیر ایران و عراق تردد داشتند به دلیل اجبار به پرداخت عوارض سنگین ۱۵ هزار دیناری اعتصاب کردند، هشداری در باره زمینگیر شدن ۶۰ هزار کامیون ترانزیتی ایران منتشر شد.

رضا رستمی رئیس کمیسیون حمل و نقل، ترانزیت و لجستیک اتاق ایران گفته مشکلاتی که در صدور بیمه سبز و صدور ویزا برای رانندگان ایرانی مسیرهای ترانزیتی وجود دارد سبب شده تاجران برای حمل بار رانندگان خارجی را ترجیح دهند و این اتفاق به زمین‌گیر شدن ۶۰ هزار کامیون ایرانی می‌انجامد.

به گفته رضا رستمی عدم صدور بیمه سبز برای رانندگان از شش ماه پیش و ابتدای سال جدید میلادی آغاز شده و رانندگان ایرانی در حال حاضر مجبور هستند بیمه سبز خود را از کشورهای خارجی بخرند.

خرید بیمه سبز در حالی از کشور ثالث هم امکانپذیر است که این اقدام برای رانندگان هزینه بسیار بالایی دارد و بسیاری از رانندگان توان پرداخت هزینه بیمه‌های صادر شده در کشورهای خارجی را ندارند.

بیمه مرکزی ایران مسئول صدور بیمه سبز برای رانندگان ترانزیتی است اما با وجود شش ماه از توقف روند صدور این بیمه، برای حل مشکل رانندگان اقدامی نکرده است.

رئیس کمیسیون حمل و نقل، ترانزیت و لجستیک اتاق ایران گفته که روند صدور ویزا برای رانندگان از سوی کشورهای اروپایی هم تقریباً متوقف شده و تنها ایتالیا، آنهم به شکل محدود، برای رانندگان ویزا صادر می‌کند.

در چنین شرایطی به گفته رضا رستمی «صاحبان بار ترجیح می‌دهند از کامیون‌های خارجی از قبیل کامیون‌های ترکیه‌ای، گرجستانی و از این قبیل برای حمل بار استفاده کنند، زیرا حمل بار توسط راننده خارجی که تحت پوشش بیمه سبز به ایران می‌آید و حمل را بر عهده می‌گیرد هزینه کمتری از راننده ایرانی که مجبور به خرید بیمه سبز از شرکت بیمه خارجی است به صاحب بار تحمیل می‌کند.»

او پیامد چنین روندی را بیکاری رانندگان کامیون ایرانی و جایگزین شدن آنها با رانندگان خارجی» عنوان کرده است. این عضو اتاق ایران افزوده که «ایران از سال ۱۳۵۴ عضو کنوانسیون جهانی بیمه است و باید به الزامات آن پایبند باشد تا این تعلیق برطرف شود، اما تاکنون نشانه‌ای که دلالت بر اجرای الزامات کنوانسیون یادشده باشد از سوی بیمه مرکزی دیده نشده است.»

کامیونداران ایرانی فعال در مسیرهای داخلی نیز با مشکلات دیگری از جمله بحران تأمین سوخت روبرو هستند. ماه گذشته نیز کاهش سهمیه سوخت سبب شد کامیونداران برای چند روز اعتصاب کنند اما با وعده مسئولان برای حل این مشکل به کار بازگشتند.

همزمان با اعتصاب کامیونداران، مصطفی نخعی عضو کمیسیون انرژی مجلس یازدهم اعلام کرده بود که در طی دو ماه گذشته، سهمیه سوخت کامیون‌داران شهری بطور کامل شارژ نشده است.

کامیون‌داران در طول شش سال گذشته به ۹ اعتصاب کرده‌اند. اعتصاب‌های سال‌های ۹۷، ۹۸ و ۱۴۰۱ به شکل اعتصاب‌های گسترده و سراسری انجام شد و هزاران کامیوندار در شهرهای مختلف کامیون‌های خود را در مسیرهای کمربندی یا اتوبان‌ها متوقف کرده و اعتصاب کردند. عمده علت اعتصاب کامیونداران در سال‌های گذشته مسائل صنفی مانند افزایش قیمت لاستیک یا عدم تأمین سوخت بوده است.

در آذرماه ۱۴۰۱ اما کامیونداران و تانکرداران در حمایت از خیزش سراسری دست به اعتصاب زدند و در چند پایانه مرکزی در نسیم‌شهر تهران و اسدآباد همدان دست از بارگیری کشیدند. اعتصاب رانندگان سبب شده تا بارگیری در مجتمع پتروشیمی ماهشهر، ایرانول آبادان، فولاد اهواز، پالایشگاه بندرعباس و پالایشگاه شیراز کند شود.

# آفت شهرداری تهران به جان درختان پارک‌های چیتگر و سرخه حصار و خجیر و لویزان

- شهرداری منطقه ۲۲ تهران: ۴۷۰۰ درخت پارک جنگلی چیتگر آفت دارند باید قطع شوند.
- ظاهراً قرار است بخشی از درختان پارک ملی سرخه حصار نیز قطع یا جابجا شوند و در محوطه مربوطه رستوران احداث شود.
- شهرداری مجوز قطع درختان سرخه حصار و خجیر به دلیل «آفت» را صادر کرده و «قطع درختان بیمار پارک‌های جنگلی چیتگر و لویزان» در حال پیگیری است.

سرپرست اداره فضای سبز منطقه ۲۲ تهران از وجود آفت در ۴۷۰۰ درخت در پارک چیتگر خبر داد و گفت این درختان باید هرچه سریع‌تر قطع شوند.

وبسایت رکنا به نقل از نعمت‌الله نعمتی با بیان این مطلب نوشت: «اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری شهر تهران به عنوان متولی [مسئول] اصلی این بوستان به منظور بررسی دقیق‌تر و علمی و تخصصی شناسایی آفات، ضمن مراجعه به بوستان با همکاری گروه گیاه پزشکی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، موسسه تحقیقات گیاه پزشکی کشور و موسسه تحقیقات جنگل و مرتع در قالب یک کارگروه علمی و تخصصی نسبت به بازدید میدانی و ارائه طرحی به نام طرح «چکش» اقدام کرده و بر اساس این طرح، نسبت به نشانه‌گذاری و حذف پوست‌های آلوده درختان خشکیده و سپس حذف درختان بطور کامل اقدام کرده‌اند که این طرح در فاز اول منجر به حذف حدود ۸۰۰ اصله درخت و نشانه‌گذاری ۴۷۰۰ اصله دیگر کرده‌اند. همچنین باید این را دانست که در حال حاضر فقط ۲۰ هزار درخت سبز در پارک چیتگر داریم.»

نعمتی، با اشاره به بارش دو برف سنگین و سرمای بی‌سابقه در پایتخت در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۶ و اثرات مخرب زیاد آن بر روی درختان پارک چیتگر تاکید کرد «در پی آن محدودیت‌های شدید آبی و همچنین پایین رفتن سطح ایستابی آب در چاه‌های موجود در بوستان در سال‌های بعد باعث تغییر شدید در پررود زمانی آبیاری این درختان شد، بطوری که از دوره زمانی ۱۵ روزه به ۴۰ تا ۴۵ روز یکبار رسید که باعث ضعف و خشکیدگی درختان شد مخصوصاً درختانی که بر روی یال و تپه‌ها قرار داشتند و هیچگونه آبی دریافت نمی‌کردند شد. این موارد باعث طغیان شپشک‌ها و پوستخوارها از همان نقاط و گسترش آن شد که در حال حاضر شاهد خشک شدن بیش از ۴۰۰۰ اصله درخت در این سرمایه ملی بوده‌ایم.»

بر اساس گزارش‌های دریافتی روزنامه «فرهیختگان» که در ۱۸ اردیبهشت منتشر شد، ظاهراً قرار است بخشی از درختان پارک ملی سرخه حصار نیز قطع یا جابجا شوند و در محوطه مربوطه رستوران احداث شود.

با اینهمه تصاویری از آسیب گسترده شهرداری به درختان پارک جنگلی چیتگر در فضای مجازی «وایرال» شده که به نگرانی شهروندان تهرانی دامن زده است.

در همین ارتباط کانال تلگرامی «اسکان نیوز» نیز نوشت: «۲ هزار و ۷۰۷ درخت خشک شده، شماره‌گذاری شده و در آستانه قطع شدن هستند. آنطور که سازمان جنگل‌ها می‌گوید: «خشک شدن درختان عمدی است.»

با وجود اطلاع حراست پارک چیتگر از این تخلف قطعی،



به این وسعت نبود و مشکل آب آشامیدنی وجود نداشت! این مقام مسئول با بیان اینکه درختان این پارک‌ها در حال حاضر حدود ۵۰ سال سن دارند، گفت: «دیرزیستی» عامل مهمی در ضعیف شدن درخت است و زمانی که با کم‌آبی، افزایش گرما و آلودگی هوا همراه شود، مستعد آفت‌زدگی می‌شود.»

معاون فنی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان تهران با اشاره به اینکه پارک‌های جنگلی تهران از خجیر و سرخه حصار و لویزان تا چیتگر بیش از ۲۰۰۰ هزار هکتار وسعت دارند تاکید کرد: «بطور متوسط اگر ۱۰ هزار اصله درخت در هر هکتار کاشته شده باشند، این پارک‌ها ۲ میلیون اصله درخت را در خود جای داده‌اند. اگر در این تعداد درخت که حدود ۵۰ سال قبل کاشته شده‌اند، ۱۶ هزار درخت آفت زده قطع شود، آمار خیلی خطرناکی نیست، اگرچه از نظر عددی زیاد به نظر می‌رسد.»

وی با بیان اینکه در پارک‌های جنگلی تهران هیچ عملیات بهداشتی و پرورشی طی سال‌های گذشته برای درختان انجام نشده است تاکید کرد: «این درختان مانند جمعیتی است که همه هم‌سن و هم‌نژاد هستند. در این شرایط احتمال حمله آفت به آنها وجود دارد. طی این مدت باید کارهای بهداشتی و پرورشی صورت می‌گرفت و به مرور زمان درختان ضعیف و مریض با گونه‌های دیگر جایگزین، تنوع گونه‌ای ایجاد و گونه‌های سازگارتر و کم‌نیاز کاشته می‌شد.»

عزیزی با بیان اینکه از سه سال قبل موضوع خشکیدگی درختان در اداره کل منابع طبیعی تهران مطرح شده است، گفت: «از سال گذشته عملاً وارد شدیم. هم ما و هم نهادهای نظارتی از درختان آماربرداری و گونه‌های دارای مشکل را نشانه‌گذاری کرده‌ایم. در سال جاری مجوز قطع درختان را می‌دهیم. این مجوز برای سرخه حصار و خجیر داده شده، برداشت‌ها انجام و درخت مناسب کاشته شده است. در حال حاضر قطع درختان بیمار پارک‌های جنگلی چیتگر و لویزان را پیگیری می‌کنیم تا طی یک برنامه

اقدامی برای دستگیری خشک‌کنندگان درختان صورت گرفته است.

کانال تلگرامی «شهر ما» نیز سند قطع درختان پارک قیطریه توسط شهرداری را برای اثبات دروغ‌گویی معاون ابراهیم رئیسی و بنگاه‌های خبرپراکنی زاکانی منتشر کرده است.

اینهمه در حالیست که سلاجقه معاون رئیس جمهوری سابق، ابراهیم رئیسی، و رییس سازمان حفاظت از محیط زیست، ۲۶ اردیبهشت در جمع خبرنگاران قطع درختان در پارک چیتگر را از بیخ انکار و ادعا کرد که در پارک قیطریه هیچ درختی قطع نشده و اصلاً در محل ساخت مسجد پارک قیطریه درختی وجود ندارد که قطع شود!

رسانه‌های متعلق به نهادهای رسمی به‌ویژه بنگاه‌های خبری وابسته به شهرداری زاکانی هم در هفته‌های گذشته بوق‌های تبلیغاتی خود را فعال کردند تا به افکار عمومی ثابت کنند که هرچه تا الان درباره درخت‌کشی و تخریب فضای سبز در پارک قیطریه برای ساخت مسجد مطرح شده بود، نادرست بوده است.

«شهر ما» اما اسنادی را از شهرداری منتشر کرده که ثابت می‌کند این نهاد مسئول در محدوده‌ای به مساحت بالغ بر ۸۲۰ مترمربع، درختان این پارک را از حدود یک سال قبل جابجا کرده و طبق آخرین گزارش، چهار درخت هم برای زمستان مانده است.

از سوی دیگر، معاون فنی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان تهران قطع ۱۶ هزار درخت را تأیید کرد و گفت: «آمار قطع ۱۶ هزار درخت را تأیید می‌کنم. البته این درختان آفت‌زده هستند و با گونه‌های مناسب جایگزین می‌شوند، اما «خشکاندن درخت» از نظر حقوقی و فنی عبارت درستی نیست.»

وی در اظهاراتی عجیب گفته است، «درختان با چالش‌هایی مانند کاهش بارش و آب چاه‌ها، افزایش گرما و آلودگی هوا مواجه بوده‌اند. این درختان زمانی کاشته شدند که همه چاه‌ها و رودخانه‌های تهران پر آب بودند. پایتخت



رابط مالی مسئول پیشین امور ایران در وزارت خارجه دولت بایدن

مایکل مک کال رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان و سناتور جیم ریش عضو ارشد کمیته روابط خارجی سنا ششم ماه مه (۱۷ اردیبهشت) در نامه‌ای به آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا نوشتند، «ما می‌دانیم که مجوز امنیتی رابرت مالی به حالت تعلیق درآمده است، زیرا او اسناد طبقه‌بندی‌شده را به ایمیل شخصی خود منتقل و این اسناد را در تلفن همراه شخصی خود دانلود کرده است.» در این نامه جیم ریش و مایکل مک کال با انتقاد از وزارت خارجه آمریکا به دلیل «عدم ارائه اطلاعات بیشتر» در مورد پرونده رابرت مالی با طرح ۱۹ پرسش خطاب به آنتونی بلینکن گفته بودند، «معلوم نیست که رابرت مالی قصد داشت این اسناد را در اختیار چه کسی قرار دهد، اما گمان می‌رود که آن بازیگر سایبری متخاصم توانسته به ایمیل و یا تلفن وی دسترسی پیدا کند و اطلاعات دانلود شده را به دست آورد.»

آنها تأکید کرده بودند، «به علت خودداری وزارت خارجه آمریکا از پاسخگویی و عدم شفافیت»، اطلاعات خود در این زمینه را از سایر منابع به دست آورده‌اند و از این وزارتخانه خواسته‌اند که آنها را تأیید کند.

این دو عضو کنگره آمریکا از آنتونی بلینکن پرسیده بودند که «آیا مالی این اسناد را برای کسی که فاقد مجوز امنیتی قانونی است ارسال کرده است؟»

رابرت مالی بطور گسترده درگیر تلاش دولت بایدن برای «احیای مجدد برجام» بود که فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی را در ازای لغو تحریم‌ها محدود می‌کرد. وی همچنین برای آزادی گروگان‌های آمریکایی از ایران با جمهوری اسلامی مذاکره می‌کرد و بر اقدامات دولت ایالات متحده با ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی و تلاش‌ها برای تقویت جنبش‌های آزادیخواهانه مردم ایران نظارت داشت. رابرت مالی در طول دوران خدمت خود در وزارت خزانه‌داری آمریکا با افراد و نهادهایی در ارتباط بود که در موارد متعدد با سیاست‌های جمهوری اسلامی همسو بودند. به عنوان مثال مؤسسه «سمافور» و شبکه «ایران اینترنشنال» مهرماه سال ۱۴۰۲ در یک گزارش افشا کردند که وزارت خارجه جمهوری اسلامی گروهی از کارشناسان ایرانی از جمله عدنان طباطبایی، آریین طباطبایی، دینا اسفندیاری، روزبه پارسی، علی واعظ را که به رابرت مالی نزدیک بودند به عنوان مهره‌هایی برای نفوذ و اثرگذاری در سیاست خارجه آمریکا هدایت می‌کرده است.

## جمهوریخواهان احتمال همکاری اطلاعاتی رابرت مالی با افرادی خارج از دولت آمریکا را پیگیری می‌کنند

● شماری از نمایندگان و سناتورهای جمهوریخواه در آمریکا که درباره دلایل تعلیق رابرت مالی فرستاده ویژه دولت بایدن در امور ایران تحقیق می‌کردند، شواهدی را کشف کردند که نشان می‌دهد او اسناد حساس و طبقه‌بندی‌شده را دانلود کرده و احتمالاً آنها را برای پیشبرد تلاش‌های دیپلماتیک خود با افراد خارج از دولت آمریکا به اشتراک گذاشته است.

● پایگاه خبری مؤسسه «سمافور» روز چهارشنبه ۲۹ ماه مه (نهم خرداد) به نقل از «افراد مطلع» گزارش داد که نمایندگان و سناتورهای آمریکا دریافته‌اند رابرت مالی تعدادی سند با طبقه‌بندی‌های مختلف از جمله اسناد غیرمحرمانه و محرمانه را با تلفن همراه خود دانلود کرده است. آنها معتقدند در این میان یادداشت‌های مفصلی از دیدارهای وی با مقامات جمهوری اسلامی در ماه‌های منتهی به تعلیق وی وجود دارد.

● در این گزارش آمده است، بخشی از این اسناد ممکن است در ارتباط با واکنش دولت آمریکا به اعتراضات ضدحکومتی گسترده ایرانیان داخل و خارج از کشور در پاییز ۲۰۲۲ پس از مرگ مهسا امینی در بازداشت پلیس گشت ارشاد باشد.

شماری از نمایندگان و سناتورهای جمهوریخواه در آمریکا که درباره دلایل تعلیق رابرت مالی فرستاده ویژه دولت بایدن در امور ایران تحقیق می‌کردند، شواهدی را کشف کردند که نشان می‌دهد او اسناد حساس و طبقه‌بندی‌شده را دانلود کرده و احتمالاً آنها را برای پیشبرد تلاش‌های دیپلماتیک خود با افراد خارج از دولت آمریکا به اشتراک گذاشته است.

پایگاه خبری مؤسسه «سمافور» روز چهارشنبه ۲۹ ماه مه (نهم خرداد) به نقل از «افراد مطلع» گزارش داد که نمایندگان و سناتورهای آمریکا دریافته‌اند رابرت مالی تعدادی سند با طبقه‌بندی‌های مختلف از جمله اسناد غیرمحرمانه و محرمانه را با تلفن همراه خود دانلود کرده است. آنها معتقدند در این میان یادداشت‌های مفصلی از دیدارهای وی با مقامات جمهوری اسلامی در ماه‌های منتهی به تعلیق وی وجود دارد.

در این گزارش آمده است، بخشی از این اسناد ممکن است در ارتباط با واکنش دولت آمریکا به اعتراضات ضدحکومتی گسترده ایرانیان داخل و خارج کشور در پاییز ۲۰۲۲ پس از مرگ مهسا امینی در بازداشت پلیس گشت ارشاد باشد.

→ زمان بندی شده انجام شود.

وی با اشاره به اینکه تحت فشار برای افزایش سرعت قطع درختان پیر و آفت‌زده هستیم تا آفت به درختان سالم سرایت نکند اضافه کرد: «اگر درخت آفت‌زده و خشک‌شده را قطع نکنیم، آفت به سرعت به سایر درختان سرایت می‌کند و یک پارک از بین می‌رود.»

وی با اشاره به ادعای خشکاندن عمدی ۱۶ هزار درخت گفت: «چرا باید عمدی برای خشکاندن درختان در کار باشد؟ وقتی درختی دچار آفت می‌شود، باید از بین برده و با یک درخت جدید جایگزین شود.»

عزیزی در پایان درباره وجود شائبه‌هایی در زمینه خشکاندن درختان با هدف ساخت و ساز در پارک‌های جنگلی ادعا کرد «آیا با قطع ۱۶ هزار اصله درخت از ۲ میلیون اصله درخت امکان ساخت و ساز وجود دارد؟ با قطع ۱۶ هزار درخت در ۲۰۰۰ هزار هکتار ساخت و ساز ممکن نیست.»

در ارتباط با پرونده ساخت و ساز در پارک‌های قیطره و لاله تا آمارهایی از درآمد شهرداری از قطع درختان، عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور به روزنامه «هم‌میهن» گفته است: «طبق آماري که سال گذشته از سوی منابع طبیعی استان تهران منتشر شد، حدود ۱۶ هزار پایه درخت در پارک‌های جنگلی خشک شده بودند که عدد بسیار قابل توجهی است.»

ه گفته محمد متین‌زاده در بسیاری از موارد بلافاصله گفته می‌شود که این درختان دچار آفت شده‌اند: «همکاران بیماری‌شناس و گیاه‌پزشک ما این موضوع را بررسی کردند؛ داستان همانی است که در جنگل‌های زاگرس وجود دارد. درخت زمانی دچار آفت می‌شود که ضعیف شود و آب و غذا به آن نرسد. این اتفاق هم عامدانه یا ناآگاهانه در پارک‌های جنگلی ما رخ می‌دهد.»

وی تأکید کرد که «به درختان آب داده نمی‌شود، خشک می‌شوند و این خشکی باعث می‌شود حشرات، آفات و بیماری‌ها سراغ آنها بیایند. به هیچ‌وجه نباید باور کرد که مشکل آفات و بیماری‌هاست.»

چندی پیش کانال «شهر ما» با انتشار تصاویری محدود درختان و فضای سبزی را که قرار است ریشه‌کن و تخریب شود و فاصله نزدیک پارک خوارزمی تا مسجد جامع را مشخص کرده نوشت: «نکته تلخ اینجاست که دستیار زاکانی حتی از غصبی بودن زمین مورد نظر برای ساخت مسجد هم ابایی ندارد و در نامه خود می‌نویسد اگر معارض و مالک پیدا شد، بعداً بهای زمین را می‌پردازیم!»

خبر ساخت مسجد در پارک خوارزمی مدت کوتاهی پس از خبر قطع درختان و برنامه‌های ساخت و ساز در پارک لاله (پارک فرح) منتشر شد. پیش از این نیز بخشی از پارک قیطره به قصد ساخت مسجد حصارکشی شده بود که با اعتراض شدید شهروندان روبرو شد.

همچنین بیشتر کانال خبری «شهر ما» با انتشار تصاویری از عملیات شبانه تخریب فضای سبز پارک ستارخان در زیر باران خبر داده و نوشته بود: «تعداد قابل توجهی از درختان در ضلع شمال شرقی پارک ستارخان در حال قطع شدن است و با وجود خط‌کشی و نصب داربست، اعلام نشده که چه پروژه‌ای قرار است در آنجا اجرا شود.»

مخالفت قطع درختان در بوستان‌های تهران کارزاری نیز برای درخواست برکناری زاکانی به راه انداختند که با هشتم «شهردار خوب کجاست» تا ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۲ ادامه یافت و طی آن ده‌ها هزار امضا جمع شد. اما شهرداری پایتخت همچنان به مسئله قطع درختان در پارک‌ها و کاهش فضای سبز شهری بی‌اعتناست.

## اعتصاب در بازار بورس ایران؛ ریزش ۲۲ هزار واحدی شاخص کل



● کارگزاران در شهرهای اصفهان، شیراز و تبریز به نشانه اعتراض به وضعیت بازار سهام و تداوم سقوط قیمت ها، رأس ساعت ۱۰ صبح و به طور همزمان استیضای خود را خاموش و دست از کار کشیدند.

● شاخص کل بورس در پایان معاملات امروز دوشنبه ۷ خردادماه با ریزش ۲۲ هزار و ۵۰۵ واحدی همراه بود و به رقم دو میلیون و ۵۶ هزار واحد رسید.

● پیشتر کارشناسان بورس هشدار داده بودند که بازار بورس کشور به دلیل دخالت های دولت، و همچنین متأثر از فضای انتخاباتی، در خردادماه ملتهب خواهد بود.

بازار بورس ایران امروز با ریزش ۲۲ هزار واحدی روبرو شد. بازار بورس در حالی در پی دخالت های دولت روزهایی پُر تنش را سپری می کند که کارگزاران تالارهای بورس در سه شهر اعتصاب کردند.

شاخص کل بورس در پایان معاملات امروز دوشنبه ۷ خردادماه با ریزش ۲۲ هزار و ۵۰۵ واحدی همراه بود و به رقم دو میلیون و ۵۶ هزار واحد رسید. شاخص کل هم وزن نیز با ۵۱۷۲ واحد ریز، رقم ۶۸۰ هزار و ۳۸۲ واحدی را ثبت کرد. همچنین نمادهای فولاد، فملی، فارس، شپنا، وامید، شبندر و تایپکو نسبت به سایر نمادها بیشترین تاثیر را روی شاخص گذاشتند. نمادهای فولاد، شستا، ذوب، وپملت، فملی، خودرو و و خازرم پر تراکشن های بازار بودند.

در معاملات فرابورس نیز شاخص کل با ۲۱۳ واحد افت به رقم ۲۲ هزار و ۳۶۸ واحد رسید و نمادهای شگویا، زاگرس، آریا، فغدیر، هرمز، آریان و خاور بیشترین تاثیر را روی شاخص گذاشتند. در پی ریزش های مداوم در بازار بورس، کارگزاران حاضر در تالارهای بورس منطقه ای امروز و در اقدامی همزمان اعتصاب کردند.

بر اساس گزارش ها کارگزاران در شهرهای اصفهان، شیراز و تبریز به نشانه اعتراض به وضعیت بازار سهام و تداوم سقوط قیمت ها، رأس ساعت ۱۰ صبح و بطور همزمان استیضای خود را خاموش و دست از کار کشیدند.

روند بازار سهام از آغاز سال تا به امروز، منفی بوده و شاخص کل بورس با از دست دادن سه کانال مهم به کف دو میلیون واحد نزدیک شده است، به گونه ای که حالا بورسی ها نظاره گر ۲۴ روز منفی از شروع سال جدید تا هفتم خرداد هستند. پیشتر کارشناسان بورس هشدار داده بودند که بازار بورس کشور به دلیل دخالت های دولت، و همچنین متأثر از فضای انتخاباتی، در خردادماه ملتهب خواهد بود.

وبسایت «فردای اقتصاد» با اشاره به ریزش های بازار سرمایه در ایران نوشته «بعد از عملکرد غافلگیرانه شاخص های بورسی در ابتدای سال، حالا نااطمینانی مدیران سرمایه گذاران نسبت به آینده بازار سهام افزایش یافته است.» در این مطلب آمده که «اقتصاد دستوری، دخالت در ساز و کار بنگاه های اقتصادی، پاربرجاماندن شکاف میان دلار بازار آزاد و مرکز مبادله ایران، قوانین یک شبه و ریسک های ژئوپلیتیک را می توان از جمله عوامل اثرگذاری بر بی اعتمادی سرمایه گذاران به بورس عنوان کرد.»

شاهین شایان آرانی تحلیلگر بازار سرمایه به خبرنگاری «تابناک» گفته «هم اکنون فضای اقتصادی با یک نوع ریاضت مالی و اقتصادی روبروست؛ بنابراین در این شرایط ریاضتی با محدودیت ها و کنترل های ارزی و مالی مواجهیم که البته لازم است و باید اجرا شود، زیرا سیاست گذار به دنبال مهار رشد نقدینگی و تورم در اقتصاد کشور است. در نتیجه این

بازارهای موازی خود دارد؛ ریسک هایی همچون تصمیمات خلق الساعه و یک شبه دولت و به تازگی هم ریسک جنگ که مدتی فروکش کرده است.»

به عقیده این کارشناس «بازار سرمایه مهمترین عامل بحران در بازار سرمایه تصمیمات قانونگذاران و دولت است که به وفور پیش آمده دستورات عملیاتی که حتی خودشان وضع کردند را هم رعایت نمی کنند.»

او تأکید کرد که «دولت به نحوی در تلاش است که کسری بودجه خود را با ایجاد رکود در بازار سرمایه جبران کند. این قابلیت برای دولت در سایر بازارها وجود ندارد، ولی در بازار سرمایه به سبب اینکه همه چیز کنترل شده تر و بازاری متمرکز است راحت تر اتفاق می افتد.»

عرفان کاظم زاده همچنین افزود حل مشکلات بازار بورس تنها وقتی امکان پذیر است که تصمیمات عجیب و غریبی که پایه کارشناسی هم ندارد [از سوی دولت] اتخاذ نشده و ترس سرمایه گذاران برطرف شود و همچنین فضای امنی برای سرمایه گذار ایجاد کنند که وقتی سهمی را خریداری می کند، بدانند این سهم از حاشیه امنی در آن صنعت برخوردار است و قرار نیست به سرعت فلان مالیات و یا عوارض برای آن وضع شود. این کارشناس همچنین با اشاره به اثر منفی «قیمت گذاری دستوری» در بازار سرمایه گفته «شرکت هایی که تولید و صادرات انجام می دهند، مجبور هستند ارز حاصل از صادرات را با نرخ ثابتی که با نرخ بازار خیلی فاصله دارد، در بازار عرضه کنند و بحث دیگر محصولاتی است که این شرکت ها در داخل کشور می فروشند که مشمول قیمت گذاری های دستوری است و باعث می شود سرمایه گذار رغبت چندانی برای خرید سهام نداشته باشد و ترجیح دهد سرمایه خود را در بازاری ببرد که دولت کمتر بتواند اعمال نفوذ و قدرت کند.»

حسین عبیدی کارشناس بازار سرمایه هم نظری مشابه دارد و معتقد است «زمانی که جیب دولت خالی می شود نیم نگاهی به افزایش نرخ خوراک خیلی از شرکت ها و افزایش خیلی از ورودی های این شرکت ها دارد، اما وقتی بخش خصوصی قوی باشد دولت نمی تواند هر کاری که می خواهد، انجام بدهد.»

سیاست بر شاخص های عملکردی شرکتی های پذیرفته شده در بورس و حتی خارج از بورس، تاثیر منفی می گذارد. در نتیجه این مسئله یک محور، محرک و نیرویی است که تاثیر منفی می گذارد و باید در نظر داشت که چاره ای نیست و باید برای مهار تورم این مسیر پیموده شود؛ بنابراین تحت تاثیر این مسائل، اقتصاد به سمت رکود نسبی تمایل خواهد داشت.»

این تحلیلگر همچنین مرگ رئیسی و بلاتکلیفی دولت را نیز از عوامل محرک در وضعیت روزهای گذشته بازار ارزیابی کرده و گفته «تحت تاثیر اتفاق هفته گذشته برای رئیس جمهور، فضای معاملات بازار سهام به گونه ای است که به نوعی بلاتکلیفی برای سرانجام دولت جدید و سیاست های اقتصادی دولت آینده، به شکل گیری ابهام مقطعی در بازار منجر شده است؛ اما با نظر گرفتن این عامل - به عنوان یک موضوع مقطعی - باید در نظر داشت که عامل اصلی به نوع سیاست های مهار رشد نقدینگی و تورم و ارز و به شکل کلی تر به سیاست ریاضت مالی برمی گردد.»

هفته گذشته بازار بورس در حالی به دلیل مرگ ابراهیم رئیسی در سانحه سقوط هلی کوپتر و مراسم تشییع او تعطیل شده بود که شاخص کل بورس در هفته سوم اردیبهشت ماه نیز ۲/۰۲ درصد ریزش کرد و در سطح دو میلیون و ۲۱۹ هزار و ۹۲ واحد ایستاد.

همزمان شاخص هم وزن نیز منفی شد. شاخص هم وزن ۱۲ هزار و ۹۰۰ واحد ریزش کرد و با کاهش ۱/۷ درصدی در سطح ۷۳۷ هزار و ۹۴۴ واحد قرار گرفت.

تراز پول حقیقی نیز منفی شد و بازار بخشی از سرمایه حقیقی خود را از دست داد. در پایان معاملات روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت مشخص شد طی چهار روز کاری هفته سوم اردیبهشت، دست کم ۵۷۵ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شده است.

عرفان کاظم زاده کارشناس بازار سرمایه هفته گذشته و پس از ریزش های هفته سوم اردیبهشت در این بازار، در گفتگو با «اقتصاد ۲۴» گفت که «دلیل عقب ماندگی بورس به خاطر ریسک هایی است که این بازار نسبت به

## «آرادکوه»؛ بحرانی که مدیران تهران برای آن راه حل ندارند!



ما فقط محل آلودگی را جابجا کرده‌ایم. بنابراین طرح جامع به جابجایی اعتقاد ندارد و حتی می‌گوید این کار غلط است. وقتی سقف خانه‌مان آب می‌دهد که خانه را عوض نمی‌کنیم.»

محققان ناسا با نصب طیف‌سنج تصویربرداری (EMIT) در ایستگاه فضایی بین‌المللی با قابلیت تشخیص گازهای گلخانه‌ای از جمله متان و دی‌اکسیدکربن، موفق به شناسایی ۵۰ «ابر ساطع‌کننده متان» در چند منطقه جهان از جمله آسیای مرکزی (ترکمنستان) خاورمیانه و جنوب غربی ایالات متحده (حوزه پرمن، جنوب شرقی نیومکزیکو و یکی از بزرگ‌ترین میادین نفتی جهان) شدند.

بر اساس اطلاعات منتشر شده از ناسا، یکی از این کانون‌ها شامل «ابری از گاز متان به طول پنج کیلومتر» در آسمان جنوب تهران و بر بالای یک مجتمع دیوی زباله شناسایی شده و طبق تصاویر به دست آمده، این ابر پنج کیلومتری در هر ساعت حدود ۸۵۰۰ کیلوگرم متان به هوا می‌فرستد. انتشار تصاویر ناسا در آبان ۱۴۰۱ با واکنش برخی مدیران حکومت روبرو شد. علیرضا فاضلی ثانی رئیس محیط زیست شهرستان ری گفته بود که «در مجتمع پردازش زباله آرادکوه چون لندفیل قدیمی و مربوط به حدود ۶۰ سال پیش است، تجهیزات و بستر مناسب برای استحصال گاز در آن تعبیه نشده است.»

علیرضا زاکانی شهردار تهران اما ناسا را «دروغگو» خواند و گفت: «هنوز از سوی دستگاه‌های بالادستی چیزی به ما اعلام نشده است و البته ناسا همه چیزش دروغ است و اینهم دروغ است.»

سال‌ها فراقکنی مقامات استانی سبب شده یک مجتمع پردازش زباله به کوه استواری از زباله تبدیل شود که نه تنها بوی نامطبوع آن مشام شهروندان را آزار می‌دهد و آنها را با عوارض بیماری‌زا روبرو کرده بلکه در تاریخ عملکرد جمهوری اسلامی ثبت کرده حکومت مدعی قدرت و اقتدار جهانی، حتی توان مدیریت زباله‌های تولید شده در پایتخت را هم ندارد!

کامیون حامل ۶۰۰ تن زباله در سه سرویس زباله‌های شهر تهران را در این منطقه تخلیه می‌کنند!

این در حالیست که به گفته مهدی جلیلی قاضی‌زاده دارای مدرک دکترای مهندسی محیط زیست با گرایش پسماند از دانشگاه تهران که مدیر پروژه مطالعات تعیین محل جدید دفن پسماند تهران است، این جابجایی را تا زمان حل مشکلات آرادکوه، باید مَسْکَنی مقطعی ارزیابی کرد.

او گفته مکان جدیدی که بجای «آرادکوه» در نظر گرفته شده، در مرز استان قم و با فاصله ۲۸ کیلومتری از آرادکوه است، «اما این جاغایی برای سه دهه دیگر تهران لازم است و «آرادکوه» با استانداردهای می‌تواند سه دهه مشکل پسماند پایتخت را حل کند و صحبت از جابجایی فقط استانداردهای آن را به حاشیه رانده است.»

مهدی جلیلی قاضی‌زاده تأکید کرده که موضوع جابجایی «دقیقاً به مثابه مسکن است، اما بهسازی «آرادکوه» تدریجی و زمانبر است و وقتی می‌گوییم جاغایی جدید، یعنی می‌خواهیم صورت مسئله را پاک کنیم و به فکر بلندمدت نیستیم. مثلاً شهردار یا استاندار می‌خواهد در زمان مدیریت‌اش دیگر بویی از «آرادکوه» نیاید، اما این نشدنی است و بر اساس اسناد بالادستی هم اتفاقاً این نشدنی است.»

مدیر «پروژه مطالعات جاغایی محل جدید دفن پسماند تهران» توضیح داده که «آرادکوه نه لندفیل استاندارد دارد، نه کمپوست‌سازی درست. نه شیرابه‌هایش جمع‌آوری می‌شود و نه گاز متان حاصل از پسماند مدیریت می‌شود. آیا این مشکلات با راه‌اندازی مکان جدید قرار است حل شود؟ چرا با صرف هزینه برای چند دهه آینده این مرکز را استاندارد نمی‌کنند؟ این پرسش ما هم هست، هرچند همانطور که گفتیم این مورد منافاتی با تعیین یک مکان جدید برای دهه‌های دیگر ندارد.»

این استاد دانشگاه تأکید کرده که «آرادکوه مرکز تولید آلودگی است و حالا قرار است مرکزی جدید در ۲۸ کیلومتری‌اش ساخته شود که اگر به همین منوال اداره شود،

● مدیر «پروژه مطالعات جاغایی محل جدید دفن پسماند تهران» توضیح داده که «آرادکوه نه لندفیل استاندارد دارد، نه کمپوست‌سازی درست، نه شیرابه‌هایش جمع‌آوری می‌شود و نه گاز متان حاصل از پسماند مدیریت می‌شود.»

● «شهردار یا استاندار می‌خواهد در زمان مدیریت‌اش دیگر بویی از «آرادکوه» نیاید، اما این نشدنی است و بر اساس اسناد بالادستی هم اتفاقاً این نشدنی است.»

● بوی بد تهران در طول ۳۰ سال گذشته ابتدا از مقبره روح‌الله خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی شروع شد اما مقامات استان تهران تا مدت‌ها از اعلام منشاء بوی بد پایتخت خودداری کردند.

«آرادکوه» مرکز دفن و بازیافت پسماند در نزدیکی تهران، به بحرانی جدی برای پایتخت تبدیل شده است. مدیران استان تهران حتی نتوانسته‌اند در سال‌های گذشته عملیات کمپوست‌سازی اصولی را در آن پیش ببرند و زباله در نزدیکی تهران همچنان کوهی استوار بهداشت و سلامت شهروندان ساکن پایتخت را تهدید می‌کند.

آرادکوه در ۱۸ کیلومتری جنوب تهران، نقطه‌ای است که در بی‌تفاوتی مسئولان طی سال‌های گذشته به یک گره کور تبدیل شده است.

در حالی که سال‌ها انتشار بوی بد در حوالی فرودگاه بین‌المللی «خمینی» در جنوب تهران گزارش شده و منشاء این بو همچنان نامشخص مانده بود، حالا گویا مشخص شده بوی بدی که در بسیاری از روزها تا «بهشت زهرا» و محله‌های درون پایتخت می‌رسد، ناشی از هزاران تُن زباله‌ای است که در «آرادکوه» تلنبار شده است.

بوی بد تهران در طول ۳۰ سال گذشته ابتدا از مقبره روح‌الله خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی شروع شد اما مقامات استان تهران تا مدت‌ها از اعلام منشاء بوی بد پایتخت خودداری کردند.

آنها فراقکنی را تا جایی ادامه دادند که حتی در زمستان سال ۱۳۹۹ «مرکز بو» تشکیل دادند. صدرالدین علیپور مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران در گفتگو با خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از راه‌اندازی مرکز «پایش بو» در تهران خبر داده که پس از سه دهه به مشام رسیدن بوی بد و مشکوک در پایتخت تشکیل شد.

در همه آن سال‌ها نیز برخی کارشناسان نظرات مختلفی درباره منشاء احتمالی این بوی تعفن مطرح می‌کردند؛ آنها می‌گفتند بوی مربوطه ارتباط مستقیم با آلودگی ناشی از سوخت فسیلی، سوزاندن مازوت و تغییرات در گازهای موجود در هوا، وارونگی هوا و همچنین افزایش فاضلاب در شبکه زیر سطحی پس از بارش باران و برف دارد.

اکنون در حالی که بیش از سه سال است «آرادکوه» به عنوان منشاء بوی بد پایتخت معرفی و وعده داده شده بود با انتقال زباله‌ها، بوی بد هم پایان می‌یابد اما تغییری در وضعیت ایجاد نشده است.

حسن خلیلی آبادی عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران گفته «بیشتر زباله‌ها در مرکز دفن زباله تهران از نوع تر است که در وسعتی حدود ۱۰۰ هکتار به ارتفاع ۶۰ متر رسیده و دفن می‌شوند!»

او همچنین گفته بود که در این منطقه روزانه ۱۰۰

# کارشناسان نسبت به تشدید رکود تورمی در بازار مسکن هشدار می‌دهند

این بود که سالانه باید یک میلیون واحد مسکونی احداث شود. اما وقتی به آمارها نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که روند نزولی ساخت و ساز توسط بخش خصوصی بنا به دلایل مختلفی ادامه دارد.

او افزوده که اگر قرار است قیمت مسکن و اجاره‌بها کنترل شود باید ساخت‌وساز تسهیل شود. پس اگر قرار است ابتدا تورم کنترل شود تا کالایی با ثبات بهتری ادامه فعالیت بدهد باید تولید آن کالا نیز به شکل قابل توجهی افزایش یابد.

این کارشناس می‌گوید وقتی تولید مسکن پایین است حتی اگر بازار مسکن هم قفل باشد باز هم رشد قیمت مسکن احتمالاً رخ می‌دهد. همچنین تأکید کرده که «متأسفانه در حال حاضر تولید مسکن به زیر ۳۰۰ هزار واحد مسکونی در سال رسیده است در حالیکه سالها بود که تولید مسکن ۳۵۰ هزار تا ۴۰۰ هزار واحد مسکونی بود.»

این کارشناس اقتصاد مسکن در پاسخ به این پرسش که «چرا سازندگان مسکن دیگر رغبتی برای تولید ندارند؟» گفته «به هر حال سود سازنده‌های مسکن که مثل گذشته نیست و کاهش داشته است. اما موضوعی که حائز اهمیت است این است که زمانی که دولت اعلام کرد سالانه یک میلیون واحد مسکونی خواهد ساخت به یکباره اکثر سازنده‌های خرد که مثلاً سالانه ۱۰ تا ۱۰۰ واحد مسکونی می‌ساختند سرمایه‌های خود را از بخش مسکن هراسان خارج کردند.» مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با تحلیل آنچه «ابرچالش مسکن» در ایران خوانده تلاش کرده به این پرسش پاسخ دهد که «آیا با عرضه مسکن می‌توان مشکل گروه‌های کم‌درآمد و اقشار کم‌برخوردار را در این زمینه حل کرد؟» این مرکز معتقد است که استطاعت خانوارهای کم‌درآمد در سطحی است که با تسهیلات بانکی هم امکان ورود به بازار مسکن برایشان فراهم نخواهد شد. در این گزارش توان تملک خانوارهای شهری ۵ دهک نخست درآمدی، زیر ۵۰ مترمربع اعلام شده است.

گزارش مربوطه نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱ زمان تقریبی انتظار برای خرید خانه در اقشار کم‌درآمد ۱۲۳/۵ سال بوده است. با توجه به افزایش تورم در بازار مسکن طی دو سال گذشته، رقم انتظار برای خانه‌دار شدن در اقشار کم‌درآمد به بیش از یک و نیم قرن رسیده است!

در حالی که خرید خانه برای دهک‌های پایین درآمدی به رویایی دست نیافتنی تبدیل شده، حتی تأمین اجاره‌بهای مسکن نیز برای اقشار کم‌درآمد امکان‌پذیر نیست.

آمارها از افزایش حدود ۵۰ درصدی اجاره‌بهای مسکن در یک سال حکایت دارد اما گزارش‌های میدانی بر دو برابر شدن رقم اجاره خانه در محلات مختلف کلانشهرها تأکید دارد. مقامات حکومتی اعتراف می‌کنند چهار دهک پایین درآمدی ایران نه تنها در شرایط فعلی هیچوقت امکان خرید یک خانه بسیار کوچک را هم تا آخر عمر ندارند بلکه حتی توان پرداخت اجاره‌خانه را هم ندارند.

ابوالفضل نوروزی مدیرکل دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی بطور میانگین حدود ۳۱ درصد از مردم ایران مستأجر و بقیه مالک‌اند و ۸ درصد هم در خانه‌های سازمانی زندگی می‌کنند و در شهر تهران ۵۱ درصد شهروندان مستأجران هستند.

این آمارها به این معناست که یک سوم از جمعیت کشور و بیش از نیمی از جمعیت تهران برای تأمین هزینه اجاره‌بها با مشکلاتی جدید روبرو هستند.



که نباید اجاره‌بهای مسکن بیشتر از مثلاً ۲۵ درصد و یا ۳۰ درصد افزایش نیابد.»

محمدرضا فرهادی‌پور معتقد است که مداخله دولت در بازار مسکن و اجاره بها اثرات منفی دارد و گفته «دولت نباید در بازار مسکن دخالت کند بلکه باید ابتدا تورم را کنترل کند. اگر تورم تک رقمی باشد آیا مالک و مشاوران املاک می‌توانند نرخ اجاره بها را ۳۰ درصد افزایش دهند؟ پس اولین اقدام کنترل تورم عمومی و از بین بردن انتظارات تورمی است.»

رکود تورمی اما در بازار مسکن تشدید شده است و آمارها نشان می‌دهد نه تنها در فروردین‌ماه تورم در بازار مسکن افزایش یافته بلکه تعداد معاملات نیز به شکل چشمگیری کاهش یافته است.

منصور غیبی دیگر کارشناس مسکن نیز با بیان اینکه «مسکن در حوزه فروش نیز بازار با کمترین تقاضا مواجه است» گفته کاهش توان اقتصادی مردم و التهاب در بازارهای موازی از جمله ارز از جمله عوامل تشدید رکود در بازار مسکن هستند. منصور غیبی در ادامه گفته بازار مسکن هنوز با مدیریت دولتی در انقباض به سر می‌برد و همین عامل به رکود در حوزه مسکن دامن زده است.

کارشناسان معتقدند در صورتیکه دولت سیاستی کارآمد برای بازگشت معاملات به بازار مسکن در نظر نگیرد، و با وجود روند صعودی قیمت‌ها، مردم باید منتظر رکودی تورمی در بازار باشند که آثار آن را سال‌ها نمی‌توان از این بازار پاک کرد. بیت‌الله ستاریان کارشناس اقتصاد مسکن در اینباره با بیان اینکه این روزها شاهد خالی شدن بازار مسکن از تقاضای موثر هستیم، گفته تولید سالانه مسکن به زیر ۳۰۰ هزار واحد مسکونی رسیده و این روزها شاهد کوچ خردسازها از بازار مسکن هستیم.

بیت‌الله ستاریان در گفتگو با «اقتصاد آنلاین» با اشاره به اینکه به محض اینکه اعلام شد دولت قصد دارد سالانه یک میلیون واحد مسکونی احداث کند خردسازان مسکن از بازار مسکن کوچ کردند، گفته وعده دولت در بخش مسکن

● نرخ تورم ماهانه مسکن در اردیبهشت ۲/۶ درصد ثبت شده است. این رقم به این معناست که تنها در طول چهار هفته، تورم مسکن با ۲/۶ درصد افزایش روبرو شده است. ● وزارت راه و شهرسازی هفته گذشته قانون ساماندهی بازار مسکن و اجاره‌بها را با هدف ایجاد ساز و کاری برای دخالت دولت در بازار اجاره‌بهای مسکن ابلاغ کرد. ● منصور غیبی کارشناس مسکن معتقد است کاهش توان اقتصادی مردم و التهاب در بازارهای موازی از جمله ارز از جمله عوامل تشدید رکود در بازار مسکن هستند.

مرکز آمار ایران در گزارشی از افزایش تورم در بازار مسکن در ماه اردیبهشت خبر داده است. تورم سالانه بخش مسکن در حالی به بیش از ۴۰ درصد رسیده که رکود تورمی در بازار مسکن سبب کاهش ساخت و ساز شده و آینده این بازار را با ابهامات بیشتری روبرو کرده است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران نرخ تورم ماهانه مسکن در اردیبهشت ۲/۶ درصد ثبت شده است. این رقم به این معناست که تنها در طول چهار هفته، تورم مسکن با ۲/۶ درصد افزایش روبرو شده است.

مسکن همچنین در شاخص نقطه به نقطه نیز ۴۳ درصد رشد داشته و تورم سالانه آن نیز ۴۰/۴ درصد اعلام شده است. منظور از تورم نقطه به نقطه، درصد تغییر عدد شاخص قیمت نسبت به ماه مشابه سال قبل است.

بخش اجاره‌بها نیز همسو با بازار معاملاتی مسکن بوده و با افزایش تورم روبرو شده است. آغاز فصل جابجایی مستأجران نیز بر افزایش تورم بخش اجاره‌بها موثر بوده بطوری که برخی گزارش‌های میدانی از افزایش ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی اجاره در برخی نقاط کلانشهرها حکایت دارد.

وزارت راه و شهرسازی هفته گذشته قانون ساماندهی بازار مسکن و اجاره‌بها را با هدف ایجاد سازوکاری برای دخالت دولت در بازار اجاره‌بهای مسکن ابلاغ کرد.

مهرداد بذریاش وزیر راه و شهرسازی درباره این قانون توضیح داده بود که ولت برای اولین بار می‌تواند سقف اجاره‌بها تعیین کند. به‌عنوان مثال اگر در استانی تورم بیش از ۳۰ درصد باشد، شورای مسکن می‌تواند ۵۰ تا ۱۰۰ درصد تورم نسبت به تعیین سقف اقدام کند.

وزیر راه و شهرسازی معتقد است این قانون دست دولت را برای مداخله در بازار باز می‌کند که در پی آن می‌توانیم شاهد بازاری آرام‌تری برای مسکن اجاره‌ای در سال جاری باشیم. نظام‌مندتر کردن مداخله‌گران بازار مسکن و اجاره هم در این زمینه صورت خواهد گرفت.

کارشناسان این قانون و دخالت دولت در بازار اجاره‌بها را بی‌خاصیت ارزیابی می‌کنند. محمدرضا فرهادی پور کارشناس اقتصاد مسکن در اینباره گفته «اگر بخواهیم در مورد این اقدام جدید دولت و مصوبه مجلس مبنی بر ابلاغ قانون ساماندهی بازار مسکن اظهار نظر کنیم باید اذعان کرد که مداخله قیمتی در بازار مسکن و اجاره بها عملاً ممکن نیست و فقط در حد یک شعار و حرفی است که زده شده است.»

این کارشناس افزوده که «اجرا شدن قانون ساماندهی بازار مسکن و اجاره بها دشوار است. چرا که دولت نه امکان کنترل مالک را دارد و نه اینکه می‌تواند تورم را کنترل و کاهش دهد. وقتی تورم قابل کنترل نیست چطور می‌توان انتظار داشت که اجاره بها را کنترل کرد و به مالک تأکید کرد

## تداوم اعتصاب کارگران پیمانی صنعت نفت در جنوب ایران

دستوری دولت اعتراض دارند.

در روزهای گذشته و همزمان با اعتصاب کارگران پروژه‌های صنعت نفت در پارس جنوبی، جمعی از صیادان در استان خوزستان نیز روز دوشنبه هفتم خردادماه در اعتراض به صادر نشدن مجوز صید از سوی شیلات خوزستان روبروی ساختمان معاونت صید و بنادر ماهیگیری این استان واقع در آبادان تحصن کردند.

همزمان در روز دوشنبه هفتم خرداد ۱۴۰۳، شماری از شهروندان ساکن شهر شوش در مقابل مجتمع کشت و صنعت هفت تپه دست به تجمع زدند. این جوانان جوئی کار، با برگزاری تجمع اعتراضی، خواهان اشتغال در مجتمع کشت و صنعت هفت تپه شدند. آنها می‌گویند در حالیکه شمار زیادی از جوانان ساکن در منطقه بیکار هستند، شرکت‌های پیمانکاری و مجتمع‌های تولیدی و صنعتی همانند کشت و صنعت نیشکر هفت تپه نیروهای غیربومی را استخدام می‌کنند.

روز گذشته نیز جمعی از معامله‌گران شرکت‌های کارگزاری در تالارهای منطقه‌ای از جمله در شیراز، اصفهان و تبریز، با خاموش کردن کامپیوترها و سیستم معاملات، دست به اعتصاب زدند.

این اعتصاب‌ها در اعتراض به اوضاع بحرانی ماه‌ها و هفته‌های اخیر بورس، ریزش بیش از ۱۶ هزار واحدی شاخص و احتمال سقوط آن به کانال ۱/۹ میلیون واحدی صورت گرفته است.

در آنسو گزارش‌ها حاکی از تداوم اعتصاب شمار زیادی از فعالان صنف طلا و جواهر در شهرهای مختلف است. فعالان این صنف از ابتدای اردیبهشت و در اعتراض به قوانین مالیاتی جدید اعتصاب کرده‌اند.

با شروع دور تازه‌ای از اعتصاب پلافروشان در روزهای گذشته «کبهان لندن» گزارش داد که از ابتدای هفته تصاویر و ویدئوهایی از اعتصاب پلافروشان در شهرهای مختلف از جمله تهران، مشهد، تبریز و اصفهان منتشر شده است. منابع صنفی می‌گویند نهادهای امنیتی از طریق سازمان تعزیرات حکومتی، پلافروشان را زیر فشار قرار داده تا واحدهای صنفی خود را باز نگه دارند. در ادامه تهدیدها، واحدهایی که مغازه‌های خود را بسته نگه داشته‌اند توسط سازمان تعزیرات حکومتی، پلمب شده‌اند.

به گزارش فعالان صنفی بسیاری از پلافروشان برای رهایی از تهدیدهای امنیتی، کرکره مغازه‌ها را بالا کشیده اما اقدام به خرید و فروش طلا نمی‌کنند.

دولت از پلافروشان خواسته سرمایه خود را در «سامانه تجارت» ثبت کنند. همچنین آنها موظف شده‌اند برای خرید و فروش طلای بالای ۲۰۰ گرم به دولت مالیات بپردازند.

در برخی استان‌ها اداره دارایی مناطق، پلافروشان را مجبور کرده شماره ملی افرادی را که از آنها طلا می‌خرند ثبت کنند. پلافروشان می‌گویند این دستورالعمل یعنی «اگر کسی حتی برای هدیه دادن طلا بخرد، باید مالیات پرداخت کند و اگر طلا در خانه داشته و قصد فروش آن را داشته باشد، باید مالیات سود آن را بپردازد.»

تا کنون خریداران طلا برای خرید ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده پرداخت می‌کردند، این مالیات هم قرار است به صورت پلکانی افزایش پیدا کند و تا پایان برنامه هفتم توسعه به ۱۳ درصد برسد.



تعطیل کرده‌اند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت همچنین گفته که کارگران پیمانکاری شرکت «کیان سازه» با خواست افزایش دستمزد و پرداخت فوری حقوق فروردین ماه خود کارگاه را ترک کردند.

بر اساس این گزارش، کارگران داربست بند، کیوسی، اداری و ستادی این سه سایت نیز به به دیگر همکاران اعتصاب‌کننده خود در پروژه‌های پارس جنوبی پیوسته‌اند. کارگران اعتصابی پتروپالایش علاوه بر اعتراض به رقم ناچیز دستمزدها، به شیفت‌های طولانی کار ۲۲ روز و ۲۴ روزه و بی‌توجهی کارفرما به اصول ایمنی کار معترض‌اند.

منابع کارگری گزارش می‌دهند که بخشی از مدیران شرکت‌های پیمانکاری با وعده افزایش دستمزدها از پایان خردادماه به دنبال پایان اعتصاب کارگران هستند. در مقابل اما برخی دیگر از مدیران با تهدید کارگران خواستار پایان هر چه زودتر اعتصاب شدند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت اعلام کرده مدیران شرکت پیمانکاری «ستاره تاراز» واقع در بندرعباس به کارگران اعلام کرده‌اند که افزایش حقوق در کار نیست و کارگران باید با حقوق سال گذشته کار کنند.

در سال‌های اخیر، اعتصاب‌های بسیاری در مناطق نفت و گاز ایران، به‌ویژه از سوی کارگران پیمانی، قراردادی و پروژه‌ای، انجام شده است. اعتصاب گسترده دیگری نیز یک سال پیش در چنین روزهایی در پروژه‌های نفتی عسلویه برگزار شد که بار دیگر با وعده کارفرمایان و مقامات استانی، پایان یافت.

افزایش نرخ تورم و گرانی روزافزون در ایران باعث شده است قدرت خرید شهروندان کاهش پیدا کرده و عدم افزایش درآمدها، متناسب با نرخ تورم، نیز بر بحران‌های آنها افزوده است.

اقشار و اصناف مختلف از وضعیت اقتصادی و درآمدی خود ناراضی بوده و یا به قوانین تحمیل شده و اقدامات

● فعالان صنفی می‌گویند شمار کارگران معترض به ۲۲۰۰ تن رسیده و کارفرمایان با تهدید اعتصاب‌کنندگان و استخدام نیروی جدید تلاش دارند به اعتصابات پایان دهند.

● شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت گزارش داده به دلیل مخالفت شرکت‌های پیمانکاری با افزایش دستمزد ۳۵ درصدی درخواستی کارگران در اعتصاب بسر می‌برند و از اول خرداد کار نمی‌کنند.

● روز گذشته جمعی از معامله‌گران شرکت‌های کارگزاری در تالارهای منطقه‌ای از جمله در شیراز، اصفهان و تبریز، با خاموش کردن کامپیوترها و سیستم معاملات دست به اعتصاب زدند.

اعتصاب کارگران پیمانی شاغل در پروژه‌های صنعت نفت جنوب ایران که از اول خردادماه آغاز شده بود، گسترش یافته و منابع صنفی شمار کارگران اعتصاب‌کننده را ۲۲۰۰ هزار نفر عنوان می‌کنند.

اعتصاب کارگران پیمانی شاغلی در پروژه‌های صنعت نفت در جنوب ایران در حال گسترش است. فعالان صنفی می‌گویند شمار کارگران معترض به ۲۲۰۰ تن رسیده و کارفرمایان با تهدید اعتصاب‌کنندگان و استخدام نیروی جدید تلاش دارند به اعتصابات پایان دهند.

کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری پروژه‌های صنعت نفت در جنوب ایران از ابتدای سال اعتصاب‌هایی ناپیوسته را در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها برگزار کردند. ۱۲۰۰ کارگر شاغل در فاز ۱۴ پارس جنوبی از اول خردادماه اعتصاب کرده و پیمانکاران با تهدید و عدم تمدید قرارداد کاری اعتصاب‌کنندگان و استخدام نیروهای جدید به دنبال پایان دادن به اعتصاب هستند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت گزارش داده شمار کارگران اعتصاب‌کننده به بیش از دو هزار کارگر در صنایع مختلف نفت و گاز در جنوب ایران رسیده است.

این شورا اعلام کرد بیش از یک هزار کارگر پروژه‌ای در سایت‌های یک، دو و سه «پترو پالایش کنگان» در استان بوشهر به دلیل مخالفت شرکت‌های پیمانکاری با افزایش دستمزد ۳۵ درصدی درخواستی کارگران در اعتصاب بسر می‌برند و از اول خرداد کار نمی‌کنند.

کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری صنعت نفت نه تنها از رقم دستمزد، مزایای شغلی، شرایط کار و امکانات ناچیز خوابگاهی و رفاهی در سایت‌های نفتی ناراضی بودند، بلکه می‌گویند بسیاری از پیمانکاران با ورود به سومین ماه سال، هنوز برای افزایش دستمزدها اقدام نکرده‌اند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت اعلام کرده که بیش از ۱۲۰۰ تن از کارگران شرکت‌های پیمانکاران، اکسیر صنعت و شرکت «آی پی ام آی» در فاز ۱۴ کنگان که اعتصاب کرده بودند، همچنان از رفتن به سر کار خودداری کرده‌اند و در خوابگاه‌ها مانده‌اند.

این گزارش افزوده کارگران پایبندنگ کار در شرکت «اکسیر» که دستمزد اسفند سال گذشته آنها پرداخت نشده است، اعتصاب کرده و محل کارشان را ترک کرده‌اند.

این گزارش همچنین حاکی از آن است که کارگران شرکت «کیسون» نیز به دلیل تحقق نیافتن حقوق صنفی‌شان کار را

# مهاجرت نیروی متخصص از کشور؛ موج رفتن‌ها به خلبانان و کارگران صنایع رسید



بحران‌های شدید اقتصادی، صنفی و اجتماعی را برای آنها به همراه داشته است. مهاجرت پرستاران و پزشکان بطور گسترده مدت‌هاست که هشدارهایی درباره آینده ساختار درمانی کشور را در پی داشته است. محمد شریفی مقدم دبیرکل «خانه پرستار» معتقد است «وقتی پرستار اینجا مجبور است در قبال ماهانه ۲ میلیون تومان ۱۲۰ ساعت اضافه‌کار اجباری بگذرانند و در نهایت هم با کار کردن در چند شیفت مختلف باز هم در تامین معاش خود دچار مشکل باشد راه دیگری جز مهاجرت برایش باقی نمی‌ماند.» محمد شریفی مقدم افزوده که «کشور عمان در حال حاضر حقوقی که به پرستاران پرداخت می‌کند ۶ برابر حقوقی است که پرستاران ایرانی دریافت می‌کنند.»

امان‌الله قرایی، جامعه‌شناس، درباره دلایل مهاجرت به «تجارت نیوز» می‌گوید: «مهاجرت عموماً به دلیل عوامل دافعه کشور مبدأ و جاذبه کشور مقصد صورت می‌گیرد، مشکلات اقتصادی و اجتماعی از مهم‌ترین عوامل دافعه ایران طی چند سال اخیر است. ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم افراد تحصیل‌کرده و نخبه، جامعه پزشکی و حتی کارگران که چرخ تولید کشور را می‌چرخانند با نداشتن حداقل‌ها هم کنار بیایند و در جایی بمانند و ادامه دهند که هیچ چشم‌انداز روشنی برای آینده خود نمی‌توانند تصور کنند.» او اضافه می‌کند: «قبل از هر چیز رونق اقتصادی باعث می‌شود افراد میل به ماندن پیدا کنند، بعد از آن بهره‌مندی از حقوق اجتماعی و شهروندی و البته داشتن شغل و امنیت شغلی. اینها لازمه یک زندگی نرمال است و افراد حق دارند از این حداقل‌ها بهره‌مند باشند. حال اگر در کشوری این شرایط فراهم نباشد نمی‌توان به افرادی که قصد رفتن می‌کنند تا آینده خود را بسازند خرده گرفت.»

این جامعه‌شناس در پایان می‌گوید: «متأسفانه سال‌هاست به مسئولان درباره افزایش آمار مهاجرت‌ها هشدار داده می‌شود اما مساله اینجاست که جز گوش دادن به این هشدارها هیچ برنامه‌ای که موجب بهبود شرایط شود در دستور کار قرار نمی‌گیرد.»

آرش نجفی افزوده که «متأسفانه به سادگی نیروهای ماهر و متخصص را از دست می‌دهیم. تمام تجارب و سعی و خطا در داخل کشور ما انجام می‌شود، تمام دستاوردها و ماحصل در دیگر کشورها ارائه می‌شود و این بزرگترین باخت اقتصادی یک کشور است.»

علی ترابی، فعال کارگری، در این‌باره به «تجارت‌نیوز» می‌گوید: «در حال حاضر یک کارگر ساده در امارات حدود ۵۰۰ تا دو هزار دلار دستمزد دریافت می‌کند، در عربستان این مبلغ بین هزار تا هزار و ۲۰۰ دلار، در عمان ۸۰۰ دلار و در ترکیه ۶۰۰ تا ۸۰۰ دلار است. این در حالی است که درآمد یک کارگر در ایران به کمتر از ۲۰۰ دلار می‌رسد.» او ادامه می‌دهد: «با این اوصاف، بدون شک کارگران ترجیح می‌دهند به دلیل مشکلات مالی و ناتوانی از مهاجرت خانوادگی و رفتن به کشورهای دورتر، رنج تنهایی را به جان بخرند و به خاطر اینکه بتوانند معیشت خانواده خود را تامین کنند برای کار و دریافت دستمزد عادلانه به کشورهای همسایه بروند.»

این فعال کارگری توضیح می‌دهد: «متأسفانه در دو سال گذشته بی‌توجهی به نیروی کار از سوی وزارت کار و رفاه اجتماعی به عادت تبدیل شده و همین هم مهم‌ترین عاملی است که باعث می‌شود کشور نیروی کار نتوانند خود را از دست بدهد. تا زمانی که وضع معیشت کارگران درست نشود ما نمی‌توانیم توقع داشته باشیم تولید و اقتصاد در کشور رونق بگیرد.»

سمیه گلپور رییس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران در دی‌ماه ۱۴۰۲ نسبت به افزایش میزان مهاجرت کارگران مهارتی از ایران به کشورهای منطقه از جمله ترکیه، عراق و عمان هشدار داد.

نجفی در ادامه مصاحبه خود گفت اگر اقدامی جدی برای کاهش روند مهاجرت نیروی کار صنعت نفت صورت نگیرد، ایران در حوزه نیروی انسانی با «مشکل جدی» روبرو خواهد شد. به نظر می‌رسد «مهاجرت» برای بخش زیادی از جامعه ایران، تنها راه نجات از شرایطی ارزیابی می‌شود که

● به نظر می‌رسد دستمزدهایی کمتر از دستمزدهای رایج در کشورهای منطقه از جمله مهم‌ترین علت مهاجرت خلبانان است اما در همین حال عوامل دیگری از جمله قدیمی و نایمن بودن هواپیماها نیز در تصمیم آنها برای مهاجرت مؤثر است.

● عضو کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران نسبت به روند رو به رشد مهاجرت نیروی کار صنعت نفت و «خسارت غیرقابل جبران» این پدیده برای کشور هشدار داده است.

● دبیرکل «خانه پرستار»: «کشور عمان در حال حاضر حقوقی که به پرستاران پرداخت می‌کند ۶ برابر حقوقی است که پرستاران ایرانی دریافت می‌کنند.»

مهاجرت ایرانیان از کشور نسبت به دوران پیش از کرونا، دو برابر شده است. اصناف زیادی با خروج نیروی حرفه‌ای روبرو هستند و گزارش‌هایی از موج مهاجرت خلبانان و کارگران صنعت نفت منتشر شده است.

در شرایطی که مهاجرت نیروی دانش‌آموخته و حرفه‌ای از کشور در برخی اصناف از جمله پزشکان و پرستاران مرزهای هشدار را رد کرده، به نظر می‌رسد این موج به دیگر اصناف نیز رسیده است. در روزهای گذشته گزارش‌هایی از مهاجرت پرستار خلبانان و کارگران شرکت‌های نفتی منتشر شده است. وبسایت «تجارت نیوز» گزارش داده که با توجه به نرخ دلار در بازار آزاد ایران، میانگین دریافتی یک خلبان در ایرلاین‌های ایرانی پیش از شدت گرفتن تحریم‌ها در سال ۱۳۹۶ چیزی حدود هشت هزار دلار بوده که این رقم حالا به کم‌وبیش هزار دلار کاهش پیدا کرده است؛ در حالی که میانگین پرداختی به خلبان‌ها در ایرلاین‌های کشورهای منطقه حتی با توجه به سابقه پروازی به ۱۴ هزار دلار نیز می‌رسد. عدد ۱۴ هزار دلار میانگین پرداختی به خلبانان حالا در صورت برابری با ریال به رقم نجومی افزایش پیدا می‌کند که نقطه مشوق خلبان‌های باتجربه ایرانی و نیروی انسانی ارزشمندی است که به راحتی و به دلیل مشکلات ریز و درشت صنعت هوایی ایران از دست می‌رود.

این گزارش بر اساس «اطلاعات موجود» نوشته که فقط ۴۷ خلبان از یک ایرلاین بخش خصوصی و ۶۴ خلبان از «ایران‌ایر» به دلیل کاهش میزان دریافتی و برابری آن با قدرت خرید ریال و البته مشکلات دیگری که در این حوزه وجود دارد حالا در کشورهای دیگر و با هواپیماهای عمدتاً کم‌کارکرد و نو فعالیت می‌کنند.

به نظر می‌رسد دستمزدهایی کمتر از دستمزدهای رایج در کشورهای منطقه از جمله مهم‌ترین علت مهاجرت خلبانان است اما در همین حال عوامل دیگری از جمله قدیمی و نایمن بودن هواپیماها نیز در تصمیم آنها برای مهاجرت مؤثر است. از سوی دیگر آرش نجفی عضو کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران نیز روز گذشته نسبت به روند رو به رشد مهاجرت نیروی کار صنعت نفت و «خسارت غیرقابل جبران» این پدیده برای کشور هشدار داد.

عضو کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران با تأکید به اینکه «برای جایگزین کردن نیروی ماهر در صنعت نفت باید ۱۵ سال هزینه شود» گفته که «یک کارگر فنی و نیروی ماهر در کشور حداقل تا سن ۲۵ سالگی تحصیل می‌کند و پنج تا ۱۰ سال هم حرفه‌ای‌گری کرده و تجربه‌اندوزی می‌کند تا نیروی ماهر باشد؛ یعنی به ازای فرار مغز و نیروی ماهر ۳۵ سال عمر را از دست می‌دهیم.»



## افزایش تورم ماهانه و نقطه به نقطه در اردیبهشت ماه



● تورم ماهانه در اردیبهشت ماه امسال نسبت به فروردین ۰/۲ واحد درصد افزایش یافته است.  
● از میان تمام اقلام خوراکی، بالاترین تورم ماهانه ۵/۱ درصد و برای سبزیجات و حبوبات بوده است.  
● قیمت گوشت قرمز از فروردین ۱۴۰۱ تا فروردین ۱۴۰۳ بیش از ۴۴۰ درصد افزایش یافته و سرانه مصرف گوشت خانوار طبقه پایین جامعه در ماه کمتر از ۵۰۰ گرم شده است.

به گزارش مرکز آمار ایران تورم ماهانه در اردیبهشت ماه امسال نسبت به فروردین ۰/۲ واحد درصد افزایش یافته است. تورم نقطه به نقطه نیز همین افزایش را داشته و دوباره به بالای ۳۰ درصد بازگشته است. در مقابل، تورم سالانه با کاهش به کمتر از ۳۸ درصد رسیده است.

مرکز آمار ایران در گزارشی از تورم اردیبهشت ماه امسال اعلام کرده، تورم ماهانه با دو دهم درصد افزایش روبرو بوده است.

تورم ماهانه نشان می‌دهد که قیمت یک سبد مشخص از کالا و خدمات در اردیبهشت امسال چند درصد نسبت به فروردین ماه افزایش یافته است. بنا به گزارش مرکز آمار، این نرخ در اردیبهشت به ۲/۸ درصد رسیده در حالی که در فروردین ماه ۲/۶ درصد بوده است.

از میان تمام اقلام خوراکی، بالاترین تورم ماهانه ۵/۱ درصد و برای سبزیجات و حبوبات بوده است. در مقابل، کمترین تورم ماهانه ۰/۴ درصد و برای گوشت ماهی و صدف‌داران بوده است.

قیمت برخی اقلام خوراکی اما همچنان در بازار ایران بیانگر تورم افزایشی و دنباله‌دار است. برای نمونه قیمت گوشت قرمز از روزهای پایانی اردیبهشت روندی افزایشی پیدا کرده است. این کالا از جمله کالاهایی با تورم پیوسته افزایشی در ماه‌های گذشته بوده است.

قیمت گوشت قرمز از فروردین ۱۴۰۱ تا فروردین ۱۴۰۳ بیش از ۴۴۰ درصد افزایش یافته و سرانه مصرف گوشت خانوار طبقه پایین جامعه در ماه کمتر از ۵۰۰ گرم شده است.

در روزهای گذشته هم قیمت گوشت روند افزایشی داشته که مهمترین دلیل آن از سوی مدیرعامل اتحادیه مرکزی دام سبک کاهش مقطعی تولید گوشت گوسفندی و افزایش قیمت نهاده‌های دامی عنوان شده است.

وبسایت «اکنونار» گزارش داده که «دولت در چند ماه گذشته با دست به دامان شدن به واردات تلاش کرد تا با عرضه گوشت‌های خارجی در میادین میوه و تره بار بخشی از آشفتگی‌های بازار گوشت قرمز را ساماندهی کند، با این وجود همچنان قیمت بالای گوشت قرمز در شهرستان‌ها ادامه دارد. در هیچ یک از شهرستان‌های کشور توزیع گوشت دولتی انجام نمی‌شود و تنظیم بازار گوشت فعلا سهم پایتخت نشینان است.»

این گزارش افزوده که «در این مدت تلاش شد تا قیمت رسمی گوشت قرمز در بازار همان نرخ دولتی و گوشت‌های وارداتی اعلام شود، اما افزایش افسارگسیخته قیمت دام زنده و عدم عرضه مناسب دام در میادین بازار گوشت را همچنان تحت تاثیر قرار داده است.»

روزهای گذشته تنش جدی در بازار خودرو ایجاد کرد که به موجب آن افزایش ۱۰ درصدی قیمت خودرو طی تنها یکی دو هفته به معنای واقعی تورم در اقتصاد را نشان می‌دهد.» از سوی دیگر کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند با راه یافتن شماری از نمایندگان تندرو که مخالف مذاکره و توافق با آمریکا هستند، وضعیت اقتصادی دشوارتر هم خواهد شد.

در همین رابطه مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز معتقد است شرایط اقتصادی در سال ۱۴۰۳ بدتر و سخت‌تر خواهد شد..

مرتضی افقه با اشاره به آرایش نمایندگان راهیافته به دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی که غالباً از اصولگرایان تندرو مخالف با مذاکره و توافق هستند، توضیح داده که «این ترکیب در مجلس فقط شرایط را برای کشور بدتر خواهد کرد. من پیش‌بینی کرده بودم که به دو دلیل شرایط اقتصادی در سال ۱۴۰۳ بدتر و سخت‌تر خواهد شد؛ اول اینکه در روابط بین الملل و سیاست خارجی که در اقتصاد ایران تاثیرگذار است... حتی پیش از برگزاری دور دوم انتخابات مجلس نیز پیش‌بینی کرده بودم که منتخان متعلق به جناح تندرو یا اقتدارگرایان هستند که بیش از اصولگرایان معتدل، اولویت آنان مسائل غیراقتصادی است، بنابراین خواهید دید که بسیاری از تصمیمات به سمتی می‌رود که اولویت‌های غیراقتصادی برجسته و هزینه صرف آنان شود. نتیجه این دو روند یعنی تحولات خارجی و مجلس تازه، در کنار دولت تندرو اصولگرا، وخیم‌تر شدن شرایط اقتصادی در سال جاری خواهد بود.»

اینهمه در حالیست که بسته‌تر شدن فضای اقتصادی و تشدید مشکلات معیشتی مردم می‌تواند بر فوران اعتراضات و خشم مردم به صورت اعتراضات سراسری موثر باشد. نگاهی به رتبه ایران در شاخص‌ها مرتبط با رفاه و رضایتمندی نیز بیانگر ظرفیت بالای ناراضی‌تبی در میان عموم جامعه است.

یکی از موارد قابل توجه در بازار گوشت ایران اینست که هیچ قیمت مشخصی برای این کالا وجود ندارد و با اختلافی حدود نیم میلیون تومان در فروشگاه‌های مختلف عرضه می‌شود!

قیمت دستوری هر کیلو گوشت گوسفندی در کشور بیش از ۵۵۰ هزار تومان است. این در حالیست که برخی فروشگاه‌های شمال شهر هر کیلوگرم گوشت تا مرز یک میلیون تومان نیز عرضه می‌شود.

افزایش تورم ماهانه و نقطه به نقطه در اردیبهشت امسال در حالیست که پس از نوزد و در پی گران شدن دلار، کارشناسان از ادامه روند افزایشی تورم خبر داده بودند.

کامران ندری اقتصاددان اواخر فروردین ماه با اشاره به افزایش قیمت دلار و طلا گفته بود: «در برابر التهابات سیاسی و جوهای روانی ایجاد شده، بازارهایی مانند ارز، طلا و سکه و بورس زودتر از سایر عرصه‌های مالی واکنش نشان می‌دهند. پس از آن بازارهایی که هم‌حرکتی با ارز دارند مانند موبایل و خودرو تحت تاثیر قرار می‌گیرند. اقلامی که وارداتی هستند و یا تولید آن‌ها به همکاری‌های تجاری با سایر کشورها نیاز دارد، در مقام بعدی بازارهای متشنج جای دارند. خودرو طی دو هفته اخیر مانند ارز شیب صعودی را تجربه کرد و شاهد گران شدن اغلب مدل‌ها از جمله تولیدات داخلی بودیم.»

محمد حسینی کارشناس و فعال بازار اتومبیل هم با اشاره به افزایش قیمت اتومبیل در روزهای گذشته گفته بود: «قرار بود سال را بدون تنش آغاز کنند، اما متأسفانه وضعیت قیمت ارز اجازه تنفس به هیچ یک از بازارها به ویژه بازار خودرو را نداد. گذر قیمت دلار از مرز ۶۵ هزار تومان از همان روزهای ابتدای سال جدید تمام معادله‌ها برای تثبیت نرخ در بازار خودرو را بر هم زد.»

به گفته این کارشناس بازار اتومبیل، «جهش قیمت دلار در

## توماج صالحی برنده جایزه بین‌المللی هاول شد!

به گزارش صفحه ایکس توماج صالحی و انجمن آزادی اسلو، توماج صالحی به خاطر شجاعت و خلاقیت در اعتراض به رژیم جمهوری اسلامی، برنده جایزه بین‌المللی سالانه هاول از انجمن آزادی اسلو شده است. در بیانیه انجمن آزادی اسلو آمده: «توماج صالحی نمونه‌ای بارز از شجاعت و نافرمانی است. او از طریق موسیقی خود به رژیم ایران اعتراض کرده و صدایی به میلیون‌ها نفر که خواهان آزادی و عدالت هستند، داده است.» جایزه هاول هر ساله به مدافعان حقوق بشر که با شجاعت و خلاقیت در برابر رژیم‌های ستمگر مبارزه می‌کنند، اهدا می‌شود. مراسم اهدای این جایزه در تاریخ ۴ ژوئن در اسلو/ نروژ برگزار خواهد شد و بطور زنده از طریق وبسایت انجمن آزادی اسلو پخش می‌شود.

## جان باختن ۱۷ کولبر در ۷۰ روز!

از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا کنون، ۹۸ کولبر در استان کردستان کشته و زخمی شده‌اند. ۶ تن از ۱۷ کولبری که جان خود را از دست داده‌اند، زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند. به گزارش سازمان حقوق بشری «گُردپا»، ۱۱ کولبر از کشته‌شدگان بر اثر شلیک مستقیم نیروهای نظامی، ۲ کولبر بر اثر سرما، ۳ کولبر در پی سقوط از ارتفاع در تعقیب و گریز با نیروهای نظامی و یک کولبر نیز بر اثر سکنه قلبی جان باخته‌اند. بیشترین آمار کشته‌شدگان و زخمی‌ها مربوط به مرزهای نوسود و بانه است. مرزهای هورامان، مریوان، سردشت و سقز در رده‌های بعدی قرار دارند. «گُردپا» این آمار را بالاترین میزان جان باختن کولبران حین کولبری در ۱۳ سال گذشته دانسته است.

علی کریمی:

## من دلم پیش غریبی‌ست که نامش وطن است!

علی کریمی ورزشکار محبوب ایران در واکنش به «شام



غریبان»ی که جمهوری اسلامی و عوامل رژیم برای حمله اسرائیل به «رفح» به راه انداخته‌اند، با هشتگ «ایران» و «کودکان ایران» و «سیستان و بلوچستان» در رسانه‌های اجتماعی نوشته است: «یک ذره از این المان انسانیتون را هم برای بچه‌های سیستان و بلوچستان ایران خرج کنید... تو اگر دغدغه‌ات مردم شام و یمن است، من دلم پیش غریبی‌ست که نامش وطن است.»

## شهبانو فرح پهلوی در نمایشگاه پاریس: هنر برای یکپارچگی و آزادی ایران مهم است

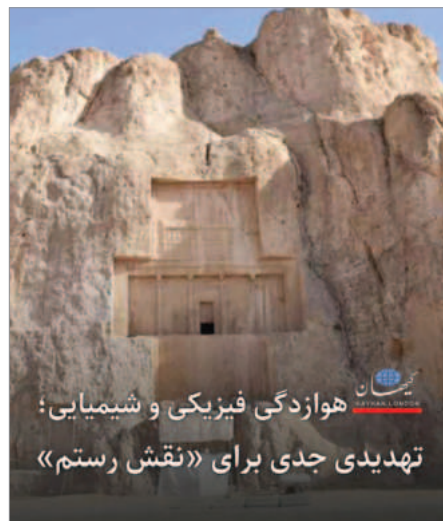
نمایشگاه آثار هنری متعلق به مجموعه شخصی شهبانو فرح پهلوی در فیاپ ژان مونه در منطقه پاریس ۱۴ برگزار شد و آثار ۸۲ هنرمند نقاش و عکاس ایرانی و غیرایرانی را به نمایش گذاشت. همچنین ۷۰ اثر مجسمه به صورت دیجیتال و از طریق ۱۰ نمایشگر در معرض دید عموم قرار داشت. آثار به نمایش درآمده در این نمایشگاه بخش بسیار کوچکی است از آنچه در طی بیش از چهار دهه شهبانو فرح پهلوی در خارج از ایران و در حمایتی از هنرمندان جمع‌آوری کرده یا از سوی هنرمندان به او هدیه شده است. این آثار در سه طبقه به نمایش درآمده است که در طبقه بالا قطعا کوچکتر و آثاری در قاب شیشه‌ای بودند و در دو طبقه زیرین نقاشی‌های بزرگتر برای بازدید عموم قرار داشت. همچنین در بخشی از این نمایشگاه بر روی ۱۰ نمایشگر، ۷۰ تصویر از مجسمه‌هایی از مجموعه شخصی شهبانو پهلوی به نمایش درآمده بود.

## عوامل «میهمان» جایزه خود را به نیکا شاکرمی و جانب‌اختگان راه آزادی تقدیم کردند

در بیستمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم نیس فرانسه، جایزه بهترین فیلمنامه خارجی به فیلم «میهمان» به نویسندگی محمد راوندی و محمد کرمانشاهی تعلق گرفت. تیم سازنده فیلم «میهمان» در مراسم اهدای جوایز، جایزه خود را به #نیکا شاکرمی و تمامی هم‌نسل‌هایش که در راه آزادی و جنبش «زن، زندگی، آزادی» جان خود را از دست داده‌اند، تقدیم کردند.

## هوازدگی فیزیکی و شیمیایی؛ تهدیدی جدی برای «نقش رستم»

«بسیاری از این نقش برجسته‌ها به دلیل اینکه در فضای باز قرار داشته و عموماً تحت تأثیر شرایط اقلیمی هستند، بسته به نوع سنگ و موقعیت مکانی، در طول



سالیان، آسیب‌هایی را متحمل شده‌اند.» «متورق شدن سطح نقوش و ایجاد ترک و شکستگی‌های فراوان و انحلال سنگ در سطح اثر» از جمله مهم‌ترین آسیب‌هایی است که این اثر تاریخی به آن دچار شده است. گزارش‌های متعددی درباره تهدید آثار و بناهای تاریخی از جمله تخت جمشید، نقش رستم و میدان نقش جهان در شهر اصفهان به دلیل فرونشست زمین منتشر شده است.

## واکنش ایرانیان مخالف رژیم به برگزاری مراسم یادبود رئیسی در دوسلدورف

شماری از هواداران جمهوری اسلامی در دوسلدورف آلمان یکشنبه ششم خردادماه برای ابراهیم رئیسی مراسم «فاتحه‌خوانی» برگزار کردند. آنها در حالی که پرچم جمهوری اسلامی و فلسطین را در دست داشتند با صدای بلند قرآن پخش کردند. این اقدام با واکنش ایرانیان مخالف حکومت روبرو شد. آنها درحالیکه پرچم ملی «شیرخورشید» و پرچم اسرائیل را در دست داشتند علیه جمهوری اسلامی و حامیان‌ش شعار دادند.

## هدایت ارادل و اوباش در لندن از

### سفارت جمهوری اسلامی

الی برهان شهروندی که روز جمعه در حمله حامیان جمهوری اسلامی در لندن به همراه چند ایرانی معترض دیگر مورد ضرب و جرح قرار گرفت و مجروح شد، در گفتگویی با بی‌بی‌سی فارسی گفت که موبایلی که هواداران جمهوری اسلامی از یکی از معترضان دزدیدند در سفارت جمهوری اسلامی روشن شد.

شاهزاده رضا پهلوی:

## اوباش حامی جمهوری اسلامی را در

### بریتانیا دستگیر و محاکمه کنید!

پس از حمله و ضرب و جرح ایرانیان معترض به مراسم تجلیل از مقامات جمهوری اسلامی در لندن که به دلیل نقض حقوق بشر تحت تحریم از سوی کشورهای غربی نیز قرار دارند، شاهزاده رضا پهلوی در پیامی خطاب به دولت‌های غربی نوشت که باید این اوباش دستگیر و محاکمه شوند. حمله به ایرانیان معترض در لندن توسط حامیان رژیم روز جمعه ۴ خرداد ۱۴۰۳ روی داد که در آن چهار نفر زخمی و به بیمارستان منتقل شدند. در پیام شاهزاده رضا پهلوی آمده است: معترضان در ایران مدت‌هاست که جان خود را در مبارزه برای آزادی به خطر انداخته‌اند. اکنون آنها در غرب نیز با تهدیدات مشابه و مداوم از سوی ارادل و اوباش رژیم روبرو هستند که به آنها در کشورهای آزاد پناه داده شده است.



حملات خشونت‌آمیز اخیر علیه معترضان مسالمت‌جوی ایرانی در بریتانیا باید به دستگیری و محاکمه حامیان جنایتکار رژیم منجر شود. زمان آن رسیده که به جمهوری اسلامی این پیام داده شود که ارعاب، خشونت و تهدید از سوی شبکه مراکز اسلامی افراطی آن و وابستگانش تحمل نخواهد شد. میهن‌پرستان در ایران و هر جای دنیا هرگز در مبارزه برای آزادی و حقوق بشر مرعوب نخواهند شد.»

## صادق زیباکلام مجرم شناخته شد

اکبر نصراللهی سخنگوی هیئت منصفه دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی خبر داد، «اعضای هیئت منصفه، صادق زیبا کلام و مدیر مسئول جهان صنعت را با اکثریت آراء مجرم شناخته و مستحق تخفیف ندانستند.» دادگاه رسیدگی به پرونده‌های مدیر مسئول روزنامه «جهان صنعت» و صادق زیباکلام روز دوشنبه هفتم خرداد در شعبه یک دادگاه کیفری یک برگزار شد. زیباکلام استاد علوم سیاسی و از چهره‌های نزدیک به جریان اصلاح طلب روز ۲۳ اردیبهشت ماه «در مسیر نمایشگاه کتاب» بازداشت شد. اما منابع رسمی گزارش دادند وی برای «اجرای حکم قطعی» شخصاً به داسرای فرهنگ و رسانه تهران مراجعه کرد و از آنجا به زندان منتقل شد.

## علیرضا پناهیان: نامزدهای ریاست جمهوری خودشان را برای «شهادت» آماده کنند!

علیرضا پناهیان از تبلیغاتچی‌های جمهوری اسلامی که مانند آخوندهای دیگر فقط به «حرف زدن» مشهور است، در ارتباط با سیرک انتخابات که قرار است به دلیل کشته شدن رئیس دولت سیزدهم در سقوط هلی کوپتر، زود هنگام و در تیرماه ۱۴۰۳ برگزار شود می‌گوید: نامزدهای ریاست جمهوری خودشان را برای «شهادت» آماده کنند! راستش دیگر حرفی نیست که بتوان به این جمله «داهیانه» اضافه کرد!

## شادباش شهبانو فرح به محمد رسولاف

محمد رسولاف فیلمساز ایرانی که به تازگی از ایران خارج شده، برنده جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره سینمایی کن برای فیلم «دانه انجیر معابد» شد. شهبانو فرح پهلوی این موفقیت را به رسولاف شادباش گفته و در پیامی که در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده نوشت:

«دریافت جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره کن را به آقای محمد رسولاف و گروه بازیگران و سازندگان فیلم «دانه انجیر معابد» شادباش می‌گویم. آقای رسولاف شایسته این جایزه‌اند چرا که در تمام سال‌های زندان و محدودیت در



## آیت‌الله حسینی خراسانی:

## شغال‌ها و کفتارها برای مرگ رئیسی رقاصی می‌کنند

احمد حسینی خراسانی عضو فقهای شورای نگهبان در مراسم عزاداری ابراهیم رئیسی که شنبه شب پنجم خرداد در قم برگزار شد، با اشاره به حضور حامیان نظام در مراسم تشییع جنازه کشته‌های سقوط هلی‌کوپتر در اظهاراتی توهین‌آمیز گفت، «امروز هم شغال‌ها و کفتارها رقاصی می‌کنند.» بعد از اعلام خبر سقوط هلی‌کوپتر رئیسی در ورزقان، بسیاری از مردم ایران در نقاط مختلف کشور آتش‌بازی کردند، شیرینی پخش کردند، جشن گرفتند و رقصیدند. ایرانی‌های خارج از کشور نیز در اروپا، آمریکا و کانادا و استرالیا نیز در مقابل سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی تجمع کردند و در عزای حکومت رقصیدند.

## کشف ۵۰ کیلوگرم شیشه و تریاک از داخل بار کدو تنبل در ارومیه

مأموران نیروی انتظامی در استان آذربایجان غربی محموله مواد مخدر به وزن ۵۰ کیلوگرم شامل شیشه و تریاک را در داخل بار کدو تنبل کشف کردند. خبرگزاری ایرنا سه‌شنبه هشتم خرداد گزارش داد، کامیون حامل این کدوها در مسیر ارومیه - مهاباد متوقف شده است. مواد مخدر بطور ماهرانه‌ای در داخل کدو تنبل‌ها جاسازی شده بود. چهار قاچاقچی مرتبط با این محموله بازداشت شده‌اند.

## هم بی‌سواد هستید و هم دروغگو!

این یکی از مثلاً ابتکارات شهرداری تهران است که به مناسبت کشته شدن ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم در سقوط هلی‌کوپتر یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ به همراه سه نفر دیگر از مقامات رژیم، در سطح شهر پخش شده. از آنجا که ابراهیم رئیسی علاوه بر «قاضی مرگ» و



## فرماندار نیشابور:

## امام زمان را در مسیر سقوط هلی‌کوپتر رئیسی دیدند که استرس داشت!

مهدی دونده فرماندار نیشابور روز یکشنبه پنجم خردادماه در باره سقوط هلی‌کوپتر رئیسی گفت، «فردی از بزرگان نیشابور که با امام زمان در ارتباط است، او را دیده که در مسیر سقوط بالگرد رئیسی با استرس و اضطراب در رفت و آمد است، اما نهایتاً گفته‌اند که قرار نیست کارمان را با معجزه پیش ببریم.» وی در سخنانی آخرالزمانی توضیح داده، آن فرد «امام غائب را در قالب مثلی دیده که یک ضلع مثلث محل استقرار امام عصر، ضلع دیگر، محل سقوط بالگرد و ضلع دیگر آن حرم امام هشتم بوده است.»

## توریست‌های ایرانی بعد از آلمانی‌ها و روس‌ها بیشترین سفر را به ترکیه داشتند

بر اساس آمار وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه در بازه زمانی ژانویه تا آوریل سال ۲۰۲۴ بعد از توریست‌های آلمانی و روس که بیشترین سفر را به ترکیه داشتند ایرانی‌ها در جایگاه سوم قرار دارند. از ابتدای سال ۲۰۲۴ بیش از ۱۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر به ترکیه سفر کردند که نسبت به سال ۲۰۲۳ حدود ۱۱/۷۵ درصد افزایش داشته است. تعداد گردشگران ایرانی در ترکیه نیز در مقایسه با سال گذشته بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است.

## روزنامه «بیلد»: ۱۱۱ مورد «تجاوز

## گروهی» در برلین طی سال ۲۰۲۳

روزنامه آلمانی «بیلد» روز سه‌شنبه ۲۸ مه (۸ خرداد) گزارش داد که در سال ۲۰۲۳ دست‌کم ۱۱۱ مورد تجاوز با بیش از یک مجرم توسط پلیس برلین به ثبت رسیده است. این آمار در پاسخ به پرسشی از حزب راست‌گرای «آلترناتیو برای آلمان» در همین زمینه از سوی نهادهای مسئول ارائه شده است. ۵۴ درصد از مظنونین تابعیت خارجی دارند. ۱۸ قربانی در گروه سنی ۱۴ و ۱۵ سال، ۱۰ قربانی ۱۶ و ۱۷ ساله و ۱۳



قربانی در گروه سنی ۱۸ تا ۲۰ سال بودند. بیشتر این تجاوزات در مجموعه‌های آپارتمانی (۴۱ مورد) و همچنین ۱۶ مورد در پارک‌ها روی داده است. از ۱۰۶ مظنون شناسایی شده، ۲۵ کمتر از ۱۸ سال سن داشتند. ۲۸ مظنون نیز ۱۸ تا ۲۴ ساله بودند. پلیس معتقد است که تعداد واقعی تجاوز جنسی از این موارد بیشتر است زیرا بسیاری از قربانیان به دلیل شرم یا ترس با پلیس تماس نمی‌گیرند.

«قصاب تهران» و... به رئیس جمهور «شش کلاسه» هم مشهور بود، شهرداری تهران در حالی که قصد دارد وی را خلاف آنچه بود نشان دهد، همزمان هی بی‌سوادی او را یادآوری می‌کند! ضمن اینکه دروغ‌های وی را نیز که مانند همه مقامات جمهوری اسلامی از خصوصیات ذاتی آنهاست، در تبلیغات تکرار می‌کند: رتبه دوم رشد اقتصادی در جهان؟! واقعا که!



### عکس هفته | اوباش جمهوری اسلامی در لندن؛ صحنه‌هایی عین خیابان‌های ایران!

حامیان جمهوری اسلامی که جمعه ۴ خرداد ۱۴۰۳ در لندن برای سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» و «قصاب تهران» و دیگر مقامات رژیم که در سقوط هلی‌کوپتر کشته شدند، مراسم تجلیل برگزار کرده بودند، به ایرانیان معترض حمله و آنها را زخمی کردند بطوری که چهار نفر به بیمارستان منتقل شدند.